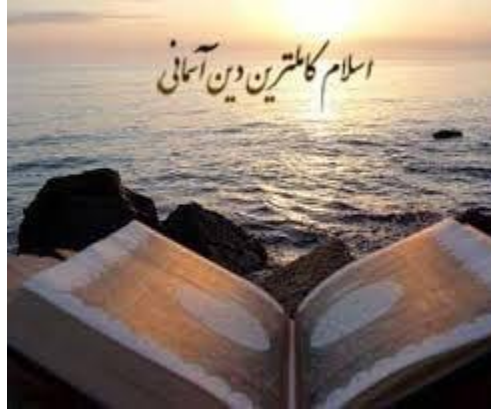


مسائل اجتماعی اسلام



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد
مصطفی و آل طاهرینش

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا



(مأئده ایه 3)

امروز دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام
را برایتان به عنوان دین پسندیدم.

اسلام کاملترین دین الهی است. و برای همه نیازهای انسان، برنامه
دارد. یکی از نیازهای انسان در مورد مسائل اجتماعی می باشد.

مسائل خانواده. مسائل کار و اشتغال. مسائل مربوط به معاشرت با مردم و
سایر مسائل.

در این کتاب پیرامون مسائل مختلف اجتماعی مطالب مفیدی آورده شده است.

زمستان 1403. کرمانشاه

مسائل اجتماعی اسلام

خانواده در قرآن و حدیث

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ⁽¹⁾ «21»

از جمله نشانه‌های پروردگار آن است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا با ازدواج با او آرامش پیدا کنید و بین شما مودت و محبت قرار داد و این نشانه‌هایی برای متفکرین است.

نهاد خانواده از مقدس‌ترین نهادها و بناهایی است که در کره زمین وجود دارد. خانواده محور همه تلاشها و فعالیتهای بشر است. همه وزارتخانه‌ها برای خدمت رسانی به خانواده تشکیل شده و کار می‌کنند. مجلس و قوه قضائیه و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها حتی حوزه‌های علمیه برای خدمت به خانواده فعالیت می‌نمایند. خانواده دارای سه رکن اساسی است. پدر، مادر و فرزندان.

هر کدام از این سه رکن وظایفی به گردن دارند که اگر درست انجام دهند خانواده به سعادت می‌رسد و اگر خانواده‌ها خوب عمل کنند، جامعه هم سعادتمند خواهد بود. برعکس اگر خانواده‌ها متزلزل شوند جامعه نیز دچار تزلزل خواهد شد.

رعایت حقوق همسر

تقریباً اکثر انسانها ازدواج می‌کنند و سالهای سال را با همسرانشان بسر می‌برند. این اجتماع کوچک خانواده که از دونفر شروع شده و با تولد احتمالی فرزندان کمی بزرگتر می‌شود، نیاز به رعایت قوانینی دارد تا دچار آفتها نشود و همچنان مانند روز اول مستحکم، به مسیر خود ادامه دهد.

«از نشانه‌های پروردگار آنست که همسری از جنس خودتان خلق کرد تا با او به آرامش برسید.»⁽²⁾

از این آیه می‌فهمیم که عالیتین هدف زوجیت، انس و الفت و مهربانی بین دو زوج

1. روم

2. سوره روم، آیه 21.

می‌باشد . و این هدف در حیوانات نیست .

از این انس و الفت بین زن و شوهر است که روابط خویشاوندی و نسب را در میان انسانها برقرار می‌کند و خانواده‌ها بوجود می‌آیند و از روابط بین خانواده‌ها، زندگی اجتماعی و تمدن حاصل می‌شود . آنجا که هدف از بوجود آمدن اجتماع را این گونه بیان می‌کند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ» .

«ای مردم! ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را خانواده‌ها و قبیله‌ها و طائفه‌ها قرار دادیم تا بدانید که گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست .»

که در این آیه شریفه، هدف از خلقت انسانها و تشکیل خانواده‌ها و جوامع را، معرفت به این نکته که هر که تقوایش بیشتر است، در نزد خدا گرامی‌تر است، می‌داند .

بعضی خانواده‌ها شجره طیبه‌ای هستند که افراد بزرگواری را تربیت کرده و همگی به خدمت به جامعه مشغول هستند همانند شجره اهل بیت و شجره علماء و افرادی که فرزندان‌شان دانشمند، معلم و طبیب . مهندس و بازاری متدین و روستایی متعهد نظامی با تقوا و غیره هستند . و متأسفانه بعضی از خانواده‌ها شجره خبیثه‌ای هستند که اکثر یا همه اعضای خانواده شرور و فاسد و ضد جامعه می‌باشند . همانند شجره بنی‌امیه و خانواده‌هایی که فرزندان‌شان قاچاقچی و دزد و فاسد و جنایتکار می‌شوند .

در دین اسلام زن جایگاهی برابر با مرد دارد . همانطور که اگر مرد، عمل صالح انجام دهد و تقوا پیشه کند، رستگار است . زن نیز چنانچه پرهیز از گناه بکند، سعادت‌مند خواهد شد .

سه دلیل بر این مطلب وجود دارد:

1 - با توجه به اینکه ارزش هر انسانی به روح است، مرد وزن بودن نسبت به جسم معتبر است ولی روح مذکر و مؤنث ندارد. پس حقیقت انسان، نه مذکر است و نه مؤنث.

2 - مرد وزن بودن در ارزشها و ارزشمندها اثری ندارد. مثلاً آیاتی که علم را ارزش می‌داند و جهل را ضد ارزش، ایمان را ارزش می‌داند و کفر را ضد ارزش، عزّت و ذلّت، سعادت و شقاوت، فضیلت و رذیلت، حق و باطل، صدق و کذب، تقوی و فجور، اطاعت و عصیان، انقیاد و تمرد، غیبت و عدم غیبت، امانت و خیانت را بعنوان مسائل ارزشی و ضد ارزشی می‌داند، هیچکدام از این اوصاف نه مذکرند و نه مؤنث، زیرا موصوف این اوصاف، هرگز بدن نیست.

3 - در خطابات الهی هم، ذکورت و انوشت اثری ندارد. مانند: «کل امرء بما کسب رهین»⁽¹⁾ هر کسی در گرو عملش است.

«لَيْسَ لِلْأُنْثَىٰ نَصٌّ إِلَّا مَا سَعَىٰ» انسان فقط نتیجه تلاش خود را می‌بیند.

«أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ»

من (خدا) عمل هیچ کسی را چه زن و چه مرد، ضایع نمی‌کنم.

و در مواردی که قرآن کریم با صراحت نام زن و مرد را می‌برد، علتش آنست که می‌خواهد افکار جاهلی قبل از اسلام را تخطئه کند. زیرا آنها عقیده داشتند که عبادت و فضائل مال مردهاست و بین زن و مرد فرق است.⁽²⁾

فرقی بین زن و مرد در عمل و پاداش نیست

با تفحص در قرآن کریم در می یابیم که در عبادت و عمل صالح و پاداشها فرقی بین زن و مرد نیست. از جمله:

(انّ المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات والقانتين والقانتات والصادقين والصادقات والصابرين والصابرات والخاشعين والخاشعات والمتصدقين والمتصدقات والصائمين والصائمات والحافظين فروجهم والحافظات والذاكرين الله كثيراً والذاكرات أعدّ لهم مغفرةً وأجرًا عظيمًا).⁽³⁾

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان عابد و زنان عابده، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صبور و زنان صبور، مردان خاشع و زنان خاشعه، مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان حفظ کننده اندامهای خود از حرام و زنان حفظ کننده، مردان بسیار ذکر گوینده و زنان ذکر گوینده، خداوند برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی آماده نموده است.»

1. سوره طور، آیه 21.

2. زن در آئینه جلال و جمال الهی.

3. سوره احزاب، آیه 35.

و یا در آیه:

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»⁽¹⁾.

«نصیب مردان و زنان آنچه‌ای است که آنرا کسب می‌کنند.»

و یا در آیه:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»⁽²⁾.

هر مرد وزن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد، ما به او زندگی پاک‌ی داده و بهترین پاداش را به اعمال آنها می‌دهیم.

و یا در آیه:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»⁽³⁾.

روزی که (قیامت) می‌بینی نور مردان و زنان مؤمن، در پیش‌رو و سمت راستشان روشن می‌باشد. امروز بشارت باد بر شما به بهشت‌هایی که نه‌رها از زیر آنها جاری است و همیشه در بهشتند و این همان رستگاری عظیم است.

زنان نمونه در قرآن کریم

دو نفر زن نمونه در خوبی و بدی

افرادی هستند که جایگاه حساسی دارند ولی بخاطر تبعیت از هوای نفس جایگاه خود را از دست می‌دهند که قرآن کریم به دونفر از آنها اشاره کرده است:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا أَنْتَ مِنَ الْقَائِمِينَ»⁽⁴⁾.

خداوند برای آنهایی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثال می‌زند که گفت: بار خدایا
برایم در

1. سوره نساء، آیه 32.

2. سوره نحل، آیه 97.

3. سوره حدید، آیه 12.

4. سوره تحریم، آیات 11 - 12.

بهشتت در جوار خویش خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش نجات بده! و مرا از دست ستمکاران راحت کن! و حضرت مریم دختر عمران که خود را از حرام حفظ نمود

و ما از روحمان در او دمیدیم و او سخنان و کتابهای الهی را تصدیق نموده و از عبادت کنندگان بود .

توضیح

آسیه زن فرعون به خدای یکتا ایمان آورد و از ثروت و رفاه و پادشاهی شوهرش دست کشید . بدستور فرعون او را شکنجه کردند . از جمله او را به چهارمیخ بستند و در آفتاب انداختند و سنگی بر سینه او قرار دادند . در این موقع، آسیه از خدا نجات خود را تقاضا نمود و خداوند سبحان هم قبل از اینکه شکنجه او را اذیت نماید، او را قبض روح کرد . او از جمله چهار زن برگزیده زنان جهان است . در آیه فوق خداوند سبحان او را نمونه ایمان می داند .

در روایت است «هر زنی که براخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند سبحان ثواب حضرت آسیه را به او بدهد .»⁽¹⁾

زن دومی که خدا او را نمونه ایمان می داند، حضرت مریم علیهاالسلام است .

او که مادر حضرت عیسی علیه السلام است در این آیه با چند عبارت مدح شده است .

1 - او زنی بوده که خود را با وجود زیبایی و مجرد بودن و امکان گناه، از حرام حفظ کرد .

2 - خداوند سبحان با اعجازش او را بدون اینکه با مردی تماس داشته باشد، به حضرت عیسی علیه السلام باردار نمود .

3- او کلمات خداوند سبحان و کتابهای آسمانی او را تأیید کرده و به آن ایمان داشت .

4- او جزء عبادت کنندگان بوده است .

اما در قرآن کریم از دو زنی که متأسفانه در کفر نمونه بوده‌اند، نام برده است . زنانی که بخاطر همسری با پیامبران می‌توانسته‌اند الگوهای ایمان و تقوا باشند ولی بدلیل همراهی با کافران، از رحمت الهی دور شده و به آتش کفرشان سوختند:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةً نُوحٍ وَ امْرَأَةً لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ

1. معارف و معاریف، ج 3؛ بحار، ج 103، ص 247.

فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِيْنَ»⁽¹⁾.

خداوند برای آنانکه کافر شدند، زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند که این دونفر همسر دوتا بنده صالح ما بودند اما به شوهرانشان خیانت کردند و همسریشان با پیامبران، هیچ سودی برایشان نداشت و از عذاب خدا نسبت به آنها جلوگیری نکرد و به آنها دستور داده شد که با جهنمیان (قوم لوط و قوم نوح) به آتش داخل شوید .

توضیح

«در روایت آمده است که زن نوح بنام «وائله»، کافر بود و به مردم می‌گفت: نوح دیوانه است . و اگر کسی به نوح ایمان می‌آورد، فورا به سران مشرکین خبر می‌داد» .

زن لوط بنام «واهله»، مردم را از مهمانهای لوط با خبر می کرد تا مردم آنها را اذیت نمایند!
و هر که به لوط ایمان می آورد، به مردم خبر می داد و آنها هم آن شخص مؤمن را
می کشتند.

بخاطر این خیانتشان، بر سر زن لوط سنگ بارید و زن نوح هم غرق شد.⁽²⁾

نظر گوستاولوبون مورخ فرانسوی

«اسلام وضع اجتماعی و شئونات زن را بر خلاف پندارهای باطل برخی از اروپائیان، زبه
مقدار بسیار زیادی بالا برد⁰، و قرآن کریم در قسمت ارث، حقوقی که به زنان بخشیده،
بهتر از بسیاری از قوانین اروپاست... آری اسلام مانند برخی از قوانینی که در اروپا
هست، طلاق را جایز دانسته لکن این معنی را شرط کرده که باید با زنان مطلقه به نیکی
و عدالت رفتار شود، برای اینکه این معنی را بهتر درک کنیم، باید وضع زن قبل از اسلام
و بعد از آن را بررسی کنیم (و در مقایسه، نتیجه را به دست آوریم)...

پیش از آمدن اسلام، مردها زن را موجودی متوسط میان حیوان و انسان، می دانستند، یعنی
زن را فقط وسیله ای برای پیدایش نسل و خدمتکاری می دانستند، و دختردارشدن را برای
خود مصیبتی می پنداشتند، و رسم دخترگوشی به طوری رایج شده بود که همچنان که

1. سوره تحریم، آیه 10.

2. تفسیر مخزن العرفان 402/12

سگ را در آب می انداختند، دخترها را زنده به گور می کردند و شیوع این عادت را از صحبت هایی که میان قیس رئیس قبیله بنی تمیم و حضرت محمد صلی الله علیه و آله رد و بدل شد، می توانید بفهمید:

روزی قیس دید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی از دختران خود را روی زانوانش نشانده است، از او پرسید: «این گوسفند بچه چیست، که این چنین او را می بویی؟»
حضرت فرمود: «این دختر من است.»

قیس گفت: به خدا سوگند من دخترهای زیادی داشتم و همه را زنده به گور کردم و هیچ کدام را این گونه نبوئیدم!

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فریاد زد: «وای بر تو! خدا رحم را از دل تو بیرون برده، و قدر بهترین نعمتهایی را که خداوند سبحان به انسان عنایت کرده شناختی.»

گوستاو لوبون پس از ذکر مطالبی می نویسد: «تنزل مقام زن ربطی به اسلام ندارد، زیرا اسلام مقام زن را ارجمند ساخته و برتری داده است... اسلام نخستین دینی است که اقدام به این کار کرد.»⁽¹⁾

زن نور چشم است!

در سخنان بزرگان دین مخصوصاً رسول مکرم اسلام بارها و بارها از زنان در موارد مختلف ذکر شده است. برخلاف بعضی از ادیان و مکتبها که زن را شرّ و بد می دانند،

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله زن را نور چشم خود می دانست و در آخرین لحظات عمر شریفش، در مورد رعایت حال زنان توصیه و سفارش فرمود .

نماینده زنان در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب و یاران نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری، به حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من نماینده زنان هستم تا از شما سؤالی بپرسم، و این فقط سؤال زنان انصار و مدینه نیست بلکه هیچ زنی در شرق و غرب عالم

1. زنان مرد آفرین، ص 22

نیست مگر اینکه وقتی سؤال مرا بشنود، آن را می پذیرد . پس من در حقیقت نماینده همه زنان عالم هستم ! پدر و مادرم و خودم فدای شما ای رسول خدا .

حقیقتاً خداوند سبحان شمارا به پیامبری بسوی زنان و مردان مبعوث نمود، ما هم به تو و خدایت، ایمان آوردیم، و بدرستی که ما زنان، خانه نشینین و در حجاب و محدود هستیم . غرائز جنسی شما مردها را برطرف می کنیم و فرزندان شما را بزرگ می نماییم ! آن وقت شما مردها چند امتیاز بر ما زنها دارید: شما در نماز جمعه و جماعت و عیادت مریضها و تشییع جنازه و حج پیایی و از همه بالاتر در جهاد شرکت می کنید ! وقتی یکی از شما برای حج و عمره و جهاد، خارج می شوید، ما اموال شما را حفظ می کنیم، لباسهای شما را

می‌بافیم، بچه‌های شما را بزرگ می‌کنیم در حالی که در اجر و ثواب کارهای شما شریک نیستیم!

در این موقع حضرت با تمام صورت به اصحابش متوجه شد و فرمود: آیا شما تاکنون زنی این چنین دیده‌اید که به این خوبی مسائل دینش را پرسد؟

اصحاب گفتند: ما فکر نمی‌کردیم زنی به این مرتبه برسد!

سپس پیغمبر به طرف آن زن توجه کرد و فرمود: ای خانم! خوب بفهم و به همه زنان اعلام کن! بدرستی که خوب شوهرداری کردن زن و جلب رضایت شوهر و موافق او عمل نمودن، مساوی و معادل همه این کارهای خیری است که مردان انجام می‌دهند!

آن زن در حالی که زبان را به لا اله الا الله بلند کرده بود نزد زنان برگشت.⁽¹⁾

سفارشات اسلام درباره زنان

اول: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ».⁽²⁾

یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود

1. خانواده نمونه - میزان الحکمه 4/2869

2. سوره نساء، آیه 19.

وعدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و ... می شود .

دوم: «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ»⁽¹⁾ و «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ»⁽²⁾.

یعنی برای اینکه مجبور شوند از حق خود دست بردارند به زنها سخت گیری نکنید و اذیت نرسانید .

از امام صادق علیه السلام روایت شده که علت نزول آیه فوق آن بود که گاهی مردی عیال خود را می زد تا زن همه حقوق خود را اعم از مهریه و مخارج عدّه و غیره را حلال کند .

سوم: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ»⁽³⁾.

یعنی هرگاه زنان شما بچه های شمارا شیر می دهند، می توانند از شوهر مزد بخوانند .

چهارم: اسلام سفارش کرده که برای حضانت و نگاهداری اولاد مادران سزاوارترند و زن می تواند دختر را تا هفت سالگی و پسر را تا دوسالگی خود بزرگ نماید .

پنجم: «وَأَتَيْتُمُ إِيَّاهُنَّ قِنطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً»⁽⁴⁾.

یعنی مهر زن را باید مرد بدهد حتی اگر مهریه پوست گاوی پراز سکه طلا باشد !

ششم: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ»⁽⁵⁾.

یعنی باید مرد، نفقه همسرش را بدهد .

هفتم: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا».⁽⁶⁾

یعنی در صورت بروز اختلاف بین زن و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین ایندو را حل کنند .

هشتم: «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ».⁽⁷⁾

یعنی با زنان خوش رفتاری بنمائید و از آنها نگه داری کنید و اگر می خواهید طلاق بدهید به آنها ظلم نکرده و حق آنها را بدهید .

نهم: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا

1 . سوره طلاق، آیه 6.

2 . سوره نساء، آیه 16.

3 . سوره طلاق، آیه 6.

4 . سوره نساء، آیه 20.

5. سوره نساء، آیه 25.

6. سوره نساء، آیه 35.

7. سوره بقره، آیه 229.

تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا»⁽¹⁾.

یعنی اگر زنان از شوهر اطاعت نکردند و ناشزه شدند، آنها را نصیحت کنید و اگر باز هم تمکین نکرد، در رختخواب به او پشت کنید و اگر باز هم عصیان نمود، آنها را (باچوب مسواک) بزنید!

دهم: «علی علیه السلام: زن ریحانه است نه قهرمانه! پس با او در هر حالی مدارا نما و مصاحب خوبی با او باش تا زندگیت صفایابد.»⁽²⁾

یعنی باید با زن با کمال احترام و احترام رفتار کرد و بویید! نه آنکه در زیر دست و پا نرم کرد و کویید!

یازدهم: طبق روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان اجازه داده شده که اگر شویش به او نفقه نداد، (باشرایطی) بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم: جهاد را از زنان برداشته و بجایش آنها را به حجاب، نقاب، ستر و عفاف و حمل و رضاع . تمشیت و تدبیر منزل فرمان داده است . که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جهاد زن خوب شوهرداری کمردن است .

سیزدهم: در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ دینی این چنین نیست . از جمله قبول توبه زن مرتد، تسهیل در تطهیر بول کودک در حال شیرخوارگی، اجازه خوردن روزه در رمضان نسبت به زن حامله یا شیردهنده، اینکه مسجد زن خانه اش است، نفقه فرزندان بر مرد است نه زن و ...

چهاردهم: زن از دوران بارداری تا وضع حمل کند و دوران شیردهی را پشت سر بگذارد همه اینها برایش حکم جهاد با دشمنان اسلام را دارد و اگر خدای نکرده در این فاصله بمیرد، شهید محسوب می گردد .

پانزدهم: زن مسلمانی که خوب شوهرداری کند و بر سختیهای زندگی صبر نماید اجر شهدا را می برد ..

شانزدهم: به مردان تذکر داده شده که نیازهای عاطفی زنانشان را برآورده نمایند.

فاشفقوا علیهن و طیبوا قلوبهن⁽³⁾

2. من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 556.

3. مستدرک وسائل ص 251

به زنان مهربان باشید و دل‌های آنان را پاکیزه و بدون آلودگی بنمائید.

هفدهم: به مردان تذکر داده شده با همسرانشان مدارا نمایند. فداها علی کل حال

هیجدهم: اگر زن رفتار نامناسبی داشت مرد عفو کند. وان جهلت غفر لها

نوزدهم: زنان امانت هستند. پس مرد خوب امانت داری کند. علی ع: انهن امانه⁽¹⁾

بیستم: خدا رحمت می‌فرستد بر مردی که با زنش خوب برخورد کند. رحم الله عبدا احسن

فیما بینہ و بین زوجته⁽²⁾

بیست و یکم: اکثر اهل بهشت زنان مستضعف هستند. اکثر اهل الجنة المستضعفین النساء علم

الله ضعفهن فرحمهن⁽³⁾

بیست و دوم: هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می‌کند. من

حسن برّه باهله زادالله فی عمره⁽⁴⁾

بیست و سوم: مردی که به زنش نیکی می‌کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم

است.⁽⁵⁾

بیست و چهارم: هر چه قدر ایمان مرد بیشتر شود علاقه‌اش به همسرش بیشتر می‌گردد.⁽⁶⁾

بیست و پنجم: مهریه را نقدا پرداخت کنید تا زن هر چه دوست دارد با آن بخرد.

انا نتزوج النساء فنعطيهن مهورهن فیشرین ما شئن لیس لنا منه شیء.

بیست و ششم: دعای مرد به همراه خانواده‌اش مستجاب است. فان ابی اذا حزّنه امر جمع النساء و الصبیان ثم دعا و اٰمنوا⁽⁷⁾

حضرت فرمود هرگاه پدرم از چیزی ناراحت و غمگین می‌شد همسر و فرزندان را جمع می‌کرد و دعا می‌نمود و آنها آمین می‌گفتند.

رفتارهای سازنده زن و شوهر

1- گفتگوهای اعضای خانواده باهم باید محترمانه باشد. بهم ابراز دوستی و محبت کنند. قول الرجل للمراه انی احبک لایذهب من قلبها ابدا⁽⁸⁾

1. مستدرک ج 14 ص 251

2. وسائل ج 14 ص 122

3. وسائل ج 14 ص 121

4. بحارج 100 ص 225

5. نهج الفصاحه ص 318

6. وسائل ج 14 ص 9

7. کافی ج 2 ص 487

8. وسائل ج 14 ص 10

باید از کارهای نیکی که برای آنها انجام می گیرد از کننده کار تشکر کنند. وان اشکرلی
ولوالدیک⁽¹⁾

2- زوجین و اعضاء خانواده هم را مسخره نکنند. بهم نق نزنند. با هم مجادله نکنند. از انتقاد
تند از هم دوری کنند.

3- لباس و آراستگی زوجین مهم است و باید هرد در مقابل هم آراسته ظاهر شوند. نشستن در
کنار هم آرامبخش و باعث رحمت الهی است.

پیامبر اعظم ص: جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتکاف فی مسجدی.

نشستن زن کنار شویش از اعتکاف در مسجد من در نزد خدا بالاتر است.⁽²⁾

4- مرد در امور خانه با زنش همکاری کند که هم فایده دنیوی و هم اخروی دارد.

پیامبر اعظم ص: اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یک ساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است.⁽³⁾

5- وقتی زن بیمار می شود نیاز به توجه بیشتری دارد و مرد باید خود از او پرستاری کند.

6- خوب خرج کردن هم از جمله رفتار سازنده مرد می باشد. مرد باید با مدیریت صحیح نگذارد خیلی برای خانواده مشکل مالی درست شود مخصوصا اگر دارا است بخل نوزد.

پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود..

امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند.

و امام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند.⁽⁴⁾

1. لقمان 14

2. آثار الصادقین ج 15 ص 293

3. بحارج 101 ص 132

4. مسند امام رضاع 208/2

7- زن در حوادث سخت کاری شوهرش یاور او باشد و شوهر را فقط برای روزهای راحتی نخواهد.

وقتی زندگی زهرای مرضیه را ورق می‌زنیم می‌بینیم در جنگ اُحُد که علی ع مجروح شده بود این فاطمه بود که زخم‌های او را درمان می‌کرد و کوفتگی بدن علی ع را می‌زدود و حامی علی ع بود. درهمه جا و تا آخر عمر هیچگاه شوهرش را تنها نگذاشت.

8- خوش اخلاقی زوجین از مهمترین دلایل استحکام خانواده است. مردانی که عصبی هستند و زودرنج می‌باشند از زندگی لذتی نمی‌برند و همسر آنها از او در عذاب است! همچنین زنانی که بداخلاق و زبان دراز و عصبی هستند کاری می‌کنند که شوهر از منزل فراری می‌شود.

خانمی شکایت کرده بود که مدتی است شوهرم با من حرف نمی‌زند و مخارج من را بوسیله مادرش می‌فرستد. وقتی علت این کار را از مرد پرسیدند جواب داد چون از دست بداخلاقی زن به تنگ آمده‌ام لذا با او قهر کرده‌ام.

گاهی بداخلاقی زوجین کار را به جاهای باریک می‌کشاند. در خبرها آمده بود که مرد بیست و دو ساله‌ای همسر خود را به این علت که او را خر صدا زده بود با چاقو کشت.

9- تربیت فرزندان به دوش هر دو پدر و مادر می‌باشد و فقط به عهده پدر یا مادر نیست.

لذا از طرفی می‌فرماید: الجنه تحت اقدام الامهات. بهشت زیر پای مادران است. از طرفی فرمود: وای بر پدران در آخر الزمان! پرسیدند چرا؟ فرمود: فرزندان‌شان می‌خواهند کارهای خوب انجام دهند پدران مانع می‌شوند و انتظار دارند فرزندان آنها در پول درآوردن زرنگ باشند. نه در عبادت و بندگی و کارهای خیر!

آسیب شناسی زوجین

1- عدم آگاهی زوجین از وظایف یکدیگر و جایگاه یکدیگر از عوامل اختلاف خانواده‌ها می‌باشد. مثلاً زن خود را شریک صددرصد شوهر می‌داند و اعتقاد دارد هر کاری شوهر می‌خواهد بکند باید با موافقت او باشد! زن در فکر تسخیر مرد است تا مرد همه کارهایش را با اجازه او انجام دهد. مردی می‌گفت چهار سال است زنم اجازه نمی‌دهد با مادرم ملاقات کنم!

همچنین مردانی هستند که خیال می‌کنند زن کلفت اوست و باید همه کارهای خانه را انجام دهد و اگر در یک مورد کم کاری کرد زن را محاکمه می‌نماید! در حالی که زن وظیفه کار کردن در منزل را ندارد حتی می‌تواند برای شیر دادن به کودک از شوهرش مزد درخواست کند.

2- هم‌شان نبودن زوجین یکی دیگر از آسیب‌هاست. فاصله مادی زیاد بین زوجین. فاصله تحصیلی زیاد. فاصله از جهت زیبایی. فاصله از جهت دینداری.

زن و ارزشها

«اساسی ترین کار و پایه و حرکت و فکر اسلامی در مورد عدالت خانمها، مبارزه با تفکر ناقص، طفیلی و دست دوم بودن زن در جامعه که براساس برداشتهای فلسفی و بینشهای حاکم بر جوامع آن روز بوده و شناخت زن بعنوان انسان مستقل، کامل و همسنگ با مرد می باشد .

در بسیاری از آیات قرآن کریم این مسئله مطرح شده که خانمها همانند آقایان انسانی کامل و از یک جنس هستند و از این جهت بین آنها تفاوتی نیست و در انسانیت هیچ تفاوتی بین مرد و زن نیست»⁽¹⁾

«در تبیین کلام پیامبر پیرامون زن، تعبیرات بسیار جالبی وجود دارد که البته ممکن است . گاهی اغراق نیز در آن باشد . که اینگونه اغراقها از معصوم ایرادی ندارد . یعنی در جایی برای توجه دادن مردم لازم است که مطلب را قدری شدید بیان کرد . این شدت در این مورد از فصاحت است و دروغ محسوب نمی شود و منافاتی هم با منطق معصوم ندارد، بلکه اینگونه شدتها در هر موردی که می بینید در کلمات قرآن کریم و کلمات ائمه معصومین و انبیاء علیهم السلام دیده می شود، علتش این است که شرائط ایجاب می کرده تا مقداری فشار بیاورند که این نشانه فصاحت گوینده است .

یکی از تعبیرات پیامبر صلی الله علیه و آله این است که «علی خیر کم لنسائه و انا خیر کم لنسائی» علی علیه السلام از نظر رفتار با زنانش بهترین است و بعد هم پیامبر خودشان را می فرمایند که «من الگوی

1. زن و عدالت اجتماعی.

زندگی هستم بازنان خودم به بهترین وجه رفتار می‌کنم»

در جامعه‌ای که زن را آنقدر تحقیر می‌کرده‌اند که خبر ولادت یک دختر، والدینش را به بهترین مصیبت‌ها گرفتار می‌کرده و جامعه قادر به تحمل وجود زن نبوده، پیامبر می‌فرماید که «معیار ارزشها برخورد خوب با زنها است.» البته چیزهای دیگری مثل تقوی و علم محور ارزشها هستند ولی پیامبر برای اینکه بر شخصیت زنان تأکید کند چنین تعبیری را آورده است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «ما زال جبرئیل یوصینی بالمرأة حتی ظننتُ انه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشهٌ بینة»

«جبرئیل اینقدر درباره زنها به من سفارش کرده که فکر کردم هیچ زنی را نمی‌شود طلاق داد مگر اینکه مرتکب فاحشه‌علنی شده باشد.»

منظور پیامبر این بود که احیاء شخصیت زن در برنامه اسلام تا به حدی بوده که جبرئیل دائماً به پیامبر توصیه می‌نمود.

در روایت دیگری که نمونه‌ای است از احادیث بسیاری درباره حقوق زن و خوشرفتاری با او، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «انَّ اللهَ تبارک و تعالی علی الاناث ارف منه علی الذکور وما من رجلٍ یدخل فرحاً علی المرأة بینها و بینة حرمة الا وفرحه الله یوم القيامة».

«می فرمایند که: خداوند اصلاً نسبت به زنها رأفت بیشتری دارد. هر مردی که موفق شد خانم محرم خودش را دلشاد کند واندوه او را برطرف کند، خداوند روز قیامت او را شاد می گرداند.»⁽¹⁾

«اسماء بنت عمیس اول همسر جعفر طیار بود . بعد همسر ابابکر سپس همسر علی بن ابی طالب علیه السلام شد . این زن یکتا پرست درمکه با مشرکین مبارزه می کرد سپس به حبشه هجرت نمود و بعد به مدینه رفته و در جنگها شرکت می کرد .

وقتی از حبشه به مدینه آمد (ظاهراً در سال هفتم هجری یعنی بعد از فتح خیبر) اولین مسئله ای که در جمع خانمها مطرح کرد، این بود که آیا در قرآن کریم چیزی درباره زنان هست؟ آنهایی که حاضر بودند گفتند که ما نمی دانیم، او خود به محضر پیامبر رفت

1. زن و عدالت اجتماعی.

و مسئله را مطرح کرد و گفت که مادر همه جا شریک و همراه شما هستیم . در میدان مبارزه و جهاد و زندگی شرکت داریم و بچه ها را نیز بزرگ می کنیم . پس چرا در قرآن کریم اشاره ای در مورد ما نیست؟

این آیه در این مورد نازل شده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ»⁽¹⁾.

در این آیه ده صفت از صفات زن و مرد را بیان می‌کند «اسلام، ایمان، صبر، خشوع، عبادت، ذکر، عفت و . . .»⁽²⁾

«یکی از معجزات آفرینش این است که تقریباً در دنیا همیشه عدد زن و مرد مساوی است . گاهی ممکن است در یک جا دوتا پنج درصد زن و یا مرد زیاد بشود و یا حوادث اینهارا کم و زیاد بکند ولی در مجموع زن و مرد تقریباً مساوی هستند و این نشان دهنده برنامه ریزی و عدم تصادف است.»

ازدواج در قرآن و حدیث

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»⁽³⁾

دختر و پسرهای صالح را بازدواج هم دریاورید که اگر فقیر باشند خداوند آنها را بی نیاز می‌کند و خداوند در روزی دادن بسیار بخشنده و همچنین بسیار دانا است.

1. سوره احزاب، آیه 35.

2. زن و عدالت اجتماعی.

3. سوره نور، آیه 32.

سنت‌های ازدواج اسلامی در روایات

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : من از دنیای شما، سه چیز را دوست دارم . عطر، همسرو نور چشمم نماز است .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : هر که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است و در نصف دیگر باید تقوا پیشه کند .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : بدترین مردان شما، عزبانند (مجردان) !

امام محمد باقر علیه السلام : دوست ندارم که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم ولی یکشب بی همسر بخوابم .

آمده است که سه نفر زن نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند . یکی از آنها گفت: شوهرم گوشت نمی خورد ! دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند ! سومی گفت: شوهرم نزدیکی با من را ترک کرده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون رفت و از روی غضب عباى خود را بر زمین می کشید . وقتی وارد مسجد شد، بر منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: چرا عده‌ای از اصحاب من گوشت نمی خورند و بوی خوش استعمال نمی کنند و نزدیک زنان

نمی‌روند؟ من گوشت می‌خورم . بوی خوش استعمال می‌کنم و بنزد زنان می‌روم و هر که سنت مرا عمل نکند از من نیست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دور رکعت نماز ازدواج کرده برتر است از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد !

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردی که روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که بخاطر فقر ازدواج نمی‌کند از ما نیست !

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که در ازدواجی واسطه شود، خدا به او نظر رحمت می‌کند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دنیا متاع است و بهترین کالایش همسر صالح می‌باشد .

خواستگاری

حسین بشار می‌گوید: به امام باقر علیه السلام نوشتم که مردی دختری از فامیلم را

خواستگاری کرده است . آیا شما صلاح می‌دانید، قبول کنیم؟

حضرت نوشت: اگر از دین و امانت داری او راضی هستی، قبول کنید .

نقل شده که بلال به خواستگاری دختری رفت و به پدر دختر گفت: اگر این دختر را به

زنی، بمن می‌دهی، الحمد لله و اگر نمی‌دهی الله اکبر !

زفاف و عروسی

امام صادق علیه السلام : عروسی را در شب قرار دهید و در روز اطعام کنید .

امام رضا علیه السلام : از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می شود .⁽¹⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : هنگامی که به عروسی دعوت می شوید با کندی بروید که در آنجا از دنیا یاد می شود و اگر به تشییع جنازه دعوت شدید، با سرعت بروید که در آنجا، آخرت بیاد می آید .⁽²⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ولیمه فقط در پنج چیز مستحب است: ازدواج، ولادت، ختنه، حج و خرید خانه .⁽³⁾

مهریه

علی علیه السلام : مهرها را سنگین نگیرید که باعث دشمنی می شود .⁽⁴⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : زنی که قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند سبحان برای هر دیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می دهد .⁽⁵⁾

امام ششم علیه السلام : دزدها سه دسته اند . اول کسی که زکات نمی دهد . دوم کسی که مهر زنش را نمی پردازد . سوم کسی که قرض کرده ولی قرضش را نمی پردازد .

علی علیه السلام : مهریه زنهارا زیاد نگیرید که باعث کینه و دشمنی می شود .⁽⁶⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بهترین زنان امت، من آنانی هستند که مهرشان کم و صورتشان زیباست .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که مهر زنش را ندهد، در نزد خدا زناکار محسوب می شود ! و خداوند سبحان در قیامت به او می گوید: بنده ام ! کنیزم را برایت طبق عهدهی حلال نمودم ولی تو به عهدهت عمل نکردی ! در این موقع خداوند سبحان حق زن را از مرد طلب می کند و از ثوابهای مرد به زن می دهد . و اگر همه حسنات مرد را داد ولی حق زن کامل نشد، خداوند سبحان امر می کند مرد را به جهنم بیاندازند !⁽⁷⁾

1 . اولین دانشگاه آخرین پیامبر .

2 . میزان الحکمة 1189/2

3 . میزان الحکمة - بحار الانوار 157/73

4 . بحار الانوار 237/100

5 . بحار الانوار ، ج 103 .

6 . بحار الانوار ، ج 103 .

چه کسی سرپرست خانواده است؟

اسلام مرد را رئیس و سرپرست خانواده می داند و وظیفه او را رفع احتیاجات خانواده و اداره امور مختلف منزل دانسته و اطاعت از دستورات او را (اگر بر خلاف دستورات خدا و رسول او نباشد) از طرف اعضای خانواده، لازم می داند.

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ».

مردان سرپرستی و کارگذاری زنان را برعهده دارند، بخاطر برتری که خداوند بعضی (مردان) را بر بعضی (زنان) داده است، و به خاطر نفقه ای که از اموالشان می پردازند.

«پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر زن از خانه خارج شود در حالی که شوهرش از او ناراضی باشد، تمام فرشتگان او را لعنت می کنند تا زمانی که به خانه برگردد».

و در سخن دیگر فرمود: اگر شوهر از زنش ناراضی باشد، عبادت هایش قبول نمی شود تا زمانی که شوهر از او راضی شود.⁽¹⁾

مردی که باید در مسایل مهم زندگی تابع زن باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می شود. مثلاً مرد تمایل دارد که به سفر بروند ولی زن مخالفت می کند و سفر انجام نمی شود. مرد دوست دارد فلان شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی پسندد. مرد می خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن مخالفت می کند

و برعکس مرد دوست ندارد زنش به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را بکند و یا وسایل غیر ضرور را که بار مالی سنگین دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده و در زمانی که او به همسرش نیاز دارد، او در خانه نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار بارها و بارها تکرار می‌شود. و صدها نمونه از برآورده نشدن خواسته‌های مرد در خانه‌هایی که زن سالاری است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده‌ها کمک می‌نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته‌های شرعی و قانونی زن تن در دهد.

1. خانواده نمونه - من لایحضره الفقیه 14/4

به امام کاظم علیه السلام گفته شد: مردی به زنش می‌گوید که اختیار تو با خودت است! آیا این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این حرف باطل است. زیرا خداوند سبحان این حق را برای مرد قرار داده است و کسی نمی‌تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیه (الرجال قوامون على النساء...) را تلاوت فرمودند.⁽¹⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اگر زنی با خود به خانه شوهر، طلا و نقره و جواهر ببرد. ولی روزی به شوهرش بگوید: تو کی هستی! همه این اموال مال من است! همه اعمالش باطل می‌شود اگر چه عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و از شوهرش عذر بخواهد.⁽²⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است .⁽³⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین کسی که بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسی که بر مرد حق دارد، مادرش است .⁽⁴⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : سخن مرد که به زنش بگوید: تورا دوست دارم . هیچگاه از دل زن بیرون نرود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : ملعون است ! ملعون است ! زنی که شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند . و سعادت مند است زنی که شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد .⁽⁵⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که بر بد اخلاقی زنش صبر کند، برای هر دفعه صبر کردن، ثواب حضرت ایوب علیه السلام را به او می دهند .⁽⁶⁾

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود . زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می شود . و در این خانه ها، فرزندان خوبی تربیت نمی شوند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حواء که زیباترین زن بود، گفت:

ای حواء ! اگر زنی با عصبانیت رویش را از شویش برگرداند، با خاکستر جهنم که بر چشمانش سرمه کشند، عذاب می شود .

1. خانواده نمونه - التهذيب الحکام 88/8

2. مکارم الاخلاق/202

3. میزان الحکمة 452/1

4. میزان الحکمة -الخصال 587/2

5. میزان الحکمة -کنز الفوائد 1501

6. میزان الحکمة -مکارم الاخلاق/213

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی لباس شوهرش را پاره کند و یا مویش را بکند، میخهای آتشین جهنم بر کفه دستهایش فروبرند .

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد، هرزنی که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود و در عروسی شرکت نماید، براو لعنت نازل شود و برای هر قدمش، چهل معصیت نویسند . . .

ای حواء! قسم به خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرد، اگر زنی بدون اجازه شوهر خود در خارج از خانه نماز بخواند همان نماز را بر صورتش می زنند . . .

ای حواء! هرزنی که غیر روزه رمضان بدون اجازه شوهر روزه بگیرد، از گناهکاران است .

ای حواء! اگر زنی بدون اذن شوهر صدقه بدهد، برای زن گناه و برای شوهر ثواب می نویسند.

ای حواء! خلیفه خدا بر زن، شوهرش (شوهر مؤمن) است. پس اگر شوهر از او راضی باشد، خداهم از او راضی است و اگر ناراحت باشد، خداهم از او خشمگین می شود.

ای حواء! هرزنی که نمازش را بخواند و خانه دار باشد و از شویش اطاعت نماید، خداوند سبحان گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد.

ای حواء! زن نباید از شوهر کاری فوق طاقتش بخواهد و نباید شکایت او را به بیگانه و خودی ببرد.⁽¹⁾

4- زن مسئول امور خانه:

از طرفی اسلام مسئولیت اداره خانه و امور خانه داری را به عهده زن گذاشته است. آنچنان که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«زن سرپرست خانه شوهرش بوده و مسئول است».

چونکه پیوند شد، به نازش دار بر سر خانه سرفرازش دار

تو در آیی ز در سلامش کن او در آید، تو احترامش کن

1. خانواده نمونه - مستدرک الوسائل 274/14

هرزمانش به دلنوازی کوش وقت خلوت به لطف و بازی کوش

صاحب رخت و چیزدار او را پیش مردم عزیزدار او را

از سخندهای خوب و گفتن خوش به نماز و به طاعتش درکش⁽¹⁾

باتوجه به روایات معصومین، متوجه می شویم که از نظر اسلام، خوب است زن به اموری مشغول شود که تماس او را با جنس مخالف محدود سازد. مثلاً جهاد از زنان برداشته شده است و تهیه آذوقه و مسکن و لباس به عهده مرد قرار دارد.

عیادت مریض و تشییع جنازه و بقیه امور اجتماعی که برای مردان بسیار سفارش شده است، برای زنان سفارشی از طرف بزرگان دین نشده است، بلکه به زنان رخصت داده شده است که در این امور شرکت نکنند. اما از آن طرف برای اداره امور منزل و مشغول شدن به تربیت کودکان و تعلیم و آموزش و رفع احتیاجات شوهر بسیار سفارش شده است.

اما رابطه زن با شوهرش چگونه باید باشد؟

باید گفت که حقوق شوهر بر زنش به شرح زیر است:

1 - اطاعت از شوهر:

یعنی زن باید مطیع شوهرش باشد و با او مخالفت نکند و بدون اجازه او دخل و تصرف انجام ندهد.

زن پرهیزکار طاعت دوست با تو چومغز باشد اندر پوست

زن ناپارسا شکنج دلست زود دفعش بکن، که رنج دلست⁽²⁾

2 - خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر:

«امام صادق علیه السلام فرمود: در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله ، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد . این زن شخصی را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است . می توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن ! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را

1 . او حدی مراغه‌ای . 2 . او حدی مراغه‌ای .

به او دادند . باز به پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام داد که آیا می توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن ! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند . وقتی شوهر از سفر آمد با زنش نزد پیامبر رفت . پیامبر صلی الله علیه و آله به

زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند سبحان تو و پدرت را آمرزید
«(1)

3 - هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند:

4 - لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپوشد .

5 - اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند .

6 - بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید .

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند سبحان ثواب حضرت آسیه را به او
بدهد.»(2)

7 - با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود:

«مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! همسری دارم که چون
به خانه می روم به پیشبازم می آید و هنگام خارج شدن، بدرقه ام می کند . اگر مرا ناراحت
بیند می گوید: ناراحت نباش ! که اگر غم روزی را می خوری، خدا روزی رسان است . و
اگر غم آخرت داری، خدا غمهایت را زیاد کند !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تو یکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد بود.»

«حسین بن علاء می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و با همسرش برگشت. امام به آن زن فرمود: شوهرت چه می گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمانی! زن گفت: می خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که

1. خانواده نمونه - مکارم الاخلاق/216

2. خانواده نمونه - مکارم الاخلاق/213

بیشتر از سه روز زنده نمی ماند!

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»⁽¹⁾

امّ سلمه از پیامبر درباره ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود:

«وقتی زن در خانه کار می کند و مثلاً وسیله ای را از جایی برمی دارد و در جای دیگر می گذارد، در این حال خداوند سبحان به او نظر می کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی کند.»⁽²⁾

و فرمود: «هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خداوند سبحان همه گناهان او را محو می کند و حسناتش را مضاعف می نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر بار که کودکش را شیر می دهد، مثل این است که بنده ای در راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته ات آمرزیده شد.»⁽³⁾

حقوق زن بر شوهر

- 1 - تهیه نیازهای روزانه غذایی و پوشاکی و مسکن همسر
 - 2 - با اخلاق خوب با همسر برخورد کند.
 - 3 - اشتباهات همسر را نادیده بگیرد.
 - 4 - شبها وی را رها نکند
 - 5 - حداقل چهار ماه یکبار زن حق همبستری دارد.
- «پیامبر صلی الله علیه و آله: بهترین مردان امت من کسانی هستند که به اهل خانه خود ستم نمی کنند و بر آنها رحم آورند و به آنها ظلم ننمایند»

نشوز زن

«علامتهای نشوز زن که باعث می شود زن از حق نفقه محروم شود: عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر»

1. خانواده نمونه - الخرائج والجرائح 611/2

2. خانواده نمونه .

3. خانواده نمونه .

زنان در آئینه روایات

1 - جابر گفت: نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم که صحبت از زنان و برتری بعضی از زنان بر زنان دیگر شد . حضرت فرمود: من به شما بگویم؟ گفتیم: آری! فرمود: «بهترین زنان شما آنان هستند که بچه زاء، بامحبت، با حجاب، عزیز در میان خانواده اش و مطیع در مقابل شوهرش، زینت کننده برای شوهرش و پوشیده در مقابل غیر شوهر باشند . آنانکه سخن شوهر را گوش داده و امرش را اطاعت نموده و در خلوت با شوهر خود را در اختیار شویش می گذارد و ...

سپس فرمود: آیا شما را از بدترین زنانان آگاه نکنم؟ گفتند:

آری بفرمائید !

فرمود: بدترین زنان آنان هستند که در میان خانواده‌اش مطیع ولی در مقابل شوهرش مغرور و سخت است، عقیم و کینه‌ای بوده که وقتی شوهرش نیست، از زینتهای زشت دوری نمی‌کند ! و هنگام خلوت با شوهر، خود را از او منع می‌کند، مانند مرکبی که از سوار شدن صاحبش جلوگیری می‌کند، عذر شوهر را نمی‌پذیرد و خطای شویش را نمی‌بخشد»⁽¹⁾

امام ششم علیه‌السلام : «بهترین زنان شما آن زنی است که هرگاه به او عطا می‌شود تشکر می‌کند و اگر به او ندهند نیز راضی باشد» .

و فرمود: «بدترین زنان شما زن کم‌حیاء، عبوس، فحّاش و سخن‌چین است».⁽²⁾

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله : «هرچه ایمان انسان بیشتر می‌شود، علاقه‌اش به زن نیز بیشتر می‌شود»⁽³⁾

امام ششم علیه‌السلام : «زن قابل‌ارزش گذاری نیست ! نه خوبش و نه بدش . اما زنهای خوب ارزششان طلا و نقره نیست، بلکه او از طلا و نقره بالاتر است . و اما زنهای بد، ارزششان خاک هم نیست ! خاک از او بهتر است».⁽⁴⁾

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله : «برای زن اذان و اقامه گفتن نیست . از زن ، شرکت در جمعه و جماعات،

1. خوبی ها و بدی ها - روضه الواعظین 375/2

2. خوبی ها و بدی ها - بحار الانوار 240/100

3. خوبی ها و بدی ها - نوادر راوندی 12/

4. خوبی ها و بدی ها - الکافی 332/5

عیادت مریض و تشییع جنازه، لبیک گفتن با صدای بلند در حج، باتندی بین صفا و مروه راه رفتن، دست زدن به حجر الاسود، داخل کعبه رفتن، تراشیدن موی سر، قاضی شدن، حاکم شدن، مورد مشورت قرار گرفتن، ذبح کردن مگر در ضرورت، برداشته شده است.

او در وضو اول داخل دستها را وضوء دهد، ولی مرد از پشت دست شروع نماید. زن در هنگام نماز پاهایش را بهم بچسباند. زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود. و بدون اجازه او روزه مستحبی بگیرد. او نباید با نامحرم دست دهد و یا با نامحرم بیعت کند مگر از پشت لباس. او حج مستحبی را باید با اجازه شوهر بجای آورد. نباید سوار اسب شود مگر در ضرورت. ارث و دیه زن نصف ارث و دیه مرد است، هنگام نماز بر بدن زن، امام مقابل سینه او بایستد ولی در مرد، مقابل سرش بایستد، رضایت شوهر از زن، از هر شفيعی در نزد خداوند سبحان برای او بهتر است»⁽¹⁾

شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا! آیا برای زن جهاد نیست؟ فرمود:

«آری، زن از وقت حامله شدن تا زائیدن و تا بچه را از شیر گرفتن، ثواب مجاهد در راه خدا را دارد و اگر در این بین بمیرد، مقام شهید را دارد».⁽²⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «اگر زن پنج نماز خود را بجای آورد و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و دامن از ناپاکی نگه دارد و شوهرش را اطاعت کند، از هر دری که بخواهد می تواند داخل بهشت شود»

و فرمود: «زن صالحه از هزار مرد غیر صالح بهتر است».⁽³⁾

و فرمود: «بدترین چیزها، زن بد است»⁽⁴⁾

امام علی علیه السلام: «سه صفت در مرد باعث نقص و در زن باعث کمال است. یکی خودخواهی است که اگر زن مغرور باشد، تن بکار زشت ندهد. دوم بخل است که باعث می شود از مال شوهرش خوب مواظبت کند. سوم ترس است که بخاطر ترس، از فساد روی گردان شود».⁽⁵⁾

1. خوبی ها و بدی ها -الخصال 585/2

2. خوبی ها و بدی ها -مکارم الاخلاق 234

3. خوبی ها و بدی ها -ارشادالقلوب 175/1

4. خوبی ها و بدی ها .

5. خوبی ها و بدی ها .

حجاب زن

یکی از دستورات مهم قرآن کریم درباره زنان، در مورد لزوم حجاب آنان است. حجاب زن به هیچ عنوان علامت عقب ماندگی یا اسارت و یا زیر دستی او نیست بلکه چون زن مانند گوهر گرانبهائی است که باید از دستبرد دزدان در امان بماند لذا بوسیله حجاب، هم حفظ می شود و هم ارزشش افزون می گردد و هم در این آزمایش الهی سربلند بیرون می آید. از جمله آیات قرآن کریم درباره حجاب آیات زیر است.

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) ...»⁽¹⁾

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید . بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا را عملی کنید . بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار و خداتر سید، پس در گفتار تان نرمی و فروتنی نکنید و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای نرم و نازک شما تحریک نشده و میل و طمع به شما نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرستی و خشونت صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب فتنه و لغزش و میل و

تحریک مردم نشود. و باید در خانه‌های خود قرار گیرید و زینتهای خود را اظهار نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسول اطاعت نمائید.⁽²⁾

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دلهای شما و دلهای آنها پاک تر است»⁽³⁾

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر

1. سوره نور، آیه 31.

2. سوره احزاب، آیه 32.

3. سوره احزاب، آیه 53.

سر خود بیاندازند که این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای نانجیب نزدیکتر و مؤثرتر است باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسداذیت نشوند و نسبت به گذشته ها چون قصد سویی نداشته اند یا چون توبه کنند، خداوند سبحان بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تو را بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوری که نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که

اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت‌ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی‌شود.⁽¹⁾

اما احادیث درباره لزوم حجاب زن فراوان است که به چند روایت اشاره می‌شود:

«حضرت زهرا علیها السلام: بهترین زنان کسانی هستند که نه آنها مردان نامحرم را ببینند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند.»⁽²⁾

«سخن گفتن با زن نامحرم از دامهای شیطان است»⁽³⁾

«از جمله بیعت‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»⁽⁴⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله: ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که میچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می‌شود.»⁽⁵⁾

«امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! بدانید که گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم، سبب مصیبت و گرفتاری شده و دل‌ها را منحرف می‌سازد و پیوسته به زنان چشم دوختن، نور دیده را خاموش می‌گرداند و همچنین با گوشه چشم به زنان نگاه کردن از حيله و دامهای شیطان است»⁽⁶⁾

1. سوره احزاب ، آیه 59.

2. فضائل الخمسة عن الصحاح الستة 154/3

3. مستدرک، 14/273

4. مستدرک الوسائل، 14/133

5. مستدرک، 2/549

6. بحار، 74/291

«امام علی علیه السلام : ای مردم عراق ! باخبر شده ام که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند، آیا حیا و شرم نمی کنید؟

و در حدیث دیگری فرمود: آیا حیا نمی کنید و غیرت نمی ورزید که زنانتان به بازار می روند و با افراد بی ایمان مواجه می شوند؟»⁽¹⁾

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : بین مردان و زنان فاصله وجدایی بیندازید (تا کمتر بایکدیگر برخورد داشته باشند) زیرا هنگامی که مردان و زنان باهم تماس داشته باشند و رودر روی یکدیگر قرار گیرند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان ندارد.»⁽²⁾

امام امت و سایر فقهاء و علماء هم بر لزوم حجاب زنان مسلمان تاکید نموده‌اند:

«امام خمینی: واجب است تمام بدن زن به جز قرص صورت و دستها تا میچ از نامحرم پوشیده شود و پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود»

«امام خمینی: آنها که زنهارا می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانان فاسد قرار بدهند جنایتکارند. زنها نباید گول بخورند. زن گمان نکنند این مقام زن است که بزک کرده بیرون برود. باسرِ باز و لخت، این مقام زن نیست، زن باید شجاع باشد، زن آدم ساز است، زن مربی انسان است»⁽³⁾

«آیه الله خامنه‌ای: پوشیدن بدن از نامحرمان برزن واجب است و چنین جورابهائی (نازک و بدن نما) برای حجاب شرعی کفایت نمی‌کند و پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است»

«آیه الله خامنه‌ای: چادر برترین نوع حجاب و نشانه ملی ماست.»

«آیه الله خامنه‌ای: صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد، جایز نیست.»

«آیه الله صافی گلپایگانی: والدین موظفند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی تفاوت

1. وسائل، 14/176

2. فرشته زمین.

3. صحیفه نور، ج 11، ص 254.

نمایند، شریک در معاصی دختر هستند در حدیث وارد شده که در مجلسی که حضرت رضا علیه السلام تشریف داشتند وعده‌ای نیز حضور داشتند. دختر بچه‌ای وارد شد. حضار در مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند تا به حضرت رضا علیه السلام رسید. آن حضرت از سن دختر سؤال کردند گفته شد: پنج سال.

حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند ننمودند.

اعمال آن بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.»

«آیه الله خامنه‌ای: مراجعه مردان به پزشک زن اگر ضرورت ندارد ولمس و نظر حرام می‌شود، جایز نیست.»

«آیه الله سیستانی: مراجعه زن به پزشک مرد، اگر مستلزم نگاه یا لمس حرام است، با بودن متخصص زن جایز نیست مگر اینکه به متخصص زن در انجام صحیح کار اعتماد نباشد.»

«امام خمینی: بنا بر احتیاط واجب رقصیدن خانمها در هر کجا اعم از مجلس عقد و عروسی و یا مولودی ها جایز نیست مگر رقصیدن زن برای همسر خود.»

شعر حجاب

باید که بگیرد رو هر زن که مسلمان است زیرا که حجاب زن در سوره قرآن است

هم عصمت وهم عفت در پرده نسوان است قانون حیا چون سر بر پیکرایمان است

ما ملت ایرانیم امروز مسلمانیم هم شیعه اخلاص وهم تابع قرآنیم

جز قاعده اسلام ما هیچ نمی دانیم در روز قیامت هم جویای شفیعیانیم

شعر دیگر

ای زن ای سرو ناز و باغ وجود نور بخشنده چراغ وجود

تا تو در راه خیر پیش روی راست رو باش تا ز ره نروی

پاکی اندوز و راستی آموز بعد از آن هر چه خواستی آموز

آن که مذهب نهاد و آیین کرد راستی را ملازم دین کرد

خانه دل ز غیر شو پرداز از همه کارها بدو پرداز

روی از غیر شوی خویش بپوش جان فدای تو! روی خویش بپوش!

زان که تا رُخ ز پرده برفکنی پرده از روی شرم برفکنی

گر شوی عیش جو و عشرت خواه	جان به انواع فسق کرده تباه
آری آن زن که بی حجاب آمد	عاقبت خانمان خراب آمد
بلکه از رُخ چو پرده بر دارد	یک جهان فتنه ها ز پی دارد
بهترین علم زن نجابت اوست	وین قبا دوخته به قامت اوست
علم زن چیست حاصل آوردن	پس از آنش به لطف پروردن
خانه را رشک بوستان کردن	آنچه شایسته است آن کردن
روز و شب در پی محبت شوی	ایستادن زجان به خدمت شوی
شرط خدمت به جای آوردن	شوی را مهربان به خود کردن

سخن بوعلی سینا

«بوعلی سینا در کتاب سیاست خود می نویسد: بر مردان لازم است که زنان را به تربیت اولاد و تدبیر خانه مشغول نموده، وسایل پوشش و حیای او را مهیا نمایند که اگر زن بیکار و به تدبیر منزل مشغول نباشد، قهراً میل نمایش و اسراف در زینت و لهو نموده و بدین واسطه از وظیفه طبیعی خود خارج شده و با حقوق و کرامت مرد مخالفت می کند.»⁽¹⁾

آرامش روانی

استاد شهید مطهری :

«نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرتهای بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد . غریزه جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق، و «دریافت» است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک

1. رسائل حجابیه، ج 2، ص 1080.

بدهند، شعله ورتر می شود . برای درک این مطلب به دوچیز باید توجه داشت:

1 - تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در پی گردآوردن پول و ثروت بوده اند و هر چه بیشتر جمع می کرده اند، حریص تر می شده اند، همچنین از آزمندانی که در زمینه مسائل جنسی یاد می کند، که به هیچ وجه از نظر حسّ تصرف و تملک زیبارویان در یک حدی متوقف نشده اند . صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند، چنین بوده اند .

در زمان جدید هم به برکت تجدّد فرهنگی، برای مردی که یک صد هزارم خسرو پرویز (که سه هزار زن در حرمسرا داشته است) و هارون الرشید، امکانات داشته باشد، میسر است که باندازه آن ها از جنس زن بهره کشی کند.

2- هیچ فکر کرده اید که حسّ «تغزل» در بشر چه حسّی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را می ستاید. به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد مُلک جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند» از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟ آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، یا یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام، غزلسرایی کند؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرایی کرده است؟ چرا هرکسی از شعر و غزل دیگری خوشش می آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟ آیا جز این است که همه کس آن را با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟ چقدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیتهای بشر عامل اقتصاد است!!

بشر برای عشق های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنان که برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت های صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد.

من نمی خواهم ادعا کنم که تمام عشق ها جنسی است و هم هرگز نمی گویم که حافظ

وسعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته اند . این مبحث، مبحث دیگری است که جداگانه باید بحث شود .

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشق‌ها و غزل‌ها، عشق و غزل‌هایی است که مرد برای زن داشته است . همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیرشدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آز و تنوع پرستی در می‌آید و یا به صورت عشق و غزل .

اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است . روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالاخره خطرناک بودن غریزه‌ای که مرد وزن را به یکدیگر پیوند می‌دهد، وارد شده است .

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم مردان تکلیف معین کرده است . یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ ابْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ ابْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ .

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند . یک وظیفه خاص هم برای زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به

هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند .

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است . اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد .

همان طور که بشر - اعم از زن و مرد - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشباع نمی گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است . هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود .

و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت . دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلال روحی و بیماریهای روانی می گردد .

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که بوسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچه‌ها انجام می شود .

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خود نمائی و خود آرائی مخصوص زنان است . از نظر تصاحب قلبها و دل، مرد شکار است و زن شکارچی ! همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی ! میل زن به خود آرائی از این نوع حس شکار چیگری او ناشی می شود . در

هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردها لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرّج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.⁽¹⁾

«شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، متین و سنگین و باوقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زبانداری لباس نپوشد، زبانداری راه نرود، زبانداری و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند»⁽²⁾.

«ما انکار نمی‌کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می‌شود و باید شرائط ازدواج قانونی را سهل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که تبرّج و خود نمائی زن در اجتماع و معاشرت‌های آزاد سبب انحراف جنسی می‌شود، به مراتب بیشتر از آن است که

1. مسأله حجاب.

2. مسأله حجاب.

محرومیت و دست‌نارسی سبب می‌گردد.⁽¹⁾

تاج افتخار

تاروپودش باتومیگوید سخن	بشنو از چادر که در توصیف زن
تاشرافت را به عصمت بافته	تاروپودم را شرافت تافته
دختران دُرند و چادر چون صدف	در کلاس حفظ تقوا و شرف
زانکه زن را زینت زن، چادر است	بهترین سرمایه زن چادر است
دختران را هست تاج افتخار	حفظ چادر درسرای اقتدار
شیوه زهرا و درس زینب است	حفظ چادر، حفظ دین و مذهب است
روسفیدی نزد زهرا علیهاالسلام می کند	حفظ چادر سدّ فحشا می کند
حافظ گل از هجوم خارهاست	حفظ چادر چاره ساز کارهاست
دست ردّبرسینه نامحرم است (2)	
	حفظ چادر زخمها را مرهم است

ارزش وجایگاه حجاب و عفاف

یقیناً دستور خداوند مبنی بر وجوب حجاب زنان، بخاطر فوایدی است که از این مسئله نصیب بشریت می گردد و از طرفی بخاطر دوری از ضررها و خساراتی است که برهنگی و بی حجابی به انسان ها وارد می کند.

حجاب عامل استحکام خانواده ها می باشد. اگر در جامعه ای حجاب زنان رعایت گردد جوانان به ازدواج گرایش پیدا کرده و آمار ازدواج بالا می رود. آمار طلاق کاهش می یابد. زیرا

تنها راه اطفاء غرایز را در ازدواج می بینند. اما در جامعه ای که برهنگی و بی حجابی رواج دارد ارتباطات نامشروع زیاد شده و بالطبع ازدواج کاهش می یابد و کانون خانواده هایی که تشکیل شده متزلزل می شود چه بسا شوهر با زنان هرزه دیگری ارتباط برقرار کند. چه بسا زن در خفا با مردان دیگر ارتباط برقرار نماید.

حجاب باعث حفظ آرامش روانی افراد جامعه و عامل پاکی دلها می شود.

1. مسأله حجاب.

2. ژولیده.

قرآن کریم، حجاب را عامل پاکی دل و روح می داند.

در سوره احزاب آیه 53 می‌فرماید: اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید دریافت کنید از پشت پرده باشد که این هم برای پاکی دل شما و هم آنان بهتر است. ذالکم اطهر لقلوبکم وقلوبهنّ

وقتی چشم چرانی صورت بگیرد یا زنان با لباسهای نامناسب ظاهر شوند افکار زن و مرد به هم مشغول شده و دلها آلوده می‌شود. صفای دل از بین می‌رود. گاهی مسئله خیانت زن و مرد پیش می‌آید و همه این مشکلات بخاطر عدم رعایت حجاب توسط زنان می‌باشد.

حجاب عامل تقرب الهی است. یقیناً زنانی که با حجاب هستند و عفاف دارند مورد عنایت پروردگار قرار می‌گیرند و برعکس، زنانی که عفت ندارند یا با برهنگی و بی حجاب در مقابل مردان ظاهر می‌شوند مورد نظر لطف الهی قرار ندارند و دعایشان مستجاب نمی‌شود و اعمال خوبی که انجام دهند قبول نمی‌شود. و این کاملاً در روایات مربوط به حجاب ذکر شده است. زنان بی حجاب جایگاهی در نزد خداوند سبحان ندارند مگر اینکه توبه کنند و خود را اصلاح نمایند که موارد زیادی بوده که از زنان و دختران غربی یا زنان رقاص یا خواننده عربی که توبه کرده و به عفاف و حجاب و پاکدامنی برگشته‌اند و مورد لطف خداوند قرار گرفته‌اند.

حجاب زنان باعث بالا رفتن ارزش و عزت و کرامت زنان است ولی بی حجابی ارزش زن را تا حد یک وسیله جنسی پایین می‌آورد.

حجاب زنان مسلمان سلاح آنان در مقابل فرهنگ منحط غرب است. زنان با حجاب در حقیقت با حجاب خود در حال مبارزه با شیاطین و مفسدان و شهوت طلبان و مستکبرین هستند لذا قدرتمندان فاسد هم در این جنگ پنهانی از ابزارهایی چون اخراج از مدرسه و دانشگاه و ادارات و کارخانجات و جاهای دیگر استفاده می‌کنند. ولی استقامت زنان

باحجاب باعث شده که دشمنان حجاب تاکنون در بی حجاب کردن زنان باعفاف وبا حجاب موفق نشوند.

آثار زیانبار بی حجابی و بی عفتی

افزایش بیماران روانی و افزایش افسردگی و خودکشی و قتل و جنایت و خیانت به همسر و تولد فرزندان نامشروع و از هم پاشیده شدن کانون خانواده‌ها و افزایش طلاق، فرار دختران از کانون خانواده‌ها، تجاوز و هتک حرمت زنان بدون تاثیر از بی حجابی زنان نیست.

در هر جامعه‌ای که زنان بی حجاب ظاهر شوند و عفاف در آن جامعه حاکم نباشد باید منتظر افزایش آسیبهای اجتماعی باشیم.

پایین آمدن سطح اخلاق زنان در غرب که در برهنگی و اختلاط بدون قید و شرط با مردان بصورت آشکار دیده می شود باعث شده که آمار حیرت آوری از بالا رفتن خودکشی و هتک حرمت زنان و و گسترش بیماری های جنسی امثال آن در غرب اعلام گردد.

در امریکا بیش از 650 بیمارستان مخصوص امراض جنسی وجود دارد! همچنین در امریکا در هر یک دقیقه یک نفر دست به خودکشی می زند! در فرانسه از هر هزار نفر فقط 6 نفر ازدواج می کنند! و در این کشور سالی 35 هزار نفر خودکشی می کنند! در آلمان بیش از 50 درصد مردان مجرد زندگی می کنند! ژاپن بیشترین آمار خودکشی در جهان را دارد!

البته اینها اگر به دستورات اسلام عمل می کردند به این روز نمی افتادند ولی چه باید کرد که دولتمردان کشورهای صنعتی و غربی همگی بی دین هستند و اعتقادی به دستورات

خداوند ندارند پس چگونه انتظار می‌رود که به دستورات اسلام عزیز که همگی نسخه‌های شفا بخش هستند عمل کنند؟

اما در جوامعی که زنان حجاب و عفاف دارند مخصوصاً به قوانین اسلام عمل می‌کنند به ندرت این آسیبها در طول هفته و ماه اتفاق می‌افتد. آمار خود کشی در ایران به هیچ وجه قابل مقایسه با کشورهای غربی نیست. همچنین آمار دیگر آسیبهای اجتماعی در کشورمان بسیار پایین تر از کشورهای غربی است. و آسیبهای هم که در کشورمان وجود دارد از ناحیه زنان و مردانی است که به دستورات اسلام عمل نمی‌کنند. والا در میان مؤمنین و مؤمنات، آسیبهای اجتماعی و مفسد اخلاقی بسیار کم است و به ندرت اتفاق می‌افتد.

نکوهش طلاق

در دین اسلام طلاق فقط در ضرورت مباح است آنهم بدترین مباح! و باید تا آنجا که زن و شوهر می‌توانند از طلاق دوری کنند زیرا طلاق آثار زیانباری برای جامعه مسلمین در پی دارد.

اما علل طلاق

1 - ازدواج‌های اجباری که به اجبار والدین دختر یا پسر سر گرفته است احتمال طلاق در آن وجود دارد.

2 - عدم رعایت کفو و هم‌شان بودن یعنی باید زن و مرد هم‌شان باشند در زیبایی. در سواد و تحصیلات. در امکانات مادی. در نسب و حسب. در اخلاق و تقوا.

3 - ازدواج‌هایی که بر اثر چشم چرانی دختر و پسر بوجود می‌آید نیز در معرض خطر طلاق است .

4 - عدم تحقیق درباره هم، قبل از ازدواج منجر به مشکلاتی بعد از ازدواج از جمله طلاق می‌گردد .

5 - باید زن و شوهر بعد از جاری شدن صیغه طلاق که خود یک پیمان الهی است نسبت بهم وفادار باشند و خدای نکرده اگر قبل از ازدواج با کسی ارتباط یا دوستی داشته‌اند دیگر بعد از ازدواج آن را فراموش کنند و فقط به همسر خود بیاندیشند و به او عشق و علاقه بورزند . اما وقتی وفادار نباشند و همسر متوجه شود، محبتش از بین می‌رود و اختلاف بین خانواده پدید می‌آید .

6 - دخالت‌های بیجای والدین دختر یا پسر در زندگی فرزندان باعث اختلاف و در نتیجه مسئله طلاق مطرح می‌شود .

7 - عدم آشنایی زن و شوهرها با وظایف خود نیز باعث اختلاف می‌گردد . که در بخش خانواده به این وظایف اشاره شده است .

احترام به سالمندان

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است . در سوره اسراء آمده است

وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ إِنَّمَا يَبْلُغُنَّ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ

اگر یکی از والدینت یا هردویشان به سالخورده‌گی رسید پس مبادابه آنهاحتی اُف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف بزنی .⁽¹⁾

این یکی از آزمونهای الهی است که گاهی خداوند سبحان بوسیله پدر یا پدربزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان ونوه هایشان بعمل می آورد . که چگونه وجود اینها را تحمل می کنند . البته در کشور ایران دراکثر خانواده‌ها، بخاطر خوی ایرانی و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیل احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرایی می نمایند .

سالخورده گان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند . آنها بخاطر اینکه دیگر از کار وتلاش بازنشسته شده اند گاهی در خود احساس تنهایی می نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل وصبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید بیشتر به آنها رسیدگی نمود . و حتی غرغره‌های آنان را تحمل نمود .

امام ششم علیه السلام : ای میسر ! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن .⁽²⁾

لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد . بلکه باید به هر پیرمسلمانی احترام گذاشت .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که پیر مسلمانی را احترام کند از فزع اکبر قیامت در امان خواهد بود .⁽³⁾

اما عده‌ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب نگه داری از پیران را فراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می‌کنند . به آنان بی‌اعتنایی نموده و آنها را و بال گردن خود و یک عضو اضافه خانواده فرض می‌کنند که این برخوردها ضربات سختی بر روح و روان پیران

1 . خوبی‌ها و بدی‌ها .

2 . خوبی‌ها و بدی‌ها - بحالانوار 87/71

3 . خوبی‌ها و بدی‌ها - ثواب الاعمال/189

وارد کرده و گاهی باعث مرگ زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان می‌شود . که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند .

گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات و مبرات نمی‌کردند . نصیحت کننده‌ای به آنان گفت که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید او در قبر می‌سوزد ! آنان گفتند: اگر یکنفر بسوزد بهتر است که ما ده نفر بسوزیم !

در فرهنگ غرب بی‌اعتنایی به سالمندان یک امر عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده است .

نماینده آیه الله بروجردی در آلمان گفته بود که برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می‌رفتیم . در اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی بستری بود . روزی از ما پرسید که شما با این مسلمانی که مرتب به عیادت او می‌آید نسبتی دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است . او گفت با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند ولی تاکنون به عیادت من نیامده‌اند !

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه باید به هر پیری احترام گذاشت .

روایت شده که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در شهر کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول گدایی بود . حضرت از او پرسید چرا گدایی می‌کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی اکنون قادر به کار نیستم . امام دستور داد تا از بیت المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند .⁽¹⁾

نقل شده که عده‌ای به دیدار امام صادق علیه‌السلام رفتند . امام به آنها گفت چرا بما ظلم می‌کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظلمی بشما کرده‌ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیر کردی که همراهم است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می‌شود مرا هم سوار کن که خیلی خسته شده‌ام . ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود . و این ظلم به ما حساب می‌شود .⁽²⁾

1. خوبی ها و بدی ها .

2. خوبی ها و بدی ها .

فرزندان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»⁽¹⁾

ای مؤمنین ! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید .

در مورد فرزندان و حقوق آنان بر گردن والدین و حقوق والدین بر گردن فرزندان مطالب جالبی نقل می کنیم.

اسلام به داشتن فرزندان تشویق و ترغیب فرموده و از زنان بسیار بچه زا تعریف نموده است و فرموده فرزند زیاد بیاورید تا در قیامت امت اسلامی از سایر امت ها بیشتر باشند .

ثواب بارداری و دوران حمل

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : زن از روزی که حامله شود تا زمانی که وضع حمل نماید و فرزندش را از شیر بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند ! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را دارد .⁽²⁾

در روایت است که شخصی که بچه دار نمی شود، این آیه را بطور مرتب در سجده بخواند:
«رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ . رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» .⁽³⁾

ابرش کلبی به امام پنجم علیه السلام عرض کرد که: خانواده ام بچه دار نمی شوند . حضرت فرمود: هر روز یا هر شب، صد مرتبه استغفار کن!⁽⁴⁾

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رفت و گفت: ای فرزند رسول خدا! من هشت دختر دارم . ولی پسری ندارم! دعا بفرمایید خداوند سبحان بمن پسری عنایت کند .

امام فرمود: چون خواستی با همسرت نزدیکی کنی، دست راست را بر ران چپ زن بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان!

1 . سوره تحریم، آیه 6.

2 . حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/234

3 . حلیۃ المتقین - بحار الانوار 83/101

4 . حلیۃ المتقین - الکافی 8/6

وقتی هم که آثار حاملگی پیدا شد، در موقع شب، وقتی همسرت پهلوی به پهلوی شد، دست راست را بر ران راست او بگذار و سوره قدر را هفت بار بخوان!

راوی می گوید: بدستور امام عمل کردم، و خداوند سبحان بمن پسر عنایت کرد. دیگران هم به این طریق عمل کردند، و خداوند سبحان به آنان هم پسر عنایت فرمود.⁽¹⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان فرموده است: بعزّت و جلالم سوگند که هر زن تازه زا، رطب بخورد، فرزند او را بردبار گردانم.⁽²⁾

روایت شده وقتی به امام سجّاد علیه السلام بشارت ولادتِ رامی دادند، از پسر و یا دختر بودنش سؤال نمی کرد، بلکه می پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامی که می گفتند: آری! می فرمود: (الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوهاً)⁽³⁾

شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد نفرمود.

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»⁽⁴⁾

سفارش والدین را به انسان می کنیم که مادر مدتی شمارا در شکم حمل کرد سپس دوسال شیرداد. پس ابتدا شکر من سپس والدینت را بکن که عاقبت نزد من خواهی آمد.

نقش والدین در سعادت و شقاوت فرزندان

1- تربیت خوب فرزند ثوابهای عظیمی دارد زیرا والدین باید سختی ها و مجاهدت های زیادی انجام دهند تا فرزندان به سعادت برسند.

2-والدین در ابعاد مختلف تربیتی از قبیل جسمانی، روانی، رفتاری و دینی نقش آفرین هستند.

3-نقش محبت به فرزندان در سعادت فرزندان بسیار اثرگذار است. بشرط اینکه اعتدال در آن رعایت شود. همچنین رعایت عدالت در محبت به فرزندان مسئله مهمی می باشد.

4-اقتدار والدین نیز باید همراه با محبت باشد تا برنامه های تربیتی آنها مورد مسامحه قرار نگیرد. والا اگر اقتدار نباشد فرزندان نافرمانی می کنند که پیامبراعظم ص فرمود:خدایا

1. مکارم الاخلاق/225

2. حلیۃ المتقین -بحارالانوار 135/63

3. حلیۃ المتقین -الکافی 21/6

4. سوره لقمان، آیه 14.

بتو پناه می برم از فرزندی که خدایم باشد!⁽¹⁾ یعنی فرزند به والدین امر و نهی کد.

5-در برخورد تنبیهی با فرزند باید ترتیب رعایت شود بدین صورت که در صورت تخلف فرزند،ابتدا با قهر والدین ودر صورت عدم تاثیر استفاده از حالات چهره ونگاههای تند به فرزند ودر مرحله بعد تذکر در خلوت سپس محروم کردن از مزایایی مثل تفریح وپول

توجیهی بعد از آن وادار کردن به کارهای خدماتی منزل و در آخر تنبیه بدنی که نباید باعث سرخ و کبود شدن بدن شود.

اگرچه در زندگی ائمه ع دیده نشده که فرزندان شان را تنبیه کرده باشند.

6- در هفت سال اول بجز بازی نباید برنامه آموزشی از کودک انتظار داشت.

امام کاظم ع فرمود: مستحب است فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز پردازد تا در بزرگسالی حلیم گردد.⁽²⁾

والدین خوبست با کودکان بازی کنند. علی ع فرمود: هر که فرزندی دارد با او کودکی کند.⁽³⁾

7- فضای منزل باید امن باشد والا تربیت با مشکل روبرو می گردد پس اگر زوجین باهم درگیری دارند دور از فرزندان باشد.

8- تحقیر فرزندان و سرنش آنها در حضور دیگران مخصوصا آزار کودک گاه منتهی به ضررهای بزرگی در سنین بالا می گردد. جوانی که 50 کودک را مورد تجاوز سپس قتل قرار داده بود بعد از دستگیری اعلام کرد تصمیم داشتم هزار کودک را اینگونه از بین ببرم زیرا در کودکی بمن تجاوز شد.

کودکان را با عزت نفس باریاورید. برخلاف بعضی کولها که فرزندان شان را از همان کودکی گدا بار می آورند!

9- از هفت سالگی به بعد باید مراقبت بیشتری از نوجوان بعمل آید زیرا او ساعاتی را از خانواده دور می‌شود.

امام فرمود: الزمه نفسك سبع سنين ثم ضمّه اليك سبع سنين⁽⁴⁾

1. بحارج 81 ص 186

2. بحارج 42 ص 214

3. وسائل ج 15 ص 203

4. وسائل ج 15 ص 193

دو تا هفت سال از او مراقبت نما!

10- وادار کردن نوجوان به نماز از مهمترین برنامه تربیتی والدین است. که بقدری این مسئله مهم است که پیامبر رحمت فرمود اگر نوجوان بعد از 7 یا 9 سالگی به هیچ وجه حاضر به نماز خواندن نشد او را با تنبیه وادار کنید تا نماز بخواند.

زیرا آنقدر در نماز فوائد است که در این مورد زور و اجبار بلامانع است. البته تنبیهی که به آسیب بدنی و روحی منجر نگردد.

عقیقه و ولیمه

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند. ⁽¹⁾

امام ششم علیه السلام : عقیقه نوزاد مثل قربانی نیست . لذا هر گوسفندی باشد، خوب است . البته هر چه فربه تر باشد، بهتر است. ⁽²⁾

امام ششم علیه السلام : یکچهارم گوشت عقیقه را به قابله دهند و اگر قابله نبود، به مادر طفل دهند تا به هر که می خواهد، بدهد . و حداقل ده نفر از گوشت عقیقه استفاده نمایند . و اگر بیشتر از ده نفر باشند، بهتر است. ⁽³⁾

از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد . فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به و زن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند. ⁽⁴⁾

امام ششم علیه السلام : هر کودکی در گرو عقیقه است . و عقیقه از قربانی واجب تر است. ⁽⁵⁾

عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن ! من هم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم. ⁽⁶⁾

1. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/226

2. حلیۃ المتقین - مکارم الاخلاق/227

3. مکارم الاخلاق/227

4. مکارم الاخلاق/227

5. الکافی/25/6

6. مکارم الاخلاق/226

امام ششم علیه السلام : مادر از عقیقه فرزندش نخورد .⁽¹⁾

آداب مربوط به فرزندان

نام گذاری نیکو، قربانی کردن، تعلیم قرآن کریم، یاد دادن آداب نیکو، کمک به ازدواج فرزندان، تاکید بر نماز خواند فرزندان از جمله حقوق فرزندان بر والدین است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خداوند سبحان به او چهار پسر بدهد و نام برابر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است .⁽²⁾

امام کاظم علیه السلام : فقر در خانه ای که اسم فرزندان، محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و یا فاطمه باشد، وارد نمی گردد .⁽³⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد . اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد . و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش نام نیکو بگذارد و ادب نیکو به او بیاموزد و قرآن کریم را به او تعلیم نماید .⁽⁴⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانایی مخارج ازدواج او را ندارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود، معصیت او را در نامه پدرش می نویسند .⁽⁵⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید .⁽⁶⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسی که به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دو حله بهشتی از نور، برتن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود .⁽⁷⁾

2. بحار الانوار .

3. الكافي 19/6

4. میزان الحکمة 3678/4

5. میزان الحکمة.

6. میزان الحکمة-مکارم الاخلاق/222

7. میزان الحکمة 3669/4

رسول خدا صلی الله علیه و آله : فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است .⁽¹⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد .⁽²⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دختران حسناتند و پسران نعمتند و بر حسنات ثواب داده می شود . ولی از نعمتها سؤال می شود .⁽³⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سبحان دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نماید که حتی در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد .⁽⁴⁾

امام ششم علیه السلام : میراث خداوند سبحان به بنده مؤمنش، فرزند صالحی است که برای پدرش طلب آمرزش کند .⁽⁵⁾

در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.⁽⁶⁾

ختان

امام ششم علیه السلام: کسی که ختنه نکرده نباید پیشنمازی مردم را بکند و شهادتش قبول نیست و اگر مُرد بر او نماز نخوانند! زیرا بزرگترین سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کرده است.⁽⁷⁾

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اگر فرزندان تا رادر روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید.

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است.⁽⁸⁾

چگونه با پدر و مادر و فامیل برخورد نماییم؟

استحکام کانون خانواده ها وابسته به درست برخورد کردن با اعضای خانواده است. کسانی که دستورات بزرگان دین را در این مورد رعایت می کنند معمولاً خانواده های موفق دارند.

1. میزان الحکمة 4/3671

2. میزان الحکمة 4/3672

3. میزان الحکمة 4/3672

4. میزان الحکمه 3673/4

5. میزان الحکمه 3671/4

6. حلیه المتقین - مکارم الاخلاق 223/

7. حلیه المتقین - علل الشرايع 327/2

8. مکارم الاخلاق - الکافی 35/6

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند.⁽¹⁾

نیکی به پدر و مادر

پدر و مادر علت ظاهری بدنیا آمدن هر انسانی هستند لذا خداوند سبحان که علت اصلی وجود هر شخصی است، فرموده است که:

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ «83»⁽²⁾

«واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین نیکی کنند»⁽³⁾

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ
السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ⁽⁴⁾ 215

«بگو انفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیل‌های انسان شود.»

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ
ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا
يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا⁽⁵⁾ 36

«خدا را عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به والدین نیکی کنید»

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر نیکی کنید»⁽⁶⁾

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین را بیامرز»⁽⁷⁾

«خدا دست‌ور داد که او را به یگانگی پرستید و به پدر و مادر نیکی نمائید.»⁽⁸⁾

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی می‌کرد»⁽⁹⁾

3. سوره بقره، آیه 83.

4. سوره بقره، آیه 215.

5. سوره نساء، آیه 36.

6. سوره انعام، آیه 151.

7. سوره ابراهیم، آیه 41.

8. سوره اسراء، آیه 23.

9. سوره مریم، آیه 14.

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می کنم»⁽¹⁾

«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش نیکی بکند».⁽²⁾

«و آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم - مادرش او را در ناتوانی حمل کرد

و دو سال او را شیر داد- که مرا و پدر و مادرت را شکر نما»⁽³⁾

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به خانه ام می آید را بیا مرز»⁽⁴⁾

که خداوند سبحان در بعضی از این آیات بعد از توحید، احترام به پدر و مادر را ذکر

فرمود .

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده‌ای در جامعه دارد . از جمله این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده ها و در نتیجه به استحکام جامعه منجر می شود، اشاره کرد .

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند .

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندانشان به آنها می شود .

«پیامبر صلی الله علیه و آله : به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»⁽⁵⁾

«امام ششم علیه السلام : ای میسر ! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن .»⁽⁶⁾

رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می شود . و از جمله دعاهاى مستجاب، دعای پدر برای فرزند صالح است .

با دعای پدر، علامه شد !

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمد تقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود . ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است . بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند . در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد . پدر دعا کرد که خدایا ! پسر مرا فقیه قرار بده !

1. سوره مریم، آیه 32.

2. سوره عنکبوت، آیه 8.

3. سوره لقمان، آیه 14.

4. سوره نوح، آیه 28.

5. خانواده نمونه. وسائل الشیعه 356/20

6. خانواده نمونه .

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.⁽¹⁾

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد . حتی برای
هر بار نگاه با محبت به والدین اگرچه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته
می شود .

کسی که گناهای مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه
خود، به والدین خود محبت نماید .

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد .

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی علیه السلام کرد

روزی موسی علیه السلام از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد .

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است. حضرت موسی علیه السلام سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم. او حضرت موسی علیه السلام را بخانه خود برد. حضرت موسی علیه السلام که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود. جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره اورادر زنبیل گذاشته و در حالی که لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی علیه السلام غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی علیه السلام از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را تروخشک می کنم. موسی علیه السلام پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟ گفت: هرگاه او را تروخشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خداتورا با موسی در بهشت همنشین کند. ⁽²⁾

بزرگان دین به کسانی که نسبت به والدین خود احترام می گذاشتند، با احترام برخورد می نمودند و نسبت به کسانی که به والدین خود جفا می نمودند، با خشم و یا بی اعتنائی برخورد می کردند.

1. داستانهای از زندگی علما.

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده‌ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیاده‌تر نیکی می‌کند.»⁽¹⁾

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق علیه السلام به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرش مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می‌کرد، مادرش از این برخورد او خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پدرش خواست که شهادتین را به او یاد دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.

شخصی در زمان حضرت علی (ع) با نفرین پدرش شل شد. حضرت وقتی مشکل او را دیدند به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی برپاهای او کشید و او شفا یافت.»⁽²⁾

«امام سجاد علیه السلام دیدند که نوجوانی بنحوی ادبانه‌ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجار شیرازی است. ناگاه صاعقه‌ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجّار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاّ او را قسم داد. نجّار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به زدن و کتک کاری کشید.»⁽³⁾

سفر غیر ضروری فرزندان با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می‌شود.

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی‌ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف

1. خانواده نمونه - الکافی 161/2

2. مفاتیح الجنان.

3. داستانهای شگفت.

گفتن، آنها را تحقیر کردن و... در اسلام ممنوع است.

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت امام خمینی رحمه الله رسید و خود جلوتر رفت و دست امام را بوسید سپس پدرش را معرفی کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه رفتی؟»⁽¹⁾

نیکی به مادر او را هم ردیف موسی علیه السلام کرد

روزی موسی علیه السلام از خدا خواست که همنشین او را در بهشت به او نشان دهد.

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است. حضرت موسی علیه السلام سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم. او حضرت موسی علیه السلام را بخانه خود برد. حضرت موسی علیه السلام که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود. جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره اورادر زنبیل گذاشته و در حالی که لبهای پیرزن حرکت می کرد، زنبیل را به سقف آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی علیه السلام غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی علیه السلام از قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم او را تروخشک می کنم. موسی علیه السلام پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنبیل بگذاری او چه گفت؟ گفت: هرگاه او را تروخشک می کنم در حق من دعا می کند و می گوید: خداتورا با موسی در بهشت همنشین کند. ⁽²⁾

2. بحار، ج 74.

از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره بفکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می‌شود که واجبات فدای مستحبات می‌گردد. کسی که از دنیا می‌رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر براوست ادا کنند، بفکر غذا دادن و گاهی خودنمائی‌های ضرر‌آور می‌افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می‌اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امری که حتی استحباب آن ثابت نشده می‌نمایند. گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدتها زیر بار قرض می‌روند. حال آنکه در سنت

1. خانواده نمونه.

2. ارزش پدر و مادر.

اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می‌شود، همسایگان و فامیله‌ها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزها و حج‌هایی که بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می‌خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و ... نمایند.

امام پنجم علیه السلام : سرور و آقای نیکان در قیامت، شخصی است که بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده است - آنان را فراموش ننموده است - .

«شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: نذر کرده‌ام آستانه بهشت را ببوسم . حال چه کنم؟

فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی . و اگر از دنیا رفته‌اند، قبر آنان را ببوس .»

دستور العمل برخورد با والدین

فرزندان باید در مقابل والدین خود اینگونه عمل نمایند تا سعادتمند باشند:

با محبت به آنها نگاه کند .

صدایش را بر آنها بلند ننماید .

حرف آنها را در غیر واجب و حرام، بکار ببندد .

با مخالفت آنها به سفر غیر ضروری نرود .

در رفع احتیاجات آنها بکوشد .

جلوتر از آنها در کوچه و خیابان گام برندارد .

برای آنها دعا کند و از خداوند سبحان آمرزش آنها را بخواهد .

تا زنده هستند آنها را از خود ناراضی نگرداند و بعد از رحلت آنها همیشه بیاد آنان بوده و برایشان دعا کرده و به نیت آنان کارهای خیر بجا آورد .

با عمل به این سفارشات می توان گفت که از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند .

چهره منافقین در قرآن و حدیث

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿138﴾

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿142﴾ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿143﴾⁽¹⁾

به منافقین بشارت عذاب دردناک بده.

منافقین با خدا خدعه و نیرنگ می کنند و خداوند سبحان هم مکر آنان را خنثی می کند. نماز منافقین با کسالت و بی حالی است و از روی ریا است. و خداوند سبحان را کم یاد می کنند. ثابت نیستند و گاه بطرف مؤمنین و گاه بطرف کفار می روند و راه مستقیم را نمی یابند

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿67﴾ وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿68﴾⁽²⁾

مردان و زنان منافق از هم هستند که امر به منکر و نهی از معروف می نمایند. بخیل بوده و خداوند سبحان را فراموش کرده اند. خداوند سبحان هم آنان را بحال خود رها کرده که حقیقتاً منافقین فاسقند. خداوند سبحان به مردان و زنان منافق، و به کفار وعده ابدی شدن در جهنم را داده است جهنم برای آنان کافی است و خدا آنان را لعنت کرده و برای آنها عذاب ثابت قرار داده است.

یکی از سوره های قرآن کریم به نام منافقین است. منافقین از خطرناک ترین دشمنان اسلام بخصوص ولایت می باشند.

تا زمانی که پیامبر اعظم ص در مکه بودند فقط یک دشمن داشتند: مشرکین بت پرست.

1. نساء

2. توبه

ولی از زمانی که پیامبر اعظم ص به مدینه هجرت کرده و حکومت اسلامی را در مدینه تشکیل دادند، گروهی از به ظاهر مسلمانها با حضرتش دشمنی می کردند که قرآن آنها را بنام منافق به پیامبر معرفی کرد. منافقین همان مشرکین بودند که ظاهر مسلمان داشتند.

تمام تلاش منافقین جلوگیری از گسترش اسلام بود لذا هرگاه فرصتی پیدا می کردند از طرق مختلف به اسلام ضربه می زدند. سردسته اینها عبدالله بن ابی بود. ولی سران اصلی آن، کسانی بودند که در ظاهر با پیامبر و در کنار حضرتش بودند ولی در باطن دشمن

حضرت بودند. منافقین این برنامه دشمنی با اسلام را تا رحلت پیامبر ص ادامه دادند. ولی بعد از رحلت حضرتش، اینها ناگاه دست از نفاق برداشتند و با سه خلیفه اول و دوم و سوم، کمال همکاری را داشتند.

بعد از پذیرش خلافت توسط امیر مؤمنان، منافقین دوباره ظاهر شدند که از جمله سران اصلی نفاق در این زمان، معاویه، طلحه، زبیر و اشعث بن قیس و خوارج و دیگران بودند.

بعد از شهادت علی ع، اینها با امام حسن ع، دشمنی کردند تا اینکه معاویه خلیفه شد. باز منافقین کنار رفتند و معاویه بیست سال خلافت کرد بدون اینکه اثری از منافقین باشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران به رهبری امام خمینی رض، دوباره منافقین ظاهر شدند که در راس منافقین، سازمان مجاهدین خلق به رهبری مسعود رجوی جنایتکار است.

ملت ما تا خرداد 88 اینها را منافق می دانستند. ولی بعد از انتخابات ریاست جمهوری در 22 خرداد 88، نفاق جدیدی ظاهر شد که یکی از ویژگیهای نفاق جدید، دوروئی آن در قبال نظام دینی، قانون اساسی، ولایت فقیه و آرمان های حضرت امام خمینی رض است.

این جریان در حالی که اعتقادی به اندیشه های امام رض ندارد، ولی خود را وفادارترین جریان به خط امام معرفی می کند. و حزب الله و اصول گرایان و حامیان ولایت را مخالف امام رض معرفی می کند.

اما چند نکته مهم :

- 1- شهید مطهری می نویسد: اینکه چرا این همه قرآن روی منافقین تکیه کرده است -
مفسرین طرح کرده اند و معمولاً چنین پاسخ داده اند که: با وجودیکه منافق یکی از اقسام کافر است در عین حال چنانکه از قرآن در بعضی موارد استفاده می شود منافق خطرش برای اسلام از کافر بدتر است. زیرا کافر یعنی کسیکه قرآن اصطلاحاً او را کافر می خواند - کسی است که خدا و پیغمبر را قبول ندارد ولی صداقت دارد یعنی علناً اظهار می کند و تکلیف مردم با او روشن است. ولی آنکس که بر روی عقیده قلبی خود روپوش نهاده و بزبان جووری سخن می گوید و در دل طوری دیگر است خطرش بسیار زیاد است زیرا مردم مسلمان را گول می زند و هیچگاه مردم از کفار گول نمی خورند.
- 2- منافقین کسانی هستند که به اسم اصلاحات با قرآن و پیامبر مخالفت می کردند
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ¹¹ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ¹²⁽¹⁾
- 3- منافقین کسانی هستند که در جنگهای صدر اسلام کارشکنی علیه مسلمین می کردند.
- 4- منافقین کسانی هستند که جلسات توطئه علیه حکومت اسلامی دارند
- 5- منافقین کسانی هستند که ظاهرشان گاهی خیلی متدین نشان می دهد.

6- منافقین کسانی هستند که از مسجد وامثال آن در جهت مسجد ضرار را ساختند مثلاً آنها برای توطئه علیه پیامبر اعظم ص مسجدی پهلوی مسجد قبا ساختند. پس از آنکه از کار آن فارغ شدند نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده ، در حالی که آن جناب آماده سفر به تبوک می شد، بعرضش رساندند: یا رسول الله! ما برای افراد مریض و کسانی که کارشان زیاد است و نمی توانند راه دوری طی نموده تا مسجد شما بیایند، و نیز برای شبهای بارانی و شبهای زمستان مسجدی ساخته ایم و میل داریم بدانجا تشریف آورده ، در آن نماز بگزاری ، و برای ما به برکت دعا فرمائی . حضرت فرمود: من الان سر راه سفرم ، اگر ان شاء الله برگشتم به محله شما می آیم و در مسجد شما نماز می گزارم ؛ ولی وقتی از سفر تبوک برگشت این آیات نازل شد، و وضع آن مسجد را روشن نمود.

7- منافقین کسانی هستند که از آیات قرآن برای گول زدن مردم استفاده می کنند. به

1. بقره 10

عنوان نمونه تا مدت‌ها در زیر آرم سازمان مجاهدین خلق آیه: فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیم، بود.

8- منافقین برای رسیدن به اهداف خود از سرنیزه کردن قرآن خود داری نمی کنند

9- منافقان سوگندهای شدید یاد می کنند که از پیامبر اطاعت می کنند ولی دروغ می گویند بر خلاف منافقان ، موء منان در برابر حکمیت و حکم خدا و رسول صلی الله علیه و آله ، تسلیم بوده می گویند: سمعنا و اطعنا

10- لاتها بهتر از منافقین هستند: شهید حجة الاسلام و المسلمین عبدالله میثمی تعریف می کرد: در زمان طاغوت دو عاشورا را در زندان بودم . سال اول را با منافقین و در زندان سیاسی بودم . شب عاشورا از ترس سرم را به زیر پتو بردم و تا صبح در عزای آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام اشک ریختم .

سال بعد من را به زندان عادی و به جمع لاتها منتقل نمودند. شب عاشورا همان لاتها آنچنان نوحه خوانی کردند و سینه زدند که جگر مرا حال آوردند. من لاتها را از منافقین بهتر می دانم.

11- اعتراض منافقین به نصب علی ع در روز غدیر خم به عنوان جانشین پیامبر اسلام ص در تاریخ ثبت شده است.⁽¹⁾

12- منافقین کسانی هستند که به مومنین می گویند ما باشما هستیم ولی در جلسات محرمانه به دوستان خود می گویند ما با شما هستیم ما مسلمانها را گول می زنیم.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ «14»⁽²⁾

13- منافقین کسانی هستند که می خواستند پیامبر را ترور کنند.

14- منافقین کسانی هستند که می خواستند پیامبر را از مدینه اخراج کنند!

«يَقُولُونَ لَنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَعْزَلُ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» «8»⁽³⁾

15- خدایچهگاه منافقین را نمی آمرزد «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»⁽⁶⁾ (منافقین)

1. داستانهای از اصول کافی

2. بقره

3. منافقون

16- علامه طباطبائی می نویسد: چطور است که منافقین تا پیغمبر اکرم زنده هستند فتنه ها می کنند ولی پیغمبر که از دنیا می رود و دوره خلافت خلفا می رسد دیگر نامی از این منافقین نیست؟ منافقین کوچکترین تحریک و دسیسه کاری در دوره خلفان کردند. اینها چطور یکمرتبه موءمن و عابد شدند؟! تا پیغمبر زنده بود، اینها موءمن واقعی نشدند ولی آیا پیغمبر که از دنیا رفت، یکمرتبه اینها موءمن واقعی شدند و یا اینها در دوره خلافت، منافع خودشان را تامین یافته دیدند و از این جهت صدایشان خوابید؟ این نشانه این است که در اثر وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و برقراری خلافت، جریان شکلی پیدا کرد که منافقین منافع خودشان را تامین یافته دیدند

17- هر مقدار که نفاق شدیدتر و پریپیچ و خم تر و دقیق تر باشد احتیاط از آن مشکلتر و دشوارتر است. مرحوم آقا میرزا محمد صادق اصفهانی از علمای خیلی بزرگ و هم دوره مرحوم آقا سید ابو الحسن بودند. ایشان بعد به اصفهان آمد که اگر در نجف مانده بود خودش مرجع تقلید بود. ایشان گفته بود از اصفهان برای سفر حج عازم مکه شدم) در آن وقت بیشتر با کشتی می رفتند و از کشورهای عبور می کردند.) در یکی از سفارتخانه های خارجی دنبال گذرنامه رفته بودم. یک وقت دیدم مردی با زبان فارسی فصیح صدا زد: آقا میرزا صادق! آقا میرزا صادق! بعد مثل یک آدم کاملاً آشنا شروع به صحبت کرد. هرچه فکر کردم دیدم او را نمی شناسم. آخر گفتم: من را نمی شناسی؟ گفتم: نه. گفتم: من در زمان مشروطیت در نجف در فلان حجره بودم، و خودش را معرفی کرد. یادم آمد که او طلبه ای بود از شاگردهای مرحوم آخوند که آنچنان زاهد و مقدس و متدین بود و آنچنان در سهایش را هم خوب حاضر می کرد که مورد اعتماد همه قرار گرفته بود. معلوم شد کسی بوده که سی سال ماموریت داشته است.⁽²⁾

18- منافقین امر به منکر می کنند مصداقش در زمان ما مخالفت با ولا؟ ت فقیه- مخالفت با وحدت- مخالفت با شورای نگهبان- مخالفت با قانون است.

19- منافقین همیشه در تاریخ اسلام حضور دارند. ولی فقط با ولایت و با اهل بیت ع و

2. آشنایی با قرآن- استاد مطهری

نایبان امام زمان عج مخالفت می کنند.

20- یکی از مهمترین راه شناخت نفاق جدید، بررسی مواضع قدیم و جدید آنهاست که معمولاً مواضع اینها در دوره های مختلف فرق می کند و هر دفعه یک موضعی می گیرند در یک دوره ای فقط از ولایت فقیه، حرف میزنند و دفاع میکنند و دهها جلد کتاب در اثبات آن می نویسند ولی در زمانی دیگر به ولایت فقیه می تازند و آنرا دیکتاتوری معرفی میکنند.

21- در سوره بقره آیات 8 تا 20 بقره خصوصیات منافقین را اینجور بیان می کند:

اولین خصلت اینکه منافقین مردمان متظاهری هستند که تظاهر اصولاً از مشخصات منافق است بطوریکه منافق از موعظه بیشتر اظهار ایمان می کند.

خصلت دوم: اینکه آنان نیرنگ بازند، حقه باز و فریبکارند که باز این خصلت از صفات ویژه آنان است.

سوم اینکه اینان مبتلا به یک بیماری روانی و روحی هستند که می خواهند با اینگونه اعمال آن عقده های درونی را شفا بدهند، و حال اینکه بر عکس بر عقده های دلشان و بیماری روحشان دائماً افزوده می گردد.

چهارم اینکه: امر چنان بر آنان مشتبّه شده است که حتی خودشان هم خیال می کنند که کارهایشان در راه اصلاح جامعه است. یعنی بر تباه کاریها و اخلاص لگاری خودشان لباس اصلاح پوشانده اند و خودشان هم باور نموده اند.

پنجم آنکه: اینان خود مردم سفیه و احمق هستند و دیگران را سفیه می پندارند.

ششم اینکه: دو چهره هستند و یکی از عملیات دوچهرگیشان اینطور است که در این مجلس بگونه‌ای سخن می‌گویند و وقتی به مجلس دیگر می‌روند درست ضد آن را بر زبان می‌رانند.⁽¹⁾

22- نکته دیگر این است که نفاق از مختصات بشر است. معمولاً در حیوانات اثری از نفاق یعنی دوچهرگی و دورویی دیده نمی‌شود. شاید خیلی به ندرت در بعضی از حیوانات زیرک چنین چیزی دیده شود، یعنی حیوان به حالتی بر ضد حالتی که داراست تظاهر کند. حیوان اگر خشم بگیرد آثار خشم در صدایش و حنجره‌اش ظاهر می‌شود؛ اگر

1. آشنایی با قرآن-استاد مطهری

خوشحال شود فوراً جست و خیز می‌کند؛ اگر دردش بیاید ناله می‌کند. هر صدایی از حیوان یک نشانه واقعی است از حالتی که دارد و میان حالتش و آن صدای اعلامتی که از خود بروز می‌دهد اختلاف نیست؛ این انسان است که این قدرت را دارد که ممکن است با یک نفر در نهایت درجه دشمن باشد و در دلش حقد و کینه او را داشته باشد ولی وقتی با او بنشیند تظاهر به دوستی کند و با چهره باز برخورد کند و اظهار خوشوقتی و خوشحالی کند. اکثر تعارفاتی که در میان مردم معمول است نوعی نفاق است برای اینکه دروغ است. کسی به خانه می‌آید و صاحبخانه می‌گوید قدم روی چشم ما گذاشتید، چنین و

چنان کردید، اما همینکه مهمان می‌رود، خلافتش رامی‌گوید و باطنش را ظاهر می‌کند. بشر به دلیل اینکه هوشش بیشتر و عقلش زیادتر است می‌تواند منافق‌گری و دورویی کند (5).

هرچه انسانها بدوی‌تر هستند صریح‌تر هستند یعنی فاصله میان درون و بیرونشان کمتر است. هرچه انسانها به طرف تمدن آمدند و هرچه که فرهنگ و تمدنشان پیش رفت بر نفاقشان افزوده شد، یعنی فاصله میان این دو چهره‌شان زیاد شد و این امر مثالهای بسیاری دارد به طوری که دنیای ما را باید گفت «دنیای نفاق». آن انسانهای اولی در صورتی که منافق‌گری می‌کردند، اگر فاصله دو چهره‌شان چهار سانتیمتر بود حالا انسانها در حدی منافق شده‌اند که فاصله میان دو چهره‌شان چند فرسخ است و کشف این نفاقها فوق‌العاده مشکل است. این نیرنگهایی که استعمارچی‌های دنیا می‌زنند و کارهایی که می‌کنند اگر لای اولش را باز کنی چیزی نمی‌فهمی؛ لای دوم را که باز کنی باز هم نمی‌فهمی، لای سوم را که باز کنی چیزی نمی‌فهمی، آن لای صدمش را اگر کسی باز کند، آن نیت حقیقی را در آن لای صدم می‌فهمد.

حذر از اینها خیلی مشکل است. هر مقدار که نفاق شدیدتر و پریچ و خم‌تر و دقیق‌تر باشد احتیاط از آن مشکل‌تر و دشوارتر است. «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ». دستور، دستور احتیاط است. احتیاط کردن از اینها صددرجه دشوارتر و مشکل‌تر است.⁽¹⁾

تبیین علل گرفتاری‌های بشر در قرآن و حدیث

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»⁽¹⁾.

یکی از سؤالات بشر همواره این بوده است که مشکلات و گرفتاری‌هایی که برایمان پیش می‌آید آیا خداوند سبحان خواسته و تقدیر الهی است و یا عامل دیگری دارد.

بaberرسی آیات و روایات متوجه می‌شویم که چون خدا خیر مطلق است و هیچ گاه شری از او صادر نمی‌شود و اراده نکرده که کسی دچار مشکل باشد و یا گرفتار شود، لذا عامل گرفتاری‌ها طبق آیه مذکور خود انسان‌ها می‌باشند.

علی علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمود: از گناهان اجتناب کنید که تمام بلاها و کمبود روزی به واسطه گناه است. حتی خراش برداشتن بدن، زمین خوردن و مصیبت‌های دیگر نیز عاملش خود انسان است.⁽²⁾

در این رابطه به چند داستان واقعی اشاره می‌شود:

مغازه داری از کم شدن مشتری هایش شکوه می‌کرد شیخ صاحب کرامت به او گفت خودت مقصری. چند روز قبل سیدی که نسیه برده بود را از مغازه ات بیرون کردی و این کار برایت مشکل ایجاد کرده. او هم سراغ سید رفت از او عذرخواهی کرد.

ماموری در زمان طاغوت در قسمت اداری ساواک پرونده‌ای را گم کرده بود و نزدیک بود که بلایی سرش بیاید. شیخ گفت که بیش از یکسال است به خواهرت که شوهرش مرده است سرنزدی! او هم مقداری میوه و پول تهیه کرد و به خانه خواهرش رفت و او را

خوشحال کرد . روز بعد وقتی به محل پرونده‌ها مراجعه کرد پرونده مذکور را زود پیدا نمود .

خانمی بچه خود را بخاطر نجس کردن آنقدر زده بود که نزدیک بود نفس بچه قطع شود ! بعد از یکساعت خانم مذکور تب کرد . او را به بیمارستان بردند و پول زیادی خرج کردند ولی مؤثر واقع نشد . دوباره او را دکتر بردند بازهم تاثیری نکرد . شیخ گفت که

1 . سوره شوری، آیه 30

2 . میزان الحکمه - مستدرک الوسائل 325/11

استغفار کند و بچه را از خود راضی نماید و چیزی برایش بخرد . مادر این کار را کرد و تب قطع شد .

در مکاشفه دیدند مردی که در دنیا زنش را اذیت کرده بود بعد از مردنش زندانی نموده و در عذاب است .

همچنین در مکاشفه دیدند که زنی که شوهر سیدش را اذیت کرده بود وقتی مرد اعمالش بصورت سگی همراه او شد .

شخصی مریضی سختی داشت و دوا و درمان کار ساز نبود . شیخ گفت که خواهرش را راضی کرده و بچه‌های یتیم او را سیر نماید و یتیم نوازی کند . با این کار از مریضی اش کاسته شد .

شخصی از کارمندان بدنش مبتلا به خارش شده بود . شیخ گفت که فلان کارمند را که زنی سیده بود بخاطر نوشتن نامناسب توبیخ کرده و به گریه انداخته بود . با راضی کردن او بیماریش برطرف شد .

مردی پادرد گرفته و خوب نمی شد . با مراجعه نزد شیخ معلوم شد که همکارش را ناراحت کرده و اذیت نموده است .

قصابی به شیخ مراجعه کرده و گفت که پسرش در حال مردن است . شیخ گفت چون بچه گاوی را نزد مادرش سربریده حالا پسر او باید بمیرد . چون در روایت است که حیوان را جلو حیوان دیگر سر نبرید .

در شهری خشکسالی شده و با آن نمی آمد . شیخ گفت که گاوی سربریده و به فقرا اطعام کنند . بعد از این کار باران خوبی بارید .

فرزند شخصی تصادف کرده و در بیمارستان بستری بود . شیخ گفت که گوسفندی سر بریده و چهل نفر از کارگران میدان را دعوت نموده و آبگوشت بپزند سپس روضه خوانی روضه بخواند و همه دعا نمایند .

همه این داستان ها نشان از نظم عجیبی که بر جهان هستی حاکم است دارد که از جمله نشانه های این نظم این است که هر کاری عکس العمل مربوط به خودش را در پی دارد .

البته در مورد گرفتاری های پیامبران و امامان و اولیاء خداوند، آیه مذکور جاری نیست

بلکه آیه:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»⁽¹⁾.

هر مصیبتی که در زمین یا در خودتان بوجود می‌آید قبلاً در تقدیر الهی نوشته شده و این برای خدا آسان است .

جاری است . که مصیبت‌های آنان همه با رضایت خودشان بوده که زینب علیهاالسلام فرمود هرچه در کربلا دیدم زیبایی بود .

امام راحل فرمود که شهادت مصطفی از الطاف خفیه الهی است .

استاد امام، آیه الله میرزا ملکی تبریزی در باره رحلت فرزند طلبه‌اش در روز عید غدیر فرمود که علی علیه‌السلام امسال بما عیدی داده است .

پس مواظبت بکنیم که گناه نکنیم و اگر گناه کردیم فوراً توبه کنیم و اگر کسی را اذیت نمودیم او را راضی نمائیم تا زندگی سعادت‌مندی داشته باشیم .

چرا عده‌ای منحرف می‌شوند؟

با اینکه خداوند سبحان دوست دارد همه انسان‌ها مؤمن بوده و عاقبت بهشتی شوند لذا پیامبران را فرستاد . کتابهای آسمانی نازل کرد . امامان را بعنوان حجت‌های خود در زمین و هادیان مردم انتخاب نمود . عالمان ربانی را هدایتگر مردم قرار داد . عقل را بعنوان پیامبر باطنی در انسان قرار داد . فطرت خداجویی را در هر بشری نهاده نمود . اما با این وجود همیشه عده زیادی از مردم از اطاعت الهی و هدایت ربانی سرباز زده و بدنبال هوای نفس و اطاعت از شیطان بوده‌اند . و قرآن کریم این نکته مهم را بارها تذکر داده است .

«أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»⁽¹⁾

اکثرشان ایمان نمی‌آورند!

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»⁽²⁾

خدا فضل خود را به مردم می‌رساند ولی اکثر مردم شکرگذار نیستند.

«وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ»⁽³⁾

اکثر فاسق هستند!

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که عوامل انحراف اکثر بشریت چیست؟ چرا اکثر انسان‌ها از سعادت در دنیا و آخرت محروم میشوند؟ چرا بشر مطیع دستورات صاحب این جهان و خالق همه انسان‌ها نیست؟

جواب: به چند دلیل .

1 - عدم تدبر و تفکر:

با اینکه انسان می تواند از قدرت عقل استفاده کند و راه را از چاه بشناسد ولی اکثراً این کار را انجام نمی دهند .

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»⁽⁴⁾

1 . سوره بقره، آیه 100.

2 . سوره بقره، آیه 243.

3 . سوره اعراف، آیه 102.

4 . سوره محمد، آیه 24.

آیا در قرآن تدبر نمی کنند یا بر دلشان مهر زده شده است؟

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»⁽¹⁾

عده‌ای به حرف تو گوش می‌دهند ولی ما بر دلشان مهر زده‌ایم و در گوششان مانع قرار داده‌ایم که هر آیه‌ای می‌شنوند که ایمان نمی‌آورند و با تو جلد می‌کنند و می‌گویند قرآن افسانه است!

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»⁽²⁾

جهنم را پر کرده‌ایم از کسانی که دل دارند ولی نمی‌فهمند گوش دارند ولی نمی‌شنوند . اینها چهارپایانی هستند بلکه از حیوانات پست‌تر بوده و غافل می‌باشند .

پس تفکر نکردن و تدبیر نمودن یکی از مهمترین عوامل انحراف بشریت می‌باشد .

2 - جهل و ناآگاهی نیز از عوامل انحراف انسانهاست:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»⁽³⁾

تورا پیامبر همه اهل عالم قرار دادیم ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»⁽⁴⁾

بگو آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرند؟

وقتی از یک معتاد سؤال می‌کنی چرا دنبال اعتیاد رفتی مگر از زیانهای این مسئله آگاهی نداشتی؟ جواب می‌دهند نه . نمی‌دانستم . هنگامی که از خانواده‌ای که دارای چند بچه عقب مانده هستند می‌پرسی چرا بعد از تولد بچه اول که عقب مانده بود دوباره اقدام

به تولد فرزندان دیگر کردید می گویند نمی دانستیم . هنگامی که از خانواده هایی که فرزندان بدی تربیت کردند می پرسى چرا دقت نکردید؟ می گویند نمی دانستیم . و هزاران نفر از افراد منحرف در پاسخ سؤال چرا منحرف شدید می گویند نمی دانستیم !

لذا در اسلام علم را نور و جهل و ناآگاهی را تاریکی و دشمن بشر می داند .

3 - تبعیت از هوای نفس نیز از عوامل انحراف است:

1 . سوره انعام، آیه 25.

2 . سوره اعراف، آیه 179.

3 . سوره سبا، آیه 28.

4 . سوره زمر، آیه 8.

«وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»⁽¹⁾.

از نفست تبعیت نکن که تو را از راه خدا دور می نماید .

دانشمندانی هستند که منحرف شدند زیرا از نفسشان تبعیت نمودند . عاقلانی هستند که منحرف شدند زیرا اسیر نفس اماره شدند .

لذا باید با سلاح تقوی و کمک گرفتن از قرآن و اهل بیت علیه السلام به جنگ نفس اماره برویم .

و باید بدانیم که علم به تنهایی نجات دهنده نیست و باید علم با تقوی همراه شود .

4 - ترجیح دادن دنیا بر آخرت و ترجیح دادن نقد بر نسیه:

بعضی از افراد می گویند ما فعلاً همین نقد را بگیریم . معلوم نیست آخرتی در کار باشد ! اینها منکر قیامت بوده یا در قیامت شک دارند .

«فَأَمَّا مَنْ طَغَى» (37) «وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (38) «فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى»⁽²⁾

هر که طغیان کند و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد جایگاهش جهنم است .

البته اینان در همین دنیا با مشکلات فراوانی مواجه می شوند و معمولاً زندگی راحتی ندارند . پس خسر الدنيا والاخرة می باشند .

1. ص. 25

2. سوره نازعات، آیه 39.

قضاء و قدر چیست؟

یکی از مهمترین سؤالاتی که معمولاً بشر می پرسد این است که آیا ما در زندگی خود آزاد هستیم که هر کاری را انجام بدهیم و همه حوادث تلخ و شیرین را خود بوجود می آوریم یا اینکه ما مجبوریم به آنچه برایمان مقدر شده تن بدهیم و هیچ اختیاری از خود نداریم؟

آیات قرآن در این زمینه متعدد است در بعضی از آیات انسان را با اختیار معرفی کرده است:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»⁽¹⁾

ما راه را نشان دادیم . می خواهی آدم شکرگذاری باشی و می خواهی کافر شوی دست خودت است .

و در بعضی از آیات گفته انسان اختیاری ندارد فقط خداوند سبحان است که هر که را بخواهد هدایت می کند و هر که را بخواهد گمراه می نماید:

«فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»⁽²⁾

خدا هر که را بخواهد گمراه کرده و هر که را بخواهد هدایت می کند و او قدرتمند و حکیم است.

اما وقتی به تفاسیر اهل بیت علیه السلام مراجعه می کنیم می بینیم که جهت مشخص شدن پاسخ این سؤال باید آیات را با کمک هم تفسیر نمود .

لذا با بررسی آیات قرآن کریم در این زمینه و بیانات ائمه علیهم السلام ، علماء شیعه معتقدند که انسان موجودی است دارای اختیار ولی نه اختیار مطلق . یعنی اینگونه نیست که خداوند سبحان انسان را خلق کند سپس او را به خودش واگذارد که هرکاری خواست بکند .

انسان دارای عقل و شعور است و با کمک این نعمت بزرگ و با الهام گرفتن از وحی الهی و پیروی از ائمه، در راه درست گام بردارد خداوند سبحان هم با فرستادن رحمت های خود

1 . سوره انسان، آیه 2.

2 . سوره ابراهیم، آیه 4.

والطاف خود مرتب او را یاری می نماید .

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»⁽¹⁾.

اگر خدا را یاری کردید خدا هم شما را یاری می نماید . و قدم های شما را استوار می گرداند

.

ولی اگر از نفس خود پیروی نمود و گوش به عقل و آیات الهی و امامان علیه السلام نداد و با اختیار در مسیر گناه و کفر و شرک قدم گذاشت خداوند سبحان هم الطاف خود را از او دریغ می کند و او را فراموش می نماید و او را بحال خود وامی گذارد که در این صورت هدایت نخواهد شد .

در مورد حوادث تلخ و شیرینی که برای انسان پیش می آید مانند مریضی ها یا تولد فرزند سالم . و امثال اینها . آدمی می تواند با دعا و عمل صالح از خدا همیشه حوادث خوب را درخواست کند و از حوادث بد به خداوند سبحان پناه ببرد . و خداوند سبحان هم در قرآن کریم وعده داده که اگر دعا کنید منم اجابت می نمایم .

نکته مهم دیگر این است که خداوند سبحان جهان را جهان علت و معلول قرار داده است و این قانون بر کل جهان حاکم است مگر در موارد استثنائی که خداوند سبحان این قانون را برای موردی بی اثر می کند . مثلاً طبق این قانون اثر آتش سوزندگی است . و هر آتشی می سوزاند . ولی استثناء وقتی ابراهیم بت شکن را در آتش انداختند خداوند سبحان دستور داد تا آتش نسوزاند .

مسئله مهم دیگر این است که از خدا فقط خیر صادر می شود ولی شر و بدی از خداوند سبحان صادر نمی شود .

«مَا أَصَابَكُمْ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكُمْ»⁽²⁾

یعنی هرچه خوبی بتو می رسد از خداست و هرچه بدی بتو می رسد نتیجه کارهای خودت است !

خداوند سبحان هیچگاه اراده نمی کند که فلانی شخص بدبخت باشد . یا فلان کودک معلول بدنیا بیاید . یا فلان فرد دارای مشکل شود . خداوند سبحان منزله از هر بدی و نقص است .

اگر فرزندی معلول متولد شده با بررسی معلوم می شود که علت آن ژنتیک بوده یا پدر

1 . سوره محمد، آیه 7.

2 . سوره نساء، آیه 79.

و مادر مشکل خونی داشته اند یا رعایت مسائل بهداشتی ننموده اند و یا علت دیگری دارد.

اگر کسی فقیر است باز باید بررسی کند که علت فقر او چیست؟ آیا کلا اجداد او اینگونه بوده اند؟ یا در ابتدا وضعیتش خوب بوده ولی با بی تدبیری و نداشتن اقتصاد در امور مالی، فقیر شده است .

بنابراین همه مسائل دارای علت هستند که با بررسی همه جانبه می توان به آن پی برد .

انشاء الله با مطالعه کافی و سؤال از دانشمندان و علماء جوابهای کافی برای سؤالات خود پیرامون قضا و قدر پیدا نمائید .

پس اگر شخصی مشکلی دارد باید بررسی کند که علت این مشکل چیست؟

دعا و نیایش

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»⁽¹⁾

«هرگاه بندگانم مرا صدا بزنند من نزدیکشان بوده و جوابشان را می‌دهم . پس از من اجابت بخواهند و بمن ایمان داشته باشند شاید هدایت شوند .»

«وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ»⁽²⁾

«خدا را باترس و طمع بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است»⁽³⁾

وقتی انسان متولد میشود . سپس بزرگ شده و در جامعه به رشد خود را ادامه می‌دهد . او در این سیر متوجه میشود که موجود ضعیفی است . بارها و بارها با حوادث مختلف مواجه میشود و در هر بار احساس می‌کند که نیاز به تکیه گاه مطمئنی دارد تا از پس مشکلات و گرفتاریها برآید . تکیه گاهی که دائمی باشد . در مقابل کمکهایش انتظار کمک نداشته وبدون چشم داشت انسان را یاری کند . تکیه گاهی که بسیار نزدیک، قدرتمند، خستگی ناپذیر، مهربان، حکیم ودانشمند، شجاع و ... باشد .

در جهان هستی چه کسی دارای این خصوصیات است؟ کدام موجودی است که این شرائط را داشته باشد؟

وقتی که ما در این موضوع تفکر و دقت می‌کنیم، متوجه می‌شویم که فقط خداست که می‌تواند تکیه گاه هر انسانی باشد.

خداوند سبحان خود امر کرده که «دعا بکنید و مرا صدا بزنید که من هم اجابت می‌نمایم.»⁽⁴⁾

«علی علیه السلام با آن شجاعت و قدرت بدنی در مناجاتش با خدا می‌گوید:

«ای تکیه گاه من! ای خالق که شکوه‌هایم را فقط بتو می‌گوییم! ای که از گرفتاریها و

1. سوره بقره، آیه 186.

2. سوره اعراف، آیه 56.

3. سوره اعراف، آیه 56.

4. سوره مؤمن، آیه 65.

مشکلاتم با خبری! ...

خدایا بر بنده‌ای که سرمایه اش امید بتو و سلاحش گریه است رحم نما!»

این دعاها و مناجاتهاست که روحیه انسانها را شاداب و قوی و سالم نگه می‌دارد. انسانهایی که با دعا سروکار دارند از نظر روحی بسیار سالمتر و شادابتر از دیگران هستند.

انسان با تکیه بر خدا می تواند ترس خود را کنترل نماید . با قدرت و اعتماد به نفس حرکت کند . در بسیاری از مواقع در برخورد با مشکلات، گرفتاریهای خود را برطرف کند . و اگر شکست خورد، خود را نبازد .

«دعا اسلحه مؤمن است . دعا سپر مؤمن است .»⁽¹⁾

«رسول خدا همیشه دعا می کرد از جمله در حال نگاه کردن به آئینه، هنگام سوار شدن بر مرکب، هنگام خوابیدن، وقتی که سفره پهن می کردند، هنگام دست بردن بسوی غذا، وقت جمع کردن سفره، هنگام نوشیدن شیر، هنگامی که میوه نوبر می خوردند، هنگام ورود به بیت الخلاء، هنگام افطار، موقع عبور از قبرستان، هنگامی که از چیزی خوشحال می شدند، در تعقیب نمازها، موقع دیدن ماه، وقت تحویل سال، موقع گرفتاری و غم، هنگام طلوع آفتاب، هنگام وضو»⁽²⁾

در روایات است که:

«دعا مغز عبادت است و با دعا هیچکس به هلاکت نمی رسد» «پیامبر فرمود: آیا شما را از اسلحه ای که شما را از دست دشمنان نجات داده و روزی شما را زیاد می کند، آگاه نکنم؟ گفتند: چرا . فرمود: شبانه روز دعا کنید که دعا اسلحه مؤمن است» «خداوند سبحان انسان بسیار دعاکننده را دوست دارد .»⁽³⁾

«بهترین عمل نماز، قنوت است»

دو دست دعا را بر آور، به زاری همی گوبه صد عجز و صد خواستاری

طریقه دعا کردن و اینکه با خداوند سبحان چگونه حرف بزنیم را باید از اولیاء خدا یاد بگیریم . زیرا اطلاعات ما از صفات خدا بسیار کم و معرفت ما نسبت به او بسیار قلیل

1 . میزان الحکمة 870/2-868

2 . زندگی پیامبر اسلام .

3 . میزان الحکمة 869/2

است . لذا معصومین علیه السلام دعاهایی را به ما یاد داده اند که اگر در معانی آنها دقت کنیم علاوه بر استفاده از اثراتشان می توانیم معرفت و شناخت خود را نسبت به خالق افزون کنیم .

از جمله دعاهای مشهور که بزرگان دین به خواندن آنها سفارش می کرده اند، دعای کمیل، ندبه، عشرات، سمات، جوشن کبیر، مناجات خمسۀ عشر، دعای صباح، دعاهای ایام هفته، زیارت عاشورا، زیارت جامعه، و ... می باشد .

چرا بعضی از دعاها مستجاب نمی شود؟

استجاب دعا با شرائط زیر عملی است:

1 - لقمه حرام در شکم نباشد

2- دعا به مصلحت او باشد

3- در دعا پافشاری کند

4- دعا همراه با رقت دل و اشک چشم باشد

5- دعا بر علیه فامیل نباشد

6- قبل و بعد از دعا را با صلوات همراه کند .

هر دمی عالمی خراب شدی

گر دعا جمله مستجاب شدی

همان بهتر که کور باشد!

«گویند پیامبری در محلی استراحت می کرد . دید که چند کودک مشغول بازی هستند . ولی یکی از کودکان کور است و بقیه بچه ها او را اذیت می کنند . دلش بحال این کودک کور سوخت و دعا کرد: خدایا ! به این کودک بینائی بده !

دعایش مستجاب شد و کودک بینا شد . ناگاه این کودک با عصبانیت سراغ بچه هارفت و گفت: شما بودید که مرا اذیت می کردید؟ آنگاه چندنفر از آنان را کنار رودخانه برد و با قوّتی که داشت سر آنها را داخل آب کرد و کشت ! پیامبر مذکور از دعایش پشیمان شد و گفت: خدایا کوری را به برگردان که تو خود حکیمی و می دانی به چه کسی بینائی بدهی و چه کسی را کور نمائی !»

سه دعای مستجابی که هدر رفت!

«گویند عابدی بر اثر عبادت زیاد دارای سه دعای اجابت شده گردید . با زنش مشورت کرد که چه دعائی بکنیم؟ زنش گفت: دعا کن خدا مرا خوشگل ترین زن کند! مرد هم دعا کرد و ناگاه زنش زیباترین زن شد . ساعتی خوشحال و مسرور بودند . اما ناگاه اخلاق زن تغییر کرد و بنای ناسازگاری گذاشت و عاقبت گفت: من دیگر با تو زندگی نمی کنم زیرا جوانان زیبای زیادی هستند که طالبند بامن و صلت کنند! مرد وقتی این حرف را شنید، ناراحت شد و گفت: حال می دانم که با تو چکنم! و دعا کرد: خدایا زنم را تبدیل به سگ کن!! ناگاه زن تبدیل به سگ شد! مرد اندکی خوشحال شد . اما فرزندان زن از او با التماس و خواهش خواستند که دعا کند مادرشان بهمان شکل اولیه که بود برگردد! مرد هم دعا کرد: خدایا زنم را بحال اول برگردان! وزن بصورت اولش برگشت و سه دعای مرد هدر رفت!»

«دعای پدر و مادر در حق فرزند، دعای حاجی از مکه برگشته برای انسان، دعای مظلوم علیه ظالم، دعا در سحر، دعا در هنگام باران، دعای روزه دار، دعای فرزند صالح برای والدین خود بهتر اجابت می شود»

دعا در آئینه احادیث

1 - «پیامبر صلی الله علیه و آله : خدا آدم بسیار دعاکننده را دوست دارد .»⁽¹⁾

2 - «پیامبر صلی الله علیه و آله : هر مسلمانی که دعا کند و دعایش در قطع رحم و یا جلب گناهی نباشد خدا یکی از سه خصلت را به وی دهد . اجابت کند . دعا را برای آخرتش ذخیره نماید . از گناهانش به وزن دعا بیخشد .»⁽²⁾

3 - «امام صادق علیه السلام : اگر می خواهید دعا مستجاب شود، از مردم مأیوس شوید . که اگر خدا چنین دید دعایتان را اجابت فرماید»⁽³⁾

4 - امام باقر علیه السلام : هر که دستها را برای دعا بلند کند، خدا حیا می کند که دست او را خالی برگرداند پس بعد از دعا دستها را بر سر و صورت خود بکشید .»⁽⁴⁾

5 - امام صادق علیه السلام : خدا می داند بنده اش چه می خواهد ولی دوست دارد که حاجتها گفته شود .»⁽⁵⁾

1 . بحار الانوار ، ج 93 .

2 . بحار الانوار 366/90

3 . بحار الانوار ، ج 93 .

4 . بحار الانوار 307/90

5. بحار الانوار ، ج 93 .

6 - امام صادق علیه السلام : دعای مخفی معادل هفتاد دعای آشکار است»⁽¹⁾

7 - «گفته اند پیامبر صلی الله علیه و آله در دعا چنان تضرع می کرد که نزدیک بود عبا از دوشش بیافتد.»⁽²⁾

8 - «امام باقر علیه السلام : خدا بندگان بسیار دعاکننده را دوست دارد . پس در هنگام سحر تا طلوع خورشید دعا کنید که در این ساعت، درهای آسمان باز و رزق تقسیم و حاجتهای بزرگ برآورده می شود.»⁽³⁾

9 - «پیامبر صلی الله علیه و آله : دعا بین اذان و اقامه رد نمی شود.»⁽⁴⁾

10 - «پیامبر صلی الله علیه و آله : چند دسته دعایشان مستجاب نمی شود: کسی که قرض می دهد و سندی نمی گیرد . سپس بدهکار انکار می کند . و کسی که علیه فامیل دعا می کند . و کسی که زنش او را اذیت می کند و از زنش نزد خدا شکایت می کند که خدا می فرماید من امر زنت را در اختیار قرار دادم و کسی که پولهایش را بی اندازه می بخشد و دوباره از خدا می خواهد و کسی که در خانه نشسته و از خدا رزق می خواهد.»

2. بحار الانوار 339/90

3. بحار الانوار 165/84

4. بحار الانوار 348/90

ذکر در قرآن و حدیث

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»⁽¹⁾

مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و از من تشکر نمائید و کفر نورزید .

«وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْأُبْحَارِ»⁽²⁾

خدایت را زیاده یاد کن و صبح و شب تسبیح او را بگو .

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»⁽³⁾

مؤمنین کسانی هستند که خدا را در حالت ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده یاد می کنند و در خلقت خدا تفکر کرده و می گویند اینها براساس حکمت خلق شده و بیهوده نیست . خدا یا تو منزه می . ما را از آتش قهرت نگره دار .

از عوامل مهم آرامش انسان، بیاد خدا بودن است . هرچه این یاد بیشتر باشد، اطمینان و آرامش انسان بیشتر خواهد بود . زیرا وقتی بیاد خدایی که آمرزنده است، می افتد، نگرانی انسان را از گناهان و خطاهایش از بین می برد . بیاد خدایی که قادر است، نگرانیهایی که انسان از برخورد با مشکلات دارد، برطرف می کند . بیاد خدایی که برطرف کننده غم و اندوه است، بودن، ناراحتیهایی که بر اثر گرفتاریها پیش می آید می زداید . بیاد خدایی که زیباتر از او نیست، بودن، تمام توجه انسان را از عشقهای دیگر به خدا متوجه می کند .

هرچه در خط عالم اویند

همه تسبیح او همی گویند

طبق دلائل قرآنی، همه جهان هستی بطور ذاتی و تکوینی به تسبیح خدا مشغول هستند .
«يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»⁽⁴⁾

به صحرا بنگرم صحرا ته بینم

به دریا بنگرم دریا ته وینم

1. سوره بقره، آیه 152.

2. سوره آل عمران، آیه 41.

3. سوره آل عمران، آیه 191.

4. سوره جمعه، آیه 1.

بهرجا بنگرم کوه و در و دشت

نشان از روی زیبای ته وینم⁽¹⁾

از نظر ظاهری و تشریعی هم، خدا به انسان سفارش کرده که صبح و شب بیاد او باشند .
«خدایت را زیاد کن و صبح و شب او را تسبیح بگو.»⁽²⁾

اگرچه خداوند سبحان از تسبیح و تحمید مخلوقاتش مخصوصاً انسان بی‌نیاز است ولی این ذکرها مایه معرفت و تکامل انسان شده و او را در رسیدن به معرفت الهی یاری می‌کند.

انسانهای عاقل و زرنگ در عرف عرفا و اولیاء خدا کسانی هستند که همیشه بیاد و ذکر خدا بوده و هیچ چیز حتی اشتغالات روزمره آنها را از این امر باز نمی‌دارد.

«انسانهای مؤمن کسانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا مشغول نمی‌کند.»⁽³⁾

«آنانکه در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده بذكر خدا مشغول بوده و در خلقت آسمانها و زمین تفکر کرده و می‌گویند: ای خدای ما! اینها را باطل و بیهوده نیافریده‌ای. تو از هر نقصی منزهی. پس ما را از جهنم دور نگه دار.»⁽⁴⁾

«ای مؤمنین! مبادا مال و منال شما را از یاد خدا غافل کند که در این صورت زیان کرده است»⁽⁵⁾

«خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید»⁽⁶⁾

لذت انسانهای دارای معرفت به ذکر است. یاد کردن خدایی است که: از همه زیباتر. از همه عظیمتر. از همه مهربانتر. از همه بخشنده تر. به اسرار آشناتر. از همه نزدیکتر. و... است.

برای همین پیامبران و امامان و اولیاء خدا، شبانه روز به ذکر خدا و از همه ذکرها بزرگتر، به نماز مشغول می‌شدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله آنقدر شبهارا به نماز گذراند که خدا به فرمود: «ای پیامبر! ما قرآن را نازل نکردیم تا تو به زحمت بیافتی.»⁽⁷⁾

1. بابا طاهر .

2. سوره آل عمران، آیه 41.

3. سوره نور، آیه 37.

4. سوره آل عمران، آیه 191.

5. سوره منافقون، آیه 9.

6. سوره جمعه، آیه 10.

7. سوره طه، آیه 1.

علی علیه السلام شبی هزار رکعت نماز می خواند . امامان دیگر نیز بسیاری از اوقات عمر خود را به نماز و ذکر الهی می گذراندند .

بحمد و قل هو الله کارشان بی

خوشا آنانکه الله یارشان بی

بهشت جاودان بازارشان بی⁽¹⁾

خوشا آنانکه دائم در نمازند

ما حداقل از این روش انسانهای برگزیده متوجه می‌شویم که در ذکر و نماز، باید منافع و اثرات بسیار مهمی باشد که آنگونه به آن اهمیت داده می‌شود. برعکس از اهمیت ندادن انسانهای فاسد به نماز و ذکر الهی متوجه می‌شویم که یکی از عوامل سقوط این انسانها فراموش کردن خالق خود می‌باشد. کسی که مربی اصلی انسان و تربیت کننده و بزرگ کننده انسان است فراموش کند، غافل‌ترین انسان است.

«یاد خدا بودن همه جا مهم است مخصوصاً در هنگام جهاد با دشمنان، در هنگام برخورد با گناه، در هنگام دیدن جلوه‌های دنیا مثل کاخها و قصرها و ثروتمندان و دنیاطلبان و زنهای زیبا و باغها و آسمان خراشها و زرق و برقهای ظاهری و...»

کسانی که از ذکر و یاد خدا غافل باشند- که متأسفانه اکثر انسانها این گونه هستند، دچار ضررهای مختلف دنیوی و اخروی می‌شوند از جمله:

1 - دچار سختی در زندگی می‌شوند: «کسی که از ذکر من دوری کند، دارای زندگی سختی می‌شود.»⁽²⁾

2 - کور محشور می‌شوند: «کسانی را که از یاد من دوری کنند، کور محشور می‌نمائیم. او می‌گوید: خدایا! چرا مرا کور محشور نمودی؟ در حالی که من چشم داشتم؟ خداوند سبحان گفت: همینطور است. ولی آیات من بتو رسید ولی آنها را فراموش کردی و امروز تو فراموش می‌شوی.»⁽³⁾

3 - شیطان همراه او می‌شود: «کسی که از ذکر خدای رحمن دوری کند، شیطان را همراه او می‌کنیم.»⁽⁴⁾

4 - دلش سیاه و دچار قساوت می‌شود: «خداوند سبحان به موسی گفت: ای موسی!

1. بابا طاهر.

2. سوره طه، آیه 124.

3. سوره طه، آیه 124.

4. سوره زخرف: آیه 36.

مرا در هیچ حالی فراموش نکن که فراموشی من دلهارا قسی می‌کند.»

5 - باعث می‌شود که انسان غافل، خودش را فراموش نماید: «مانند کسانی که خدا را فراموش کردند، نباشید که خدا هم یادِ خودشان را از خودشان بُرد.»⁽¹⁾

همه تسبیح او همی گویند ریگ در دست و سنگ در کهسار

جمله با او درین مناجاتند خواه موسی و خواه موسیقار⁽²⁾

انواع ذکر زبانی

1 - حمد و شکر:

«رسول خدا روزی سیصد و شصت بار به عدد رگهای بدن تسبیح می فرمودند.»⁽³⁾

«امام رضا علیه السلام بعد از نماز ظهر به سجده رفته و صدبار می فرمودند: حمداً لِلَّهِ . وبعد از نماز عصر به سجده رفته و صدبار می فرمودند: شکراً لِلَّهِ.»⁽⁴⁾

2 - استغفار:

«روایت شده هر که غروبها هفتاد بار بگوید: استغفرالله ربی و اتوبُ الیه . هفتصد گناهش پاک شود و اگر خود گناه نداشته باشد، گناهان پدر و مادر و دیگر اقوامش پاک شود»

3 - تسبیح:

«قبل از هر حمد و شکری، گفتن تسبیح (سبحان الله) مستحب است . مثل: سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر»

4 - تکبیر:

«با گفتن الله اكبر نماز شروع می شود . و گفتن تکبیر در مواقع مهم از جمله در موقع روبروشدن با دشمن سفارش شده است»

5 - صلوات:

«بهترین ذکر، صلوات است که اصول الدین را دربردارد.»

«روایت شده که در شبهای جمعه ملائکه فراوانی به زمین نزول کرده و تا شب شنبه آنجا

1. سورة حشر، آیه 19.

2. اوحدی مراغه‌ای.

3. زندگی پیامبر اسلام - سنن النبی 1/343

4. منتهی الآمال - عیون اخبار الرضاع 2/180

هستند و فقط صلوات بر محمد و آل محمد را می‌نویسند»

«روایت شده که در میزان هیچ عملی باندازه صلوات سنگینی ندارد»

6 - لا اله الا الله:

«در حدیث سلسله الذهب است که خداوند سبحان فرمود: کلمه لا اله الا الله، حصار من

است و هر که در قلعه من وارد شود، از عذابم ایمن می‌باشد.»

«امام باقر علیه السلام معمولاً به ذکر لاله الا الله مشغول بودند.»⁽¹⁾

7 - لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم:

«امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه غم اندوهت زیاد شد، این ذکر را زیاد بر زبان جاری

کن!»

8 - نامهای الله مثل یا حی یا قیوم:

9 - تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام :

«هر که این تسبیحات را بعد از نمازهای یومیه بخواند، ثواب هزار رکعت نماز دارد»

1 . منتهی الآمال - بحار الانوار 297/46

توبه و جبران گناهان

«وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ»⁽¹⁾.

از خدایتان درخواست آمرزش کرده و بسوی او توبه کنید که خدایم مهربان و بنده نواز است .

یکی از درهای رحمت خداوند رحیم، باز گذاشتن در توبه است . انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت و نجات خود را دارند . چه گناهان بزرگ و چه گناهان کوچک . چه برای کسی که گناهان کمتری انجام داده است . و چه کسی که مدتهای زیادی را به گناه مشغول بوده است .

«بزرگترین گناه، شرک به خداست و بعد از آن مأیوس شدن از رحمت خداوند سبحان است .»

وقتی انسان توبه می کند، خدا از او راضی می شود بیشتر از خوشحالی کسی که اثاثش را گم کرده سپس بعد از مدتی آنرا پیدا می کند .

«در روایت است که حضرت موسی علیه السلام به امر خدا شخص فاسدی را از شهر بیرون نمود تا شهر را فاسد نکند و جو آنها را نفریید ! او به بیابان رفت و بعد از چند روز مریض شد و کم و کم رو به مرگ رفت . دم مرگ ناگاه جرقه ای در دلش زده شد و در آخرین لحظات عمرش گفت:

یا من له الدنيا والاخرة! ارحم من ليس له الدنيا والاخرة .

ای کسی که دنیا و آخرت مال توست! به کسی که نه دنیا دارد و نه آخرت رحم نما!

با این حال از دنیا رفت . خداوند سبحان به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد که بنده‌ای از بندگان خوب مات از دنیا رفته است . تو به تشییع جنازه و دفن او اقدام کن .

حضرت موسی علیه السلام با اصحابش آمدند و دیدند که این همان جوانی است که او را از شهر بیرون کرده بودند . گفت خدایا این همانی است که به امر تو از شهر بیرون کردم؟
خدا

1 . سوره هود، آیه 90.

فرمود آری . اما دم مرگ توبه کرد .⁽¹⁾

من منفعل که پیش از دوجهان گناه دارم بچه روی، عذرگویم که رخ سیاه دارم

من اگر گناهکارم توبه به عفو کار خود کن که زبان توبه گوی و لب عذرخواه دارم

تو قبول اگر نداری دو جهان گواه

دارم⁽²⁾

منم آن که یک جهان را ز غمت برباد دادم

آثار توبه

- 1- پاک شدن گناهان قبلی: « خدا توبه بندگانش را قبول کرده و گناهان او را می بخشد. »
- 2- توبه کننده محبوب خدامیشود: «همانا خداوند توبه کنندگان و کسانی را که می خواهند خود را از رذائل پاک کنند، دوست دارد. »⁽³⁾
- «امام ششم: هرگاه بنده ای توبه کند، خدا او را دوست داشته و عیب او را در دنیا و آخرت می پوشاند. »⁽⁴⁾
- 3- بوی بد گناه را از بین می برد: «علی علیه السلام : با استغفار خود را عطر بزنید تا بوی بد گناهان شمارا رسوا نکند. »⁽⁵⁾
- 4- پاک شدن زنگ دل: «پیامبر صلی الله علیه و آله : دلها هم مثل آهن زنگ می زند . زنگ دل با استغفار از بین می رود. »⁽⁶⁾
- 5- زیاد شدن روزی: «استغفار کنید که خدا آمرزنده است . از آسمان بر شما باران می فرستد و شمارا با اموال و فرزندان یاری می کند و برای شما باغها و نهرها قرار می دهد. »⁽⁷⁾
- 6- برگشت پاکی به توبه کننده: از موانع سر راه موفقیت گناهکاران، مأیوس شدن از رحمت الهی است . اگر چه گناه بد است ولی از آن بدتر این است که خیال کنیم دیگر راه برگشت و اصلاح برایمان وجود ندارد . درحالی که انسان تا زنده است فرصت جبران و توبه کردن را دارد .

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که یکسال قبل از مردنش توبه کند، توبه‌اش قبول است .
سپس

1. اخلاق و خودسازی، آیه الله مظاهری، ص 194.

2. محتشم کاشانی.

3. سوره بقره، آیه 222.

4. خانواده نمونه - ثواب الاعمال/171

5. خانواده نمونه - بحار الانوار 278/90

6. خانواده نمونه - بحار الانوار 284/90

7. «نوح 10»

فرمود: یکسال زیاد است . کسی که یکماه قبل از مردنش توبه کند، توبه‌اش قبول است .
سپس فرمود یکماه زیاد است ! اگر یک هفته بلکه یک روز و بلکه یکساعت قبل از
مردنش توبه کند، توبه او پذیرفته می شود .⁽¹⁾

«از امام صادق علیه السلام در معنای آیه: وَكَيْسَتْ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا
حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ .

پرسیدند . فرمود: این آیه از آن حالتی سخن می گوید که چشم انسان -از امور دنیا بسته -
به امور آخرت باز می شود . در این هنگام است که دیگر توبه فایده ندارد .⁽²⁾

مواز قالوا بلی تشویش دارم گنه از برگ و باران بیش دارم

اگر لا تقنطوا دستم نگیرد مواز یا ویلنا اندیش دارم⁽³⁾

توبه کمر شیطان را می شکند . و او را ناامید می کند . توبه چراغی است که هیچگاه خاموش
نمیشود و در تاریکیهای گناه و انحراف، انسانها را به نور و پاکی رهنمون می سازد . توبه
کنندگان محبوب خدا هستند و پاداش جوان توبه کننده مانند پاداش حضرت یحیی
علیه السلام است .

جوانی که بدلایلی مدتی را در انحراف بسر برده است، هر زمان که بخود آمد می تواند
و باید برگردد و خود را نجات دهد . زیرا خداوند سبحان توبه پذیر است . و دوست دارد که
بندگانش را از تاریکی به نور هدایت کند .

توبه محدودیتی ندارد و هر چقدر انسان گناه کند باز هم فرصت توبه است و هر چقدر گناه
بزرگ باشد باز هم می تواند جبران و توبه کند .

به داستان زیر توجه کنید:

توبه کسی که صد نفر را کشته بود !

در زمان قدیم شخصی در جنگهای مختلفی که با قبیله مقابل انجام داد افرادی را بقتل رساند. روزی باخود حساب کرد و دید تا آنروز 99 نفر به دست او کشته شده‌اند. او تصمیم

1. المیزان ج 4 ص 397

2. المیزان، ج 4، ص 397.

3. «باباطاهر»

به توبه گرفت. لذا از مردم پرسید که کجا می‌توان توبه کرد؟ او را به خانه عابدی که در کوه زندگی می‌کرد هدایت کردند. او عابد را پیدا کرد و گفت: من تاکنون 99 نفر را کشته‌ام. آیا برای من توبه است؟ عابد گفت: خیر زیرا گناه تو بسیار سنگین و غیر قابل بخشش می‌باشد و تو جهنمی هستی! او ناراحت شد و گفت: حال که مرا مأیوس کردی، تو را هم می‌کشم! و عابد را هم بقتل رساند. سپس بشهر آمد و پرسید: دیگر کجا می‌توان توبه نمود؟ گفتند: خانه عالم در فلان محل است به آنجا برو شاید تو را کمک کند. او بدرخانه عالم رفت و وقتی او را دید داستان خود را تعریف کرد. عالم گفت: برای تو توبه است ولی چون گناهت بسیار بزرگ است باید به فلان شهر بروی و به دست فلان پیامبر توبه کنی! او از عالم تشکر کرد و بار سفر را بست. دربین راه اجل او رسید و از دنیا رفت. هرگاه شخصی بمیرد اگر از خوبان باشد دو فرشته رحمت روح او را بالا می‌برند

و اگر از بدان باشد دوفرشته غضب روحش را می‌برند . این مرد که مُرد هم فرشتگان رحمت آمدند و هم فرشتگان غضب و این دوباهم نزاع کردند . فرشتگان رحمت گفتند ما باید روحش را بالا ببریم زیرا او در راه توبه بوده است ! و فرشتگان غضب گفتند ما باید روحش را ببریم زیرا او 100 نفر را کشته و هنوز توبه نکرده است . حکمیت نزد خدا بردند . خداوند سبحان وحی کرد که ببینید به پیامبر نزدیکتر است یا به محل کشته شده‌ها ! اندازه گرفتند و دیدند که به پیامبر نزدیکتر است ! لذا فرشتگان رحمت، روحش را بالا بردند .

گناه بنده نادم ز فعل نامرضی اگر بزرگ‌تر از عالم است و مافیها

فتد به معرض عفو غفور چون شوید به آب توبه رخ معصیت نمای رضا⁽¹⁾

توبه کردن در اسلام بسیار ساده است و شرط خاصی ندارد . کسی که می‌خواهد توبه کند لازم نیست که بازبان هم چیزی بگوید بلکه همینکه در دلش بگذراند که خدایا ! من بخودم ظلم کرده‌ام و از تو می‌خواهم که مرا ببخشی ! کافی است . همچنین برای توبه مکان معینی در نظر گرفته نشده است بلکه در خانه، مسجد و محل کار و بازار و هر جای دیگر که بخواهد توبه کند، میتواند .

افرادی بوده‌اند که سالیان سال غرق گناه بوده ولی با حوادثی بخود آمده و نور هدایت

در آنها تابیدن کرده است . ساحران فرعون که سالها جزء مقربین فرعون بودند ولی وقتی معجزه راستین موسی علیه السلام را دیدند ایمان آوردند و از شکنجه های فرعون نسبت بخود، هراسی بدل راه ندادند . قوم یونس تنها قومی هستند که وقتی آثار عذاب را دیدند تکانی بخود داده و توبه کردند و در نتیجه عذاب خدا شامل آنان نشد . حربن یزید ریاحی از فرماندهان عمر سعد ساعتی قبل از مردن بخود آمد و از صف عمر سعد جدا شد و به کاروان عاشقان حسینی پیوست و خود و پسر و غلامش جزء اولین شهدای کربلا نامشان ثبت شد و قبرشان زیارتگاه حاجتمندان . بشر حافی، همسایه ابابصیر، عیاض راهزن، قنبر (فتاح)، ... تا زمان ما که مالکوم ایکس، کت استیونس، رهبر کمونیست نروژ و همسرش، خواننده ورقاص مصری، عده ای از کشور آمریکا، آلمان، انگلیس و ... اسلام آوردند و نور و روشنی را اختیار نمودند .

این انقلاب درونی در طول تاریخ برای بسیاری از گمراهان انجام گرفت و هدایت شدند تا زمان انقلاب اسلامی که سرعت آن افزوده شد و هزاران رقاص، هنرپیشه و خواننده و شرابخوار و گمراه، توبه کردند و زندگی جدیدی را پیش گرفتند .

از توبه بشوی گناه و خطا

وز توبه بجوی نوال و عطا

گرتوبرسی به نعیم مقیم

وز توبه رهی، ز عذاب الیم

توبه در صلح بود یارب

این در می کوب، به صد یارب

نومید مباح ز عفو الله

ای مجرم عاصی نامه سیاه

گرچه گنه تو ز عد بیش است

عفو و کرمش از حد بیش است⁽¹⁾

در اسلام برخلاف مسیحیت، نباید گناه خود را نزد شخصی حتی روحانی یا نزدیکترین دوستان و فامیل گفت! بلکه گفتن گناه فقط در پیشگاه خدا رواست.

بعضی از جوانان کارهای زشت خود را نزد دوستان و رفقا تعریف می کنند که این باعث معصیت بیشتر آنان میشود. گناهی که مخفیانه صورت بگیرد با توبه زودتر بخشیده می شود تا گناهی که برای چند نفر تعریف کند و یاد در حضور دیگران گناه کند.

در کمپ های تولدی دوباره که برای ترک اعتیاد باز شده است در جلسات دوازده

1. «شیخ بهائی»

قدمی، شخص معتاد برای رهایی از شخصیت کاذبی که برایش درست شده، در مقابل دیگر معتادان زبان به اعتراف به کارهای خلافی که کرده می نماید و دیگران برایش کف می زنند و او را تشویق می کنند. این کار در مرتبه اول درست نیست ولی اگر برای رهایی از اعتیاد باید حتما این کار را انجام دهند اشکالی ندارد.

توبه هرچه زودتر انجام شود بیشتر امید رهائی می‌رود. لذا کسی که گناهی مرتکب می‌شود، تا هفت ساعت به او مهلت می‌دهند و گناهش را نمی‌نویسند. اگر در این فاصله توبه کرد، که هیچ. والا گناهش را می‌نویسند تا پس از توبه پاک شود.

اگر گناه انسان حق الناس باشد مثل دزدی یا کلاهبرداری باید شخص صاحب حق را راضی کند. و فرقی ندارد که مال او را پس دهد و یا از او حلالیت بگیرد. و فرقی ندارد که مستقیم نزد او برود و مالش را پس دهد و یا اینکه بصورت غیر مستقیم به او برگرداند. مثلاً برایش پست کند و یا بعنوان هدیه به او بدهد.

البته بعضی با امید به اینکه در پیری توبه می‌کنیم، غرق در گناه و انحراف میشوند و عمری را در عیاشی و لهو و لعب سپری می‌کنند! غافل از اینکه میل به توبه تا زمان مشخصی در انسان وجود دارد و اگر آنقدر گناه کند که قلبش سیاه شود و دچار قساوت قلب شود، دیگر توبه در نظرش مسخره می‌آید و خدا و پیامبر و قرآن و قیامت را انکار می‌کند. همانطور که در قرآن کریم هشدار داده است که: «عاقبت گناهکاران آن می‌شود که آیات و نشانه‌های خدا را انکار می‌نمایند.»⁽¹⁾

در این حالت دل آنقدر تاریک میشود که دیگر موعظه هیچ موعظه کننده‌ای را نمی‌پذیرد و حتی نصیحت کنندگان را دشمن خود می‌داند و بداند و فاسقان و فاسدان را دوست خود می‌انگارد.

دنیا طلبی

رُّبِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ⁽¹⁾

یعنی زندگی دنیا برای کفار جلوه کرده و آنها مؤمنین را مسخره می کنند ولی در قیامت
متقین بالاتر از کفار هستند و خدا به هر که بخواهد روزی بدهد بدون حساب می دهد .

«زندگی دنیا فقط کالای گول زننده است»

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ⁽²⁾

«زندگی دنیا برای کفار زیبا بنظر می رسد»

قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى⁽³⁾

«بگو کالای دنیا کم ولی آخرت برای متقین بهتراست»

با بررسی آیات الهی درمی یابیم که دنیا کالا و محل آزمایش و خانه موقت و مکان زود گذر
و باعث گمراهی بسیاری و هدایت عده کمی است .

«زندگی دنیا بازیچه و سرگرمی است!»⁽⁴⁾

«زندگی دنیا مثل آبی است که از آسمان فرومی فرستیم و گیاهان سرسبز می روید اما بعد از
مدتی می خشکد و بادها آنرا به هرسو می کند و خدا بر هر چیز تواناست»⁽⁵⁾

«دنيا مثل بارانی است که محصولش ابتدا کشاورزان را از بسیاری متعجب می کند سپس
زرد و خشک می شود و به کاه تبدیل می گردد.»⁽⁶⁾

«زندگی دنیا شمارا گول نزند.»⁽⁷⁾

دنيا خانه موقت انسانهاست . خانه ای که سعادت و شقاوت اودر همین جا مشخص می شود

.

1 . بقره 212

2 . آل عمران 185

3 . نساء 77

4 . انعام 32

5 . کهف 45

6 . حدید 20

7 . لقمان 33

دنیا برای افراد عاقل و متفکر و باهوش، تجارتخانه ای است که در آن معاملات مهمی را بنفع خود انجام می دهند . مال و جان و فرزندان خود را می دهند و در مقابل رضایت الهی و بهشت ابدی را به دست می آورند . که متأسفانه این افراد کم هستند .

و دنیا برای افرادی که آینده نگر نیستند و فقط وضع فعلی را می بینند، تجارتخانه ای است که تمام سرمایه های آنها در این محل از بین می رود و جز پرونده ای سیاه از اعمال زشت چیزی برای آنها به ارمغان نمی آورد .

اگر شیری اگر میری اگر مور
گذر باید کنی آخر لب گور

دلا رحمی بجان خویشان کن که مورانت نهند خوان و کنند سور⁽¹⁾

در دین اسلام از دنیائی که بعنوان هدف باشد، بسیار مذمت شده و علاقه به دنیا ریشه همه خطاها و اشتباهات بشری ذکر شده است .

در قرآن کریم هشدارهای فراوانی در این زمینه به انسانها داده شده است

در سخنان بزرگان دین نیز این هشدارها با عبارتهای مختلف بیان شده است .

دنیا طلبان ز حرص مستند همه موسی کش و فرعون پرستند همه

هر عهد که با خدای بستند همه از دوستی حرص بشکستند همه⁽²⁾

آثار زیانبار دنیا طلبی

1- ثروت اندوزی مایه عذاب می شود .

«به کسانی که طلا ونقره هارا انبار می کنند و آنها را در راه خدا خرج نمی کنند، بشارت عذاب دردناک بده . در روز قیامت همین ثروتها بصورت عذاب بر پشت وپیشانی آنها فرود می آید»⁽³⁾

2- ثروت اندوزی مایه سرگرم شدن و از خدا غافل گردیدن است .

«ثروت اندوزی شمارا مشغول کرد تا زمانی که از دنیا رفتید و شمارا دفن کردند .»⁽⁴⁾

3- دنیا طلبی باعث زحمت بی پایان، آرزوی دست نیافتنی و امید بی حاصل می شود

1 . «باباطاهر»

2 . ابوسعید ابوالخیر

3 . «توبه 34»

4 . تکاثر 1

4- دنیا طلبی عقل را فاسد ودل را از شنیدن حکمت، کر می کند .

5- هرچه ثروت انسان بیشتر باشد، حجت‌های الهی علیه او در قیامت بیشتر است .

6- دنیا طلبی مانع عبادت و اطاعت خداست .

7- پول و ثروت طبق نظر امام رضا علیه السلام بایکی از اسباب زیر جمع می شود: بخل شدید، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رابطه فامیلی، ترجیح دنیا بر آخرت

8- ریشه های لذات اصلی دنیا طبق نظر امام باقر علیه السلام هفت چیز پست است:

نوشیدنی ها که بهترین آن آب معدنی است که از لابلای خاکها و حشرات و فاضلابها بالا آمده و کم و کم صاف و زلال می شود!

خوردنی ها که بهترین آن عسل طبیعی است که عسل مدفوع زنبور است!

پوشیدنی که بهترین پوشیدنی ابریشم است که از آب دهان کرم ابریشم به عمل می آید!

بوئیدنی ها که بهترین بوئیدنی مُشک است که از ناف آهو بعمل می آید!

شنیدنی ها که بهترین آن غنا و طرب است که صدای شیطان می باشد .،

سواریها که بهترین آن در زمان گذشته اسب و حالا ماشین است که آنهم گاهی قاتل صاحبش می باشد .،

عمل جنسی که از همه لذات برتر است و آنهم که مبال اندر مبال است!

9- اگر کسی بت پرست نباشد ولی دنیا طلب باشد بگفته ابلیس، همین برای گمراهیش کافی است .

10- بفرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله ، دنیا طلبی اولین عامل معصیت خدا بوده است .

زهر دارد در درون، دنیا چومار گرچه دارد در برون، نقش ونگار
زهر این مار منقش قاتل است می گریزد زو هر آن کس عاقل است

در عرف جامعه ها کسانی را که دارای ثروت و مکنث هستند زرننگ می دانند و گاهی به آنها حسرت می خورند . زیرا وضع فعلی و ظاهر امر را می بینند ولی از عاقبت این افراد خبر ندارند . یکی از افراد بسیار ثروتمند که عاقبت بدی پیدا کرد و داستان در قرآن کریم برای هشدار و عبرت گرفتن آدمی آمده است، داستان قارون است .

«قارون ابتدا جزء اصحاب موسی علیه السلام و پسر عموی او بود . او علم و زیبایی و ثروت را باهم داشت . ثروت او آنچنان زیاد بود که کلیدهای انبار

گنجهای او را شتران حمل می کردند . وقتی در کوچه ها با آن شوکت و ابهت وزینتها حرکت می کرد، مردم می گفتند: ای کاش ما هم مثل قارون بودیم ! ولی دنیا طلبی او باعث شد که با موسی علیه السلام مخالفت کند و علیه موسی علیه السلام توطئه کند و سرانجام دچار قهر الهی شده و به نفرین موسی علیه السلام خود و ثروتش به زمین فرو رفتند .»

دنیا که دلت ز حسرت او زار است سرتاسر او تمام محنت زار است
دنیا که از او دل اسیران ریش است پامال غمش، توانگر و درویش است

نیشش همه جان گزاتر از شربت مرگ نوشش چونکو نگه کنی هم نیشش است⁽¹⁾

«در سوره فجر چهارمورد دنیاطلبی بعنوان مانع عبادت اشاره می کند:

كَأَلَّا بَلًا لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ: شما یتیم را اکرام نمی کنید! وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ: یکدیگر را برای غذا دادن به مستمندان تشویق نمی کنید! وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا: و میراث وارث را جمع کرده می خورید! وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا: و مال و ثروت را بسیار دوست دارید!»

«پیامبر صلی الله علیه و آله: اَمْتَم در دنیا سه دسته اند: عده ای هستند که جمع آوری مال و ثروت را دوست نداشته و به ضروریات راضی هستند. اینها ایمن می باشند.

دسته دوم از راه حلال مال و ثروت جمع کرده و جمع آوری مال را دوست دارند ولی بامالشان صله رحم نمی کنند و به برادران دینی کمک نمی نمایند و برادران ایمانی را از حقشان منع می کنند. اینها را اگر خدا بخواهد عفو می کند و الاً بر آنها حجت اقامه می نماید.

دسته سوم از حلال و حرام ثروت اندوزی می کنند. واجبات را نمی دهند و اگر خرج می کنند در اسراف و تبذیر است. دنیا بر اینها حاکم است و روز قیامت به جهنم روانه میشوند.⁽²⁾»

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا

1. شیخ بهائی

2. خوبی ها و بدی ها .

اَكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا⁽¹⁾.

انسان نباید چشمش را به نعمتها و زیورهایی که بعضی ها دارند بدوزد و حسرت آنها را بخورد . وقتی از کنار خانه زیبایی رد شود بگوید چرا ما از این خانه ها نداریم ! وقتی ماشین گرانقیمتی از کنارش رد شود بگوید چرا ما نداشته باشیم؟ و هنگامی به خانه کسی می رود و چشمش به وسایل زیبا و گرانقیمت صاحبخانه می افتد حسرت بخورد و این انگیزه ای شود تا خدای نکرده در راه حرام بیافتد . یا زنان بگویند چرا ما مرد نشدیم ! و امثال این حسرت خوردن ها نهی شده . بلکه باید همت کنیم و تلاش نماییم تا زندگی با عزت و سالمی را داشته باشیم و بدانیم که دنیا برای ماندن نیست که حضرت امیر علیه السلام فرمود: دنیا بیاید برای مردن ! بسازید برای خراب شدن !

در روایت است که ام سلمه به پیامبر اعظم ص عرض کرد: چرا ما زنها از جهاد محرومیم؟ چرا نصف ارث می بریم؟ ای کاش ما هم مرد بودیم ! ای کاش ما هم موقعیت اجتماعی داشتیم !

آیه فوق نازل شد که برتریهایی که خدا طبق حکمت برای بعضی بر بعض دیگر قرار داده آرزو نکنید زیرا هر کدام از این تفاوتها دارای اسراری است که بر شما پوشیده است چه تفاوتهایی که از نظر جسمانی با هم دارید و چه تفاوتهای حقوقی مثل ارث و چه غیره، همه این تفاوتها بر پایه عدل الهی است .

آری در جهان هستی تفاوت میان انسانها بصورت فراوان وجود دارد . عده ای فقیر و عده ای غنی . عده ای زیبا و عده ای زشت . عده ای سفید و عده ای سیاه . عده ای سالم و عده ای ناقص و ..

اما اولاً خداوند سبحان اراده نکرده که عده ای ثروتمند باشند و عده ای فقیر . یا عده ای سالم باشند و عده ای فلج و ناقص . بلکه جهان، جهان علت و معلول است و ثانیاً خدا از هر کسی باندازه توانی که دارد تکلیف می‌خواهد . از آدم معیوب باندازه آدم سالم تکلیف نمی‌خواهد . از آدم فقیر باندازه آدم ثروتمند تکلیف نمی‌خواهد .

و ثالثاً جهان بر پایه عدالت الهی بنا شده لذا خدا سرسوزنی به کسی ظلم نمی‌کند اگر

1. سوره نساء ، آیه 32.

چه انسانها هم به یک دیگر وهم به خودشان ظلم می‌نمایند .

انسانهایی که دچار فقر و بیماری و گرفتاری های مختلف و کمبودهایی هستند باید به نعمتهایی که دارند توجه نند و تلاششان را چند برابر کنند که در تاریخ افرادی بوده اند که نقص جسمانی داشته اند یا فقیر بوده اند ولی با تلاش و همت به درجات بالای اجتماعی رسیده اند .

درباره ملا صالح مازندرانی

در باره ابتدای طلبگی او آمده است که: آن قدر فقیر و نیازمند بود که اگر می خواست چیزی بنویسد، تهیه کاغذ برایش مقدور نبود و بر روی استخوان و چوب می نوشت! بخاطر کهنگی لباس، خجالت می کشید که بین شاگردان بنشیند و بیرون از کلاس در گوشه ای می نشست و صدای استاد را می شنید. او تحقیقات خود را بر روی برگ چنار می نوشت! و مردم و طلاب خیال می کردند که او برای گدایی آمده است! روزی استاد او، ملا محمد تقی مجلسی در حل مسأله ای ماند و جواب معما را به روز بعد موکول کرد و روز دوم و سوم هم نتوانست آن را حل نماید. در این حین یکی از طلاب به چند برگ چنار ملا صالح برخورد و دید که جواب آن مسأله روی برگها نوشته شده است! آنها را نزد استاد برد. وقتی استاد فهمید که اینها مال ملا صالح است، دستور داد تا لباس نوی به او دادند و شهریه برایش مشخص کردند.

خود ملا صالح گفته است که: من در پیشگاه خداوند سبحان بر طلاب حجّت هستم. زیرا احدی در فقر از من فقیرتر نبود، به طوری که زمانی به خاطر نداشتن پول برای تهیه چراغ، برای مطالعه از چراغ مستراح استفاده می کردم. در حافظه و استعداد، کسی از من فراموشکارتر نبود و هر موقع از خانه خارج می شدم، در موقع برگشت، خانه ام را گم می کردم و حتی نام بچه هایم را فراموش می نمودم و در سن سی سالگی شروع به یاد گرفتن الفبای فارسی نمودم. اما چون تلاش زیادی کردم، خدا هم بر من منت نهاد و توانستم تحصیل علم کنم و از جمله نعمتهایی که خدا به من داده مسری فاضله از خاندانی پاک و طیبه بود که به من عطا فرمود.⁽¹⁾

1 . داستانهایی از زندگی علما.

از حضرت باقر علیه السلام است که فرمود: پرهیز از اینکه چشم بمافوق خود بگشایی .
کافیست بدستوری که خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم داده است توجه کنی که در
قرآن کریم فرمود:

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ.

مال و فرزندان ایشان تو را بشگفت نیاورد .

و نیز فرموده است: وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا.

دیدگان خود را به زر و زیور دنیایی که بمردم کافر داده ام مگشای . پس هرگاه یکی از
این امور برای تو پیش آمد از زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم یاد کن که اگر
دسترسی پیدا می کرد خوراکش نان جویی بود و شیرینیش خرما و آتشگیره اش شاخه
درخت خرما بود .⁽¹⁾

صبر عجیب حاج شیخ علی زاهد قمی

او در شدايد و سختیها و گرفتاریها بسیار صبور و بردبار بود به حدی که اهل این زمان آن را
بر نمی تابند و تحمل نمی کنند . فرزندش در نجف از دنیا رفت و او گریه وزاری نکرد .

زمانی که از دفن او بر می گشت، خبر درگذشت فرزند دیگرش، شیخ شریف از ایران رسید پس او به سجده افتاد و شکر خدا را نمود و برای هردو مجلس فاتحه گذاشت و بر این مصیبت و بلا خدا را سپاس می گذارد. زیرا اعتقادش آن بود که این، آزمایش بندگان و پاک شدن گناهان است. صبر و بردباریش در بیماری اخیر او - که منجر به وفاتش شد - به این اعتقادش به خوبی گواهی داد.

او به بیماری سختی در مجرای ادرارش دچار شد و پس از عملی ناکارآمد، برای او مجرای ادراری از خاصره اش ساختند و چندبار برای معالجه به ایران آمد اما درمان مفید و کارساز نیافتاد. و در بستر بیماری خفت و مرضش نزدیک ده سال به درازا کشید. در این زمان علما و فضلا و دوستانش و سایر مؤمنین به دیدار او می رفتند ولی کسی از او در خلال این مدت طولانی، کلمه ای گلایه و شکایت و اظهار ناراحتی و دلتنگی مطلقا نشنید بلکه زبانش همواره به حمد و شکر الهی و رضایت به قضای خداوندی گویا بود تا آنکه به سرای باقی شتافت.⁽²⁾

1. خوبی ها و بدی ها - الکافی 2/137

2. داستانهای از زندگی علما.

نهی قرآن کریم از استفاده از اموال باطل

اموال دیگران را بناحق تصرف نکنید.

ای مؤمنین! نباید اموال دیگران را از روی ناحق تصرف کرده و استفاده نکنید. بلکه باید معاملاتتان بر مبنای معاملات اسلامی باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ.⁽¹⁾

مسئله نان حلال در آوردن از مسایل مهم زندگی هر سرپرست خانواده ای است. و عده زیادی از مردم در این مورد راه انحرافی رفته و از راههای خلاف پول در می آورند لذا سعادت‌مند نمی گردند.

امام صادق علیه السلام به مصادف فرمود: ای مصادف! نان حلال در آوردن از شمشیر زدن در راه خدا سخت تر است.⁽²⁾

و در سخن دیگر فرمود:

دزدها سه دسته‌اند. اول کسی که زکات نمی‌دهد. دوم کسی که مهرزنش را نمی‌پردازد. سوم کسی که قرض کرده ولی قرضش را نمی‌پردازد.

معاملات انسان و درآمد انسان باید از راه حلال باشد تا زندگی انسان از گرفتاری‌ها و اثرات زیانبار درآمد حرام مصون بماند.

در رساله امام(ره) مسئله 2055 آمده است:

در چند مورد معامله باطل است: اول: خرید و فروش عین نجس، مثل بول و غایط و مسکرات، بنابر اقوی در بعضی و بنابر احتیاط واجب در بعضی. دوم: خرید و فروش مال غصبی، مگر آنکه صاحبش معامله را اجازه کند. سوم: خرید و فروش چیزهایی که مال نیست. چهارم: معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی.

1. *نساء 29

2. جوانان و گناهان کبیره.

پنجم: معامله‌ای که در آن ربا باشد. و حرام است غش در معامله، یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است، و این عمل را غش می‌گویند. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمودند: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید، و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند سبحان برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.

در روایتی امام صادق (ع) فرمود: یکی از مصادیق آیه مذکور اکل مال به باطل، این است که انسان قرض کرده آورده و در مهلت مقرر می‌تواند بدهی خود را بدهد ولی نمی‌دهد و در راه مصارف خود صرف می‌کند.⁽¹⁾

اقتصاد آلوده مثل رواج رشوه خواری، رانت خواری، پولشویی، تقلب، کلاهبرداری، اختلاس و غیره باعث ظلم به عده ای از مردم شده و عدالت اجتماعی را بخطر می اندازد. لذا در آیه شریفه مذکور مسلمانان را از این آلودگیها برحذر می دارد.

1. میزان الحکمة - بحار الانوار 100/144

رباخواری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾⁽¹⁾

ای مؤمنین! از خدا بترسید و اگر مؤمنید رباخواری را رها کنید. و اگر رها نکنید به جنگ با خدا و رسولش آماده شوید. و اگر توبه کنید اصل مال حلال است. نه ظلم کنید و نه به ظلم راضی شوید.

یکی از گناهان بزرگ، رباخواری است که آنقدر زشت است که خداوند در قرآن کریم از آن به جنگ با خدا تعبیر کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرگاه در بین امت ده خصلت ظاهر شود، خداوند سبحان آنها را به ده چیز کیفر می دهد!

سؤال شد: آنها کدامند یا رسول الله!

فرمود: هنگامی که کم دعا کنند، بلا نازل شود، هنگامی که صدقات را ترک کنند، بیماریها زیاد شود، هنگامی که زکات ندهند، حیوانات بمیرند، هنگامی که حاکم ظلم کند، باران قطع شود، هنگامی که زنا زیاد شود، سگته هم زیاد شود، هنگامی که رباخواران زیاد شوند، زلزله هم زیاد شود، هنگامی که خلاف حکم الهی، حکم کنند، خداوند دشمنانشان

را مسلط کند، هنگامی که عهد و پیمان را نقض کنند، خداوند آنها را به قتل مبتلا سازد، هنگامی که وزن‌ها و ترازوها را کم بگیرند، خداوند سبحان آنها را به قحطی مبتلا سازد.⁽²⁾

اگر معصیت در پنهانی انجام شود، فقط ضررش به صاحبش می‌رسد و اگر در آشکارا انجام شود و کسی با او مخالفت ننماید، به همه مردم ضرر می‌رسد. "

ضررهای اموال آلوده

1. بقره

2. میزان الحکمه - جامع الاخبار/180

وقتی پول کثیف وارد بازار شود: بازار آلوده می‌باشد - اعتماد در معاملات از بین می‌رود. -
دو طبقه پولدار و فقیر بوجود می‌آید. - آبروها از بین می‌رود - زندان‌ها پر می‌شود - خانواده‌ها
از هم می‌پاشد - پرونده‌های قضائی بیشتر می‌شود - زلزله و قحطی و خشکسالی پدید می‌آید.

مصادیق اموال باطل

ربا خواری - رشوه خواری - غصب اموال - ارث خواری - کم فروشی - گرانفروشی - احتکار -
غش در معامله - قاچاق - خودفروشی - کدک فروشی - فروش آلات موسیقی و قمار وسی

دی مستهجن و ماهواره و غیره-فروش سلاح به دشمن-فروش کتابهای گمراه کننده عقیدتی
یا جنسی-درآمد از راه رمالی و ساحری و فالگیری و دعانویسی و کهنات و غیره

جایگاه مجاهدت در قرآن وحدیث

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا. (سوره نساء، آیه 76).

مؤمنین در راه خدا جهاد می کنند ولی کفار در راه شیطان! و کید و مکر شیطان ضعیف است.

آری مؤمنین در راه پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) و امامان دیگر مخصوصا در زمان ما در راه امام زمان (عج) می جنگند ولی کفار در راه بتها و ابوسفیان ها و یزیدها و شمرها و دیگر طاغوتها می جنگند .

فرماندهی کل قوا در لشکر اسلام به عهده رسول الله یا امیرالمؤمنین یا سیدالشهداء و یا جانشینان امام زمان عج مانند امام راحل و مقام رهبری است . ولی فرماندهی لشکر کفر به عهده ابوسفیان ها، معاویه، یزیدها، صدام ها و بوش ها می باشد .

سربازان اسلام از زمانی که داخل سربازی می شوند برای آنان پاداش فراوانی است تا زمانی که شهید شود یا به شهر و دیارش برگردد ولی سرباز کفر از همان زمانی که یاور طاغوت می شود برای او گناه و معصیت نوشته می شود تا زمانی که به دوزخ رهسپار می شود .

سرباز اسلام وقتی به شهادت می‌رسد تمام گناهانش پاک می‌گردد ولی سرباز کفر وقتی کشته می‌شود لعنت الهی بر او نازل می‌گردد .

سرباز اسلام وقتی کشته می‌شود شهید لقب می‌گیرد و باعث افتخار خانواده اش می‌شود ولی سرباز کفر وقتی کشته می‌شود بصورت آدم شکست خورده لقب می‌گیرد و باعث ترس و هراس خانواده اش می‌شود .

سرباز اسلام در مبارزه است تا به یکی از دو پیروزی *شهادت یا پیروزی* دست می‌یابد ولی سرباز کفر یا در ظاهر پیروز می‌شود و پرونده گناهانش سنگین تر می‌شود و یا کشته می‌شود و به جهنم می‌رود .

سرباز اسلام در کنار بزرگوارانی مانند حمزه سیدالشهداء و جعفر طیار و حنظلله می‌جنگد ولی سرباز کفر در کنار افراد منحرفی چون ابوجهل ها و ابولهب ها و ابن زیادها و شمرها می‌جنگد !

سرباز اسلام شب که می‌شود عابد شب است و در روز شیران روز . ولی سرباز کفر در بیداری به لهو و لعب و تجاوز به دیگران و فساد اخلاق مشغول و شب استراحتش چون چوب خشکی می‌افتد !

مهمترین هدف از خلقت انسانها، عبادت و بندگی انسان است . و هرچه انسان بیشتر در پیشگاه خداوند سبحان بندگی کند مقامش بیشتر است اگرچه خداوند سبحان هیچ نیازی به عبادت انسان ها ندارد . و

مهمترین جلوه عبادت در نماز و مهمترین قسمت نماز سجده و رکوع است که انسان در مقابل پروردگارش اعضای بدن خود را خم می‌نماید و دل خود را خاشع می‌کند و اظهار بندگی می‌نماید. لذا پیامبران و امامان بسیار عبادت می‌کردند.

مجاهدت به معنای تلاش در راه بندگی است و این تلاش به صبر و استقامت و اخلاص و همت و اراده بالا نیاز دارد.

مجاهدت گاهی با دادن جان است گاهی با صرف مال است گاهی با دادن فرزندان است گاهی با تحمل بیماری است گاهی با تحمل گرسنگی است گاهی با تحمل اسارت و زندان است. گاهی با تحمل بیخوابی و شب زنده داری. گاهی با تحمل شکنجه های روحی و جسمی است. گاهی با تلاش در جهاد مقدس. گاهی با توبه کردن های متعدد است. گاهی با احیاء ها و شب زنده داری فراوان است.

حضرت نوح را گاهی آنقدر می‌زدند که تا سه روز بیهوش می‌افتاد و از گوشش خون می‌آمد. یوسف صدیق سالیان سال در زندان، اسیر بود. پیامبر اسلام مدت سیزده سال در مکه تحت شکنجه روحی بود و یارانش تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی بودند و در مدینه هم با تحمیل دهها جنگ، عده ای از یاران مخلصش چون حمزه و زید و جعفر و حنظله را کشتند و پیشانی و دندان حضرت را شکستند. و همه اولیاء خدا به نوعی مجاهدت داشتند.

علامه طباطبایی فرمودند: هفده سال تمام در هیچ شب ایام بهار و تابستان نخوابیدم و تا صبح مطالعه می‌نمودم. و در تمام عمرم در ماه رمضان هیچ شبی را نخوابیدم.

اما با وجود نیاز به این مجاهدت ها، اسلام دین سختی نیست . دین رنج و زحمت نیست . و همه واجبات بر مبنای توانستن است . و هر کسی باندازه وسعش تکلیف دارد . و بیشتر از وسع و قدرت انسان، تکلیفی نیست . مثلاً اگر انسان نتوانست نماز را ایستاده بخواند، نشسته یا خوابیده بخواند . اگر انسان نتوانست در ماه مبارک رمضان، روزه بگیرد، هر وقت توانست قضای آن را بگیرد . اگر نتوانست جهاد برود، چیزی براونست . اگر نیاز به اشباع غریزه جنسی داشت، در چارچوب اسلام، ازدواج کند . در خوردن و آشامیدن غیر از محرّمات، می تواند بهترین غذا و نوشیدنی و شربت را استفاده کند و بهترین لباس را بپوشد و خلاصه از نعمتهای حلال دنیا استفاده نماید . پس اسلام دین ریاضت شیدن و رنج بردن نیست . و اگر احکام مفصلی برای انسان از هنگام ولادت تا مردن دارد همه آن احکام در جهت سعادت بشریت است و هیچ کدام بر مبنای هوای نفس یا بدون فایده نیست .

عدالت در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ
إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ
كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.⁽¹⁾

خلاصه ترجمه آیه: ای مؤمنین! باید همیشه عدالت محور باشید مخصوصاً در شهادت
دادنتان حتی اگر علیه فامیل خودتان باشد و همیشه آنچه عدل و حق است بگویید.

عدالت در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد خدا خود عادل است و به عدالت فرمان داده است.
عدالت باعث خشنودی خدا و خلق خداست. رهبران الهی باید عادل باشند. هیچ کدام از
پیامبران و امامان ظالم نبوده‌اند. حتی امام جماعت و قاضی باید عادل باشند.

پیامبر اسلام مظهر عدالت بود بطوری که در نگاه کردن به مردم هم عدالت را رعایت
می‌کرد.

علی علیه السلام آنقدر در عدالت شهره شد که دانشمند مسیحی جرج جرداق در باره
عدالت او کتابها نوشت.

در روز قیامت هم اگر خدا با رحمتش برخورد نکند با عدالتش برخورد کرده و به خوبان
پاداش و بدان را مجازات می‌نماید. و هیچگاه افراد ستمگر را حمایت نکرده بلکه آنها را
اکثراً در همین دنیا مجازات می‌نماید.

در روایت است که یکساعت عدالت ورزیدن از شصت سال عبادت برتر باشد.

اقسطوا انّ الله يحب المقسطين .

خدا عدالت محوران را دوست دارد .

اگر همه مردم عادل باشند، دنیا بطرف سعادت و مال و خوشبختی پیش می رود ولی

1 . سوره نساء، آیه 125.

هیئات که دنیا طلبی و زیاده طلبی نمی گذارد انسانها همگی عادل باشند و همواره عده ای به دیگران ظلم و ستم می کنند و باعث فساد در زمین و خرابی و هرج و مرج و بدبختی می شوند .

ظلم و ستم و تجاوز از حدود الهی باعث می شود، خونهای بیگناهان ریخته شود، فرزندان یتیم شوند، خانه ها خراب شود، بیگناهان زندانی و اسیر شوند، اموال مظلومین بتاراج رود و دهها مصیبت دیگر پیش بیاید .

افرادی که به عدالت خیانت کنند مثلاً شهادت دروغ بگویند، یا به زیردستان ستم کنند یا به زن و بچه خود زور بگویند و برخلاف عدالت عمل کنند باید در همین دنیا منتظر انتقام الهی باشند .

یکی از بی عدالتی ها در ارتباط با داوری است. وقتی که قرار است شخصی یا اشخاصی درباره مسئله ای حکم صادر کنند مثلاً برنده و بازنده را معرفی کنند اگر خدای نکرده مسائل نژادی و مذهبی و ملی و غیره را مد نظر قرار دهند منجر به بی عدالتی می شود. در

مسابقات ورزشی و علمی و قرآنی و امثال آن باید داوران عدالت محور باشند مبادا حق کسی ضایع گردد. همچنین در استخدام نیرو و در استفاده از تسهیلات دولتی و امثال آن باید عدالت رعایت شود که نتیجه عدالت امید و شادابی و پیشرفت است و نتیجه بی عدالتی، ناامیدی و ناراحتی و اندوه و عقب ماندگی است.

نهی از دوستی با کافران در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا⁽¹⁾

ای مؤمنین! نباید با کفار و دشمنان خدا، دوستی بکنید بلکه دوستی و ارتباط آنها باید با اهل ایمان و متدینین باشد.

هر جای دنیا مؤمنی باشد، دوست و رفیق بقیه مؤمنان عالم است. چه در غرب باشد و چه در شرق. و از طرفی دشمنی با دشمنان خدا، حد و مرز نمی‌شناسد و باید با کفار چه غربی باشند و چه شرقی، دوستی ننمود.

از امام ششم علیه السلام پرسیدند: آیا دوستی با مؤمن و دشمنی با کافر جزو ایمان است؟
امام فرمود: آیا ایمان جز دوستی با مؤمنین و دشمنی با کفار است؟

اما برخلاف این دستور الهی، همواره عده ای از مسلمانان بخاطر کالای نابودشدنی دنیا با کفار ارتباط برقرار می‌کنند و گاه نوکر و اسیر آنها می‌شوند.

در صدر اسلام این اتفاق افتاده و در زمان ما هم این تخلف را می‌بینیم. مانند شیوخ خلیج!
مانند روشنفکران غربزده! مانند منافقین! مانند علمای درباری!

خداوند غضب می کند بر آن مسلمانی که محبت دشمنان دین و محبت کفار را در دل دارد. فرقی نمی کند آن کافر هنرپیشه سینما باشد یا فوتبالیست باشد یا خواننده باشد یا شعبده باز باشد و یا شغل دیگری داشته باشد.

متأسفانه گاهی وارد منزل مسلمانی می شویم می بینیم اطاقش پر است از عکسهای هنرپیشگان غربی! یا فوتبالیستهای بی دین یا قهرمانان سایر رشته ها.

وجود عکس این افراد برکت را از منزل می برد و باید مواظبت کنیم مصداق این آیه

1 . سوره نساء، آیه 144.

شریفه نگردیم.

وعده و پیمان در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ^(۱)

ای مؤمنین! به وعده های خود عمل کنید .

انسانهای مؤمن باید به تعهدات و وعده هایی که می دهد چه به خدا قول می دهد مثل پیمان در عالم ذر که غیر خدا را نپرستد و یا قولی که توبه کننده به خدا می دهد که دیگر گناه نکند .

یا قولهایی که به خودش می دهد که مثلاً منظم باشد . دروغ نگوید . غیبت نکند .

یا قولهایی که به مردم می دهد مانند قولهایی که مسئولین مملکت به مردم می دهند یا قولهایی که پدر و مادر به فرزندان خود می دهند یا صاحبان حرفه ها به مردم می دهند مثلاً بنا و نجار و آهنگر قول می دهند که فلان ساعت کار شما را انجام می دهم و خلاصه به همه قولها باید عمل کنند .

عمل به وعده از مهمترین واجبات الهی است و پیشرفت جامعه مسلمین وابسته به ادای پیمانهاست . لذا در حدیثی از پیامبر نقل شده کسی که به عهدش عمل نکند، دین ندارد .

بزرگان دین خود در عمل به پیمانهای که با دیگران می بستند یا قولی می دادند به انجامش سخت مصمم بودند و به هیچ وجهی تخلف نمی کردند . حتی اگر ضرر بزرگ مادی می نمودند .

پیامبر اعظم ص با شخصی در مکانی وعده گذاشتند . آن شخص این وعده را فراموش کرد . پیامبر سه روز در آن مکان ماند تا این که آن شخص آمد . حضرت فرمود اگر نمی آمدی همینجا می ماندم تا بمیرم و از همینجا محشور شوم .⁽²⁾

ای مؤمنین ! مبدا به خداوند و رسولش خیانت کنید ! مبدا امانتدار نباشید .

1 . سوره مائده، آیه 1 .

2 . زندگی پیامبر اسلام -الخراج والجرائع 906/2

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ⁽¹⁾

خیانت به خدا و پیامبر آنست که مثلا اسرار مسلمانان را برای دشمن فاش نید ! یا بادشمنان اسلام روابط پنهانی برقرار کنید و یا دوستدار دشمنان پیامبر اسلام و امامان علیه السلام و علماء ربانی باشید . یا به پیمانی که در عالم ذر و فطرت با خدا بسته اید عمل نکنید .

آری هر كه به نحوی با اولیاء او دشمنی كند یا با قرآن کریم مخالفت كند یا با احكام دین مخالفت نماید یا آنها را مسخره نماید جزو خائنین به خدا و رسول است .

همچنین اگر انسان به امانت مؤمنی خیانت كند، به خدا خیانت كرده چون امانت مؤمن، امانت خداوند سبحان است و آبروی مؤمن، آبروی خداست .

امانت انواعی دارد:

از جمله: مالی كه نزد انسان امانت می گذارند، اسرار مؤمن امانت است، فرزندان امانت هستند، پست و مسئولیت امانت است . شاگردان امانت هستند، عمر انسان امانت است، قرآن و اهل بیت علیه السلام امانت هستند، مسجد و عالم محل امانت هستند، همسر امانت است . در میان گناهان، خیانت در امانت منفورترین آنهاست .

تقوا در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ⁽¹⁾.

ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و پرهیز کار باشید .

تقوا مهمترین راه سعادت دنیوی و اخروی است .

تقوی که همان پرهیز کاری است در لغت بمعنی دور نگه داشتن خود و در اصطلاح قرآن کریم و احادیث منظور از تقوی دوری از گناه و در نظر داشتن خدا در همه لحظات زندگی می باشد و شخص متقی کسی است که از هر چه خداوند سبحان نهی کرده دوری کند و در موقع برخورد با گناه خدا را در نظر گرفته از انجام آن پرهیز نماید و در حقیقت تقوی یک حالت روحانی و معنوی است که حافظ و نگهبان انسان از گناه است .

قرآن کریم تقوای مردم را موجب نزول برکات خدا می داند:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ⁽²⁾.

اگر اهل شهرها ایمان می آوردند و تقوی پیشه می نمودند هر آینه برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می گشودیم . ولی آنان آیات ما را تکذیب کردند ما هم آنان را عذاب نمودیم .

و در آیه دیگری می‌فرماید: وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى .

توشه برگزیده به درستی که بهترین توشه تقوا است .

امام صادق علیه‌السلام فرمود: ایمان به خدا کاملاً در انسان جا نمی‌گیرد تا زمانی که خدا برای او بهتر و مهمتر باشد از خودش و از مادرش و از پدر و اهلش و از مالش و از همه مردم خدا برای او بهتر باشد .

1 . سوره آل عمران ، آیه 103

2 . سوره اعراف ، آیه 96

شاعر می‌گوید:

تا بمنزل رسی و شاد شوی

توشه ره بساز از تقوی

گر در این ره بغیر زاد شوی

نبری ره به منزل مقصود

پیامبر(صلی الله علیه وآله) در تفسیر آیه:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. کسی که تقوای الهی داشته باشد خدا برای او راه خروجی از گرفتاری گشوده از جایی که نمی داند برای او روزی می فرستد .

فرمود: منظور راه خروج از غمهای دنیا و از سختیهای مرگ و قیامت خداوند سبحان او را خارج می کند .⁽¹⁾

و حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرمود: منظور از خروج یعنی خداوند سبحان او را از تاریکی فتنه ها نجات می دهد و در فتنه ها گرفتار نمی شود .⁽²⁾
عارفی گفته است: جامع همه خیرات تقوی است .

تقوی شرف مرد بود در دو جهان بی زهد و ورع کجا رسد کس بجنان

تقوی حقیقی یکی بر اثر دوری از موجبات گناه مثل پیشگیری در بهداشت و یکی هم بر اثر ممارست در روح و نفس نیرویی بوجود می آورد که به او مصونیت دهد و نمی گذارد دچار معصیت شود .

پس ای مؤمنین ! همگی با انجام واجبات و ترک محرمات، شرافت دوجهان را برای خود بخريد و خدا را از خود خوشنودسازيد .

مبارزه با گناهان

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْأَعْيُنِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ.⁽³⁾

یعنی مؤمنین آنان هستند که از گناه کبیره و فاحشه‌گیر از گناه صغیره دوری می‌کنند که آمرزش خدا وسیع است .

یکی از مهمترین راههای سعادت انسان، مبارزه او با گناه است . میل به گناه در انسانها

1 . خوبی‌ها و بدی‌ها - تفسیرالصافی 188/5

2 . خوبی‌ها و بدی‌ها - تحف العقول/232

3 . سوره نجم ، آیه 32.

وجود دارد حتی کسانی که سالیان سال عبادت خداوند سبحان را کرده‌اند اگر غفلت کنند آلودگی پیدا خواهند نمود . لذا باید از گناه و کسانی که آلودگی دارند فاصله گرفت و اگر دیدیم افرادی از فامیل یا غیر فامیل، گناه می‌نمایند آنها را نصیحت کنیم ونهی از منکر نمائیم .

پس مبارزه با گناه دونوع است یکی مبارزه با گناهان خود و یکی هم مبارزه با گناهان دیگران .

هشدار امام کاظم علیه‌السلام به گنهکار:

روزی امام موسی کاظم صلی‌الله‌علیه‌وآله از کوچه ای عبور می‌کرد و متوجه شد که از خانه ای صدای ساز و آواز بلند است و معلوم است که بساط عیش و عشرت و میگزاری

برپاست لذا امام درب خانه را زدند کنیز کی بیرون آمد حضرت از آن کنیز پرسید صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ کنیز جواب داد آزاد است حضرت فرمود: معلوم است که آزاد است اگر بنده می بود پروای صاحب و مالک و خداوند سبحان خویش را می داشت و این بساط را پهن نمی کرد .

وقتی حضرت رفتند صاحبخانه که متوجه شد کسی درب منزل او را زده وقتی از کنیز سؤال کرد کی بود کنیز جواب داد پیرمردی بود که آثار عبادت و زهد داشت و سؤال کرد صاحب این خانه آزاد است یا بنده و وقتی که من گفتم آزاد است فرمود: اگر بنده بود معصیت خدا را نمی نمود . صاحبخانه بالا فاصله ملتفت شد که آن شخص امام هفتم بوده لذا پای برهنه از خانه خارج و بدنبال حضرت دوید پس خود را بحضرت رساند و بدست ایشان توبه نمود و دیگر به افتخار آن روز که با پای برهنه به شرف توبه نایل آمده بود کفش به پا نکرد لذا به او می گفتند (بشر الحافی) یعنی (بشر پا برهنه) .⁽¹⁾

نهی از منکر امام صادق علیه السلام :

منصور دوانیقی هر چندی یکبار به بهانه های مختلف امام صادق را از مدینه به عراق می طلبید و تحت نظر قرار می داد و گاهی مدت زیادی امام را از بازگشت به حجاز مانع می شد . در یکی از اوقات که امام در عراق بود یکی از سران سپاه منصور پسر خود را ختنه

کرده عده زیادی را دعوت نمود و ولیمه مفصلی داد اعیان و اشراف و رجال همه حاضر بودند از جمله کسانی که در آن ولیمه دعوت شده بودند امام صادق صلی الله علیه و آله بود . سفره حاضر شد و مدعوین سر سفره نشستند و مشغول غذا خوردن شدند در این بین یکی از مدعوین آب خواست به بهانه آب ظرفی از شراب به دستش دادند ظرف که به دست او داده شد فوراً امام صادق علیه السلام نیمه کاره از سر سفره حرکت کرد و بیرون رفت . خواستند امام را مجدداً برگردانند برنگشت و فرمود: رسول خدا فرموده است هر کس بر سر سفره ای بنشیند که در آنجا شراب است لعنت خدا بر او است .⁽¹⁾

امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: برای اهل تقوی و پرهیزکاران نشانه هایست که به آنها شناخته می شوند راستگویی، رد امانت، وفای به عهد، کم فخر کردن و کم بخل ورزیدن، صله رحم، ترحم بر ضعیفان، کم انسی بازنان، بخشش و احسان، خوش خلقی، حلم ورزیدن، پیروی از دانش در آنچه که انسان را به خدا نزدیک می کند خوشا بحال اینان .⁽²⁾

یکی از راههای رسیدن به تقوی، محاسبه نفس است . یعنی هرشب کارهایی که روزانه انجام دادیم را بررسی کنیم و اگر گناهی مرتکب شده ایم راههایی برای جلوگیری از ارتکاب مجدد را پیگیری کنیم تا زمانی که روز بلکه هفته بگذرد و ما مرتکب گناهی نشویم آنوقت عید ما است . که فرمودند هر روزی که در آن معصیت نکنید آن روز، عید شماست .

آثار درخشان تقوی و پرهیزکاری:

با توجه به آیات قرآن کریم می توان آثار تقوی را چند خصلت زیر دانست .

1- تقوی باعث مدح و ثناء الهی است چنانکه می فرماید:

وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ.

اگر صبر نموده و تقوی داشته باشید این از نشانه های قدرت اراده در کارهاست .

2- باعث حفاظت و ایمنی است چنانکه می فرماید: اگر صبر کنید و تقوا ورزید حيله دشمنان در شما اثر نمی کند .

3- تأیید و یاری خداوند سبحان با متقین است چنانکه در آیه می فرماید:

1 . خوبی ها و بدی ها .

2 . خوبی ها و بدی ها -الخصال 483/2

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا . خداوند سبحان با متقین است .

4- باعث نجات از سختیها و جلب رزق حلال است .

(کسی که تقوا ورزد خدا برای او راه خروج از گرفتاری گشوده و از جایی که نمی‌داند برای او روزی می‌فرستد .)

5- اصلاح اعمال با تقوا است چنانکه می‌فرماید:

(ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا پیشه کنید و سخن درست بگویید تا اعمالتان اصلاح شود .)

6- آمرزش گناهان بواسطه تقوا است می‌فرماید: تقوا پیشه کنید تا گناهانتان آمرزیده شود .

7- خدا متقین را دوست دارد چنانچه می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ خدا دوست دار متقین است .

8- تقوا سبب قبولی اعمال است چنانچه می‌فرماید: إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ خدا از تقوا پیشگان می‌پذیرد .

اگرچه افرادی زیادی هستند که کارهای خیر انجام می‌دهند ولی خداوند سبحان از هر کسی قبول نمی‌کند بلکه فقط از افراد با تقوا قبول می‌فرماید .

در زمان امام صادق علیه السلام مردی به مدینه آمد که بعنوان عابد و انسان خیری معروف شد . روزی امام او را در بازار دیدند و تصمیم گرفتند او را زیر نظر بگیرند . امام متوجه شدند که او انار و نان دزدید سپس آنها را صدقه داد . امام او را ملاقات کرده و به این کارش اعتراض نمودند . او در جواب گفت که من آدم زرنگی هستم ! چون خدا در قرآن کریم گفته اگر یک کار خوب انجام دهی ده برابر پاداش می‌گیری ولی اگر یک کار بد انجام دهی فقط یک مجازات دارد . من دو تا کار خوب کردم که می‌شود بیست ثواب ! و

دوتا کار بد کردم که می شود دوتا مجازات ! که این دوتا کار بد را از بیست تا پاداش کم کنیم، هیجده پاداش می ماند !

امام فرمود پس در قرآن کریم نخوانده ای که خدا فقط از افراد با تقوا قبول می کند و از

افراد دزد و رباخوار و حرامخوار و ... قبول نمی کند؟ آن شخص مات و متحیر ماند !⁽¹⁾

آری متأسفانه عده ای از افراد خود را گول می زنند از یک طرف از راه حرام پول در می آورند و از طرفی برای این که خود را مسلمان نشان دهند کارهای خیر می کنند به مساجد کمک می کنند به بیمارستان و جاهای دیگر کمک می کنند درحالی که خانه از پای بست ویران است ! باید کار را از ریشه اصلاح کنند و از راه حلال پول درآورده و حقوق الهی را پرداخت نموده سپس اگر دوست داشتند در راههای خیر هم خرج کنند .

9- افراد با تقوا از همه عزیزترند چنانچه می فرماید: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** گرامیترین شما نزد خدا متقی ترین شما است .

10- بشارت الهی در دنیا و آخرت برای متقین است چنانچه می فرماید: آنانکه ایمان آورده و متقی هستند در دنیا و آخرت بر ایشان بشارت باد .

11- تقوا سبب نجات از جهنم است چنانچه می فرماید: سپس نجات می دهد خدا آنان را که متقی هستند .

12- تقوا باعث خلود و بهشت دایمی می شود چنانچه می فرماید: این بهشت برای متقین آماده شده است .

علی علیه السلام به یکی از اصحابش به عنوان موعظه نوشت: تورا و خودم را به تقوی کسی سفارش می کنم که نافرمانیش روا نیست و امید و بی نیازی جز به او و از او نباشد زیرا هر که از خدا پروا کرد عزیز و قوی شد و سیرو سیر آب گشت و عقلش از اهل دنیا بالا گرفت.⁽²⁾

امام صادق علیه السلام فرمود: محکم ترین چیزی که خدا بر خلقش واجب کرده است زیاد یاد خدا بودن است. سپس حضرت فرمود: مراد من (سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) نیست اگر چه اینها هم ذکر است و لکن منظور از یاد خداوند سبحان این است که زمانی که با حلالی و حرامی برخورد کرد یاد خدا بوده اگر طاعتی است به آن عمل کند و اگر معصیتی است از آن دوری کند.⁽³⁾

علی علیه السلام فرمود: کسی که شرافت باطن و گوهر انسانی خود را بشناسد این شناسایی او را

1. میزان الحکمه - وسائل الشیعه 466/9

2. خوبی ها و بدی ها - الکافی 136/2

3. خوبی ها و بدی ها - الخصال 132/1

از پستی های شهوت و آرزوهای باطل مصون خواهد داشت.⁽¹⁾

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که عزت می خواهد بدون اینکه عشیره و پیروانی داشته باشد و ثروت می خواهد بدون اینکه مالی داشته باشد و هیبت می خواهد بدون اینکه ریاستی داشته باشد پس از ذلت معصیت خدا منتقل شود به عزت طاعت الهی.⁽²⁾

علی علیه السلام فرمود: نفس خویش را عزیز شمار و به هیچ پستی و دنائتی تن مده گر چه عمل پست تو را به تمنیایت برساند. زیرا هیچ چیز با شرافت نفس برابری نمیکند و هرگز بجای عزت از دست داده عوضی همانند آن نصیبت نخواهد شد و هرگز بنده دیگری نباش زیرا خداوند سبحان تو را آزاده آفریده است.⁽³⁾

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ای بندگان خدا شما مانند مریضی بوده و پروردگار عالمیان مانند پزشک می باشد پس صلاح مریض در آن چیزی است که علم دارد و تدبیر و دستور پزشک است نه در آنچه که نفسش به آن اشتها پیدا می کند و بی حساب نسبت به آنها تمایل پیدا می نماید. آگاه باشید که تسلیم امر خدا بوده تا رستگار شوید.⁽⁴⁾

گریه شعیب پیامبر از خوف خدا

در علل الشرایع از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت کرده شعیب پیامبر آنقدر از حب خدا گریست که دید گانش نابینا شد خدای متعال چشمان او را بدو مرحمت کرد. مجدداً آنقدر گریست تا از چشم محروم گردید باز خدا دید گانش را عنایت فرمود بار دیگر آنقدر گریه کرد که از نعمت چشم بازماند خدای منان نعمت گرانمایه چشم را بدو

ارزانی فرمود . چون بار چهارمین شد خدای مهربان بدو خطاب کرد تاکی بدینکار می‌پردازی و می‌گیری اگر از آتش خایفی تو را از شکنجه در امان دارم و اگر مشتاق بهشتی نعمتهای آنرا به تو ارزانی فرمودم . عرضکرد سید و آقای من می‌دانی که از ترس آتش نمی‌نالیم و از اشتیاق به بهشت نمی‌گیریم . لیکن عُنْده محبت قلب مرا ربوده و صبر و طاقتم را برده شکیبایی ندارم مگر بوصال تو نایل آیم . خدای متعال بدو خطاب کرد اکنون

1 . خوبی‌ها و بدی‌ها - غررالحکم/233

2 . خوبی‌ها و بدی‌ها - الخصال/132

3 . خوبی‌ها و بدی‌ها - نهج البلاغه/401

4 . خوبی‌ها و بدی‌ها - ارشادالقلوب/153

که برای وصال می‌گیری موسی بن عمران کلیم خود را به خدمت تو برمی‌انگیزم .⁽¹⁾

امام صادق علیه‌السلام به اسحق بن عمار فرمود: ای اسحق از خدا چنان پرهیز که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند و اگر بدانی که هر کاری انجام می‌دهی او تو را نمی‌بیند به خدا کافر شده‌ای .⁽²⁾

خوف از خدا و آثار آن:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که زشتی یا عمل شهوترانی بر او عرضه شود و از خوف خدا از آن اجتناب نماید خدای رثوف آتش جهنم را بر او حرام می کند او را از جزع و فزع اکبر روز قیامت در امان خواهد داشت.⁽³⁾

بچه در هوا معلق ماند!

از آخوند همدانی نقل شده که با چشمان خود دیدم که در کربلا صحن ابوالفضل علیه السلام بچه ای از بالای مناره و یا بام پرت شد و پدرش با دست اشاره کرد و گفت بمان، بچه در هوا معلق ماند پس نردبان گذاشت و او را از هوا گرفتند پس از این جریان فهمیدم که پدرش آدم فوق العاده ای است به سراغ او رفتم پرسیدم شما چه کاره اید گفت من حمالم و بار می برم از اول جوانی تصمیم گرفتم هیچ گناهی نکنم و نکردم. یک عمر خدا فرمود اطاعت کردم حالا یک دفعه من از خدا خواش کردم و او محبت کرد.⁽⁴⁾

1. خوبی ها و بدی ها - علل الشرایع 57/1

2. خوبی ها و بدی ها - الکافی 68/2

3. خوبی ها و بدی ها.

4. خوبی‌ها و بدی‌ها .

حدود الهی در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرُّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ⁽¹⁾

ای مؤمنین! حلال خدا را حرام نکنید و از حدود الهی تجاوز ننمایید .

انسانهای مؤمن همیشه مطیع خداوند سبحان می‌باشند و آنچه را که خدا حرام کرده، حرام می‌دانند و آنچه را که حلال نموده، حلال می‌دانند .

اسلام با ریاضت مخالف است . دین ما این که کسی از گوشت و لباس خوب و عطر و دیگر نعمتهای حلال استفاده نکند و آنها را بر خود حرام نماید با این روش موافق نیست . اگر چه این روش مرتاضان هند و رهبانان و تارکان دنیا و دروایش و بعضی از فرق می‌باشد .

زیرا اسلام دین دنیا و دین آخرت است و فقط به آخرت توجه ندارد . بلکه نعمتهایی که در دنیا است را برای مؤمنین خلق نموده تا آنها استفاده کرده و شکر او را بجا آورند .

لذا وقتی به پیامبر اعظم ص خبر دادند چند نفر از مسلمانان تصمیم به ریاضت گرفته و از زن و گوشت و لباس خوب و عطر و امثال آن دوری می‌نند، حضرت ناراحت شده و به مسجد رفتند و برای مردم سخنرانی فرمودند و گفتند من که پیامبر شما هستم گوشت می‌خورم . همسر دارم . عطر می‌زنم و . . و در دین من رهبانیت نیست!⁽²⁾

پس احکام دین اسلام را نمی‌توان به دلخواه تغییر داد و حلالی را حرام کرد یا حرامی را حلال نمود . همانند بعضی از بدعتگذاران که در احکام دین تصرف کرده و تغییراتی ایجاد

می نمودند . مثلاً قرء العین نماینده بهائیت می گفت ای مردم از امروز دیگر نماز بر شما واجب نیست ! تکالیف از شما برداشته شده است !

بهائی ها نماز جماعت را حرام و رباخواری را حلال می دانند !

یا وهابیون حکم کردند همه زیارتگاهها باید تخریب شود ! همه شیعیان باید کشته

1 . سوره مائده ، آیه 87.

2 . خانواده نمونه .

شوند ! توسل به اهل بیت حرام است ! عزاداری برای مرده حرام است ! و . . .

یا خوارج نهروان حکم کردند که کشتن علی علیه السلام واجب است ! و پاره کردن شکم زن باردار را حلال نمودند !

یا بعضی از فرق مضلّه که لواط را حلال می دانند و نماز را حرام می دانند ! دادن نیاز را واجب میدانند !!

خداوند سبحان ما را از لغزش در دین حفظ بفرماید .

علاوه بر مسئله حرام نکردن حلال الهی، مسئله اجرای حدود الهی و تعطیل نکردن آنها بسیار مهم است. حدودی که در اسلام معین شده همانند نسخه های پزشکی حاذق است که اگر مسلمین به این حدود الهی عمل کنند یقیناً وضع جامعه اسلامی بهتر می شود. مثلاً حد

سرقت مدتی است که اجرای آن مشاهده نشده است. درحالی که اگر در هر شهری حد تعدادی از سارقان را اجرا کنند و دست آنها را با شرایطش قطع نمایند آمار سرقت کاهش می یابد.

همچنین حد زنا و حد شرابخواری و امثال آن باید در شهرها اجرا شود تا جامعه سالم بماند و با افزایش آمار جرایم روبرو نگردیم.

هوشیاری مؤمن در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ⁽¹⁾

ای مؤمنین! مواظب دین و ایمان خودتان باشید. اگر کسی گمراه شد یا مرتد گردید شما حواستان به دینداری خودتان باشد.

ای کسانی که ایمان آورده اید. مواظب خودتان باشید که گمراهی دیگران بشما ضرر نمی زند بشرط این که شما هدایت شده باشید. همه شماها عاقبت بسوی خدا بر می گردید و شما را از کارهایتان باخبر می سازد.

واقعا اگر کسی مؤمن باشد حتی اگر در قلب کفر و شرک باشد یا در دست کفار اسیر باشد یا ببیند عده ای مرتد شدند باز بر سر دین و ایمان خود می ماند. همان که پیامبر به عمار فرمود اگر دیدی همه مردم از یک راه می روند و علی علیه السلام از راه دیگری می رود دنبال علی علیه السلام برو.

نباید ایمان ما عاریتی و شل باشد که فوری با مشکلات و حوادث از بین برود. مانند عده ای از مسلمانان که وقتی آثار شکست را در جنگ احد دیدند در دل تصمیم به ارتداد و بازگشت به کفر گرفتند. گویا بخاطر همین مسئله ایه فوق نازل گردید.

بلکه باید آنقدر ایمان مؤمن قوی باشد که مصداق این حدیث قرار بگیرد که معصوم علیهم السلام فرمود ایمان مؤمن از کوه قوی تر است زیرا کوه با کندن قسمتی از آن کوچک می شود ولی ایمان مؤمن هیچگاه کم نمی شود .

همچنین آیه فوق، ضرب المثل*خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو* را رد می کند . مؤمن در مسیری که خدا برای او در نظر گرفته حرکت می کند خواه مردم همراه او باشند یا نباشند . ملائک حقانیت، کثرت و زیاد بودن همراهان نیست . قرآن کریم اکثر مردم

1 . سوره مائده ، آیه 175.

جهان را گمراه می داند همانطور که الان اکثر مردم دنیا گمراه هستند . چقدر قرآن کریم می فرماید: أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ . مائده 103 . أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . انعام 37 . أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ . یونس 60 . أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . بقره 100 أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ . انعام 111 أَكْثَرُهُمْ لَفَاسِقِينَ . اعراف 102 أَكْثَرُهُمْ كَافِرُونَ شعرا 223 . اکثرهم مشرکین . *روم 42* و .. .

انسان مؤمن در هر محیطی وارد شود تحت تاثیر آثار منفی آن محیط نباید قرار گیرد . مثلاً اگر جوان مؤمنی به دانشگاه رفت و احیاناً آن دانشگاه محیط نامناسبی داشت نباید تحت تاثیر قرار گرفته و او هم حالاتش عوض شود یکدفعه خانواده و فامیل ببینند این جوان بسیجی با موهای آرایش شده به سبک غربی و لباسهای نامناسب

برگشت . در حالی که باید این جوان بسیجی در محیط کلاس یا محل کار اثر مثبت بگذارد و آنها را از انحرافات دور نماید .

ثابت قدمی مؤمنین در قرآن وحدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَعْدَابَ⁽¹⁾

ای مؤمنین! اگر در مقابل دشمنان خدا، صف رایی کردید، ثابت قدم بوده، ذکر خدا زیاد بر لب جاری کنید شاید رستگار شوید.

استقامت وثابت قدمی همراه بایاد خدا، از رموز پیروزی مؤمنین است.

تاریخ اسلام پر از استقامت دلاورمردان در جنگهای بدر وحنین و خندق وخیبر است. که با جمعیت کمی در مقابل دشمنان فراوانی به پیروزی می رسیدند.

مسلمانانی که استقامت را از رسول خدا یاد گرفته بودند کارشان به جایی رسید که شاهزادگان بزرگ جهان را به بردگی خود در آوردند و پای بر فرق فرقدان نهادند، و کشورهای بزرگ ایران و روم را تحت تسخیر خود در آوردند درحالی که از نظر تعداد وامکانات در حد دشمن نبودند.

در روایت شریف آورده است: در قیامت دسته ای از مردم در بهشت را می کوبند، به آنها گفته می شود: کیستید؟ گویند: ما کسانی هستیم که در دین خدا استقامت ورزیدیم؛ فرمان خدا را اطاعت کردیم و از نافرمانی خدا هر چند مخالف خواسته ما بود، دوری کردیم، در این هنگام از طرف حضرت باری تعالی خطاب می رسد: راست می گویند، آنها را داخل بهشت کنید. خدای تعالی پاداش نامحدود به کسانی که در راه حق استقامت کردند، عنایت خواهد کرد.⁽²⁾

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ⁽³⁾

1. انفال 45

2. میزان الحکمه- الکافی 75/2

3. *هود 112

ای پیامبر همانطور که مامور شدی خودت و یارانت استقامت کن و طغیان نکنید که خدا از کردارتان مطلع است.

عبدالله بن مسعود یکی از افراد با استقامت

عبدالله ششمین شخصی بود که مسلمان شد و یکی از مسلمانان ثابت قدم و دانشمند گردید . عبدالله نزد پیامبر قرآن را می آموخت و یکی از نویسندگان وحی بود .

روزی عده ای از مسلمانان دور هم جمع شده بودند که صحبت از این به میان آمد که تابحال غیر از پیامبرص، کسی جرعت تلاوت قرآن با صدای بلند در بین مشرکین را پیدا نکرده است . عبدالله اعلام آمادگی کرد تا این کار را انجام دهد ! مسلمانان به او گفتند: تو عشیره ای نداری تا از تو دفاع کنند . بگذار کسی این کار را بکند که در صورت خطر، از او حمایت شود . عبدالله گفت: من می روم و پشتیبان من خداست !

فردای آن روز در حالی که سران مشرکین در کنار کعبه بودند، عبدالله آمد و در کنار مقام ابراهیم و در مقابل مشرکین، با صدای بلند مشغول تلاوت آیات قرآن شد! "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَّمَ الْقُرْآنَ... مشرکین با شنیدن آیات قرآن، از اینکه جوانی مانند عبدالله این چنین جرأت پیدا کرده، خشمگین شدند و بطرف او هجوم آوردند و او را که همچنان و بدون ترس، مشغول تلاوت بود، زیر ضربات خود گرفتند! اما عبدالله که جوانی لاغر و کوتاه اندام بود، دست برنداشت و بقدر لازم قرآن خواند. سپس خود را نجات داد و نزد مسلمانان بازگشت. وقتی مسلمانان او را با صورتی مجروح دیدند، گفتند: ما از همین می ترسیدیم! عبدالله گفت: نه، چیز مهمی نیست! اگر بخواهید فردا نیز برای تلاوت می روم! مسلمانان گفتند: نه! کافی است. آنچه آنها نمی خواستند را بگوش آنان رساندی!⁽¹⁾

استقامت اسیر ایرانی

یکی از اسیرانی که بدست کومله اسیر شده بود درباره استقامت یکی از برادران ارتشی می نویسد:

مزدوران کومله، ارتشی اسیر را 75 روز شکنجه کردند. به پایش نعل کوبیدند و او را با

1. زندگی پیامبر اسلام - تفسیر عاملی 136/8

همین صورت برای آوردن چوب و سنگ می بردند. برای گرفتن اعتراف و اطلاعات از او، دو دست او را از بازو بریدند... با دستگاههای برقی تمام صورتش را سوزاندند. پوستهای

جدید را کنده و بر محل خونریزی، آب نمک ریختند و او را داخل دیگ آب نمک انداختند ولی او که از ایمانی وصف ناپذیر برخوردار بود لب به سخن نمی گشود و آیات قرآن کریم را تلاوت می کرد.⁽¹⁾

عابد بنی اسرائیل

در بنی اسرائیل عابدی بود که همیشه می گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. ابلیس که از این حرف او در ناراحتی بود شیطانی را فرستاد که او را وادار کند بگوید: العاقبة للاغنياء! یعنی عاقبت با پولدارهاست! شیطان مذکور با عابد دیدار کرده و این پیشنهاد را به او کرد ولی عابد قبول نکرد و قرار گذاشتند که راجع به این سخن از یک نفری که می بینند پرسند. و هر که محکوم شد دست او را قطع نمایند. به یکنفر برخوردند و از او پرسیدند او گفت: العاقبة للاغنياء!

لذا دست راست عابد قطع شد ولی باز او می گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. باز از شخص دیگری پرسیدند و او هم حرف شیطان را تأیید کرد پس دست دیگرش را قطع کردند اما او مرتب می گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. و قرار گذاشتند که این بار هر کدام محکوم شد گردنش قطع شود. خداوند سبحان ملکی را فرستاد. آندو از او سؤال کردند و او گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. و گردن شیطان را قطع کرد و دست عابد را هم شفا داد.

1 . دراسارت يانكيها ص 58.

صلوات در قرآن و حدیث

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا⁽¹⁾

حقیقتاً خدا و ملائکه اش بر پیامبر صلوات می فرستند . ای مؤمنین ! شما هم بر پیامبر خدا صلوات و سلام بفرستید .

پیامبر اسلام آنقدر مقامش نزد خداوند سبحان بالا است که خدا و فرشتگان شبانه روز بر او رحمت و صلوات می فرستند و به همه مؤمنین هم دستور داده این کار را بکنند .

در مورد صلوات

یهودی بعد از رحلت رسول خدا (ص) به مدینه آمد و از امیر مومنان (ع) پرسید: شما معتقد هستید پیامبر اسلام (ص)، برتر از همه انبیاء است . حال من از شما می پرسم : حضرت آدم علیه السلام دارای این فضیلت بود که همه فرشتگان بر او سجده کردند . آیا پیامبر شما هم همچون فضیلتی داشته است ؟ علی علیه السلام فرمود : سجده فرشتگان در مقابل آدم علیه السلام ، یک بار بود . ولی خدا ، خود و ملائکه اش ، شبانه روز بر پیامبر ما صلوات فرستند . « إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا » احزاب (33)

فرستادن صلوات در هنگامی که نام پیامبر برده می شود مستحب است و در تشهد نماز واجب است .

فرستادن صلوات باعث بالا رفتن درجه پیامبر و آل او می شود و برای ما آثار مهمی در دنیا و آخرت دارد از جمله:

- 1- گناهان را پا می کند و کفاره گناهان می شود .
- 2- حاجتها برآورده می شود .
- 3- با صدای بلند صلوات فرستادن، نفاق را برطرف می نماید .
- 4- اخلاق را خوب می نماید .
- 5- سلامتی جسم می آورد .
- 6- چیز فراموش شده را بیاد می آورد .
- 7- برطرف کننده قرض است .
- 8- شیطان را دور می ند .

1 . * احزاب 56

9- دهان را خوشبو می نماید .

10- اموال را حفظ می نماید .

11- پایان دهنده به دعواهاست .

12- سروصدای مجلس را آرام می سازد .

13- کسی که صلوات بفرستد هزار صف از فرشتگان بر او هر کدام هزار صلوات می فرستند

14- استجابت دعا را به همراه دارد .

15- در قیامت در ترازوی میزان چیزی سنگین تر از صلوات نیست .

16- دفع عطش در قیامت است .

17- در قیامت مورد شفاعت پیامبر خدا ص قرار می گیرد .

18- نزدیکترین شخص به پیامبر ص در قیامت است .⁽¹⁾

داستانهای زیادی درباره معجزات صلوات در کتابها ذکر شده که به یک نمونه از

کتاب*چهره نورانی قمر بنی هاشم نوشته آقای ربانی خلخالی*اشاره می شود:

آیه الله سید طیب جزائری که الان در قم هستند نقل می کنند که در زمان طاغوت می خواستیم به عراق برویم ولی درب سفارت خانه عراق بسته بود و روادید نمی دادند .

ما هزار صلوات برای ام البنین س نذر کردیم . در همان روز به آسانی به وسایلی که خدا جور کرد روادید از سفارت عراق گرفتیم .

صلوات یکی از ذکرهای مهمی است که خوب است انسان بر آن مداومت داشته باشد تا به خدا و رسول تقرب پیدا کند و از سخن لغو و بیهوده نجات یابد. در مواقع مسافرت یا نگهبانی یا اوقات بیکاری یکی از بهترین عملها فرستادن صلوات است.

مجالس ختم صلوات در بسیاری از شهرهای ایران رایج است که شیعیان می‌نشینند و تعدادی صلوات ختم می‌کنند. از این مجالس آثار عجیبی از استجاب دعاها دیده شده حتی فرد سرطانی با برگزاری ختم صلوات نجات یافته است.

1. صلوات کلید رفع حاجات ص 40

جایگاه خبر فاسق در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (1)

ای مؤمنین! اگر آدم فاسقی مطلبی را به شما گفت، شما اول تحقیق و بررسی کنید مبادا خبر دروغی به شما بگوید و باعث فتنه ای شود.

یکی از بزرگترین نیازهای بشر، تبادل اخبار با هم است. حوادثی که به وقوع می پیوندد اگر بیان نشود، تاریخ گذشته انسانها اگر گفته نشود، علوم و فنون اگر تعلیم نگردد، نیازهای بشر اگر به زبان آورده نشود، زندگی بشر را فلج می ند. اما نمی توان هر حرف و حدیث و خبری را بدون تحقیق و بررسی قبول کرد.

چه بسا یک خبر دروغ باعث ضررها و زیانهای فراوانی به بشریت گردد. و افراد زیادی بوده اند که بیگناه بوده اند ولی بخاطر یک خبر دروغ، کشته شدند یا زندانی گردیدند یا خانواده آنها از بین رفته اند. و جنگهایی بخاطر یک خبر دروغ برپاشده و دانشمندان و بزرگانی بخاطر خبر افراد فاسق بدون این که بررسی شود کشته شدند و از بین رفتند همانند امام کاظم علیه السلام که بخاطر خبر یک نفر دروغگو، بشهادت رسید.

یا امامان دیگر و عالمان دیگری چون شهید اول و دوم و شخصیت هایی چون شیخ فضل الله نوری یا امیر کبیر بخاطر خبر فاسق کشته شدند.

شاه عباس دستور داد فرزندانش را بخاطر اخبار دروغی مبنی بر توطئه آنها، کور کردند یا کشتند. و ...

لذا در اسلام خبر عادل و مؤمن، دارای اعتبار است ولی خبر آدم بی دین یا دروغگو یا خلاف کار نیاز به بررسی و تحقیق دارد.

یاری کردن دین در قرآن وحدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

ای مؤمنین! اگر دین خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می نماید و قدمهای شما را ثابت می نماید .

اگر چه خدا به یاری ما نیازی ندارد اما منّتی دیگر بر مسلمانان نهاده و شرط کرده که هر که دین او را یاری و مساعدت کند، خدا هم او را کمک و مساعدت نماید . و این بخاطر آزمایش مؤمنین از یک طرف و شکست دشمنان خدا از طرف دیگر است .

این که خداوند سبحان، انسان را یاری می کند به این صورت است که:

اگر چه شما مسلمانان از نظر عدّه وامکانات، نسبت به دشمنانتان در حد پایینی باشید، اما خداوند سبحان ترس شما را در دل دشمنانتان قرار می دهد، در دل سربازان شما شجاعت و نترسی قرار می دهد . شما را با راههای شکست دادن دشمنانتان، آشنا می نماید، به شما ثابت قدمی می دهد . ملائکه خود را به یاری می فرستد .

در تاریخ، فراوان است که لشگر حزب الله در مقابل لشگر چندین برابری طاغوتها پیروز شده است .

از جمله در داستان طالوت که با 313 نفر در مقابل جالوت ستم کار با چندین هزار نیرو ایستاد و او را شکست داد .

حضرت اشموئیل علیه السلام به طالوت امر فرمود که در مقام دفاع برآمده و با جالوت به جنگ پردازد. طالوت لشگری آراست و به جنگ جالوت رفت؛ سپاهیان طالوت نافرمانی کردند و استقامت به خرج ندادند و از رفتن به جهاد شانه خالی کردند، هنگامی که طالوت به میدان جنگ رسید، سپاهیان او بیش از 313 تن نبودند، بقیه یا گریخته بودند و یا در اثر

نافرمانی طالوت از تشنگی مرده بودند. خدای تعالی این آیه شریفه را از قول اینان که در میدان جنگ نسبت به دشمن ناچیز بودند ذکر می فرماید و آنان را می ستاید که مردمانی با استقامت و با ایمان بودند و از روی اعتقاد به خدا برای جهاد آمده بودند و یقین داشتند که در اثر آن، به لقای خدا نایل می شوند. این 313 نفر می گفتند که ما نباید از کمی عده خود نا امید شویم، بسیار دسته های کوچک بودند که بردسته های بزرگ به اذن خدا پیروزی یافتند، اگر شماره دشمنان افزون است در عوض، استقامت و پایداری ما بیش تر می باشد که خداوند سبحان با صابران است.

این عده کم بر دشمن ظفر یافتند، حضرت داود که یکی از همان 313 نفر بود، جالوت را کشت و سپاهیانش گریختند.

یا در جنگ بدر، مسلمانان 313 نفر بودند و سلاح درستی نداشتند و دشمن چند برابر و سلاح کافی داشتند ولی در جنگ بدر با یاری خدا، مسلمانان پیروز شدند.

در دفاع مقدس مردم ایران، بارها و بارها یاری خدا دیده شد. در جنگ 33 روزه اسرائیل علیه حزب الله، مردم دنیا با تعجب، پیروزی عظیم الهی را دیدند که چگونه چند هزار نفر حزب الله را بر ارتش چهارم دنیا پیروز نمود.

همچنین در حوادث جزئی و کوچک تر، مؤمنین، یاری خدا را بارها و بارها دیده‌اند .

نماز جمعه در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

ای مؤمنین! وقتی به نماز جمعه دعوت می‌شوید معامله و خرید و فروش و تجارت را رها کرده و با عجله بسوی مصلایا حرکت کنید این برای شما بهتر است اگر علم داشته باشید.

یکی از نعمتهای دین مبین اسلام نماز جمعه است که بعد از رحلت پیامبر ص و علی ع جایگاهش ضایع گردید تا اینکه با انقلاب اسلامی ملت بزرگ ایران به رهبری امام راحل، احیاء گردید و در حال حاضر در بیش از ششصد شهر ایران نماز جمعه برگزار می‌گردد.

آثار دنیوی نماز جمعه

1- دمیدن روح وحدت در اقشار مختلف مردم و مسئولین: در نماز جمعه از همه اقشار و همه مشاغل در یک مجمع جمع می‌شوند و به بیانات خطیب گوش می‌دهند و در کنار هم نماز بجا می‌آورند و بعد از نماز با هم دست می‌دهند و گاه در نماز جمعه شعارهایی داده می‌شود با این که بعضی با هم در خارج از نماز جمعه اختلاف سلیقه سیاسی دارند و یکی چپ است و دیگری راست و ... ولی در مسایل اصولی نظام با هم یک نظر دارند. همه با هم مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل می‌گویند. همه با هم مرگ بر ضد ولایت فقیه می‌گویند

. همه با هم ندای حمایت از دولت سر می دهند وبا رهبر عزیز انقلاب وولی امر مسلمین، عهد مجدد می بندند .

2- اثر دیگر نماز جمعه آشنا شدن امت اسلامی با معضلات ومشکلات وحوادث تلخ وشیرین دنیای اسلام است . وقتی خطیب در خطبه دوم به حوادث جهان اسلام یا حوادث

ایران اسلامی اشاره می کند، مستمعین با آن آشنا می شوند . و می فهمند که در حال حاضر کی ظالم است و کی مظلوم . چه کسی مستکبراست وچه کسی مستضعف . با چهره پلید امریکا و هم پیمانانش آشنا می شوند . از طرفی قلبشان برای مظلومین فلسطین ولبنان و عراق وجاهای دیگر می تپد وجریحه دار می شود .

3- اثر دیگر نماز جمعه تضعیف و مایوس نمودن دشمنان اسلام است . وقتی مردم هر هفته بهتر از قبل بطرف مصلاهای نماز جمعه حرکت می نمایند، منافقین ناراحت می شوند . شیاطین نگران می شوند . مستکبرین هراسان می گردند مخصوصا نماز جمعه پایتخت که با حضور مسئولین طراز اول و اقشار مختلف مردم گاه به امامت ولی امر مسلمین یا دیگر شخصیت های نظام اسلامی برپا می شود که این نماز جمعه دشمن شکن هستند .

4- فایده دیگر نماز جمعه بسیج مردم برای کمک رسانی ویاری رسانی است . گاه برای زلزله زدگان و گاه برای سیل زدگان و گاه برای مردم ستمدیده فلسطین ولبنان وعراق وجاهای دیگر است . و گاه برای مستمندان ودانش آموزان بی بضاعت است . گاه بسیج برای اعزام نیرو به جبهه های حق علیه باطل است . که در زمان پیامبر اعظم این گونه بود

و در زمان علی علیه السلام هم بعد از خطبه ها نیرو اعزام می شد و در ایام دفاع مقدس نیز نماز جمعه ها نقش مهمی در اعزام نیرو داشتند .

5- اثر مثبت دیگر نماز جمعه اطلاع رسانی مسئولین به مردم است . بهترین تریبونی که مسئولین می توانند مسایل خود را از آن جا با مردم در میان بگذارند تریبون نماز جمعه است . معمولاً قبل از خطبه ها به مناسبت های مختلف مسئولین حضور پیدا می کنند و مردم را با نحوه فعالیت های خود و انتظاراتی که از مردم دارند آشنا می نند .

6- از طرفی در نماز جمعه، می توان مطالبات مردم را بگوش مسئولین رساند و معضلات و مشکلاتی که امام جمعه صلاح میدانند از این طریق مطرح شود تا در حل آن تسریع گردد با بیان مناسب طرح شود .

7- دیگر این است که از طریق نماز جمعه مردم با سیاستهای نظام اسلامی و مواضع ولی امر مسلمین آشنا می شوند . امام جمعه در مناسبتهای مختلف مواضع رهبری را برای عموم

مردم تبیین می کند .

مثلاً برای مردم بیان کند که از نظر مقام معظم رهبری، اصول گرایی حزب خاصی نیست بلکه هر کسی که ارزشهای نظام اسلامی را قبول داشته باشد و التزام عملی به آنها داشته باشد اصول گرا نامیده می شود . و این مسئله بسیار مهمی است که در وحدت امت اسلامی و در انسجام امت اسلامی و در از بین بردن تنش های سیاسی نقش مهمی ایفا می کند .

8- اثر دیگر این است که مردم با وظایف دینی و اجتماعی خود آشنا می‌شوند. مثلاً متوجه می‌شوند که در دین اسلام به رعایت حقوق زنان سفارش ا کید شده است. متوجه می‌شوند که ازدواج در اسلام امر مقدسی است بطوری که از سفره عروسی بوی بهشت استشمام می‌شود. می‌فهمند که خانواده در اسلام جایگاه بسیار مهمی دارد و باید در استحکام آن تلاش نمود و صدها مورد دیگر که در هنگام حضور در نماز جمعه نصیب نمازگزاران می‌شود.

9- فایده دیگر این است که انسانها در بهترین ساعت و در بهترین روز به ذ کر خدا روی آورده اند و این باعث تقرب الی الله می‌شود. در ساعتی که عده ای مشغول تفریح و گاه لهو و لعب و کارهای شیطانی هستند درصد کمی از مسلمین در مصلاها اجتماع کرده و به ذ کر خدا و یاد او و نماز برای او مشغولند. اینها برگزیدگان از میلیونها انسانند که انتخاب شده اند و به فضیلت ذ کر الله تفضل یافته اند. خوشا بحال اینان. خوشا بحال آنهایی که از اول انقلاب تا الان در صفوف نماز جمعه حضور دایمی داشته‌اند و خوشا بحال امامان جمعه ای که در صدها خطبه نماز جمعه، مردم را با فرهنگ اهل بیت ع، با فرهنگ قرآن کریم، با فرهنگ اسلام ناب محمدی آشنا نموده اند.

10- فایده دیگر نماز جمعه، جایگاه باعظمت امام جمعه در شهرستانهاست. با حضور امام جمعه در شهرستانها بعنوان کسی که از طرف ولی امر مسلمین منصوب شده است، مردم و مسئولین محلی، به او به چشم نماینده ولی امر مسلمین نگاه کرده و او را بالاترین شخص آن منطقه از بعد معنوی می‌دانند. قضات و فرماندهان نظامی و انتظامی و فرمانداران و مسئولین دیگر همه حرمت او را نگه داشته و به ارشادات و نصایح او گوش می‌نمایند. حضور او در شهرستان باعث خیر و برکت برای منطقه شده و با اخلاص و تدبیر

او گاه کارهای بزرگ فرهنگی و غیره با هزینه اندک انجام می‌شود که اگر دولت بخواهد آن کارها را خود انجام دهد باید هزینه گزافی پردازد. ائمه جمعه ای هستند که مصلا ساخته اند. حوزه علمیه احداث نموده اند. بیمارستان و کتابخانه درست کرده اند. مجتمع های فرهنگی راه انداخته اند. دهها مسجد را احداث یا در تکمیل آن کمک کرده‌اند و در کنار این اقدامات، دفتر آنها پناهگاهی برای مردم بوده که یا برای کمک مادی مراجعه نموده و یا برای حل اختلافات خود و یا برای کمک معنوی به امام جمعه پناه برده اند. نقش امام جمعه نقش بی بدیلی است که از عهده دیگر عالمان بر نمی‌آید. او باید در جلسات اداری، مسئولان را به خدمتگزاری به مردم و رفع گرفتاری مردم دعوت ند. مشکلات منطقه را

متذکر شود. همه را به وحدت فراخواند. بین جناحهای سیاسی تعادل برقرار کند. سیاستهای نظام را برای مردم تبیین کند و ...

فضایل نماز جمعه

روز قیامت به اندازه سبقت به نماز جمعه، افراد در وارد شدن به بهشت از هم سبقت می‌گیرند. ⁽¹⁾

پیامبر اعظم ص: از جمله افرادی که اعمالشان مانند روزی که متولد شده اند حساب می‌شود کسی است که نماز جمعه را تمام کرده و دارد مراجعت می‌نماید. ⁽²⁾

1. اسرار نماز-شہید ثانی -امالی صدوق /396

2. مستدرک ، ج6، ص7.

خطرات مال و منال در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ⁽¹⁾

ای مؤمنین! مواظب باشید که ثروت و فرزندان شما را از یاد خدا باز ندارند که اگر اینگونه شود حتما زیان و ضرر کرده/اید .

اکثر کسانی که از خدا دور می شوند، بخاطر فرزندان و جمع آوری مال است . . لذا خداوند سبحان هشدار مهمی به بشر داده که مواظب باشید در این دو مورد افراط و تفریط نکنید .

می توان از مال و منال برای رسیدن به خدا سود برد . و برعکس ایندو می توانند مانع رسیدن به رضای خداوند سبحان شوند .

مردی که ازدواج می کند، سرپرست خانواده می شود . او باید خانواده را بسوی سعادت ببرد . او باید حد وسط را در جمع آوری مال و در محبت به فرزندان رعایت کند . او باید مواظبت به کند که مسیر خانواده از راه راست منحرف نشود .

پدر به عنوان سرپرست خانواده و سرکاردار این کانون، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده دارد . این مسئولیت از طرف خداوند سبحان به عهده پدر گذاشته شده و هیچ کسی نمی تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد "

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.⁽²⁾ یعنی مردان بر زنان سرپرستی دارند بخاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند .

1 . *منافقون 9*

2 . سوره نساء، آیه 32.

خطرات افراط در دوستی خانواده در قرآن و حدیث

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.⁽¹⁾

ای مؤمنین! بعضی از زنهای شما و فرزندان شما، دشمن شما هستند! مواظب آنها باشید .

اگر چه اکثر زنان مسلمان پشتیبان شوهرانشان در کارهای خیر و در اعزام به جبهه و جهاد با مال و جان و فرزند هستند ولی در مقابل ،خانواده هایی هستند که مانع کار خیر شوهر می شوند.

گاهی مرد می خواهد کار خیری انجام دهد، ولی خانواده او مانع می شوند . یا مرد می خواهد به جهاد و جنگ با دشمنان خدا برود ولی خانواده اش مانع می شوند . یا می خواهد علیه ظالمین و ستمکاران قیام کند ولی زن و فرزندانش مانع می شوند و گاه با

ستمکاران ارتباط برقرار می نمایند . همانند زن لوط علیه السلام و زن نوح علیه السلام که با این که شوهرانشان پیامبر بودند ولی با دشمنان خدا همراهی می نمودند و با پیامبر مخالفت و دشمنی می کردند .

گویند مردی پای منبر روحانی شنید که وقتی انسان بخواهد صدقه ای بدهد هفتاد شیطان دستهای او را می گیرند تا مانع شوند . او به خانه اش رفت و مقداری غذا برای فقرا برداشت ناگاه همسرش جلو او را گرفت و گفت نمی گذارم چون خودمان بیشتر نیاز داریم !
و خلاصه مرد دست خالی به مسجد برگشت . ی ی از دوستانش گفت آیا هفتاد شیطان را دیدی؟ گفت نه ولی مادرشان را دیدم !

بعضی از فرزندان به این فکرند کی پدرشان می میرد تا آنها به مال و ثروتی برسند ! و در بعضی از مناطق هنوز پدر نمرده، فرزندان طلب میراث از پدر می کنند و حقشان را می خواهند .

اگرچه گاهی زنان و فرزندانی هستند که همکار پدر در امور خیر هستند و مشوق او

1 . سوره تغابن، آیه 14.

می باشند .

در هر حال انسانهای زیادی بودند و هستند که گرفتار زن و فرزندانی هستند که از کارهای خیر بدشان می آید و همه اموال شوهر را برای خودشان می خواهند . در این موارد باید مرد با اِعمال سرپرستی و مسئولیتی که اسلام برای او قایل شده در عین حالی که به خانواده اش

ظلم کند و اسباب راحتی آنها را فراهم کند و از نظر مالی به آنها سخت نگذراند ولی مقداری از اموالش را برای ارهای خیر بگذارد و اصلاً لازم نیست تصمیمات خود را به اطلاع خانواده اش برساند .

همچنین آنهایی که می خواهند در راه خدا کار کنند ولی خانواده شان مخالفت می کنند نباید مخالفت آنها در تصمیمشان خللی وارد کند و راه درستی که انتخاب کرده اند ادامه دهند .

همانطوری که وقتی امام حسین علیه السلام بطرف کربلا می رفت خیلی ها می خواستند مانع حضرت شوند و امام را منصرف کنند و از این قیام بترسانند ولی امام علیه السلام هرگز سست نشدند و راه خدا را ادامه دادند .

همچنین امام راحل در قبل از انقلاب، تقریباً به این مضمون فرمودند اگر همه انس و جن یک طرف باشند و کسی مرا کمک نکند من راهی که انتخاب کرده ام ادامه می دهم .

معمولاً کسی که در راه حق حرکت می کند، با موانع فراوانی مواجه می شود که نباید از این موانع، مأیوس شود و باید با استقامت و اراده آهنین به مسیر خود ادامه دهد .

تبیین گناهان کبیره در قرآن و حدیث

گناهان کبیره از زبان مبارک امام صادق علیه السلام :

عمر بن عبید خدمت امام صادق رفت و آیه 32 سوره نجم را خواند: «الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْأَعْيُنِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ».

یعنی مؤمنین آنان هستند که از گناه کبیره و فواحشه غیر از گناه صغیره دوری می کنند که آمرزش خدا وسیع است .

سپس عمرو تا کلمه فواحش را خواند، ساکت شد . حضرت فرمود چرا ساکت شدی؟
عرض کرد دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن کریم بشناسم . امام فرمود: بلی ای عمرو
بزرگترین گناه شرک به خدا است که خدا فرمود: مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ⁽¹⁾

هر که به خدا شرک بورزد خداوند بدنش را بر بهشت حرام می کند. و جایاهش آتش است.

و فرمود: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ.⁽²⁾

حقیقتا خداوند شرک را نمی بخشد.

2- یأس و ناامیدی از رحمت خداوند سبحان که فرمود: لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.⁽³⁾

فقط زیانکاران و کفار از رحمت خدا مایوس می شوند.

3- ایمن بودن از مکر الهی که فرمود: فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ.⁽⁴⁾

1. مائده 72

2. نساء 482

3. یوسف 87

4. اعراف 994

فقط زیانکاران از مکر خدا ایمنند.

4- عاق والدین زیرا عاق را ستمکار و بدبخت خوانده است جَبَّاراً شَقِيّاً.⁽¹⁾

5- کشتن نفس مؤمن که فرمود: وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فِيهَا.⁽²⁾

هر که عمداً مؤمنی را بکشد جایگاهش جهنم است.

6-نسبت دان زنا به زن پاکدامن که فرمود: لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.⁽³⁾

7-خوردن مال یتیم که فرمود: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا.⁽⁴⁾

آنان که مال یتیم خورند درحقیقت آتش می خورند.

8-فرار از جهاد که فرمود: وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ.⁽⁵⁾

هر که از جهاد فرار کند دچار غضب خدا خواهد شد.

9-خوردن مال ربا که فرمود: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ.⁽⁶⁾

کسانی که مال ربا می خورند مانند دیوانگان می باشند.

10-سحر و جادو که فرمود: وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَالُهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ.⁽⁷⁾

ساحرین در آخرت جایگاهی ندارند.

11-زنا و فاحشه کردن که فرمود: وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا.⁽⁸⁾

هر که زنا کند گناه کرده لذا عذابش چندبرابر شده و در جهنم ابدی خواهند بود.

12- سوگند دروغ که فرمود: إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ⁽⁹⁾

1. مریم 32

2. نساء 936

3. نور 23

4. نساء 108

5. انفال 16

6. بقره 2751

7. بقره 102

8. فرقان 68

9. آل عمران 77

هر که عهد خدا و قسمهارا بفروشد (درمقابل پول اندکی) در آخرت جایگاهی ندارند.

13- کینه مؤمن در دل گرفتن: وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.⁽¹⁾

هر که کینه توز باشد با همین حال محشور می شود.

14- ندادن زکات که فرمود: وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.⁽²⁾

آنان که طلا و نقره را انبار می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند به آنها بشارت به عذاب دردناک بده.

15- شهادت دروغ که فرمود: وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ.⁽³⁾

16- مخفی کردن شهادت که فرمود: وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ اِثْمٌ قَلْبُهُ.⁽⁴⁾

هر که شهادت را مخفی کند دلش گناه بار شده است.

17- شرابخواری: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا اِثْمٌ كَبِيرٌ.⁽⁵⁾

18- قماربازی که فرمود: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا اِثْمٌ كَبِيرٌ.⁽⁶⁾

19- ترک عمدی نماز که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که عمدا

نماز نخواند از ذمه خدا و ذمه رسول خدا دور شده است .

20- شکستن پیمان

21- قطع رحم که فرمود: لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ.⁽⁷⁾

"چون سخن امام به اینجا رسید، عمرو در حالی که گریه می کرد بلند شد و گفت هلاک می شود کسی که به رأی خود بگوید و با شما در فضایل و علوم مشاجره و منازعه کند، و بیرون رفت.⁽⁸⁾

من می گویم ای کاش عمرو می نشست تا امام صادق علیه السلام همه گناهان کبیره را برای او می گفت و به دست ما می رسید .

1. آل عمران 161

2. توبه 341

3. فرقان 72

4. بقره 283

5. سوره بقره ، آیه . 219

6. سوره بقره، آیه . 219

7. رعد 25

8. تفسیر اثنی عشری ج 12 ص 343

حسنة در قرآن و حدیث

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ⁽¹⁾

خدا یا در دنیا به من خوبی بده و در آخرت نیز خوبی بده و مرا از آتش جهنم حفظ نما .

بعضی از افراد زرنگ هستند و چون می دانند خزانه خدا بی نهایت است لذا از خدا همه چیز می خواهند و خداوند سبحان هم به آنها می دهد مگر چیزی برخلاف مصلحتشان باشد .

حضرت سلیمان گفت خدایا بمن پادشاهی بده که قبل وبعد از من به کسی نداده باشی و ندهی !

خدا هم دعایش را مستجاب کرد .

شخصی در زمان امام صادق از حضرت خواست برایش دعا کند تا زن خوب، فرزندان زیاد، مال زیاد و عمر طولانی بطوری که 50 بار مکه برود به او بدهد . امام دعا کردند و او به همه حاجت های خود رسید .

پس از خداوند سبحان همیشه حسنه یعنی چیزهای خوب را درخواست کنیم . سلامتی، همسر و فرزندان خوب، امنیت و آرامش، برطرف شدن فقر و تنگدستی، عاقبت بخیری، منزل مناسب، شغل خوب، عزت در دنیا و آخرت و ایمان درست و هر چه که خوب است از خدا بخواهیم .

جایگاه محرومین در قرآن و حدیث

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ
مُعْرِضُونَ⁽¹⁾

از بنی اسرائیل تعهد گرفتیم که فقط الله را پرستند و به والدین و فامیل و مساکین نیکی کنند
و با مردم خوب حرف بزنند و نماز و زکات را برپا دارند. ولی جز اندکی بقیه به این عهد
عمل نکردند.

1- یکی از عهدهایی که خداوند سبحان از بندگانش گرفته آنست که به مساکین و یتامی
کمک و نیکی کنند .

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ * خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ " وَالْمَسَاكِينِ
وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ " عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ⁽²⁾

بدانید که از هرچه در آمد نصیبتان شد یک پنجم آن حق خدا و رسول و سادات و در راه
مانده و یتامی و مساکین از سادات است اگر به خدا و رسول ایمان آوردید و خدا بر هر چیز
قادر است.

2- یک پنجم درآمد انسان خمس است که قسمتی از آن با اجازه مجتهد به سادات یتیم و فقیر اختصاص می یابد .

3- کسانی که وجه الله را طالبند و رستگاری را می جویند باید به فقرا و مساکین توجه داشته باشند .

فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ⁽³⁾

به فامیلت حقش را بده و به مسکین و در راه مانده که این برای کسانی که می خواهند به

1 . بقره 83

2 . 41 انفال

3 . 38 روم

وجه الله برسند بهتر است و اینها رستگارند.

4- یکی از علل انحراف انسانها و کفرشان، این است که یکدیگر را به نیکی به یتامی و دادن غذا به مساکین دعوت نمی کردند .

كَأَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا⁽¹⁾

نه هرگز چنین است که شما نه یتیم نواز بودید و نه هم را به اطعام نیازمندان دعوت می کردید و ارث هم را بالا می کشیدید.

5- اهل جهنم یکی از علل جهنمی شدنشان را غذا ندادن به فقرا ذکر می کنند .

وَلَمْ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ⁽²⁾

6- کسانی می توانند از ایستگاههای سخت قیامت رد شوند که در روز سخت اطعام به فقرا کرده و بنده آزاد نموده اند .

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ⁽¹¹⁾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ⁽¹²⁾ فَكُ رَقَبَةً⁽¹³⁾ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ⁽¹⁴⁾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ⁽¹⁵⁾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ⁽¹⁶⁾⁽³⁾

پس هرگز از گردنه رد نمی شوند. و چه می دانی (رهایی از) گردنه چیست؟ آزاد کردن غلام. اطعام در روز سختی. کمک به یتیم فامیل یا مسکین بر روی خاک مانده.

7- صدقه کفاره گناهان قرار می گیرد .

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفَوْهَا وَتُؤْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ⁽⁴⁾

اگر صدقه را آشکار کنید خوب است ولی اگر مخفی کنید و به فقرا بدهید بهتر بوده و کفاره ناهانتان می شود و خدا از کارهای شما اطلاع دارد.

8- فرصت صدقه محدود است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ
وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ⁽⁵⁾

1. 19 "فجر" *

2. 44 مدثر

3. سوره بلد .

4. 271 بقره

5. بقره 254

ای مؤمنین! از چیزهایی که به شما دادیم صدقه دهید قبل از اینکه قیامت فرا رسد که دیگر
نه معامله . نه دوستی و شفاعت بدرد نمی خورد.

11- از چیزهای خوب باید انفاق نمود نه چیزهای دست دوم و دست خورد .

12- هر چه انفاق کنید فراموش و گم نمی شود و در روز سخت بداد انسان می رسد .

وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسُكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوفَّ إِلَيْكُمْ
وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ⁽¹⁾

هرچه از خیر انفاق کنید بنفع خودتان است و همه پاداش آن به شما داده شود و به شما ظلم نمی‌شود.

13- آنان که پولهارا جمع کرده و انفاق نمی‌کنند به آنها بشارت عذاب دردناک بده .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَاْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ
سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ⁽²⁾

14- مردان خدا، شبها به عبادت می‌پردازند و انفاق می‌نمایند . "

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ⁽³⁾

شب زنده دار بوده و از روی ترس و امید دعا می‌کنند و انفاق می‌نمایند.

15- هر که باید به اندازه ثروتش انفاق کند . اگر پولدار است بیشتر انفاق کند و اگر متوسط است کمتر .

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِشْرًا لَ مَا آتَاهَا
سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا⁽⁴⁾ باندازه آنچه به او دادیم خرج کند و خدا تکلیف باندازه توان
انسان می‌نماید و بعد از سختی آسانی خواهد آورد.

باید آدم متمکن باندازه درآمدش خرج کند و هر که وضعش خوب نیست

16- خداوند سبحان خود صدقه را دریافت می کند .

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ⁽⁵⁾.

1 . بقره 272

2 . 34 توبه

3 . "16" سجده

4 . "7" طلاق

5 . "104" توبه

آیا نمی دادند که خداوند توبه بندگانش را قبول کرده و صدقات را خود می گیرد و خدا توبه پذیر و مهربان است.

17- کسانی که صدقه یا قرض داده اند به خود خدا داده و پاداش بزرگی دارند .

إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ⁽¹⁾

همانا مردان و زنان صدقه دهنده و آنان که به خدا قرض الحسنه می دهند چند برابر پاداش می گیرند و اجر کریمان خواهند گرفت.

18- صدقات و زکوات باعث پاکی و تزکیه آدمی است .

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ⁽²⁾.

صدقه و زکات آنان را بگیر تا پاک شده و تزکیه شوند.

19- مردان خدا قسمتی از حقوق خود را به فقرا اختصاص می دهند .

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ⁽³⁾.

مؤمنین قسمتی از اموال را به فقرا اختصاص می دهند.

20- پولدارانی که انفاق نکردند در قیامت فریاد می زنند:

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ⁽⁴⁾.

ثروتم بدرد نخورد! قدرتم از بین رفت!

6- امامان علیه السلام برای خدا به مساکین ویتامی غذا می دادند .

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا⁽⁵⁾.

1. 18 حدید

2. 103 توبه

3. «25 معارج

4. 28 حاقه

5. 8 انسان

ارزش شهید در قرآن و حدیث

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ^(١)

شهید کسی است که نسبت به عالم غیب و جهان آخرت آنچنان معرفت پیدا می کند که می داند مرگ پلی است که او را از سختیهای دنیا به جهانی دیگر میبرد که دیگر از سختی های دنیا در آنجا خبری نیست و همه نعمت و راحتی است و در آنجا همراه پیامبران و امامان و شهدای تاریخ زندگی می نماید .

امام حسین در رجز خود فرمود:

وان یکن الابدان للموت انشات فقتل امرء بالسيف فی الله افضل

و امام سجاد علیه السلام به ابن زیاد گفت: یا نمی دانی که کشته شدن در خاندان ما عادت است و شهادت برای ما کرامت و هدیه الهی است؟

نشان دادن علی علیه السلام بعد از شهادت

بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام ، عده‌ای نزد امام حسن علیه السلام آمدند و درخواست کردند که: از آن معجزاتی که پدرت داشت، توهّم یکی بما نشان بده !

امام فرمود: آنگاه ایمان می آورید؟

گفتند: آری ! بخدا سوگند ایمان می آوریم .

حضرت گوشه پرده را کنار زدند . ناگاه مردم مشاهده کردند که علی علیه السلام در آنجا نشسته است ..

امام فرمود: این شخص را می شناسید؟

گفتند: آری این امیرمؤمنان علی علیه السلام است . ماهمگی شهادت می دهیم که توحجت

1 . آل عمران

(777)

برحق خدایی و تو بعد از علی علیه السلام امام هستی . همانطور که بعد از رحلت پیامبر، علی علیه السلام او را در مسجد قبا به ابوبکر نشان داد، توهّم امیرمؤمنان را بما نشان دادی .

امام فرمود: مگر سخن خدا را در قرآن نخوانده اید که می فرماید:

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ⁽¹⁾

وقتی که شهداء این مقام را داشته باشند که بعد از شهادت زنده باشند، درباره‌ما چه می‌توانید بگویید؟

همگی گفتند: ای فرزند رسول خدا! ما ایمان آوردیم و تورا تصدیق می‌کنیم.⁽²⁾

شهید نام خداوند است. در اسلام به کسی شهید می‌گویند که در راه حفظ دین و شور اسلامی و در راه امر بمعروف و نهی از منکر و در راه احیاء یکی از شعایر دین کشته شده است. آنان کسانی هستند با خدا معامله کرده و جان خود را در مقابل رضای الهی و بهشت جاودان بخشیده‌اند.

در میان بزرگان دین شهید زیاد داشته ایم. همه امامان علیه السلام شهید شدند و امام عصر هم بعد از تشکیل حکومت جهانی آل محمد، با شهادت از دنیا می‌رود. اصحاب بزرگی چون جعفر طیار و حمزه و عمار و مالک اشتر و یاران امام حسین و یاران دیگر ائمه توفیق شهادت را داشته‌اند. علماء بزرگی چون شهید اول و دوم و همچنین سید جمال اسدآبادی و سید حسن مدرس و شیخ فضل الله نوری و نواب صفوی و سعیدی و غفاری و صدر و بهشتی و مطهری و مفتاح و باهنر و شهدای محراب و هیدایه الله رئیسی و سردار سلیمانی و سید حسن نصرالله امثال آنها به شرف شهادت نایل آمدند.

شهادت آرزوی مردان بزرگ بوده است.

علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر: من از خدا می خواهم که عاقبت من و شما را به شهادت ختم کند .

و در جای دیگر فرمود: من عاشق شهادتم . ۱

امام راحل فرمودند ای کاش خمینی در میان شما بود تا در کنار شما در جبهه دفاع برای خدایتعالی کشته می شد .

و فرمودند: خط سرخ شهادت خط آل محمد و علی ست و این افتخار از خاندان نبوت

1. "بقره 154

2. "بحار ج 43

و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و پیروان خط آنان به ارث رسیده است .

اما دسته جات شهداء

اولین شهدای اسلام، یاسر و سمیه والدین عمار بودند که در اوج مظلومیت اسلام به شهادت رسیدند . بعد شهدای جنگهای صدر اسلام چون جعفر و حمزه و حنظله و سعد معاذ و دهها شهید دیگر

دسته دوم شهدای جنگهای جمل و صفین و نهروان که جزو سپاه علی علیه السلام بودند همانند عمار و مالک اشتر و محمد بن ابی بکر و هاشم مرقال اویس قرن و امثال آنها .

دسته سوم شهدایی که در راه ولایت بشهادت رسیدند مانند میثم تمار و عمرو بن حمق و حجر بن عدی و قنبر و ابن سکیت و رشید هجری و امثال آنها .

دسته سوم شهدای کربلا هستند .

دسته چهارم شهدای اصحاب ائمه تا زمان غیبت کبری است .

دسته پنجم شهدای زمان غیبت کبری تا قبل از انقلاب اسلامی همانند شهید اول و دوم و عزالدین قسام و شهید صدر و حکیم و ...

دسته پنجم شهدای انقلاب و هشت سال دفاع مقدس در ایران و شهدای عراق و لبنان و فلسطین و افغانستان و سرزمین های دیگر

برترین شهدا، امام حسین به عنوان سالار شهیدان سپس شهدای اهل بیت سپس شهدای کربلا سپس علماء شهید و بعد هر شهیدی باندازه معرفت و مقامش در نزد خداوند سبحان از دیگران بالاتر است .

شهدا با خونشان اسلام را بیمه کردند و اگر مجاهدت آنان نبود دین اسلام نابود می شد . لذا آنها حق بزرگی به گردن مسلمانان دارند و باید با پیمودن راه آنها و خدمت به خانواده های معظم شهدا، شهیدان را از خود راضی نماییم .

شهید: به کسانی که در راه پروردگار کشته می شوند، شهید گویند . زیرا شهدا بعد از کشته شدن، زنده بوده و در پیشگاه خداوند سبحان روزی می خورند و شاهد اعمال امت هستند و در قیامت شفاعت می نمایند .

شهادت سعادت‌ی است که آرزوی مردان و زنان با خدا بوده است وعده ای از پیامبران به این رستگاری عظیم رسیده اند از جمله حضرت زکریا و حضرت یحیی . وروایت شده که بنی اسرائیل در یک روز هفتاد پیامبر را شهید کردند . همچنین رسول خدا بر اثر زهری که در غذا بوسیله زن یهودیه داده شد از دنیا رفت لذا اصحاب می گفتند پیامبر هم شهید شد .

امامان معصوم و دختر محبوب پیامبر هم به وسیله شهادت از دنیا رفتند و در بستر وبه مرگ طبیعی نمردند واین اهمیت مسئله شهادت را نشان می دهد . شهادت باعث زنده بودن دین است و تا کنون اگر از دین و اسلام نامی باقی مانده و این چنین در حال گسترش است مرهون قلم دانشمندان و خون شهیدان است . انقلاب اسلامی نیز با خون هزاران شهید به پیروزی رسید و در راه تداوم خود نیز چه در دفاع مقدس و چه در سنگرهای دیگر شهدای بزرگوار را تقدیم راه اسلام عزیز نموده است .

شهادت در حقیقت رمز پیروزی اسلام در راستای تاریخ است . راز بقاء و جاودانگی انقلاب اسلامی است . شهادت رمز مرگ و حیات، رمز ذلت و عزت، رمز سستی و قیام و مرز فناء و بقاء است .

«شهادت» در کلام شهیدان

شهید ماشاءالله غرقى از تهران: «وقتی مرگ حق است كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ... و بهترین نوع مردن «شهادت» در راه خدا می باشد، شهادت را انسان انتخاب می کند، و مردن بر اساس انتخاب می باشد نه مردنی که بر انسان تحمیل شود» .

شهید محمد کچویی : «بدانید بهترین آرزویی که مرا سیراب می کند «شهادت» در راه خداست» .

شهید علی پورمشیر از تهران: «این دنیا فانی است و همه چیز در فنا شدن است، همه چیز در طبیعت می‌میرد، ولی شهید زنده است و در پیش خدای خود روزی می‌خورد و فنا نمی‌شود. برای همین من این راه «شهادت» را انتخاب کرده‌ام».

شهید اسماعیل احمد لو از اراک: «این بنده حقیر تشخیص دادم که «شهادت» تصادفی نیست، بلکه سعادت بزرگی است، لذا آگاهانه راه خود را یافته‌ام و قدم در این راه نهاده‌ام».

شهید حمید بابایی روندگان از تهران: «احساس می‌کنم که «شهادت» اگر چه برای ما هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای اعلام اعتقادمان به وحدانیت حق و استقامت در ناملایمات می‌باشد، و راهی است بس نزدیک برای رسیدن به معشوق حقیقی».

شهید محمدابراهیم احمد پور از قم: «از آن جا که مرگ حق است... و هیچ کس را یارای مقابله و فرار از مقابل این حکم و منطق الهی نیست، و بالاخره روزی مرگ به سراغ همه خواهد آمد و همه طعم مرگ را خواهند چشید، پس چه بهتر که انسان مرگی را انتخاب کند که آغاز زندگی نوین و جدیدی باشد، زندگی و راهی که انسان با قبول «شهادت عارفانه و آگاهانه» انتخاب می‌کند، زندگی و راهی که سراسر آن معنویت و عشق و علاقه به الله باشد، زندگی و راهی که در آن صراط مستقیم الهی و رضایت و خشنودی پروردگار قرار گرفته، زندگی و راهی که به مراتب از عسل شیرین تر و باصفاتر از این زندگی مادی می‌باشد».

شهید محمد رضا تیغ بند از تهران: «مرگ‌های با عزت باعث دوام بخشیدن به انقلاب می‌شود، و «شهادت» هم یک مرگ با عزت است که هم در این دنیا و هم در آن دنیا پرارزش می‌باشد».

شهید غلامرضا طالب‌لو از تهران: «من چیزی را گواراتر از شربت «شهادت» نمی‌دانم. شهادت چیزی نیست که بتوان آن را با زبان بیان کرد. شهادت معامله‌ای است که انسان با خدا می‌کند، یعنی انسان جان خود را به فروش می‌گذارد و خریدارش هم فقط خداست». شهید حسین بهزادپور از تهران: «از خداوند سبحان خواسته‌ام که نه اسیر شوم و نه معلول، بلکه تمامی پیکرم را خالق منان از من پذیرا باشد و اگر شهادت را نصیبم نمود در صف اول معرکه شهید شوم».

آرمان‌های شهداء

اگرچه شهدا در ظاهر در میان ما نیستند ولی آنها شاهد اعمال ما می‌باشند پس باید تلاش کنیم آرمان‌های آنها را ادامه دهیم.

شهدا چه آرمانهایی داشتند؟

1- احیاء دین اسلام و محافظت از ارزشهای اسلامی

2- پیروی از خط امام و رهبری

3- حرکت پشت سر روحانیت اصیل و در خط امام

4- مبارزه با مستکبرین و عدم تواضع در مقابل خواسته‌های ناحق آنها

5- حفظ عفاف در زنان و مبارزه با بدحجابی و بی بندوباری

6- زنده نگه داشتن فرهنگ شهادت طلبی و مهدویت که این دو عامل بقاء انقلاب اسلامی است .

7- مجاهدت در سنگر هایی که نظام اسلامی به آنها نیاز دارد از جمله سنگر علم و دانش پژوهش، سنگر هنر اصیل اسلامی، سنگر خدمت رسانی به مردم خوب ایران اسلامی و حضور در نماز جمعه و اجتماعات اسلامی و ورزش های فرهنگی و نظامی و غیره .

پاکدامنی در قرآن وحدیث

خداوند سبحان در قرآن کریم فرموده است: انّ الله يحب التوابين والملتطهرين

همانا خداوند سبحان توبه کنندگانه و پاکان را دوست دارد .

دعوت خدا به پاکی و پاکدامنی

از روزی که خداوند سبحان انسان را خلق کرد او را به پاکدامنی ظاهری و باطنی دعوت نمود . و احکامی که برای او جعل نمود بر این اساس است . اگر از شراب او را نهی نموده است برای این است که شراب پلید و رجس است . اگر از خوک او را نهی نمود برای این است که خوک پلید است "اولحم خنزیر فانه رجس" و اگر از زنا و لواط و اعمال خلاف عفت دیگر نهی نمود برای این است که آنها انسان را از طهارت باطنی دور می نمایند .

پلیدی بر دو گونه است: پلیدی ظاهری که در پلیدیهای همچون شراب و گوشت خوک بکار می رود . و

و پلیدی باطنی و معنوی که در شرک و کفر و اعمال خلاف عفت بکار می رود . "کذلک الله الرجس علی الذین لا يؤمنون . " و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجسا الی رجسهم و ماتوا وهم کافرون . "

در المیزان آمده است که: رجس نسبت به انسان یعنی ادراک نفسانی و اثری شعوری که از
علاقه قلب بع اعتقادی باطل یا عملی زشت حاصل می شود .

در نمونه آمده است که: خدا همه گناهان را رجس می داند . لذا بر شرک، مشروبات الکلی،
قمار، نفاق، گوشت های حرام و ناپاک و مانند آنها اطلاق می شود .

نمونه هایی از مدح پاکدامنی در قرآن

خداوند سبحان در مهمترین آیه مربوط به اهل بیت علیه السلام که بعنوان آیه تطهیر معروف
است می فرماید: اَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكَ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كَمَ تَطْهِيرًا
همانا خداوند سبحان اراده کرده است که هر پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شمارا پاک کند
پاک کردنی

خداوند سبحان در قرآن کریم فرموده است: اِنَّ اللّٰهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ وَالْمُتَطَهِّرِينَ
همانا خداوند سبحان توبه کنند گاه و پاک شوند را دوست دارد .

خداوند وقتی می خواهد حضرت مریم را معرفی کند می فرماید او پاکدامن است:

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

(تحریم ایه 12)

مریم دختر عمران که پاکدامن بود....

یا وقتی می خواهد خصوصیات مومن را بیان فرماید یکی از خصوصیات او را پاکدامنی ذکر می کند:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفُوجِهِمْ حَافِظُونَ

(مومنون ایه 5)

انان که پاکدامنند..

همچنین در سوره احزاب ایه ۳۵ یکی از اوصاف مومنین و مومنات را پاکدامنی ذکر کرده. والحافظین فروعهم و الحافظات..

یا اینکه جناب یوسف نبی به خدا عرض می کند من زندان برم بهتر از این است که با این زنها ارتباط برقرار کنم!

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ

(یوسف ایه 33)

یوسف گفت: ای خدا، مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است که اینان از من تقاضا دارند و اگر تو حيله این زنان را از من دفع نفرمایی به آنها میل کرده و از اهل جهل (و شقاوت) گردم.

و این نشان می دهد که ادم پاکدامن پیش خدا عزیز و ادم ناپاک پیش خدا ذلیل است.

درباره همسران بهشتی آنها را با پاکدامنی توصیف می نماید: لهم فيها ازواج مطهره وهم فيها خالدون .

همسران بهشتی پاکدامن و دور از رجس هستند .

درباره کعبه به ابراهیم علیه السلام دستور می دهد که آن را از آلودگی ظاهری دور نماید .
وعهدنا الی ابراهیم واسماعیل ان طهرا بیتی .

با ابراهیم واسماعیل عهد کردیم که خانه مرا پاک سازند .

درباره خاندان لوط از زبان قومش آورده است که اینها را از شهرمان دور کنیم زیرا اینها پاکدامن هستند . انهم أناس یتطهرون

اینها مردی پاکیزه طلب (پاکدامن) هستند .

زکات و حقوق مالی الهی را پاک کردن نامیده است: خذ من اموالهم صدقه تطهرهم
وتزکیهم

با گرفتن صدقات آنها را پاک و تصفیه نما .

مردان مسجد قبا را به پاکی ستوده است . فیه رجال یحبون ان یتطهروا واللّه یحب المطهرین

در این مسجد مردان پاک هستند و خدا پاکان را دوست دارد .

یکی از انواع پا کدامنی داشتن عفت است .

در منابع حدیثی، اهمیت فوق العاده‌ای به "عفت" داده شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

1- امام امیر المؤمنین علیه السلام، عفت را برترین عبادت شمرده است: «افضل العبادۃ العفاف»

"تعبیر به عفت در این جا، ممکن است به معنی وسیع آن استعمال شده و یاممکن است در مقابل شکم پرستی و شهوت جنسی به کار رفته باشد. ⁽¹⁾

2- امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن و فرج» هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند، برتر از عفت در برابر شکم و مسایل جنسی نیست ⁽²⁾

3- در روایت دیگری از آن حضرت- که تفسیری بر روایت سابق است- آمده است که مردی خدمت امام علیه السلام عرض کرد: اعمال و طاعات من ضعیف و روزه‌ام کم است، ولی امیدوارم که هرگز مال حرامی نخورده‌ام. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «ای الاجتهاد افضل من عفة بطن و فرج» کدام تلاش در راه اطاعت خدا، برتر از عفت در مقابل شکم و مسایل جنسی است. ⁽³⁾

4- امام علی بن ابیطالب علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «إذا اراد الله بعد خيرا اعف بطنه و فرجه» هنگامی که خداوند سبحان خیر و خوبی برای بنده‌اش بخواهد، به او توفیق می‌دهد که در برابر شکم و شهوت پرستی عفت پیدا کند. ⁽⁴⁾

5- در حدیث دیگری که مفضل از امام صادق علیه السلام ، در توصیف شیعیان واقعی نقل شده، آن حضرت چنین می فرمایند: «انما شیعه جعفر من عف بطنه و فرجه و اشد جهاده و عمله لخالقه و رجاء ثوابه و خاف عقابه فاذا رایت اولئک ، فاولئک شیعه جعفر» پیروان حقیقی جعفر بن محمد، کسانی هستند که در برابر شکم پرستی و بی بند و باری جنسی، عفت و (در راه بندگی خدا) تلاش و کوشش فراوان دارند، به ثواب او امیدوارند و از عقاب او بیمناک .

که همین دلیل، پیوسته، در راه حق حرکت می کنند . هرگاه کسی را با این صفات ببینی، آنها پیروان و شیعیان جعفر بن محمد علیه السلام می باشند .⁽⁵⁾

6- امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «قدر الرجل علی قدر همته، و صدقه علی قدر مروته، و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته» ارزش هر کس به اندازه همت او و صداقت هر کس به اندازه شخصیت او و شجاعت هر کس به اندازه زهد و بی اعتنایی

1. غرر الحکم ، حدیث 876 .- الکافی 79/2

2. میزان الحکمة 1802/3

3. میزان الحکمة 459/1

4. میزان الحکمة 2008/3

او به ارزشهای مادی و عفت هر کس به اندازه غیرت اوست.⁽¹⁾

بدیهی است، افراد غیرتمند راضی نمی شوند که کسی نگاه آلوده به نوامیس آنها کند، به همین دلیل، نسبت به نوامیس دیگران نیز حساسند و متعرض آنها نمی شوند.

7- حضرت محمد صلی الله علیه و اله در روایتی ضمن بیان این که: "سه چیز است که بر امتم از آن سه بیمناکم" سومین آنها را "شهوة البطن و الفرج، شکم پرستی و شهوت پرستی جنسی" می دانند.⁽²⁾

نتیجه

آنچه از آیات و روایات فوق حاصل می شود، این است که: اسلام اهتمام فوق العاده به مساله پرهیزکاری در برابر شهوت شکم و بی بند و باری جنسی دارد تا جایی که آن رانسانه شخصیت، غیرت، ایمان و پیروی از مکتب اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند. تاریخ نیز سرچشمه بسیاری از گرفتاری های انسان را از همین دو امر (شهوت شکم و شهوت جنسی) می داند، زیرا شهوت شکم، به انسان اجازه تفکر مشروع را نمی دهد تا به وسیله آن، حقوق انسان ها را رعایت کند و در مسیر عدالت گام بردارد. به همین علت، انسان را به ارتکاب انواع گناهان وا می دارد.

شهوت پرستی در روایات اسلامی دیگر

خطرات ناپاکی و شهوت طلبی در منابع روایی اسلام، مورد توجه فراوان قرار گرفته است که بیشتر آنها بیانگر هشدار، درباره پیامدهای خطرناک آن است. این احادیث تکان

دهنده، هر خواننده‌ای را تحت تاثیر عمیق قرار داده و روشن می‌سازد که آلودگی به "شهوت" - خواه به مفهوم عام و خواه به مفهوم خاص آن - از موانع اصلی سعادت و کمال انسان‌ها و از اسباب مهم گسترش گناه و جنایت در جامعه بشری است که در ذیل، به بعضی از آن احادیث اشاره می‌شود:

1- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ما تحت ظل السماء من اله يعبد من دون

1. نهج البلاغه/477

2. میزان الحکمة/3/2008

الله اعظم عند الله من هوى متبع» در زیر آسمان معبودی جز خدا پرستیده نشده است که در پیشگاه خدا، بدتر از هوا و هوسی باشد که انسان را به دنبال خود می‌کشاند.⁽¹⁾

به این ترتیب، روشن می‌شود که "شهوت" و هوای نفس از خطرناکترین عوامل انحراف انسان به سوی زشتی‌هاست.

2- امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرمایند: «الشهوات سموم قاتلات» شهوت‌ها، زهرهای کشنده است" (که شخصیت و ایمان و مروت و اعتبار انسان را نابود می‌سازد).⁽²⁾

- 3- در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار علیه السلام آمده است: «الشهوات مصاید الشیطان» شهوات دام‌های شیطان است. (که انسان‌ها را به وسیله آن در هر سن و سال و در هر زمان و مکان صید می‌کند).⁽³⁾
- 4- همان حضرت علیه السلام در جای دیگر می‌فرمایند: «امنع نفسك من الشهوات تسلم من الآفات» اگر می‌خواهید از آفات در امان باشید، خویشتن را از تسلیم شدن در برابر شهوات بازدارید.⁽⁴⁾
- 5- در حدیث دیگری نیز از همان پیشوای پرهیزکاران جهان آمده است: «ترك الشهوات افضل عبادة و اجمل عادة» ترك شهوت‌ها، برترین عبادت و زیباترین عادت است.⁽⁵⁾
- 6- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من ملك نفسه اذا غضب و اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهى، حرم الله جسده على النار» کسی که به هنگام غضب و تمایل و ترس و شهوت، ملك نفس خویش باشد، خداوند سبحان جسد او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند.⁽⁶⁾
- 7- امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «ضادوا الشهوة مضادة الضد ضده و حاربوها محاربة العدو العدو» با خواهش‌های نفسانی در تضاد باشید، همچون تضاد دو ضد با یکدیگر و با آن به پیکار برخیزید (مانند) پیکار دشمن با دشمن.⁽⁷⁾
- این سخن با صراحت، این حقیقت را بازگو می‌کند که "شهوت پرستی" درست
-

1. غرر الحکم ، حدیث 876 -میزان الحکمة 4/3478

2. غرر الحکم /304

3. غرر الحکم /304

4. غرر الحکم /305

5. غرر الحکم /241

6. بحار ، ج 75 ، ص 243.

7. شرح غرر الحکم /241

مقابل "سعادۃ" و خوشبختی انسان قرار گرفته است .

پیامدهای شهوت پرستی در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام

درباره پیامدهای شهوت پرستی و پیروی از هوای نفس، تعبیرات دقیق، حساب شده و تکان دهنده‌ای در احادیث اسلامی دیده می‌شود که در این بحث تنها به کلام پیشوای متقیان حضرت علی علیه السلام اشاره می‌شود:

1-امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «اهجروا الشهوات فانها تقودکم الی رکوب الذنوب و التهجم علی السيئات» از شهوات بپرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم بر معاصی می‌کشاند. ⁽¹⁾

2- این مساله گاهی به قدری شدید می شود که به کلی دین انسان را بر باد می دهد، چنان که در حدیث دیگری می فرمایند: «طاعه الشهوة تفسد الدین» فرمانبرداری از شهوات نفسانی، دین انسان را فاسد می کند.⁽²⁾

3- آن حضرت در تعبیر دیگری می فرمایند: «طاعه الهوى تفسد العقل» هوا پرستی عقل انسان را فاسد می کند.⁽³⁾

4- در جای دیگر می فرمایند: «الجاهل عبد شهوته» انسان نادان بنده شهوت خویش است"، یعنی، انسان جاهل مثل برده خوار و ذلیلی است که در برابر شهوت خویش، هیچ اختیاری از خود ندارد.

5- در تعبیر دیگر می فرمایند: «عبد الشهوة اسير لا ينفك اسره» برده شهوت چنان اسیر است که هرگز روی آزادی را نخواهد دید.⁽⁴⁾

6- آن حضرت علیه السلام در این که سرانجام "شهوت پرستی"، رسوایی است، می فرمایند: «حلاوة الشهوة ينغصها عار الفضيحة» شیرینی شهوت را ننگ رسوایی از میان می برد.⁽⁵⁾

7- در تعبیر دیگری، شهوت پرستی را کلید انواع شرها می دانند: «سبب الشر

1. غررالحکم/305

2. غررالحکم/304

3. غررالحکم /64

4. غررالحکم /305

5. غررالحکم /304

غلبه الشهوة سبب شر» غلبه شهوت است. ⁽¹⁾

با توجه به این که "الشر" با الف و لام جنس و به صورت مطلق ذکر شده است، معنای عموم را می‌رساند که این امر بیانگر آن است که "شهوت پرستی"، سرچشمه تمام شرها و بدبختی‌هاست.

8- در جای دیگر ضمن اشاره به این نکته که غلبه هوا و هوس، سبب بسته شدن راه‌های سعادت بشری شده و او را در گمراهی نگاه می‌دارد، می‌فرمایند: «کیف یستطیع الهدی من یغلبها الهوی» چگونه می‌تواند انسان به هدایت برسد، در حالی که هوای نفس بر او غالب گردیده است. ⁽²⁾

9- آن حضرت در سخن دیگری، غلبه شهوات را باعث تضعیف شخصیت انسان می‌دانند: «من زادت شهوته قلت مروته» کسی که شهوات او فزونی یابد، شخصیت انسانی او کم می‌شود. ⁽³⁾

10- در بیان دیگری به این حقیقت اشاره می‌کند که راه بهشت، راه "شهوت پرستان" نیست: «من اشتاق الی الجنه سلا عن الشهوات» کسی که مشتاق بهشت باشد باید شهوت پرستی را فراموش کند.⁽⁴⁾

11- در جای دیگر این نکته را گوشزد می‌کند که حکمت و آگاهی با شهوت پرستی سازگار نیست: «لا تسکن الحکمه قلبا مع شهوة» حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت پرستی است، ساکن نمی‌شود.⁽⁵⁾

نتیجه:

آثار روابط نامشروع جنسی باعث:

1- بی‌آبرویی

2- فقر و بیچارگی

1. غررالحکم / 304

2. غررالحکم / 65

3. غررالحکم / 305

4. غررالحکم / 146

5. غررالحکم 58/

3- اضطراب و نگرانی

4- ناراحت کردن خانواده و فامیل و بستگان و آشنایان

5- بیچارگی و دوری از سعادت

6- ایجاد بی اعتمادی

7- اشاعه فساد در جامعه

8- ذلت و خواری

9- دوری از رحمت الهی

10- محروم شدن از آزادی و نعمتهای دیگر

آثار مخرب ناپاکی در جامعه و خانواده

کارهای خلاف عفت و پلید از جهت مفسدی که بر آنها بار است، حرام شده‌اند و الا خداوند سبحان نمی‌خواهد که انسان به سختی بیافتد و یا ریاضت بکشد!

«امام رضا علیه السلام: **زنا برای این حرام شده است** که در آن فساد است. فسادهایی چون قتل انسان، از بین رفتن نسب‌ها، ترک تربیت کودکان، فساد در ارث و امثال این مفسد

«.

«امام علی علیه السلام : خدا ترک زنا را واجب نمود بخاطر حفظ نسلها و ترک لواط را حرام نمود بخاطر زیاد شدن نسلها.»⁽¹⁾

می‌توان آثار زیر را از عوارض زیانبار انجام اعمال نامشروع و پلید در جامعه دانست:

1- پیدایش هرج و مرج در روابط خانواده

در جوامعی که براساس اباحی گری و آزادی بی و بند باری، روابط جنسی وجود دارد، آثار مخرب و ویران کننده‌ای به وجود می‌آید که از دید جامعه شناسان و حتی سیاستمداران پنهان نمانده است لذا گاهی به این مسئله اعتراف دارند که علت این مشکلات و معضلات روز افزون جوامع غربی، عدم اعتنا به مقررات الهی در روابط جنسی است. پاپ به عنوان رهبر مسیحیان جهان در سالهای اخیر مرتب در بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها به این

1. نهج البلاغه حکمت 252

مطلب اشاره نموده است و از رؤسای کشورهای مختلف مسیحی خواسته است که فرزندان حرام را قانونی ندانند! اما تا کنون نه تنها به این هشدارها و موعظه‌ها اعتنایی نشده است بلکه هم جنس بازان مورد حمایت دولتها بوده و دارای تشکل و صنف و اتحادیه هستند و در سال چندین بار اقدام به راهپیمایی و تجمع برای احقاق حقوق!! خود می‌کنند!

نتیجه تسلط شهوات بر همه امور ملت‌های غربی و حضور بی قید و شرط زن برهنه و عریان در همه جا، پیدا شدن آثار مخربی است که نصیب این ملت‌ها شده است. آثاری همچون:

1- فساد نظام خانوادگی،

2- افزایش آمار طلاق (یکی از دانشمندان فرانسه که چندبار هم به وزارت رسیده بود، زنش را پنج ساعت بعد از ازدواج، طلاق داد!)،

3- تعداد کم ازدواج (در فرانسه از هر هزار نفر، هفت یا هشت نفر ازدواج می کنند)

4- کثرت فرزندان نامشروع (در انگلستان از هر سه کودک یک نفر نامشروع است)،

5- کشتن فرزندان نامشروع با فراغت بال (در فرانسه، دادگاه زنی را که طفلش را خفه کرده بود و چون طفل هنوز نفس می کشید سر او را بادیوار کوبیده بود و کشته بود، مجرم ندانست! همچنین رقاصه ای که می خواست زبان کودکش را از حلقش درآورد! لذا سر طفلش را زخمی کرده و شاهرگش را قطع نموده و او را کشته بود، مجرم شناخته نشد!)

6- افزایش بیماران روانی (در امریکا از هر سه نفر یک نفر مشکل روانی دارد)،

7- کثرت تجاوزات و جنایات و از بین رفتن اخلاق سالم در جامعه و بی اعتمادی به هم و مردن فضیلت های اخلاقی در بین اقشار مختلف مردم،

8- از بین رفتن عاطفه و محبت،

9- شورش و طغیان مردم،

10- احساس پوچی در بین اکثر جوانان

... همه از معضلات جوامع غربی می باشند.» (کتاب حجاب)

ما ایرانی‌های مسلمان باید از آثار مخرب فوق در جوامع غربی درس عبرت بگیریم و هرگز از آنان دنباله روی ننمائیم. اگرچه متأسفانه فیلمهائی که در این کشور تولید می‌شود. روزنامه‌هائی که نوشته می‌شود. کتابهائی که منتشر می‌شود. مجلات رنگی که چاپ می‌شود اکثراً در تعریف و اشاعه فرهنگ غرب گام برمی‌دارند و عمداً یا ناخواسته رؤیای جوانان را به سفر به غرب و استفاده از آزادیهای آنچنانی آنجا ویا آرزوی پدید آمدن حکومتی همچون حکومت‌های لیبرالی غرب سوق می‌دهند.

درحالی که قرآن کریم اینگونه جوامع را به جاهلیت تشبیه می‌کند و انسان‌ها را از جاهلیت برحذر می‌دارد. قبل از آیه تطهیر، خداوند سبحان زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از قرار گرفتن در مسیر جاهلیت برحذر می‌دارد: وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى. ⁽¹⁾ با زینتهای جاهلیت اولی، خود را زینت نکنید.

در تفسیر نمونه آمده است: اگر عرب در جاهلیت اولی، جنگ و غارت گری داشت، در عصر ما هم جنگ‌هایی رخ می‌دهد که گاهی بیست میلیون کشته و مجروح بجا می‌گذارد. اگر در جاهلیت عرب، زنان تبرج به زینت می‌کردند و روسری‌های خود را کنار می‌زدند به گونه‌ای که مقداری از سینه و گلو و گردن و گوشواره نمایان می‌گشت، در عصر ما کلوپهایی مانند کلوپ برهنگان (نمونه آن در انگلستان) تشکیل می‌شود که افراد در آن برهنه مادرزاد ظاهر می‌شوند! اگر در جاهلیت عرب، زنان آلوده بوسیله پرچم، مشتری به خود جذب می‌کردند در جاهلیت ما افرادی هستند که بوسیله روزنامه خصوصی افرادی را بسوی کارهایی که قلم از بیان آن شرم دارد، دعوت می‌کنند. ⁽²⁾

آری در عصر رایانه و اینترنت، هزاران سایت و میلیونها سی دی و دی وی به اشاعه پلیدی و آلودگی جنسی مشغول هستند . و این همان جاهلیت پیشرفته است . و متأسفانه کشور ما از جاهایی است که دشمن روی آن برنامه ریزی نموده است و میلیونها دلار برای آلوده کردن و پلید کردن نسل جوان ایرانی بودجه اختصاص داده و خرج می کند . و می خواهند همان بلاهایی که بر سر خودشان آمده و دانشمندان را سراسیمه نموده است، بر سر کشور ما درآورند . و بعضی جوانان هم بی خبر مقلد مطلق غرب هستند و خیال

1. احزاب 33

2. تفسیر نمونه ذیل آیه احزاب 33

می کنند هر چه غرب بگوید درست است . اینان لباس خود را بر اساس الگوهای غربی می پوشند . گاه علامت صلیب هم بر آن دیده می شود . زنجیر طلا صلیب مانند برگردن می آویزند . نوع آرایش موی سر و اصلاح صورت را بر وفق غرب انجام می دهند . موسیقی جاز و شو غربی گوش می دهند . گاهی پارتی های غربی ترتیب می دهند . مانند نان مشروب می خورند و مانند آنان به اختلاطهای زن و مرد و اعمال نامشروع بجای ازدواج سالم و قناعت بع همسر شرعی و قانونی، روی می آورند . لذا آمار ایدز بالا می رود !

آمار طلاق بالا می‌رود. آمار دستگیریهای افرادی که در خانه های فساد بسر می‌برند توسط نیروی انتظامی افزایش می‌یابد. حتی بعضی از بازیکنان تیم ملی فوتبال، بعضی از هنرپیشگان سینما، بعضی از مجریان تلویزیون در خانه‌های فساد و در حال رقص و آواز و مست و... دستگیر و رسوا می‌گردند. باندهای در شهرهای مختلف ایران کشف و دستگیر می‌شوند.

در حالی که اگر پاکدامن بودند و روابط جنسی خارج از ازدواج را قبول نمی‌کردند دچار این بحرانهایی شدند.

2- ظهور جنایات و ظلم بوسیله فرزندان حرام!

یکی از معضلات جوامع غربی که خوشبختانه در کشور ما وجود ندارد، فرزندان غیرقانون و باصطلاح مردم حرام‌زاده‌ها! هستند. اینان در آینده بزرگ شده و وارد اجتماع می‌گردند. از نظر اسلام اگرچه یک زنازاده می‌تواند زندگی طبیعی داشته باشد و از حقوق شهروندی برخوردار گردد ولی بخاطر طبیعت ناسالمی که در فرد زنازاده وجود دارد و میل به ناپاکی و بدیها دارد نباید در مناصب حساس وارد شود. او نمی‌تواند مرجع تقلید و مجتهد شود. او نمی‌تواند امام جماعت گردد. او نمی‌تواند شاهد دادگاه باشد. او نمی‌تواند قاضی باشد و...

اما در غرب این افراد وارد پستهای حساس شده و از آنها افرادی مانند شارون، بوش و... بوجود می‌آید که به خون مستضعفین تشنه هستند و میل به جنایت و خیانت و فساد دارند. در تاریخ جنایتهای بزرگی به دست افراد حرام‌زاده انجام شده که اگر حلال زاده

بودند هیچگاه این اعمال را انجام نمی‌دادند.

به چند مورد از جنایتهای بزرگی که به دست افراد زناکاریا اولاد زنا بوجود آمده است، اشاره می شود:

شهادت حضرت یحیی(ع) به دستور یک زن فاسد

«وقتی «هیرودیس» تصمیم گرفت تا خلاف قوانین تورات با دختر برادر خود که زن فاسدی بود، ازدواج کند، حضرت یحیی علیه السلام با این امر مخالفت کرد و این ازدواج را باطل اعلام نمود .

زن مزبور وقتی از مخالفت این پیامبر الهی باخبر شد، دشمنی با او را در دل گرفت و نقشه ای کشید . او شبی خود را زینت داد و با زیبایی کامل نزد عمویش رفت و در ساعتی که دل عمو در گرو گرفتن کام دل از این زن فاسد بود، قبول خواسته عمو را در گرو کشتن یحیی علیه السلام اعلام کرد . پادشاه شهوتران برای جلب رضایت این زن زانیه، دستور داد تا سر یحیی علیه السلام را برای آن زن بیاورند ! مأمورین پادشاه سر حضرت یحیی علیه السلام را در حال عبادت بریدند و داخل طشتی قرار داده برای این زن آوردند .»

یک فرزند و چند پدر !

نابغه مادر عمرو عاص، زنی منحرف و مشهوره بود . او با مردانی چون ابولهب، امیه بن خلف، هشام بن مغیره، ابوسفیان و عاص بن وائل ارتباط نامشروع داشت . بعد از تولد عمرو، هر کدام از اینها ادعا می کرد که عمرو فرزند اوست ! ولی چون عاص کمکهای مالی به نابغه می کرد، این زن اعلام کرد که عمرو، فرزند عاص می باشد ! اما ابوسفیان می گفت: تردیدی ندارم که عمرو، فرزند من است و از آمیزش من منعقد شده است !⁽¹⁾

فرزند زن زناکار!

«زیاد که خود و پسرش ابن زیاد از جنایتکاران زمان خودشان بوده‌اند، از زنانی هرزه بوجود آمدند. مادر زیاد بنام سمیه از صاحبان عَلم! درمکه بوده است که از این راه به فسق و فجور می‌پرداخته است. وقتی زیاد بدنیا آمد، چون پدرش معلوم نبود، کیست، او را زیاد بن ابیه! یعنی زیاد پسر پدرش! نامیدند. زیاد و پسرش عبیدالله جنایات فراوانی نسبت به خاندان پیامبر و اولیاء خدا روا داشتند.»

مادر حجاج خونخوار!

مادر حجاج زن هوسرانی بود که با مردانی غیر از شوهرش ارتباط نامشروع داشت. او مدتی عاشق جوان زیبایی بنام نذر شد و اشعار عاشقانه در وصف یار می‌گفت. عمر که خلیفه بود، خبردار شد و دستور داد تا سر نذر را تراشیدند و او را تبعید نمود. گفته‌اند حتی در هنگام آمیزش با شوهرش یوسف، بیاد نذر بود. امام ششم علیه‌السلام در باره حجاج که 120000 شیعه را شهید نمود فرمود: این جنایات حجاج بخاطر آن مادر عیاش و لأبالیس بوده است.⁽¹⁾

«پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به امام حسن علیه‌السلام فرمود: آن کسی که تو را می‌کشد، فرزند زنا و فرزند پسرزناکار است!»⁽²⁾

«امام صادق علیه‌السلام: کسی که امام حسین علیه‌السلام را کشت، ولد الزنا بود و کسی که حضرت یحیی علیه‌السلام را کشت نیز ولد الزنا بود.»⁽³⁾

3- اشاعه بیماریهای عجیب و غریب

امراض و بیماریهای مختلف جنسی همانند ایدز جهان را پر کرده است زیرا فساد جنسی دنیا را پر نموده است

«ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس»⁽⁴⁾

بخاطر اعمال مردم، فساد دنیا را چه در خشکی و چه در دریا پر کرده است .

1. «کتاب چشم، نگاه و...»

2. کتاب سلیم بن قیس ص 427

3. غایه المرام (سیدهاشم بحرانی) ص 275

4. روم 41

«نیوت گنگریچ، رئیس اسبق مجلس نمایندگان امریکا:

ایالات متحده باید جهان را رهبری کند... اما با کشوری که در آن دوازده ساله‌ها باردار می‌شوند، پانزده ساله‌ها همدیگر را می‌کشند، هفده ساله‌ها به ایدز مبتلا می‌شوند و هجده ساله‌ها دیپلم می‌گیرند بدون اینکه بتوانند بخوانند و بنویسند، هیچ کس را نمی‌شود رهبری کرد!»⁽¹⁾

4- سقط جنین و از بین بردن فرزندان حرام

«سالانه بیش از چهارصد هزار مورد سقط جنین در زنان زیر بیست سال در آمریکارخ می دهد که اکثراً در دختران ازدواج نکرده امریکایی است و 70٪ این دختران حملات جنسی افراد و گروههای مستهجن و هرزه را تجربه می کنند!»⁽²⁾

5- اشاعه روابط جنسی به محارم و داخل خانواده ها و زیاده شدن تجاوزات جنسی !

«بر اساس آمار ارائه شده در ایالات متحده امریکا یک میلیون نوجوان در دوران بلوغ از منزل فرار می کنند که 2/3 فرار افراد مؤنث ناشی از آزارهای جنسی در محیط خانواده می باشد.»⁽³⁾

برخورد اسلام با آلوده کنندگان جامعه و خانواده

در دین اسلام برای برخورد با کسانی که آلوده شده اند، مجازاتهای سنگینی وضع شده است . مخصوصاً برای لواط وزنا . زیرا این دو برای جامعه بسیار خطرناک هستند و عامل بسیاری از ناهنجاریهای اجتماع می باشند . به چند نمونه اشاره می شود:

1 . عصر امام خمینی (قدس سره) ص 271..2 . عصر امام خمینی ص 306

3 . عصر امام خمینی ص 308.

احکام انواع زنا

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِكَيْ شَهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»⁽¹⁾ «2»

زن و مرد زناکار را صدضربه شلاق بنزد و اگر ایمان به خدا و قیامت دارید، در مورد آنها دلرحمی ننمائید و عده‌ای موقع اجرای حکم شاهد باشند .

1-زناى مرد مجرد با زن مجرد

حد شرعی آن در صورت ثبوت در نزد حاکم شرع، صدضربه شلاق در دفعه اول تا سوم و در دفعه چهارم کشتن است .

2-زناى مرد زن دار «محصن» با زن شوهر دار «محصنه»

زن و مرد سنگسار می شوند .

3-زناى مرد زن دار «محصن» با زنى مجرد

مرد سنگسار و زن صدضربه شلاق می خورد .

4-زناى مرد مجرد با زن شوهردار «محصنه»

مرد صدضربه شلاق می خورد و زن سنگسار می گردد .

5-موارد چهار گانه فوق با اجبار و تجاوز مرد

مرد در هر صورت کشته می شود . وزن در صورت ناراضی بودن حدی ندارد .

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : غضب خدا شدید است بر زن شوهر داری که چشمش را از نگاه به نامحرم پر کند که اگر این کار را کند همه اعمالش (اعمال خوب) نابود می شود .
و اگر در بستر غیر شوهرش بخوابد، بر خداوند سبّحان لازم است که او را بعد از عذاب در
قبر به آتش بسوزاند.»⁽²⁾

«امام باقر علیه السلام : هر که در ساعت واحدی با زنان مختلف زنا کند، برای هر کدام یک
حد جداگانه دارد.»⁽³⁾

لواط

1. نور 2

2. بحار ج 76 ص 366

3. مسالک الافهام ج 2 ص 341

لواط به هم جنس بازی مرد گفته می شود .

خدا در قرآن کریم می فرماید: «وَلَوْ طَأَّ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ
مِنَ الْعَالَمِينَ» 80 «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» 81 .»⁽¹⁾

(بخاطر آوردن) لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان پیش از شما انجام نداده است؟ آیا شما از روی شهوت به جای زنان به سراغ مردان می‌روید؟ شما اسراف کار (و منحرف) هستید!

«امام صادق علیه السلام: ناروایی لواط از زنا بیشتر است زیرا خداوند سبحان قومی را بخاطر لواط نابود نمود ولی هیچ فردی را بخاطر زنا هلاک نکرد.»⁽²⁾

لواط و یا همجنس بازی که گناه آن عظیم است، عوارض زیادی بر جای می‌گذارد که تا آخر عمر گریبان گیر شخص می‌شود. این عمل منشأ قتل، هیجان، اضطراب روحی، دیوانگی، خودکشی و هزاران مفسده اخلاقی است. سزای لواط کننده قتل است و این گونه اشخاص اگر بدون توبه از دنیا بروند، با قوم لوط محشور می‌شوند.

«امام صادق علیه السلام: زن و شوهری را نزد امیرمؤمنان علیه السلام آوردند که شوهر با پسر آن زن - از شوهر دیگرش - لواط کرده بود و به شهادت شهود، دخول کرده بود. امام دستور داد مرد با ضربات شمشیر به قتل برسد و آن نوجوان نیز کمتر از میزان حدّ، تازیانه بخورد.»⁽³⁾

«امام صادق علیه السلام: مردی را همراه پسر نوجوانی که با او لواط کرده بود، نزد امیرمؤمنان علیه السلام آوردند و بینّه نیز علیه آنها به این عمل زشت شهادت داد. امام فرمودند: ای قنبر! نطع و شمشیری بیاور! آن گاه مرد و نوجوان با صورت روی آن فرش پوستی قرار داده شدند. سپس امر فرمود آن دو را با شمشیر به دونیم کردند.»⁽⁴⁾

از جمله احکام لواط کننده آن است که مادر و خواهر و دختر لواط دهنده بر او حرام ابدی می شوند و فاعل نمی تواند بعدا با آنها ازدواج نماید .

«امام صادق علیه السلام : روز قیامت، زن زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می کرده است، می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: خدایا! تو مرا زیبا

1. اعراف 80 و 81

2. الحکم الظاهره ص 304

3. وسائل الشیعه 156/28

4. وسائل الشیعه 156/28

آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت مریم (س) از تو زیباتر بود ولی او فتنه نکرد! سپس مرد زیبایی را که با زیبایی خود فتنه می نموده است، رامی آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت یوسف از تو زیباتر بود . ولی به فتنه نیافتاد . بعد شخصی را که بخاطر بلاها و سختیها به فتنه افتاده بود را می آورند . به او خطاب می شود که: چرا تحمل سختیها ننمودی و به فتنه افتادی؟ جواب می دهد که: تو سختیها و بلاها را بر من نازل کردی و من به

فتنه افتادم! به او خطاب می‌شود که: بلاهای حضرت ایوب علیه‌السلام از تو بیشتر بود ولی او به فتنه نیافتاد.⁽¹⁾

«امام صادق علیه‌السلام: عذاب کسی که نطفه اش را در رَحِمِ زن نامحرم بریزد از همه بیشتر است.»⁽²⁾

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: کسی که با نوجوانی لواط کند، روز قیامت جُنُب محشور می‌شود و همه آبهای دنیا هم نمی‌تواند او را پاک کند!»⁽³⁾

«روز قیامت زناکار را وارد جهنم می‌کنند و قطره ای از عورتش می‌چکد که از بوی آن تمام اهل جهنم دچار ناراحتی می‌شوند! جهنمیان به نگهبانان جهنم می‌گویند: این بوی بد مال کیست که مارا اذیت کرده است؟ به آنها گفته می‌شود: این بوی زناکاران است.»⁽⁴⁾

بردگان غرب شوم عصرما

ای زنان و دختران مصرما

بعد این عالم، جهان دیگری است

هان مپندارید عالم سرسری است

مبتلا برخشم وقهر داورند⁽⁵⁾

که در آن بی عفتان رسواترند

1. بحار، ج 341/12

2. اصول کافی ج 5/541

3. اصول کافی ج 544/5

4. بحارج 244/8

5. مشنوی عفاف

نکوهش تجمل گرایی در قرآن و حدیث

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا⁽¹⁾

افرادی که ریخت و پاش می نمایند برادر شیطانند . و شیطان هم به خداوند سبحان کافر شده است .

آیین اسلام که برنامه جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع جمال و زیبایی توجه مخصوصی دارد . اسلام در ضمن پرورش کلیه تمایلات فطری بشر، عاطفه جمال دوستی مردم را نیز مورد حمایت و تربیت قرار داده و استفاده از زیباییهای طبیعی و مصنوعی را به پیروان خود اکیداً توصیه کرده است .

قرآن کریم در آیات مختلف این مطلب را ذکر نموده است . از جمله در آیه 7 سوره 18
إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا يَعْنِي: ما موجودات روی زمین را زینت و جمال زمین قرار دادیم .

و در آیه 7 سوره 50 می فرماید: أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا يَعْنِي: آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نمی کنند که چگونه آن را ساخته ایم و آن را زیبا نموده ایم؟

و در آیه سوره اعراف می فرماید: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ بگو چه کسی زینتهایی را که خدا برای بندگانش قرار داده، حرام نموده است؟

پیامبران خدا عموماً زیبا و عاری از هرگونه نقص بدنی بوده‌اند. صورت زیبا و چهره جذاب یوسف صدیق علیه‌السلام یکی از امتیازات آن پیامبر محسوب می‌شد.

پیشوای عالیقدر اسلام حضرت محمد علیه‌السلام علاوه بر زیبایی رخسار، گیرندگی و ملاحظت مخصوصی داشت.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز زیبا بود، چنانچه در باره او آمده است: روزی علی علیه‌السلام نزد پیامبر رفت. قیافه جذاب و صورت زیبایش بقدری جلوه داشت که پیامبر فرمود: چنین پنداشتم که ماه شب چهارده بمن نزدیک شده است.

یکی از آثار بلوغ، بوجود آمدن زیبایی طبیعی در جوانان از یکطرف و از طرفی میل به خودآرایی و زینت نمودن است. بطوری که گاهی این حس به افراط کشیده شده و

1. *اسراء 27

در بعضی از دختران منجر به یک نوع بت پرستی برای بدن و هنر می‌گردد. اینجاست که باید معیاری برای ارضای این حس وجود داشته باشد تا از هرگونه افراط و تفریط جلوگیری نماید. اسلام از راه پاکیزگی بدن، مسواک دندانها، معطر بودن، رنگین کردن و روغن زدن مو، لباس زیبا پوشیدن و کارهایی نظیر اینها، حس خود آرای جوان را به راه صحیح و بی خطر هدایت نموده و بر جلوه و جمال آنان افزوده است.

تجمل پرستی و زیاده روی در زینت و خودآرایی، عوارض نامطلوبی دربر دارد و ممکن است دختران و پسران را به راههای غلط سوق دهد و مایه تیره روزی و بدبختی آنان گردد.

از جمله عوارض نامطلوب آن، پیدا شدن وسواس و اختلالات روحی، پیدا شدن خوی ریاکاری و خودپرستی، صرف شدن مقادیر زیادی از عمر گرانقیمت در این کار، فاصله زیاد بین ظاهر و باطن اشخاص و غیره می گردد.⁽¹⁾

تبیین آسان بودن احکام دین اسلام در قرآن و حدیث

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ⁽¹⁾

خداوند برای شما زحمت نتراشیده ولی می خواهد شما را پاک نماید . شاید شما تشکر کنید .

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ⁽²⁾

خداوند برای شما در دین سختی قرار نداده است .

آیا اسلام دین ریاضت و دوری از لذات و سختی است؟

بعضی از جوانان خیال می کنند که دین اسلام دین ریاضت است . دین سختی کشیدن است . اما مثلاً دین مسیحیت دین نرم و ملایمی است ! زیرا در اسلام باید ها و نبایدها زیاد است . باید نماز خواند . باید روزه گرفت . باید خمس و زکات داد . باید حج و جهاد رفت . باید به دیگران کمک کرد . باید امر بمعروف و نهی از منکر نمود .

همچنین نباید زنا کرد . نباید شراب خورد . نباید به نامحرم نگاه کرد . نباید گوشت خوک خورد . نباید رقصید و نباید موسیقی زننده گوش داد . نباید فحش و ناسزا گفت . نباید در مجالس حرام رفت . نباید لواط و استمناء کرد . نباید مساحقه نمود . نباید موی بدن زن و یا زینتش آشکار شود . نباید غیبت کرد . نباید دزدی نمود . نباید مال یتیم خورد . نباید ربا خورد و ...

ولی از این غافلند که دین اسلام کاملترین دینهاست . وقوانین آن برای سعادت انسان تاروزقیامت کافی است . اگر اسلام بایدها ونبایدهای زیادی برای پیروان خود دارد برای آن است که همواره در مسیر صحیح حرکت کنند ودچار انحرافات نابودکننده دین ودنیا نشوند . هرکدام از احکام اسلام فلسفه وعلت خاصی دارد که بعضی از این علتها در کتب الهی و کتب مذهبی بیان شده است . قرآن کریم درباره نماز می فرماید که: نماز مانع فحشاء ومنکر می شود .

شما اگر درباره حقیقت این آیه بررسی می کنید وسریهم به زندانهای کشورمان بزنید

1 . مائده 6

2 . حج 78

متوجه می شوید که اکثر زندانیان از کسانی هستند که بانماز ارتباطی نداشته اند . وشاید در عمر خود برای شرکت در نماز جماعت به مسجد نرفته اند . اسلام می خواهد با نماز روح آدمی را از چنگالهای هوای نفس و از وسوسه های شیطان نجات بدهد . نماز کمر شیطانهارا می شکند . نماز گناهان را پاک می کند . "

گفته شده که روزی جوانی در موقع نماز بلند شد وبه پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم گفت: یا رسول الله من آلوده ام ! مرا پاک کن . پیامبر رو از او برگردانیدند ومشغول نماز جماعت شدند . بعد از نماز، باز آن جوان بلند شد وگفت: یا رسول الله ! من آلوده ام !

مرا پاک فرما! حضرت فرمود: مگر شما بالباس پاک به این مسجد
نیامدی و بامانماز نخواندی؟ گفت: چرا. فرمود: این نماز تورا از گناهان پاک نمود.⁽¹⁾

در رابطه با واجباتی که باید هر مسلمان بالغی انجام دهد همه آنها مشروط به عدم زحمت
و سختی است. مثلاً نماز ایستاده اگر سخت است بنشیند و نشسته بخواند. یا روی صندلی
بنشیند و بر روی میز مهر گذاشته سجده کند. اگر ماه رمضان است و روزه برای زن باردار
ضرر دارد نباید بگیر و موکول به وقت سلامتی کند. و نذر اگر کرد و نتوانست انجام دهد
اشکالی ندارد هر موقع توانست انجام دهد.

دیگر احکام واجبات به همین صورت است.

1. ارزش و اهمیت نماز.

معراج پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در قرآن و حدیث

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ⁽¹⁾

منزه است خدایی که بنده اش محمد را برای دیدن آیات الهی شبانه از مسجد الحرام در مکه به مسجد الاقصی در بیت المقدس برد که آنجا محلی مبارک است .

شش ماه قبل از هجرت به مدینه، شبی حضرت محمد ص در خانه فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان علیه السلام بود که جبرئیل با وسیله ای آسمانی بنام "بُرَاق" نازل شد و حضرت را بر آن سوار نمود و ابتدا به مسجد الاقصی "برد و از آنجا به آسمانهای هفت گانه سپس به دیدار بهشت و جهنم و بعد به سدره المنتهی" و مقام قاب قوسین برد و هنگام سحرگاه او را به خانه اش باز گردانید . در این سفر آسمانی، حضرت عجایبی دید .

پیامبر ص بعضی از آن عجایب را این گونه تعریف فرمود:

در معراج وقتی به آسمانها بالارفتم، جبرئیل برای نماز جماعت بمن گفت که جلو بایست !

گفتم: ای جبرئیل بر تو پیشی بگیرم؟

گفت: آری زیرا خداوند تبارک و تعالی پیامبرانش را بر همه فرشتگان برتری داده و تورا بخصوص برتری داده است. من جلو ایستادم و برای آنها نماز خواندم. البته فخر فروشی نیست.

وقتی به حجابهای نور رسیدیم، جبرئیل بمن گفت، پیش برو! ولی خودش ماند.

گفتم: ای جبرئیل! در چنین جایی از من جدا می‌شوی؟

گفت: خدایم دستور داده که از اینجا فراتر نروم.

من بالا رفتم تا در جایی که با خدا سخن گفتم.

ندا رسید که: ای محمد! تو بنده من هستی و من پروردگار توام! مرا عبادت کن و بر من

1. * اسراء 1

تو کل نما که تو نور من در بندگانم و رسول من در مخلوقاتم و حجّت من در آفریدگانم هستی! بهشتم را برای کسی که از تو پیروی کند آفریدم و دوزخم را برای کسی که نافرمانیت کند، قرار دادم و کرامتم را برای اوصیای تو واجب نمودم و ثوابم را برای شیعیان تو قرار دادم.

گفتم: خدایا! اوصیای من کیانند؟

نداشد که: ای محمد! اوصیای تو همانها هستند که نامشان بر ساق عرش نوشته شده است .
که اول آنها علی بن ابیطالب و آخرین آنها مهدی امت من است .⁽¹⁾

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هنگامی که به معراج رفتم، خداوند سبحان بمن
وحی کرد که:

ای محمد! من نظری بسوی زمین کردم و تورا از آن اختیار کردم و پیغمبر ساختم و اسم
تو را از نام خود برگرفتم که من محمودم و تو محمدی! دوباره بر زمین نظری افکندم و
علی را از آن برگزیدم و او را جانشین و داماد تو قرار دادم و نام او را از نام خودم برگرفتم که
من علیّ اعلی هستم و او علی است .

سپس فاطمه و حسن و حسین را از نور شما خلق کردم . آنگاه ولایت شما را بر فرشتگان
عرضه کردم، تا هر که پذیرفت در پیشگاه من از مقربین شود . ا

ای محمد! اگر بنده ای آنقدر عبادتم کند تا خسته شود و بدنش مانند مشک پوسیده گردد
ولی در حالی از دنیا برود که منکر ولایت شما باشد، او را در بهشتم جای نخواهم داد و در
زیر عرشم سایه نخواهم بخشید .

خداوند سبحان در معراج فرمود ای محمد می خواهی اوصیای خود را ببینی؟

عرض کردم: آری پروردگارا!

فرمود: سرت را بلند کن .

وقتی سرم را بلند کردم ناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی را دیدم و محمد بن الحسن القائم رادر وسط آنان مانند ستاره درخشانی دیدم .

عرض کردم: اینها کیانند؟

1 . (مکیال المکارم ج 1 ص 57

فرمود: اینها امامان هستند و این قائم است . آنکه حلال مرا حلال و حرام مرا حرام کند و بوسیله او از دشمنانم انتقام کشم و او برای دوستانم، مایه راحتی است و اوست که دل شیعیان و پیروان تورا از ظالمین و کافرین شفا می بخشد و دُوبُت لات و عزّی را تر و تازه بیرون می آورد و آنها را می سوزاند . البته فتنه و امتحان مردم در آنروز بوسیله این دُوبت، سخت تر از فتنه گوساله سامری خواهد بود !⁽¹⁾

در معراج همه پیامبران را جمع دیدم، خداوند سبحان بمن وحی کرد که از آنها پرس که به چه چیزی مبعوث شده اند؟ منهم از آنها پرسیدم . گفتند: ما مبعوث شدیم به: شهادت "لا اله الا الله" و اقرار به پیامبری تو و ولایت علی بن ابیطالب .

پیامبر بعد از معراج به علی ع فرمود: ای علی! من اسم تو را در چهارجا همراه اسم خود دیدم: در معراج وقتی به بیت المقدس رسیدم، سنگی دیدم که بر آن نام من و نام تو نوشته شده بود. وقتی به سدرۃ المنتهی^(۱) رسیدم، نام من و تو را نزدیک به هم دیدم. چون از آنجا به طرف عرش رفتم. در آنجا نام من و نام تو را نزدیک به هم نوشته بودند در سفر معراج به آسمان اول که رسیدم، قصری پر از طلا و نقره دیدم که فرشتگان اطراف آن بودند. پرسیدم این مال کیست؟ گفتند مال جوانی از بنی هاشم.

در آسمان دوم نیز که رسیدم، قصری پر از طلا و نقره دیدم که فرشتگان اطراف آن بودند. پرسیدم این مال کیست؟ گفتند مال جوانی از بنی هاشم.

در آسمان سوم تا هفتم نیز اینگونه بود. هنگام برگشت پرسیدم این جوان نامش چیست؟ گفتند: علی بن ابیطالب^(۲).

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إِنَّ حَلَقَهُ بَابُ الْجَنَّةِ مِنْ يَاقُوتِ الْحَمَرَاءِ عَلَيَّ "صفحه الذهب فاذا دَقَّتِ الحَلَقَةُ عَلَيَّ الصَّفْحَةَ طَنَّتْ وَقَالَتْ يَا عَلِيُّ! حَلَقَهُ دَرَبُ بَهْشْتٍ مِنْ يَاقُوتِ سِرْخٍ بَرِ صَفْحَةِ الْإِسْمَاءِ مِنْ طَلَّاسٍ كَمَا كُتِبَ عَلَيَّ" (۳).

وقتی پیغمبر صلی الله علیه و آله از معراج برگشت، جبرئیل فرمود: سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسان!

2. زندگانی پیامبر اسلام .

3. علی از کعبه تا محراب .

پیغمبر صلی الله علیه و آله هم این کار را کرد . خدیجه در جواب گفت: "

مِنْ اللَّهِ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى جِبْرِئِيلِ السَّلَامُ ⁽¹⁾ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در معراج بوی خوشی احساس کرد . وقتی علت آن را از

جبرئیل پرسیدند، جبرئیل گفت: این بوی خوش از دختر حزییل، آرایشگر دختر فرعون

است . زیرا او در پنهانی خداپرست بود ولی فرعون متوجه شد و از او خواست که دست از

عقیده اش بردارد و یا اینکه او و فرزندانش کشته می شوند . او حاضر نشد دست از

توحید بردارد لذا فرعون ابتدا کودکان او را در مقابل چشمان مادرشان به داخل تنور

انداخت و سوزاند . سپس خود این زن را بشهادت رساند . "

خداوند سبحان در معراج به پیامبر اسلام فرمود:

بوسیله قائم شما، زمین خود را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجید ذات اقدس خود،

آباد کنم و از وجود دشمنان پاک نمایم و به دوستانم واگذارم .

با ظهور او، سخنان بی دینان را از کجروی راست کرده و تعالیم خود را بلند گردانم و شهرها

و بندگانم را از علم خود مطلع نمایم و گنجها و اندوخته ها را آشکار کرده، و مهدی را به

اسرار و مافی الضمیر ہر شخصی مطلع گردانم و او را بانیروی فرشتگانم یاری کنم تا فرمان مرا اجرا نماید و دینم را رواج دهد .

او ولیّ به حق من و مہدی حقیقی بندگان من است .⁽²⁾

1 . زندگانی پیامبر اسلام .

2 . آیا بیاد امام زمان هستید؟ ص 101

جایگاه عقل در قرآن و حدیث

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ⁽¹⁾

اهل جهنم می گویند اگر می شنیدیم یا فکر می کردیم به جهنم نمی افتادیم.

یکی از راههای داشتن ایمان صحیح، استفاده از عقل است لذا عقل یکی از مهمترین ابزارهای شناخت خدا و شناخت دستورات خدا و عمل به آنهاست. عقل حجت باطنی و مساوی با یک پیامبر است.

قرآن کریم به انحاء مختلف سندیت عقل را امضا کرده است. تنها در یک مورد می توان از حدود شصت، هفتاد آیه قرآن کریم نام برد که در آنها به این مسئله اشاره شده است که؛ این موضوع را طرح کرده ایم تا درباره آن تعقل کنید. قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبَكْمِ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ⁽²⁾

بدترین جنبنده ها (کسانی هستند که کر و گنگ و بی عقلند).

البته واضح است که منظور قرآن کریم از کر و لال، کر و لال عضوی نیست، بلکه منظور آن دسته از مردم است که حقیقت را نمی خواهند بشنوند و یا می شنوند و به زبان اعتراف نمی کنند. گوشی که از شنیدن حقایق عاجز است و صرفاً برای شنیدن مهملات و خزعبلات آمادگی دارد از نظر قرآن کریم کر است. و زبان که تنها برای چرندگویی بکار می افتد به تعبیر قرآن کریم لال است.

لا یعقلون نیز کسانی هستند که از اندیشه خویش سود نمی گیرند . قرآن کریم اینگونه افراد را که نام انسان زینده آنها نیست، در سلک حیوانات و بنام چهارپایان مخاطب خویش قرار می دهد .

1. ملک 10

2. انفال آیه 22

منشا خطاهای بشر از نظر قرآن کریم

إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ⁽¹⁾

گمان نمی تواند انسان را به حق برساند و خدا از کارهایشان باخبر است.

از جمله منشاهایی که قرآن کریم برای خطا ذکر می کند، یکی این است که انسان گمان را بجای یقین بگیرد . اگر بشر خود را مقید کند که در مسایل تابع یقین باشد و گمان را به عوض یقین نپذیرد، بخطا نخواهد افتاد . قرآن کریم روی این مسئله بسیار تاکید نموده است و حتی در یکجا تصریح دارد که بزرگترین لغزشگاه فکری بشر همین پیروی از گمان است و یا در جای دیگر خطاب به پیامبر می فرماید:

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ⁽²⁾

اکثر مردم زمین چنین اند که از گمان پیروی می کنند . تو هم اگر بخواهی از آنها پیروی کنی، توراً نیز گمراه می کنی چون مردم تابع گمانند نه یقین و بهمین دلیل خطا می کنند .

و یا در آیه دیگری می فرماید: و لا تقف ما لیس لک به علم .⁽³⁾

آنچه را که بدان علم نداری پیروی مکن .

این تذکری است که در طول تاریخ اندیشه بشر اول بار قرآن کریم به بشر داده است و او را از اینگونه خطا نهی کرده است .

دومین منشا خطا مسئله تقلید است . بسیاری از مردم اینگونه اند که چیزهای مورد باور اجتماع، باورشان می شود . یعنی چیزی که در اجتماع مورد قبول قرار گرفته است و یا نسلهای گذشته آنرا پذیرفته اند صرفاً بدلیل اینکه نسلهای گذشته آن را قبول کرده اند می پذیرند .

قرآن کریم می فرماید هر مسئله ای را با معیار عقل بسنجید نه اینکه هر چه نیاکان شما انجام دادند آنرا سند بدانید، یا آنکه آنرا بکلی طرد کنید . بسا مسایل هست که در گذشته

1 . یونس 36

2 . انعام آیه 116

3 . (سوره اسری آیه 36

مطرح شده و در همانموقع هم غلط بوده اما مردم آن را پذیرفته‌اند و بسا مسایل درست که در زمانهای دور عرضه شده اما مردم بدلیل نادانی از قبول آن خوداری کرده‌اند . در پذیرش این مسایل باید از عقل و اندیشه مدد گرفت نه اینکه کورکورانه بتقلید پرداخت . قرآن کریم اغلب پیروی از آباء و اجداد را در مقابل عقل و فکر قرار می‌دهد:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَفْبَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ «170»⁽¹⁾.

وقتی به ایشان گفته می‌شود از دستورات الهی پیروی کنید . می‌گویند آیا از روشهای پدرانمان دست برداریم؟ آیا اگر پدران و مادران شما شعور نداشتند، شما باید جریمه بی‌شعوری آنها را بدهید .

قرآن کریم در زمینه تبعیت از هوای نفس اشارات زیادی دارد که بذکر یک مورد اکتفا می‌کنیم قرآن کریم می‌فرماید: ا

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ⁽²⁾

چیزی غیر از گمان باطل و هوای نفس خود را پیروی نمیکنند .

دستورات قرآن کریم که در چه موردی تفکر کنیم؟

1- تفکر در خود 2- تفکر در خلقت ازواج 3- تفکر در میوه ها 4- تفکر در احکام واجب و حرام 5- تفکر در خلقت آسمانها و زمین 6- تفکر در قصص قرآن کریم 7- تفکر در پیامبران 8- تفکر در بهار و زمستان 9- تفکر در شب و روز 10- تفکر در تسخیر آسمان و زمین 11- تفکر در قرآن کریم 12- تفکر در عجایبی مانند غسل برگرفته از زنبور و ...

1. (سوره بقره آیه 170

2. (سوره نجم آیه 23

قرآن و دوری انسان از عادات زشت

دوری از عاداتهای زشت از مسئولیت های انسان است .

کل نفس بما کسبت رهینه.⁽¹⁾

هر شخصی گروگان عمل خودش است .

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ «4» ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ.⁽²⁾

ما انسان را در بهترین هیئت خلق کردیم سپس او را به نهایت ضعف برمی گردانیم.

از عوامل انحراف و موانع زندگی سالم، **اعتیاد به انواع مواد مخدر است** . در زمان کنونی به دلایل مختلف از جمله همسایگی با کشورهایمانند افغانستان و پاکستان، پل ارتباطی بودن ایران برای صادرات مواد مخدر به دنیا، کشور ما را دچار این مرض سخت و خطرناک و این مشکل و معضل بزرگ نموده است . شاید بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ما یابه صورت اعتیاد و یا تفریحی و تفننی از مواد مخدر استفاده می نمایند . چه جوانانی که در راه استفاده و یا قاچاق مواد مخدر جان خود را ازدست داده اند . و چه جوانانی که بخاطر اعتیاد به انواع گناهان و تخلفات آلوده شده و از سرقت گرفته تا قتل و تجاوز و غیره را مرتکب می شوند . و درصد بالایی از زندانیان شورمان مربوط به مواد مخدر است . ۱

اعتیاد پلّه ای است که با آن، انجام بسیاری از خلافها و ناهنجاریها، شدنی شده است .

بیش از هزار سال قبل، پیامبر اسلام فرمودند:

سیاتی زمان علی امتی یا کلون شییا اسمہ بنج انا بریء منهم وهم بریون منی !

سَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَلَا تَسَلِّمُوا عَلَى آلِ الْبَنْجِ !

زمانی بر امت من خواهد آمد که عده ای چیزی به نام بنگ می خورند ! من از این افراد

1. سوره مدثر آیه 38.

2. سوره تین.

(811)

بیزارم و آنها هم از من دورند .

بر یهودی و مسیحی سلام کنید ولی بر کسی که بنگ می خورد سلام ننمایید !⁽¹⁾

همچنین فتاوی علمای شیعه بر حرمت استعمال و معامله مواد مخدر می باشد .

دلیل حرمت یکی به ضرر داشتن استعمال این مواد برمی گردد که از انسان یک موجود ذلیل و بیچاره و عاجز می سازد و بتدریج اعضاء بدن را از بین می برد و یکی هم به اسراف

بودن استعمال مواد مخدر که روزانه صدها میلیارد تومان به کشور ما آسیب و خسارت وارد می کند . و البته دلایل دیگری هم دارد .

از جمله سؤالاتی که در قیامت از افراد می کنند این سؤال است که: جوانیت را در چه چیزی صرف کردی؟

واقعا افراد معتاد چه جواب دارند که بدهند؟ آیا می توانند جواب بدهند که بهترین سالهای عمر خود را در خواب و خیال و چرت زدن و انگل بودن و بی حال بودن و وارد کردن خسارت به خود و خانواده و جامعه گذرانده اند؟

از جمله عوامل اعتیاد یا بازگشت فرد پاک به اعتیاد، تنهایی است . که در دین ما از تنهایی مذمت شده لذا برای همه ساعتهای شبانه روز برنامه کاری و معنوی پیشنهاد شده است .

گویند روزی پیامبر ما از کوچه ای رد می شد و بر خلاف روششان که به همه سلام می کردند به جوانی که بیکار نشسته بود سلام نکردند . اما حضرت در موقع بازگشت وقتی به این جوان رسیدند به او سلام کردند . اصحاب پرسیدند که شما موقع رفتن به ایشان سلام نکردید ولی موقع بازگشت به او سلام کردید؟ فرمود موقع رفتن دیدم بیکار نشسته است و خداوند سبحان آدم بیکار را دشمن دارد ! ولی موقع برگشتن دیدم سنگی به دست گرفته و خطوطی بر زمین رسم می کند و این هم خود یک نوع کار است و از بیکاری بهتراست لذا بر او سلام کردم!⁽²⁾

پس بهتراست که انسان برای شبانه روز خود برنامه ریزی کرده و هر ساعتی به کاری مشغول باشد . حتی قدم زدن در خیابان از بیکار نشستن در منزل بهتراست .

1 . مجله مبلغان.

2 . میزان الحکمة .

انسانی که می تواند خلیفه الله باشد با گرفتار شدن در دام اعتیاد به پستی ها سقوط می نماید .

اگر افراد معتاد خود را بشناسند و در باره خودشان بررسی کنند قدم بلندی را در نجات خود برداشته اند . من عرف نفسه فقد عرف ربه .

همچنین این افراد باید برای اعمال و کارهایی که کرده اند . یک حسابرسی ایجاد کنند و ببینند تا کنون چه اعمال خوب و بدی مرتکب شده است . افراد معتادی که در دوران اعتیاد کارهای زشتی مرتکب شده اند باید بپذیرد که در این مدت، این کارها را انجام داده که نباید انجام می داد و این بخاطر اعتیاد به مواد مخدر بوده است . اعتیاد این بلا را سر او آورده که او را بطرف احیانا دزدی، شرابخواری، خیانت، رها کردن مسئولیت خود در قبال خانواده و جامعه، دور شدن از خداوند سبحان کشانده است . اگر این مرحله را درست طی کند، به بدی و زشتی اعتیاد پی می برد و کارهای زشت خود را توجیه نمی کند و اعتراف می کند که اشتباه کرده است و راه را عوضی رفته است و سرمایه خود را که عمر اوست مدتها در پوچی و لهو و لعب گذرانده که باید هرچه سریعتر جبران نماید . پس باید نواقص خود را جبران کند و بداند که همیشه برای جبران خطاها و بدیها، فرصت است .

مخصوصا با توبه به درگاه الهی، رحمت الهی را برای خود سرازیر نماید و بداند که اگر کسی مورد رحمت الهی قرار گیرد او نجات یافته است .

خداوند سبحان آنچنان بندگانش را دوست دارد که از دوست داشتن مادر، فرزندش را هزاران بار بیشتر است . لذا توبه را برای بازگشت او قرار داده و اگر شخصی گناه کرد و توبه کرد سپس توبه خود را شکست بازهم می تواند توبه کند و هیچ محدودیتی در توبه کردن نیست .

یکی از درهای رحمت خداوند رحیم، باز گذاشتن در توبه است . انسانهای گناهکار تا زنده هستند فرصت بازگشت و نجات خود را دارند . چه گناهان بزرگ و چه گناهان کوچک . چه برای کسی که گناهان کمتری انجام داده است . و چه کسی که مدت های زیادی را به گناه مشغول بوده است .

بزرگترین گناه، شرک به خداست و بعد از آن مایوس شدن از رحمت خداوند است .

بهترین راه برای نجات از اعتیاد، آشتی با خداوند سبحان و روی آوردن به نماز و حضور در نماز جماعت است.

نکوهش آدمکشی در قرآن و حدیث

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا
(1)

هر که مؤمنی را عمداً بکشد مجازاتش ابدی بودن در جهنم است و خدا او را لعنت می نماید و عذاب سختی برای او آماده نموده است .

وقتی خداوند سبحان خواست آدم علیه السلام را خلق کند به ملائکه گفت: من می خواهم آدم علیه السلام را جانشین خود در زمین قرار دهم . ملائکه گفتند آیا می خواهی کسی را جانشین خود در زمین کنی که در زمین فساد کرده و خون هم را می ریزند؟ خداوند سبحان فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید .⁽²⁾

آری خداوند سبحان از همان اول خلقت می دانست که هوای نفس باعث می شود که عده ای از افراد بشر مفسد بوده و همدیگر را می کشند . ولی این را هم می دانست که انسانهای بسیار بزرگواری چون پیامبران و امامان و اولیاء هم متولد می شوند که جهان را بانور خود روشن می کنند . و هیچگاه از هوای نفس خود اطاعت نمی نمایند .

اطاعت از هوای نفس باعث می شود که گاه انسان دستش به خون انسان بیگناهی آغشته شود .

که در این صورت گویا همه مردم را کشته است زیرا چه بسا از نسل مقتول، انسانهای زیادی متولد می شدند .

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا⁽³⁾

کسی که یک نفر بیگناه را بکشد گویا همه مردم جهان را کشته است !

همانند قابیل که برادرش را کشت .

1 . نساء 93

2 . * بقره 30

3 . * مائده 32

قرآن کریم می فرماید: فطوعت نفسه قتل اخيه فقتله فاصبح من الخاسرين .⁽¹⁾

نفسش کشتن برادرش را برای او خوب جلوه داد . او هم برادرش را کشت ولی بعد پشیمان شد .

وگاه انسانهای بدبخت ، پیامبر یا امامی را می کشند .

این که چرا انسانی دستش به خون انسانهای دیگر آغشته می‌شود؟ زیرا همانگونه که علی علیه‌السلام فرمود: کسی که از هوای نفس خود پیروی کند، هوس او را کور و کر و خوار و گمراه می‌نماید، انسانهایی که مطیع هوای نفس خود می‌باشند احتمال هرگونه گناه و جرم و جنایت از آنها می‌رود .

لذا شاهد هستیم که در میان انسانها، افرادی پیدا می‌شوند که دست به کشتارهای جمعی می‌زنند .

نمرود دستور داد صدها کودک پسر را کشتند تا ابراهیم علیه‌السلام متولد نشود !
فرعون دستور داد هزاران کودک پسر بنی اسرائیلی را سر بریدند تا موسی علیه‌السلام بدنیا نیاید !

بنی اسرائیل در یک روز هفتاد پیامبر را کشتند !

انسانهایی مثل حجاج خونخوار، منصور وهارون ومتو کل در کشورهای اسلامی جنایتهای زیادی مرتکب شدند .

در جنگهایی که براساس پیروی از هوای نفس بوده مثل جنگهای زمان جاهلیت یا کشتار مغول یا جنگ جهانی اول ودوم، هزاران انسان بلکه میلیونها انسان کشته می‌شدند .

در عصر ما امریکای جنایت کار واسرائیل هزاران نفر از مردم مسلمان عراق وافغانستان وفلسطین را کشتار نمودند .

پادشاهان ایران از جمله رضاخان و محمدرضای مخلوع نیز جنایتهای زیادی در حق مردم ایران مرتکب شدند .

صدام جنایت کار، براساس هوای نفسش صدها هزار نفر ایرانی و صدها هزار نفر از مردم عراق را به کشتن داد . صدها عالم بزرگوار را اعدام و ترور کرد و هزاران خانواده را

1 . مائده 30

آواره نمود .

القاعده و وهابیون و طالبان و زرقاوی ها و ریگی ها و امثال آنها نیز جزو جنایت کاران قرن ما می باشند .

سازمان جهنمی منافقین که صدها عالم فرزانه را ترور نمودند و هزاران مورد بمب گذاری کرده و مردم بیگناه را شتند همچنین گروه فرقان و کومله پ . پ . ک و دیگر گروههای تروریستی براساس هوای نفس سرانشان، دستشان به خون بیگناهان آغشته است . که یقینا خداوند سبحان انتقام بیگناهان را از اینها خواهد گرفت .

اخیرا بخاطر غلبه مادیات بر معنویات در کشورهای جهان مخصوصا کشورهای غربی، جنایتهایی چون کشتن همسر و فرزندان، کشتن معلم و هم شاگردی، کشتن هم کار، کشتن پدر و مادر به جنایتها اضافه شده است .

که همه این جنایتها بر خلاف عقل و فطرت و خلقت انسان بوده بلکه بر مبنای هواهای نفسانی است .

یکی از راههای جلوگیری از آدمکشی انسان سازی است. افرادی که تزکیه نفس کرده وبا خداوند سبحان ارتباط معنوی دارند هیچگاه بیگناهی را نمی کشند. لذا در طول تاریخ بشریت سراغ نداریم که پیامبری یا امامی یا ولی خدائی شخص بیگناهی را بدون دلیل کشته باشد.

راه دیگر جلوگیری از آدمکشی اجرای حکم قصاص است. خداوند در قرآن می فرماید:

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ⁽¹⁾

در قصاص زندگانی است ای صاحبان عقل شاید تقوا پیدا کنید.

اگر آدمکشی شخص بیگناهی را کشت باید قصاص شود و در اینجا شفاعت کردن و بدنبال جلب رضایت بودن خوب نیست. مگر اینکه قاتل پشیمان شده و دارای زن و بچه است که اگر اعدام شود آنها بیچاره می شوند و یا قصد جنایت نداشته است. در این صورت می توان واسطه گری کرد و بدنبال جلب رضایت خانواده مقتول بود. اما اگر این یک رسم شود که تا فردی قتلی را انجام داد فامیلهای او در خانه مقتول جمع شده و درخواست

بخشش کنند و آنها هم زیر فشار دیگران مجبور به رضایت دادن شوند این برای جامعه مضر بوده و بر خلاف آیه شریفه فوق می باشد.

حکم قصاص در اسلام حکم خشنی نیست بلکه اسلام برای حفظ مسلمین گاه ناچار به جراحی شده و عضوی را قطع می کند تا دیگر اعضا راحت باشند.

نکوهش ستمکاری در قرآن وحدیث

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ⁽¹⁾

کسانی که به مردم ظلم می کنند و در زمین ستمگری می نمایند برایشان عذاب دردناکی است .

انواع ستمکاری:

1-مالی را پیدا کرده ولی به صاحبش نرساند .

2-غصب اموال دیگران یتیم و غیر یتیم.

3-دزدی در انواع مختلف

4-قرض بکند وندهد

5-مهریه زن را ندهد .

6-امانت را برنگرداند

7- کلاهبرداری نماید

8-زمین دیگران را تصرف کند

9- گرانفروشی و احتکار کند

10- در شرکتي کار مي کرده و از اموال آن بر دارد .

11- از کارش بدزدد .

12- پولي که بنا بود در مسجد خرج کند براي خود برداشته است .

13- خمس و وجوهات ديگر را به جاي اين که به دفاتر مراجع بدهد براي خود برداشته است .

14- زکات مصرف مي کند ولي مستحق نيست .

15- وامي که مستحق نبوده گرفته.

16- امتيازي که مال ديگران بوده با زرنگي براي خود برداشته.

17- کم فروشي و تقلب نموده.

1. شوري 44

18- مي توانسته از بيت المال با پول کمتری برنامه‌ای را انجام دهد زياده روی کرده

سمینارهای پرهزینه

19- وسیله بیت المال را بدون اجازه، استفاده شخصی نموده.

- 20- از میوه‌های باغات بی‌اجازه استفاده کرده.
- 21- وسایل دیگران را از بین برده و اطلاع نداده.
- 22- در پیاده‌رو سد معبر نموده.
- 23- از تلفن و گاز و امثال آن مربوط به مردم بی‌اجازه استفاده کرده.
- 24- رباخواری.
- 25- دیه‌ای به گردنش آمده ولی نپرداخته.
- 26- سیلی که به صورت مسلمانی به ناحق زده یا مشتی به او زده یا دستش را بزور کشیده است.
- 27- آبروی کسی را برده.
- 28- آبروی خانواده کسی را برده.
- 29- شهادت دروغ داده.
- 30- قضاوت بناحق کرده.
- 31- کسی را مدتی اسیر یا زندانی کرده است.
- 32- زنی را از شوهرش جدا نموده.
- 33- فرزندان را از خانواده‌اشان دور کرده.

34- با دین خدا و پیامبران مقابله کرده.

35- ادعا می کند که به او وحی می شود.

36- ادعا می کند که قرآن کریم را خدا نازل نکرده است.

و ...

داستانهای زیادی از ستم کاران در تاریخ بشریت نقل شده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

یحیی بن ام طویل یکی از یاران پنج گانه وفادار امام سجاد علیه السلام بود.

حجاج ستمگر، کسی را که کوچک ترین نسبتی با امیرمؤمنان علیه السلام داشت، یا متهم به دوستی آن حضرت بود، می گرفت و به زندان می افکند یا او را با طرز فجیعی به قتل می رسانید، ولی یحیی با ایمان از حجاج نترسید، مرگ در نظر مردان باایمان و فداکار، ارزشی ندارد، حجاج او را احضار کرد و به دشنام دادن به امیرمؤمنان علیه السلام امر نمود، یحیی نپذیرفت و به امر او اعتنایی نکرد، حجاج فرمان داد دست های یحیی را بریدند، یحیی استقامت کرد، فرمان داد پاهای یحیی را جدا کردند، یحیی باز استقامت ورزید و خم به ابرو نیاورد، پس از آن، یحیی را به قتل رسانید.

عاقبت ظلم و جنایت بُسر بن ارطاة

او تازه مسلمانی بود که جزو ایادی معاویه جنایتکار شد. و به دستور معاویه، شیعیان را بشهادت می رساند.

گویند بُسر به دستور معاویه مدینه حمله کرد و وارد مدینه شد و یک ماه آن جا بود و هرگاه می شنید کسی پیرو امیر مؤمنان علیه السلام است او را می کشت سپس به یمن رفت و در آنجا هم دویست نفر از شیعیان را کشت سپس وارد صنعا شد و آنجا هم عده ای را کشتار کرد که جمعا سی هزار نفر را کشت و عده ای را با آتش سوزانید . سپس دو کودک عید الله بن عباس را کشت و ...

امیر مؤمنان علیه السلام درباره او و معاویه و بسر خونخوار چنین فرمود: خدایا ! بُسر دینش را به دنیا فروخت و هتک نوامیس اسلام نمود . پیروی از حاکمی بد کردار برای او بهتر از اطاعت از توست . خدایا او را در حالی بمیران که عقلش را از دست داده باشد و از رحمت خویش محروم گردان و یک ساعت مهلتش مده . خدایا ! بسر و معاویه و عمرو را لعنت فرما !

چیزی نگذشت که نفرین امام اثر کرد و بسر دیوانه شد . او پیوسته داد می زد که به من شمشیری بدهید تا بکشم ! برای او شمشیر چوبی و متکایی هم به دستش دادند او آن قدر با شمشیر چوبی بر متکا می زد تا غش می کرد و به همین وضع بود تا از دنیا رفت.

سمره بن جندب

او در زمان رسول خدا جزو اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود ولی به دلیل مخالفت با خدا و رسول عاقبت بدی پیدا کرد .

سمره درخت خرمایی در خانه یکی از مسلمانان داشت و به بهانه سرکشی به درخت بدون اجازه وارد خانه مرد انصاری می شد و به تذکرات او درباره اجازه گرفتن و اطلاع دادن اهمیت نمی داد . صاحبخانه شکایت او را به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم کرد .

حضرت سمره را خواست و فرمود هر وقت می خواهی وارد خانه این مرد شوی اجازه بگیر . سمره قبول نکرد ! حضرت فرمود پس درخت را بفروش . و قیمت زیادی را پیشنهاد دادند . سمره قبول نکرد . حضرت قیمت را بالا بردند تا اینکه فرمودند من در مقابل این درخت، درختی در بهشت را برایت ضامن می شوم . ولی سمره باز هم قبول نکرد و تقاضا و ضمانت شخصیتی مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را رد نمود . در اینجا حضرت آن جمله مهم را که زیربنای بسیاری از احکام فقهی است بیان فرمود: "لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام" یعنی ضرر زدن و ضرر خوردن در اسلام وجود ندارد

به مرد انصاری فرمود درختش را در بیاور و در کوچه بیانداز تا هر کجا می خواهد ببرد ! در زمان معاویه او جانشین زیاد در حکومت بصره بود . او در بصره بیش از هشت هزار نفر از بیگناهان را کشت . به طوری که معاویه به او گفت نمی ترسی شخص بیگناهی را کشته باشی ؟ گفت اگر دو برابر آنچه کشته ام باز بکشم نمی ترسم . شخصی از قبیله عدو گفت سمره از قبیله او در یک صبحگاه چهل و هفت نفر را که همه قاری قرآن کریم بودند کشت . که البته جرم اکثر آنان شیعه بودن بودند .

معاویه به او چهار صد هزار درهم داد تا بگوید آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ» درباره ابن ملجم قاتل مولای متقیان نازلگشته است و خدا او را مدح نموده است !!

سلیمان بن مسلم گوید مردی نزد سمره رفت و زکاتش را داد سپس بهمسجد رفت و نماز خواند . سمره جلاد را دنبال او فرستاد . جلاد در مسجد سر او را جدا نمود .

تبیین عدم مصونیت انسان از مکر الهی در قرآن و حدیث

«أَوَ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ» «98» «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»⁽¹⁾

آیا اهل شهرها و روستاها خود را ایمن می‌دانند که عذاب ما روز در حالی که مشغول بازی هستند بیاید؟ آیا خود را از مکر الهی، ایمن و مصون می‌دانند در حالی که فقط زیان کاران خود را ایمن می‌دانند..

مراد از مکر الهی چیست؟

در تفسیر المیزان آمده است که: مکر خدا یعنی انسان معصیتی کند که مستحق عذاب شود و خداوند سبحان او را از آنجایی که نفهمد عذاب کند و یا سرنوشتی برای او تنظیم کند که او خودش با پای خود و غافل از سرنوشت خود به سوی عذاب برود.

اما مکر ابتدایی و بدون این که بنده معصیتی کرده باشد البته صدورش از خداوند سبحان ممتنع است.⁽²⁾

و در تفسیر مجمع البیان آمده که: گویند مکر خدا این است که آنها را به وسیله تندرستی و طول عمر و نعمتهای دیگر سرگرم و غافل سازد.

طبق بررسی‌های بیشتر بنظر می‌رسد که مراد از مکر خدا، حوادثی است که نسبت به کفار و منافقین و غافلین و... عذاب حساب می‌شود و نسبت به مؤمنین امتحان و آزمایش الهی محسوب می‌شود.

این حوادث شامل زلزله، سیل، رانش زمین، ریزش کوه و بهمن، طوفان و ... است. همچنین شامل مشغول شدن آدمی به مادیات و دنیاپرستی و جمع مال و ثروت و غرق شدن در لذات شهوانی و ... می‌باشد.

اما ایمن نبودن از مکر الهی آیا شامل انبیاء، اولیاء و امامان و مؤمنین خالص می‌شود؟
با توجه به آیات و روایاتی که در زیر می‌آید گویا این موضوع شامل همه طبقات

1. اعراف، آیه 99

2. المیزان ج 8 ص 257

می‌شود.

همه باید در شبانه روز متوجه قدرت ذات اقدس الهی باشند و هیچگاه امید صد درصد به نجات خود نداشته باشند. و باید بین خوف و رجا قرار بگیرند.

و در مسایل ترس از خدا و تقوای الهی و بودن بین خوف و رجا، معمولاً انبیاء و اولیاء از بقیه جلو تر بوده‌اند و بیشتر به این موضوع اهمیت می‌داده‌اند.

صفوان جمال می‌گوید که: پشت سر امام صادق علیه‌السلام نماز می‌خواندم. شنیدم فرمود:
اللهم لا تؤمنی مکرک! خدایا مرا از مکر خودت ایمن نکن!⁽¹⁾

و امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ایمن نباش بر بهترین این امت . که خدای سبحان می فرماید: «فلا یا من مکر الله الا القوم الخاسرین» فقط زیان کاران از مکر خدا / ایمن هستند .

یعنی حتی بهترین امت که مسلمانان هستند نباید از مکر خدا ایمن باشند .

در تفسیر مجمع البیان آمده که: هیچکس جز مردم زیان کار که به حکمت خدا جاهلند از عذاب او ایمن نیست . و هدف آیه 99 اعراف این است که مکلف را متوجه سازد که از عقاب خدا بیمناک باشد و برای اطاعت او بشتابد و هرگز به خود وعده ایمنی ندهد .⁽²⁾

انواع مکر الهی در آیات

آیا از خدایی که حکومتش در آسمان است ایمنید که شما را به زمین فرو برد در حالی که زمین تکان می خورد؟ یا ایمنید که تندبادی بفرستد تا بر شما سنگ ببارد؟⁽³⁾

آیا ایمن هستید که شما را به دریا برگرداند و تندباد بفرستد تا شما را غرق کند سپس فریادرسی نباشد تا به شما کمک کند؟⁽⁴⁾

آیا کسانی که کارهای زشت می کنند ایمن هستند که ناگاه خداوند سبحان همه را به زمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند عذابی به آنان برسد یا در سفر که سرگرم رفت و آمد هستند آنان را سخت مؤاخذه کند و آنان نتوانند کاری بکنند؟⁽⁵⁾

1. تفسیر آسان ج 5 ص 281

2. تفسیر آسان، ج 5، ص. 281

3. ملک. 17

4. اسراء، آیه. 69

5. نحل، آیه. 46

آیا کافران به آسمان و زمین نمی‌نگرند که اگر بخواهیم آنها را به زمین فرو می‌بریم یا تکه ای از آسمان بر سرشان فرو می‌ریزیم. و در این نشانه ای برای هر بنده مخلص و انابه کننده است⁽¹⁾

در روایت است که آیه «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ» درباره قوم شعیب است که دچار عذاب زلزله شدند.⁽²⁾

از مطالب فوق این موارد را می‌فهمیم:

1- هیچ کس از عذاب الهی ایمن نیست.

2- اگر چه خداوند سبحان هیچگاه، انبیاء و امامان علیهم السلام را عذاب نمی‌کند ولی آنان هم خود را از عذاب الهی ایمن نمی‌دیدند و شبانه روز متوجه قادر حکیم بودند.

3- اگر عذاب بر محلی نازل شود شاید شامل مؤمنینی که در آن محل هستند نیز بگردد با این تفاوت که برای آنها آزمایش و امتحان محسوب می‌شود که اگر زنده بمانند باید بر مصیبت‌هایی که برایشان پیش بیاید صبر کنند و اگر زنده نمانند با طاعت الهی از دنیا رفته و رستگار می‌شوند. اما غافلینی که در زلزله و امثال آن از دنیا می‌روند زیان کرده و عذاب الهی مشمول آنها می‌شود.

4- در بین عذابها، زلزله بیشتر از بقیه در بین مردم و رسانه ها صدا می کند و مردم را می ترساند و خرابی و تلفات بیشتری دارد و در گذشته هم وسیله عذاب اقوام مختلفی چون قوم شعیب و قوم لوط و ثمود... بوده است و قیامت هم با یک زلزله سراسری آغاز می گردد.

5- برای مؤمنین راههایی برای مصون بودن از زلزله وجود دارد از جمله امام صادق علیه السلام فرمود که: کسی که در نمازهای مستحبی خود، سوره زلزال را بخواند دچار زلزله نمی شود.

روایت شده که در زمان امام باقر علیه السلام زلزله آمد و مردم از وحشت به امام پناه بردند. حضرت به آنان فرمود: پناه به برید به نماز و صدقه و دعا.⁽³⁾

1. سبا، آیه. 9

2. بحار، ج 12، ص 382

3. بحار، ج 26، ص 10.

علت زلزله چیست؟

با توجه به این که عالم هستی بر اساس قانون فراگیر علت و معلول بنا شده است، زلزله هم دارای علل مادی مربوط به خود از قبیل گسل ها، وجود مواد مذاب در اعماق زمین و علل

دیگرمی باشد . اما چون علت العلل همه علتها، خداوند سبحان است لذا زلزله دارای علل غیر مادی که همانا اراده الهی است می باشد . .

از مهمترین علل غیر مادی زلزله زیاد شدن گناه است . اذاکثر الزنا کثرالزلازل .

لذا باید جامعه پاک بماند تا کمتر مستوجب حوادث تلخی چون زلزله گردد .

از جمله اهداف زلزله:

1- گوشمالی گناه کاران

2- عذاب ستم کاران

3- تذکر به غافلان

4- نشان دادن چشمه ای از قدرت پروردگار

5- رسیدن اجل عده ای از متوفیان زلزله

6- امتحان بازماندگان متوفیان زلزله

7- تغییر دادن فیزیکی مکانهای زلزله

8- تغییر دادن مسیر زندگی عده ای از مردم

9- وادار کردن عده ای به تفکر در آیات الهی

10- عاجز کردن ابرقدهتها و مستکبرین و اهداف دیگر .

جایگاه مسجد در قرآن و حدیث

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»⁽¹⁾

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : مراد از رابطوا در آیه شریفه فوق، زیاد رفت و آمد کردن به مسجد است.⁽²⁾

مسجد مهمترین مکان فرهنگی

یکی از نعمتهایی که خداوند سبحان به مسلمانان داده است نعمت وجود مساجد است . مسجد محل جنگ و حرب با شیطان است لذا در او محراب وجود دارد . اجتماع مسلمانان در مسجد مهمترین ویژگی مسجد است که منافع بزرگ سیاسی، اخلاقی، علمی و اجتماعی و ... برای مسلمانان به دنبال دارد . چیزی که در ادیان دیگر مشاهده نمی شود . مسجد مشکل گشاست . گناهان را پاک می کند . حاجت ها را روا می نماید . معضلات علمی را حل می کند . عقده دل را می گشاید . انحرافات اخلاقی را اصلاح می کند . معرفت الهی را به حد اعلی بالا می برد . و در آخر باید بگوییم معضلات بزرگ بشریت همانند اعتیاد، افسردگی و خودکشی و ... را می توان با استفاده درست از مسجد، حل نمود . زیرا علت اصلی اعتیاد و دیگر ناهنجاری ها در دوری از معنویت و دوری از آرامش روحی می باشد . و مسجد آرامش دهنده روح آدمی است . مسجد محل بالارفتن روح

آدمی از فضای آلوده مادی به عوالم معنوی آسمانی ملکوتی است . و مسجد بهترین مکان فرهنگی است .

متأسفانه جایگاه مسجد آن طور شاید و باید حفظ نشده و مساجدی که به صورت مناسب از آنها استفاده می شود کم هستند و اکثر مساجد ما به صورتی هستند که از قسمتی

1. آل عمران، آیه 200.

2. بحار، ج 83، ص 396.

از منافع آن استفاده می شود و از دیگر فواید آن بهره ای برده نمی شود . برنامه اکثر مساجد منحصر در اقامه نماز جماعت شده است در حالی که ما خوانده ایم: روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدند و دیدند دو گروه در مسجد هستند . عده ای به تعلیم قرآن کریم مشغولند و عده ای به تعلیم علم و دانش .

حضرت فرمودند هر دو گروه مورد تایید هستند ولی من به گروهی که مشغول تعلیم علم و دانش هستند می پیوندم .

چند درصد از مساجد ما برنامه تعلیم علوم اسلامی و یا قرآن دارند؟

همچنین پیامبر در مسجد کارهای حکومتی را پیگیری می کردند . درحالی که الان وزارتخانه ها و استانداری ها و فرمانداری ها از مساجد جدا هستند . و گاه صدای اذان بلند می شود و مسئولین به جلسات خود ادامه می دهند و این که جلسه را موقتاً تعطیل کرده و به

مساجد بروند، برایشان سخت است! لذا اهمیت مساجد را درک نکرده‌اند و اکثراً مسجد را فقط یک محل عبادت می‌دانند و بس. و این اهانت به مسجد است که همه منافع او را نادیده گرفته و فقط از بعد عبادی و به صورت یک معبد به آن نگاه کنیم.

تا زمانی که نگاه مسئولین کشور به مسجد نگاه عبادی صرف باشد، مسجد مظلوم مانده و از طرفی معضلاتی چون اعتیاد و پر شدن زندان‌ها و زیاد شدن پرونده‌های فساد و گناه را حل نشده خواهیم داشت.

باید اهمیت مسجد را بشناسیم و از آن در رفع مشکلات کشور عزیزمان استفاده نماییم.

اهل مساجد اهل الله

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای اباذر! بیشتر اوقات در مسجد باش. همانا اهل مسجد اهل الله هستند.

میرفندرسکی و معبد هندوها

گویند میرفندرسکی فیلسوف زمان شیخ بهایی در سفری به هندوستان از معبدی بازدید می‌کرد. یکی از هندوها گفت علت این که معابد ما چندین هزار عمر می‌کند و خراب نمی‌شود ولی مساجد شما مسلمانها بعد از چندسال تخریب می‌شود این است که ما برحقیم و شما باطلید!

میرفندرسکی گفت اتفاقاً قضیه برعکس است و این نشان دهنده آن است که ما برحقیم و شما باطلید!

هندو گفت دلیل شما چیست؟

میرفندرسکی گفت چون شما در معابد خودتان فقط حرفهای کفرآمیز بر زبان جاری می کنید این حرفها بالا نمی رود! ولی ما مسلمانها وقتی کلمه توحید و تکبیر را بر زبان جاری می کنیم این سخن بالا می رود تا به آسمانها برسد لذا سقف مسجد شکاف برمی دارد!

هندو گفت این را ثابت کن!

میرفندرسکی وضو گرفته و دو رکعت نماز خواند و در وسط معبد ایستاد و فریاد زد: الله اکبر!

ناگاه سقف معبد شکاف برداشت و ستونها لرزیدند!

جوان چشم چران در مسجد پیامبر

به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله گفتند جوانی که پشت سر شما نماز می خواند چشم چران است!

پیامبر فرمود او را رها کنید. همین نماز او را توبه می دهد و مانع کار زشتش می شود. ⁽¹⁾

جوان دزد و مسجد پیامبر

به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله گفتند جوانی که پشت سر شما نماز می خواند دزدی می کند!

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود او را رها کنید این نماز او را توبه می دهد. ⁽²⁾

نابینا و شرکت در جماعت

نابینایی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پرسید چگونه در نماز جماعت حاضر شوم؟ فرمود
طنابی

1. ارزش و اهمیت نماز.

2. ارزش و اهمیت نماز.

از منزل تا مسجد ببند و بوسیله آن به مسجد بیا. * لازم به ذکر است که گویا منزل او در
نزدیکی مسجد بوده است. ⁽¹⁾

اینجا وزارت فرهنگ است

در زمان رضاخان، یک روز در هنگام تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به مسجد جامع
تهران آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند و می گفتند باید از وزارت
فرهنگ اجازه بگیرید.

در این حال آیت الله العظمی شیخ محمدعلی شاه آبادی، استاد امام راحل، خطاب به آقای
سید علی اصغر آل احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که زیارت عاشورا را
بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آنصدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد . بعد هم آیت الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضاخان گفتند به آن مرد قلدر چاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگوید که در وزارت فرهنگش را ببندد . اینجا وزارت فرهنگ ماست .⁽²⁾

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مکان زمین، مساجد و بدترین مکانها بازارها هستند.⁽³⁾

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: مسجد بازار آخرت است که کالایش آمرزش و هدیه اش بهشت است .⁽⁴⁾

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر درباره کسی که در نماز جماعت مسجد حاضر نمی شود از تو پرسیدند بگو من او را نمی شناسم!⁽⁵⁾

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به طرف مسجد می رود قدم راستش را که بر می دارد یک حسنه برایش نوشته می شود و قدم چپش را که بر می دارد یک گناه از او پاک می شود و هرگاه در نماز جماعت شرکت کرد خدا او را می آمرزد .⁽⁶⁾

2. عارف کامل .

3. بحار، ج 84، ص 11.

4. کافی، ج 3، ص 489.

5. بحار، ج 88، ص 4.

6. کنز العمال، ج 7، ص 296.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : یک رکعت نماز در مسجد بهتر از چهل سال نماز در خانه است .

امیر مؤمنان علی علیه السلام : هنگامی که آباد کننده مسجد نزد مسجد می رود، مسجد خوشحال می شود همانطور که وقتی یکی از کسان شما که از شما دور بوده، نزد شما می آید و شما خوشحال می شوید .⁽¹⁾

امیر مؤمنان علی علیه السلام : هر که صدای اذان مسجد را بشنود همسایه مسجد حساب می شود .⁽²⁾

امام محمد باقر علیه السلام : هر گاه زلزله و کسوف و خسوف و بادهای ترسناک دیدید به یاد قیامت افتاده و به مساجد پناه ببرید .⁽³⁾

کسی که در مسجد حاضر نمی شود ...

در احکام مسجد آمده است:

مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، و همسایه او نشود، و از او زن نگیرد و به او زن ندهد.⁽⁴⁾

مسجدی که نمازگزار ندارد شکایت می‌کند!

در روایت است که در قیامت مسجد از همسایگانی که به مسجد حاضر نمی‌شدند شکایت می‌کند.

کسی که خانه اش از مسجد دور است ...

در روایت است که خانه‌ای که از مسجد دور است شوم و نامبارک است.

آسیب شناسی مسجد

برای زنده کردن مساجد و برگزاری باشکوه نماز در مساجد و جذب جوانان به مسجد باید به نکات زیر توجه نمود:

مکان مسجد از نظر نور و روشنایی، وسایل سرمایشی و گرمایشی، صوتی، سادگی و زیبایی، داشتن حیاط ورودی‌های سهل‌الورود و ... مناسب باشد

امام جماعت مسجد از نظر تقوا، علم، و داشتن اطلاعات روز و خوش اخلاقی در

2. بحار 379/80

3. بحار، ج 147/88

4. مسئله 897.

جایگاه مناسبی باشد .

هیئت امناء از نظر داشتن اعضاء مسن و تجربه دار به همراه اعضاء جوان و شاداب و مبتکر و همچنین حضور مرتب در مسجد و گذاشتن ساعتی از شبانه روز برای کارهای مسجد، مشکلی نداشته باشد .

خادم مسجد از جهت داشتن سعه صدر و علاقه مندی به خدمت به مسجد و داشتن اعتقادات دینی متوسط مناسب باشد .

مکبرین مسجد باید خوش قیافه و متبحر باشند .

کانون و پایگاه مسجد نیز باید از جهت داشتن مسئولینی دلسوز که بدور از مسایل سیاسی و جناحی به اجرای برنامه های فرهنگی مشغول باشند، بی مشکل باشد .

موقوفات و یا درآمدهایی برای مخارج مسجد منظور شده باشد .

همان گونه که برای قسمت مردانه امکانات مهیا می شود برای قسمت خانم ها نیز باید امکانات منظور گردد .

سرویس بهداشتی مسجد باید از هر جهت مناسب باشد .

چهار کلمه ای که بر درب ششم بهشت نوشته شده

- 1- کسی که می خواهد قبرش وسیع باشد مسجد بسازد . 2- کسی که نمی خواهد کرمها او را بخورند ساکن مسجد شود . 3- کسی که نمی خواهد بدنش پیوسد ساکن مسجد شود .
- 4- کسی که می خواهد جایش را در بهشت ببیند برای مسجد فرش بیاندازد .^۱ . بحار الانوار

.

(

اولین بنای روی زمین

اولین خانه ای که در روی زمین ساخته شده کعبه است و اولین مسجدی که پیامبر ساخت که اولین اقدام پیامبر اعظم در بدو ورود به مدینه بود، ساخت مسجد قبا بوده است .

مسجدی که هزار نفر از پیامبران الهی در آن نماز خوانده اند

مسجد کوفه مسجدی است که هزار پیامبر در آن نماز خوانده اند .

مسجد سهله در نزدیکی نجف مکانی است که تعداد زیادی از انبیاء و اولیاء در آن عبادت کرده و محل زندگی حضرت ادریس بوده است .

هگل و مسجد

هگل در خاطراتش نوشته است: در اسلامبول روزی به مسجدی رفتم . از سادگی و صلابت مسجد شگفت زده شدم . و حال خوش و جذبه ای شورانگیز در خود احساس کردم .

فیلسوف غربی و مسجد

ارنست رنان فرانسوی گفت: برخلاف سخنان ناروایی که درباره اسلام و عرب شنیده بودم هرگاه وارد یکی از مساجد مسلمانان می شدم صحنه های دلپذیر و جذابی را می دیدم که به خود می لرزیدم و افسوس می خوردم که چرا مسلمان نیستم!

ازدواج در مسجد

در روایت است که عقد زهرا(س) و علی علیه السلام در مسجد برگزار شد. و این درسی برای مسلمانان است که برای حفظ جایگاه ازدواج، آن را در مساجد به صورت ساده و به دور از گناه برگزار نمایند.

بهترین وسیله و کم هزینه ترین راه برای نجات جوانان از اعتیاد و سایر آسیبهای اجتماعی، حضور در مساجد و ارتباط دائمی با مسجد است. معمولاً جوانان مسجدی از آسیبها مصونیت پیدا می کنند و دچار اینگونه مشکلات نمی شوند.

اما چرا عده زیادی از نخبگان ورزشی یا هنری یا پزشکی و علمی ما اهل مسجد نیستند؟! و هیچگاه برای نماز به مسجد نرفته اند!

زیرا این یک فرهنگ شده که مسجد و نماز و چادر زنان و مجلس روضه و سینه زنی مال عقب مانده هاست! مال متحجرین است! ولی متمدنین و مال امروزی ها نباید از این کارها بکنند! و اگر نخبه ای وارد مسجد شود و نماز بخواند کلاسش پائین می آید!

در حالی که این باور غلطی است. زیرا پیامبر که عقل کل بوده و از او عالم تر و خوش اخلاق تر و بهتر وجود نداشته است اکثرا در مسجد بودند. امیرالمؤمنین علی ع نیز اکثرا در مسجد بودند. دانشمندان بزرگی چون بوعلی سینا و ملاصدرا اهل مسجد بوده مخصوصا وقتی دچار مشکل علمی می شدند به مسجد می رفتند.

در زمان ما هم امام امت و مقام معظم رهبری که بهترین های زمان ما هستند اهل مسجد بودند. سرداران شهید و زنده ما اهل مسجدند. دانشمندان بسیجی ما اهل مسجدند.

لذا باید این باور را که مسجد امروزی نیست کنار گذاشت و در عین حالی که با پیشرفت زمان همراه باشیم ولی دین خود را رها نکنیم تا از آسیبهای این زمان مصون بمانیم.

خودسازی در قرآن و حدیث

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»⁽¹⁾

حقیقتاً سعادت‌مند است کسی که تزکیه نفس نماید و بدبخت است کسی که دسیسه کند و از نفسش پیروی نماید .

خداوند سبحان وقتی انسان را خلق کرد برای تکامل او، دو نیرو در او به امانت گذاشت یکی عقل و دیگری هوای نفس .

عقل ، پیامبر باطنی و دوست دار سعادت انسان بوده و بشر را به کارهای خوب و درست و کارهای موافق فطرت و حق ارشاد می کند .

ولی نفس در نقطه مقابل عقل است و دشمن انسان و بدخواه بشر بوده و آدمی را به کارهای زشت و مخالف فطرت و موافق باطل، دعوت می کند .

لذا خداوند سبحان فرمود: آن که از خدا ترسید و با نفسش مخالفت کرد، بهشت گوارایش باد .⁽²⁾

از مهمترین دستورات پروردگار به آدمی، تزکیه نفس است . یعنی نفس را از رذایل اخلاقی پاک نماید و خودپرستی، دنیا پرستی و تکبر و دروغ و ریا و طمع و حرص و کینه و امثال آن را از خود دور کند و در عوض به صفاتی چون تقوا و اخلاص و زهد و راستی و قناعت و عفو و امثال آنها خود را آراسته نماید و این همان تزکیه نفس است .

هدف از خلقت انسان، عبادت توام با معرفت است . یعنی خداشناسی . و پایه و اساس خداشناسی، خودشناسی است .

کسی که خود را شناخت، خدا را هم می شناسد . و پایه و اساس خودشناسی، هم تزکیه نفس و جهاد اکبر است .

آری تهذیب نفس با خودشناسی ارتباط مستقیم دارد و بدون تهذیب نمی توان خود را

1 . شمس، آیه 9 و 10.

2 . نازعات، آیه 40.

شناخت . با دوری از اخلاق زشت و با انجام عبادت های شرعی و با تعلیم دانش های مختلف و با نیکوکاری می توان خود را سپس خدا را به اندازه وسعمان بشناسیم و فقط او را عبادت کنیم .

البته تزکیه نفس باید در سه مورد صورت بگیرد . یکی در اخلاقیات مانند دوری از تکبر . و زینت کردن خود به تواضع .

یکی در عبادات . مانند تقید به خواندن نماز اول وقت .

و یکی هم در انجام مسئولیتان نسبت به جامعه است . همانند نیکوکاری و دوری از ظلم به مردم .

ولی بعضی پنداشته‌اند که تزکیه نفس یعنی ریاضت کشیدن و چله‌نشینی و دوری از مردم و محروم کردن خود از نعمت‌های حلال الهی چون ازدواج، لباس خوب و غذای گوارا و غیره .

در حالی که وقتی زندگی پیامبر و امامان را که بهترین الگوی ما هستند بررسی می‌کنیم می‌بینیم آنها در زندگی الهی خود از همه نعمت‌های حلال استفاده می‌کردند .

بوده‌اند افرادی که به عنوان ریاضت و تهذیب نفس و خودشناسی، از راه درست فاصله گرفته و ناخواسته به دامن دراویش منحرف و آیین‌های باطل افتاده و راه برگشتی پیدا نمودند و با انحراف عقیدتی از دنیا رفتند .

اگر کسی هم آمادگی دارد تا مدتی را به ذکر و عبادت و تفکری که اسلام دعوت کرده بگذراند باید زیر نظر استاد باشد و بدون استاد احتمال منحرف شدنش زیاد می‌رود .

ارزش جهاد با نفس

در روایت است که چون عده‌ای از مسلمین از جنگ سختی با پیروزی برگشتند پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به استقبال آنان بیرون رفته بود پس زمانی که حضرت با آنان ملاقات نمود فرمود:

مرحبا به قومی که از جهاد اصغر و کوچک برگشتند .

آنان که متعجب شده بودند سؤال کردند یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله اگر این جنگ با این شدت و

سختی جهاد کوچکتر بوده جهاد بزرگتر کدام است فرمود:

جهاد اکبر مبارزه با نفس اماره و وسوسه‌های شیطان است که اگر در این وادی پیروز شود جهاد بزرگتر را انجام داده است.⁽¹⁾

اگر کسی سؤال کند چرا خداوند سبحان، هوای نفس را در انسان قرار داد که باعث بدبختی او شود؟

جواب می‌دهیم که اگر خداوند سبحان همه را مؤمن خلق می‌کرد، دیگر بهشت و جهنم و پاداش و مجازات معنایی نداشت. مانند فرشتگان که عقل خالص هستند و در آنها هوای نفس وجود ندارد لذا برای آنها بهشت و جهنم معنی ندارد.

اما آدمی دارای عقل و هوای نفس با هم بوده تا اگر بتواند با نفسش مقابله کند و از عقلش اطاعت کند، شایستگی بهشت را پیدا می‌کند.

اما نفس از انسان چه می‌خواهد؟ نفس از انسان لذات نامشروع می‌خواهد. شهوات حرام طلب می‌کند. گاه چشم به ناموس دیگران دارد. گاهی به دنبال به دست آوردن ثروت دیگران است. گاهی میل به ریاست دارد و برای رسیدن به آن انواع کارهای زشت و جنایت‌ها مرتکب می‌شود. گاهی برای زندگی دنیوی و خانه گرانبیشت و وسایل شی، حلال خدا را رها کرده و به قاچاق و دزدی و رشوه‌خواری و کلاهبرداری و اختلاس و خیانت در بیت المال و زمین خواری و امثال آن روی می‌آورد.

مأمورین هوای نفس در شهوترانی، چشم‌ها هستند. گوش و دهان می‌باشند. دست و پاها هستند. دل‌ها از همه حساس‌تر.

پیروی از هوای نفس، انواع بیماریها را برای انسان به ارمغان می آورد . بیماری حرص و طمع . بیماری تملق و ریاکاری و نفاق . بیماری شکم پرستی . بیماری شهوترانی . پول پرستی .

لذا در روایات است که دشمن ترین دشمن انسان همان نفسی است که بین دوپهلوی انسان قرار دارد که با کمک گرفتن از خداوند و توسل به اهل بیت ع می تواند کم کم بر این دشمن پیروز شود و مهار او را در دست بگیرد. بدون کمک اهل بیت این مسئله میسر

1 . خوبی ها و بدی ها - میزان الحکمة 453/1

نخواهد شد.

ارزش تحمل بلاها در قرآن و حدیث

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»⁽¹⁾

ای انسان تو از زمانی که بدنیا می آیی در رنج و بلا هستی تا از دنیا بروی!

آری انسان همراه با بلا و گرفتاری می باشد. چه کسانی که پولدارند و به فقرا و مستمندان. چه قدرتمندان و چه ضعیفان. هر کسی به یک نحوی برای زندگی کردن باید دست و پنجه نرم کند.

گاهی مریضی. گاهی مصیبت فقدان نزدیکان. گاهی سرما و گاهی گرما. گاهی فقر و گاهی پرخوری. گاهی جنگ و گاهی صلح.

در هر حال در این بلاها، انسان های مؤمن امتحان می شوند. در صورتی که صبور بودند. بردباری خود را حفظ نمودند. کینه از برادران خود به دل نگرفتند. در اعتقادات خود شک ننمودند و مرتد نشدند. و به خداوند سبحان پناه بردند. کارنامه قبولی می گیرند.

البته کفار و مشرکین هم دچار بلا می شوند که این گرفتاری ها برای آنها توبیخ و تنبیه است.

پیامبران و اولیاء هم گرفتار می شوند و بلاهای آنها از همه بیشتر است که با این بلاها درجات آنها افزایش می یابد.

چه کسی آزاد مرد است؟

امام صادق علیه السلام فرمود: آزاد مرد در تمام شئون زندگی آزاد از هوی نفس است . اگر پیش آمد ناگواری به او روی آورد با عزمی استوار شکیبایی می کند . سیل اندوه و مصیبت ها در ارکان او شکست ایجاد نمی نماید اگرچه برده و بنده دیگری شود زیر دست گردد و نعمت سرشار او به تنگدستی مبدل شود چنان چه به آزادگی یوسف صدیق علیه السلام زیانی نرسید اگر چند روزی بنده و زیر دست گردید . تاریکی و وحشت چاه نیز او را نیازارد . در مقابل این

1 . انشقاق، آیه 6.

گرفتاری خداوند سبحان به لطف خود همان سلطان ستمگر را که مالک یوسف بود فرمانبردارش قرار داد و او را به رسالت برانگیخت و به واسطه آن بزرگوار امتی را مشمول رحمت خویش قرار داد . شکیبایی کنید و روحی بزرگ داشته باشید تا آماده برای صبر کردن باشد .⁽¹⁾

امام صادق علیه السلام فرمود: برای بنده مقامی است در نزد خدا که می رسد به آن با عملش بلکه خداوند سبحان او را مبتلا می کند یا به مرضی در جسمش یا به مصیبت در مالش یا در فرزندش پس اگر صبر کرد به آن درجه می رسد .⁽²⁾

تحمل بلاها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دختری را خواستگاری کرد . پدر دختر شروع به تعریف دختر خود نمود و امتیازات او را می شمرد . از آن جمله گفت این دختر از زمان تولدش بیمار نشده حضرت از مجلس درخواست و قطع کلام خود نمود سپس فرمود: خیری در چنین موجودی نیست که مانند گورخر بیمار نشود . مرض و بلا تحفه ایست از جانب خداوند سبحان به سوی بنده که اگر از یاد او غافل شده باشد آن پیش آمد او را متوجه سازد .⁽³⁾

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: مصیبت برای صبر کننده یکی و برای شخص بی تاب دو تا به شمار می آید .

امام پنجم علیه السلام فرمود: سخت ترین بیتابی و کم صبری ناله کردن و لطمه به سر و سینه زدن و موی کندن است و هر کس ناله بر پا کند شکیبایی از دست داده و به بیراهه رفته است .⁽⁴⁾

آزمایش با فقر

گاهی خداوند سبحان انسان را با فقر آزمایش می کند . آیا فقر باعث می شود که آدمی از خدا فاصله بگیرد؟ یا این که مانند اصحاب بزرگ پیامبر اسلام مانند سلمان و ابوذر و مقداد هرگز فقر و تنگدستی در ایمان او خللی ایجاد نمی کند . بزرگان دین اسلام مانند رسول خدا

1. میزان الحکمة - بحار الانوار 96/68

2. خوبی ها و بدی ها - میزان الحکمة 309/1

3. خوبی ها و بدی ها .

4. خوبی ها و بدی ها - الکافی 223/3

و فاطمه زهرا (س) و علی مرتضی (ع) زندگی فقیرانه ای ساده و زاهدانه ای داشتند .

آزمایش با ثروت

ثروتمند بودن خطر بزرگی برای ثروتمندان است زیرا اکثرا از این امتحان سخت قبول نمی شوند و چنان مسحور ثروت می شوند که از یاد خداوند سبحان و آخرت غافل شده و به زیاد کردن ثروت یا غرق شدن در لذات دنیوی مشغول می شوند و سرمایه مهم خود یعنی عمرشان را در دنیای بی مقدار صرف می کنند و اینها در قیامت خیلی حسرت می خورند

پیامبر علیه السلام «کسانی که در دنیا از همه سیرتر هستند، روز قیامت از همه گرسنه تر هستند.»⁽¹⁾

«همانا زمین، روزی هفتاد بار ندا می کند: ای پسر آدم! هر چه می خواهید بخورید و لذت ببرید، که به خدا قسم! گوشت و پوستان را خواهم خورد!»⁽²⁾

جمع آوری پول برای اکثر افراد یک زرنگی به حساب می آید ولی در عرف عقل و اولیاء کسی که فقط به جمع آوری ثروت مشغول شده دیوانه است زیرا هر روز و هر ساعت به مردن نزدیک می شود و هر چه قدر از عمرش می گذرد کوچک تر می شود در حالی که برای سفر آخرت چیزی مهیا ننموده است .

امتحان با مصیبت ها

یکی از امتحانات الهی به وسیله مسئله بلا و مصیبت است . خانواده ای که در کمال آرامش و شادابی زندگی می کنند ناگه طوفانی از راه می رسد و خبر رحلت یکی از عزیزانشان، به آنها داده می شود که مثلاً فلان شخص فوت کرد ! فلان جوان در آب غرق شد ! چند نفر در تصادف مردند و ...

علت این مصیبت ها چیست و یک فرد مسلمان چه وظیفه ای در برابر این مصیبت ها دارد؟

علت مصیبت برای افراد مختلف فرق می کند . برای افراد مؤمن و خوب، امتحان

1 . خوبی ها و بدی ها - روضه الواعظین 456/2

2 . خوبی ها و بدی ها .

است . ایمان او . صبر و تحمل او . اعتقادات او امتحان می شود . برای افراد بد و گناهکار و فاسق، توبیخ و مجازات است . و برای پیامبران و اولیاء خدا، بالارفتن درجات آنها در

پیشگاه خداوند سبحان است . علاوه بر این ها مصیبت ها، گناهان مؤمن را پاک می کند . در روایات است اگر کسی سه فرزندش را از دست بدهد دیگر جهنم نمی رود و آتش بر او حرام است . به شرط این که صبر کند و متزلزل نشود و ایمانش را حفظ نماید .

بهترین وظیفه مؤمنین در مقابل مصیبت ها حفظ آرامش و بردباری و تحمل و استقامت است . زبان را به ذکر خداوند سبحان مشغول کند . به قرآن و اهل بیت علیه السلام پناه ببرد . به قبرستان رفته و ببیند که عاقبت همه افراد مردن است . آنچه که مهم است این است که انسان با آمادگی کامل از دنیا رحلت کند . و آمادگی به این است که وابستگی مادی نداشته باشد . حق الناس به گردنش نباشد . همچنین آمادگی به این است که کفنش را خریده باشد . وصیتنامه اش را نوشته باشد . از گناهان فاصله گرفته باشد . و مشکلی از جهت نماز و روزه و دیگر واجبات نداشته باشد .

عیدی حضرت امیر به عارف والا مقام چه بود

گویند آیت الله میرزا جواد ملکی استاد امام راحل همه ساله در روز عید غدیر جشن می گرفتند . در یکی از سال ها روز عید غدیر در حالی که مردم به منزل او رفت و آمد می کردند، ناگهان به او خبر دادند که پسر او که طلبه بوده در آب انبار خفه شده است .

این عالم ربانی فرمود این مطلب را مخفی بدارید مبادا عید مردم خراب شود . سپس در آخر روز خواص خود را خبردار کرد و فرزندش را بعد از غسل و کفن و نماز، دفن کرد .

او درباره این مصیبت فرمود که امسال امیرمؤمنان علیه السلام به ما عیدی داد .

همچنین نقل شده که امام راحل در شهادت سید مصطفی فرمود از الطاف خفیه است .

همانطور که زینب در باره مصیبت‌های کربلا فرمود «مارایت الا جمیلا»

امتحان با ریاست

یکی از آزمون‌های سخت، امتحان با ریاست است. رئیس بودن. مدیر شدن. فرمانده بودن. که خیلی‌ها سربلند بیرون نمی‌آیند و چنان گرفتار این محبت دنیوی می‌شوند که برای رسیدن به آن یا حفظ آن، از انجام هر گناه و خلافی ابا ندارند. گاهی برادر را می‌کشد تا ریاستش حفظ شود مانند مامون عباسی. گاهی پسر را می‌شد مانند شاه عباس صفوی. گاهی پدر را می‌کشد مانند شیرویه که پدرش خسرو پرویز را کشت. گاهی مادر خود را می‌کشد مانند شاه اسماعیل. گاهی علما و بزرگان را می‌کشد و زندانی می‌نماید همانند اکثر پادشاهان.

آزمایش با ترس و هراس

گاهی خداوند سبCHAN انسان را با ترس و واهمه و امثال آن امتحان می‌کند.

نقل شده:

جنگ خندق در سال پنجم هجری واقع شد. مشرکین باده هزار نفر، مدینه را محاصره کرده بودند و مسلمانان هم در پشت خندقی که اطراف شهر حفر شده بود، در مواضع خود به سر می‌بردند. بعضی از مسلمانان از کثرت لشکر دشمن دچار هراس و ترس شده بودند. در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید: «إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ

الأبصار» یاد بیاورید آن زمانی را که دشمن از بالا و از پایین بر شما هجوم آورد و چشمان شما از ترس جابه جا شدند .

دشمن 27 روز مدینه را محاصره کرد . سپس چند نفر از شجاعانش از جمله عمرو بن عبدود و عکرمه بن ابی جهل و نوفل بن عبدالله و ضرار بن خطاب از خندق راهی را پیدا کردند و خود را به نزدیکی مسلمانان رساندند . عمرو که او را با هزار سوار برابر می دانستند پیش آمد و مبارز طلید . احدی جرأت جواب دادن به او را پیدا نکردند تا عاقبت علی علیه السلام خارج شد و در مقابل او قرار گرفت . پیامبر در این موقع فرمود: تمامی ایمان در مقابل تمامی کفر قرار گرفته است . علی علیه السلام بعد از مبارزه ای سر عمرو را از تن جدا کرد . که پیامبر فرمود: ضربت علی در خندق از عبادت انس و جن تا روز قیامت، برتر است .

یقیناً هر کسی در زندگی خود چندین بار مریض شده . مریضی های کوچک و مریضی های سخت . و گاهی افراد دچار مرض های صعب العلاج می شوند . آدمی در این مواقع چه باید بکند؟ بهترین توصیه دین، صبر و تحمل مریضی است . اگر چه از درمان مادی و معنوی هم نباید غافل شود و با استفاده از اطباء حاذق و توسل به اهل بیت علیه السلام و قرآن کریم و مقربین درگاه الهی از خدا شفا بخواهد .

امتحان با همسر بداخلاق !

اسلام برای حفظ کانون خانواده به زن و مرد سفارش کرده که بر سختی‌های زندگی صبر کنند و در برخورد با مشکلاتی مثل اخلاق بد همسر یا فقر و امثال آن فوراً به فکر طلاق و جدایی نیافتند که اگر صبر نمایند پاداش دنیوی و اخروی خواهند گرفت .

"پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند سبحان ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»⁽¹⁾

آزمایش با علم و دانش

علم باید با تقوی و دوری از رذایل اخلاقی همراه باشد . کسی که علم دارد ولی دین ندارد از هزاران جاهل خطرناک‌تر است که:

چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر بر کالا

و رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه عالمی فاسد شود، عالمی فاسد شود!

بوده‌اند دانشمندانی که در خدمت اهداف شیطانی قرار گرفتند و جهانی را دچار ضرر و خسارت کردند . در زمان ما هم چه بسیار دانشمندانی که بی‌دین بوده و جز به منافع مادی و شهوانی خود فکر نمی‌کنند . آنها در خدمت مستکبرین و ظالمین و سرمایه‌داران قرار گرفته و با خدمت به آنها در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، اخلاقی، تبلیغاتی، سیاسی آنان را در اهدافشان یاری می‌کنند .

«وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ»⁽²⁾

1. خوبی ها و بدی ها - مکارم الاخلاق/213

2. اعراف، آیه 168.

امتحان با جنگها

چون جنگ ها معمولا با کمبود مواد غذایی، ترس، کشته شدن، اسیر شدن، زخمی شدن، بی ارزش شدن سرمایه ها و امثال آن همراه است لذا عده ای هم به این وسیله آزمایش می شوند. آن هایی که در جنگ احد پیامبر را تنها گذاشتند و فرار کردند نمره منفی گرفتند. آن هایی در دوران دفاع مقدس، از دفاع مقدس حمایت مالی و جانی نکردند نمره منفی آوردند. لذا باید مواظب بود که در همه حالات سربلند بیرون بیاییم.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ»⁽¹⁾

خداوند آنان را که در صف منسجم در راه او می جنگند دوست دارد.

امتحان با عبادت

آن هایی که شب ها، کارشان شروع شده و به عبادت و راز و نیاز با خداوند سبحان مشغول می شوند. آن هایی که در حالی که مردم خوابند این ها بیدارند. مردم می خندند ولی این ها

گریانند . مردم خوشحالند ولی این ها نگرانند، این دسته از افراد که کم هم هستند در امتحان الهی سربلند بیرون می آیند .

امیرمؤمنان شبی هزار رکعت نماز می خواند و از کثرت سجده، پیشانی اش پینه می بست . هفتاد بار از خوف خدا، غش کرد و بی هوش شد .

امتحان با زیبایی یا زشت بودن

خداوند سبحان با زیبایی انسان را امتحان می کند همان طور که با زشتی و نازیبایی افراد را امتحان می نماید .

اگر خدا به دختر یا پسر صورت زیبا داد باید با سیرت زیبا این زیبایی را دوبار کند. سیرت زیبا یعنی دوری از مفسد اخلاقی. دوری از اغواگری و به انحراف کشیدن دیگران.

1 . صف، آیه 4.

اگر بازیگری حاضر شد که در مقابل مبلغی پول از صورت او در مجلات و روزنامه ها تصاویر رنگی واغواکننده بزنند بداند که در امتحان الهی رفوزه شده است.

اگر کسی که صورت زیبا داشت در مقابل دعوت دیگران به روابط جنسی نامشروع تن در داد بداند که در امتحان الهی مردود شده است. داستان یوسف بما می فهماند که انسان

می تواند با داشتن صورت زیبا ف تقوا هم کسب کند و بر تقربش نزد خداوند سبحان افزوده شود.

صورت زیبا زمانی نعمت است که انسان را به انحراف نکشاند ولی اگر باعث انحراف اخلاقی آدمی شد دیگر نعمت نیست بلکه نعمت است.

امتحان با ایثار و فداکاری

ایثار یعنی در مسائل روزمره و احتیاجات بشری، دیگری را بر خود ترجیح دادن . چه در غذا و چه در لباس و احتیاجات مادی .

ایثار نشانه بزرگواری است . ایثار نشانه جوانمردی است . ایثار نشانه کرامت و فضیلت است . مقام ایثار، مقام از خود گذشتن است .

انسان های ایثارگر واقعی کم هستند . زیرا در ایثار باید از خود گذشت و به دیگران داد . پیامبران ایثارگر بودند . امامان ایثارگر بودند . عده ای از علماء ایثارگر بودند . عده ای از مردم عادی نیز ایثارگر بودند . نمونه بارز ایثار را می توان در ایام دفاع مقدس ایران مشاهده نمود که گاهی بسیجی ها چه پیر و چه جوان بر روی مین ها می رفتند و شهید می شدند تا راه عبو ررزمندگان باز باشد . افرادی چون شهید همت و زین الدین و باکری و صیاد شیرازی و کشوری و ... ایثارگر بودند .

اما در رأس همه ایثارگران بشریت، رسول خدا صلی الله علیه و آله سپس علی مرتضی علیه السلام قرار دارند . علی علیه السلام در نماز انگشتر به فقیر بخشید و در شأن او آیه زیر نازل شد .

"همانا سرپرست مؤمنین، خدا و رسول و آنانکه ایمان آورده و در حال رکوع صدقه می دهند می باشند." (1)

1. مائده، آیه 55.

علی علیه السلام در بستر پیامبر به جای رسول خدا خوابید تا جان پیامبر آسیب نبیند و از طرف خدا ایثارگر خوانده شد:

"در میان مردم شخصی است که جان خود را در راه خدا می فروشد." (1)

در میان اعضاء خانواده مادر معمولاً ایثارگر است و استراحت خود را صرف خدمت رسانی به اعضای خانواده مخصوصاً کودکان کند. گاهی غذای خود را به بچه ها می دهد. گاهی جای راحت خود را در اختیار فرزندانش می گذارد. گاهی شب ها بیدار مانده و بالای سر فرزند بیمار خود می ماند. دیرتر از همه غذا می خورد و در موقعی که بقیه پای تلویزیون هستند او در آشپزخانه مشغول کار می باشد. لذا عنایت خداوند سبحان به مادر بیشتر از دیگران است و در حدیث است که بهشت زیر پای مادران است.

آزمایش با ولایت یا دشمنی اهل بیت علیهم السلام

آزمون بسیار سخت ولایت نیز امتحان مهمی است که سرنوشت آدمی را در جهان آخرت مشخص می کند . متأسفانه در دنیای کنونی دوستان واقعی اهل بیت زیاد نیستند و برعکس دشمنان اهل بیت در لباس مسلمانان نفوذ کرده و به اسم وهابی، زرقاوی، بن لادن، ملا عمر، سپاه صحابه و غیره به کشتار شیعیان مشغولند و دل ابلیس را خوشحال نموده اند .

تاریخ می گوید بعد از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله اکثر مردم در آزمون ولایت مردود شدند و آن همه سفارشات پیامبر درباره جانشین بر حقش را مخصوصاً سخن مهم حضرت را در روز غدیر خم که فرمود هر که من مولای او هستم علی هم مولای اوست و این سخن را بین هفتاد هزار تا صد و چهل هزار نفر شنیدند و دهها راوی سنی و شیعه آن را روایت کردند، زیر پا گذاشتند .

اگر غدیر خم محقق می شد و مردم از دستور خدا و رسول در مورد جانشینی علی بن ابطالب علیه السلام اطاعت می کردند هیچ امام معصومی به شهادت نمی رسید .

اگر غدیر خم به نتیجه می رسید به جای 58 کشور اسلامی شاهد یک کشور ابر قدرت

اگر غدیر خم به نتیجه می‌رسید غیر از یک دین و یک مذهب، مسلمانان مذهب دیگری نداشتند .

اگر غدیر خم به نتیجه می‌رسید جهانیان از علوم بی‌کران قرآن و اهل‌بیت کمال استفاده را می‌بردند .

اگر غدیر خم به نتیجه می‌رسید مسلمانان پیشرفته‌ترین تمدن را داشتند .

اگر غدیر خم به نتیجه می‌رسید مسلمانان جزو عقب افتاده‌ترین کشورهای دنیا نبودند .

اگر غدیر خم به نتیجه می‌رسید حادثه کربلا اتفاق نمی‌افتاد .

اگر غدیر خم به نتیجه می‌رسید قدس شریف اشغال نمی‌شد . مسلمانان مورد ظلم مستکبران قرار نمی‌گرفتند . خلفای بی‌لیاقت و ستمگر بر مسلمانان حاکم نمی‌شدند .

اگر غدیر خم به نتیجه می‌رسید دین تحریف نمی‌شد . و ...

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

ای سلمان! هر که فاطمه را دوست داشته باشد، با من در بهشت است و هر که با او دشمنی بورزد، در جهنم است . ای سلمان! دوستی فاطمه در مواقع بسیاری به کار می‌آید که راحت‌ترین آن‌ها در هنگام مرگ و در قبر و در محشر و در صراط و در حساب است .

پس هر که دخترم فاطمه از او راضی باشد، من از او راضی هستم و هر که من از او راضی هستم، خداوند سبحان از او راضی است و هر که فاطمه بر او خشم بگیرد، من بر او خشم

می گیرم و هر که من بر او خشم بگیرم، خداوند سبحان بر او غضب می کند . ای سلمان !
وای بر کسی که به فاطمه و ذریه او ظلم نماید .⁽¹⁾

آزمایش با صبر بر اطاعت

صبر بر طاعت خداوند: یعنی انسان بر عمل کردن به واجبات و ترک محرمات صبور باشد .

انسان باید ساعتی را صرف مقدمات نماز از طهارت و غیره کند و در حال نماز هم توجه

1 . فاطمه سرور زنان عالم -ارشادالقلوب 294/2

خود را به همین نیت مشغول بدارد و یا در روز ساعاتی متوالی از خوردن و آشامیدن
اجتناب کند و تا افطار صبر کند و باوجود آب گوارا و غذای مطبوع بر تشنگی و
گرسنگی صبر کند و یا در حج رنج سفر و دوری از وطن را بر خود هموار کند و در میان
گروهی ناآشنا مبالغی از مال و عمر را صرف نماید و یا در امر به معروف و نهی از منکر
چه خون دلها که باید بخورد و همه اینها به صبر احتیاج داد البته این عبادات برای اهلش
سخت نیست بلکه شیرین نیز است همان طوری که در روایت است که وقت اذان پیامبر
صلی الله علیه و آله وسلم به بلال می فرمود: (ارحنا یا بلال) ما را راحت و مسرور کن ای بلال .
در هر حال، احکامی که بر انسانها واجب شده همه برای رسیدن انسان به مال و سعادت
است والا خداوند سبحان از همه عالمیان بی نیاز است .

نماز معراج مؤمن است . روزه سپری در برابر آتش است . خمس وزکات، باعث ظهور انسان دوستی و نوع دوستی و رضایت الهی است . حج و جهاد هر دو از جلوه های اقتدار دین اسلام است . امر به معروف و نهی از منکر، یعنی مبارزه همه مردم با جلوه های گناه در جامعه است .

هیچ واجبی خالی از حکمت نیست زیرا خداوند حکیم و علیم، هر حکمی را که واجب می کند براساس نفع و مصلحت انسانهاست . و البته هرگز حکمی که خارج از طاقت انسان باشد واجب نمی کند . و از هر کسی باندازه توانش تکلیف می خواهد .

این که مسلمانی در تمام عمرش از هنگام بلوغ تا زمان مرگ بتواند به دستورات دینی عمل کند نیاز به صبر دارد . هر روز نماز خواندن . هر ماه رمضان روزه گرفتن . از مالی که به دست آورده در راه خدا دادن . زحمت سفر حج را کشیدن و از جان و فرزند در راه خدا گذشتن، نیاز به طاقت و صبر دارد . بعد از این که صبر کرد و به واجبات عمل نمود، آنوقت موقع مرگ خطاب می شود:

«يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»⁽¹⁾

دیگر سختی ها تمام شد و از این ساعت به بعد در نعمت های الهی قرار می گیری و به

1. فجر، آیه آخر.

لذات اخروی بهشت دست می یابی .

نکوهش غفلت در قرآن و حدیث

«غفلت در لغت به معنای سستی نفس از توجه به آنچه که غرض و هدف او بوده است^(۱) و در اصطلاح به معنای مشغول شدن به دنیا و توجه نداشتن به مرگ و آخرت و قیامت است.»

هنگامی که نظر قرآن کریم را درباره انسان جويا می‌شویم می‌بینیم که قرآن کریم با تعبیراتی چون:

«إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ»^(۲)

اکثر مردم از آیات ما غافلند!

«إِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ»^(۳)

حساب و کتاب مردم و مرگشان نزدیک شده ولی آنها در غفلت بوده و از حق دوری می‌کنند!

«وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^(۴)

وعدۀ خدا حتمی است ولی اکثر مردم نمی‌دانند . آنها ظاهر دنیا را قبول دارند ولی از آخرت غافلند!

از اکثر انسان‌ها یاد نموده است . انسانی که هر چه دارد از خداست، و ابتدا و انتهایش با خداست، و تمامی نعمتها را خالقش به او داده، دنیا و زیورها وزینتهایش او را مشغول نموده و از خدایش غافل است . عمر او که سرمایه اصلی اوست، روز به روز به انتها می‌رسد ولی او همچنان در غفلت و بی‌خبری است و چیزهای بی‌ارزش او را مشغول نموده است . اگر چه همه این گونه نیستند و انسان‌های دیگری هستند که غافل نیستند .

عادل و زرنگ در عرف عرفا و اولیاء خدا کسانی هستند که همیشه بیاد و ذکر خدا بوده و هیچ چیز حتی اشتغالات روزمره آنها را از این امر باز نمی‌دارد .

«انسانهای مؤمن کسانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا مشغول

1 . جامع السعادات، ج 3، ص. 84

2 . یونس، آیه . 92

3 . انبیاء، آیه . 1

4 . روم، آیه 7.

نمی‌کند .»⁽¹⁾

«آنان که در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده به ذکر خدا مشغول بوده و در خلقت آسمانها و زمین تفکر کرده و می گویند: ای خدای ما! این ها را باطل و بیهوده نیافریده ای . تو از هر نقصی منزهی . پس ما را از جهنم دور نگه دار.»⁽²⁾

«ای مؤمنین! مبادا مال و منال شما را از یاد خدا غافل کند که در این صورت زیان کرده است»⁽³⁾

«وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ»⁽⁴⁾

در دلت خدا صبح و شب را با حال تضرع و ترس یاد کن بدون صدای بلند و غافل مباش.

1-انواع غفلت

1- غفلت از نماز

متأسفانه عده زیادی از مسلمانان توجهی به نماز ندارند . یا اصلاً نماز نمی خوانند مانند بسیاری از هنرپیشگان سینمای ایران، بسیاری از ورزشکاران، تعدادی از اساتید دانشگاه ها و محققین، عده ای از کارمندان و کارگران، عده ای از نظامیان و کثیری از رانندگان و ... که این ها از فواید نماز محرومند و روزی متوجه ارزش نماز می شوند که شاید دیگر دیر شده باشد .

«امیرالمؤمنین علیه السلام : عملی از نماز نزد خدا بهتر نیست پس امور دنیا شما را از نماز مشغول نکند که خداوند سبحان در قرآن کریم عده‌ای را مذمت کرده و فرموده: «الذین هم عن صلاتهم ساهون»

«یعنی آنان غافل بوده و به اوقات نماز اهانت می‌کنند.»⁽⁵⁾

2- غفلت از یاد خدا

1. نور، آیه. 37

2. «آل عمران، آیه. 191

3. منافقون، آیه. 9

4. اعراف، آیه. 207

5. وسائل، ج 15، ص. 191

3- غفلت از امر به معروف و نهی از منکر

4- غفلت از مرگ و قیامت

5- غفلت از محاسبه نفس

«امیرالمؤمنین علیه السلام : من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر»⁽¹⁾

هر که از خودش حساب بکشد سود برده و هر که از خودش غافل باشد ضرر نموده است .

6- غفلت از بررسی عیوب نفس

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس»⁽²⁾

خوشا به حال کسانی که توجه به عیب خود آنها را از توجه به عیوب مردم بازداشته است .

7- غفلت از اخلاص

8- غفلت از حضور قلب در نماز

9- غفلت از توبه

10- غفلت از احسان الهی

«ولا تجعلنی ناسیا لذکرک فیما اولیتنی ولا غافلا لاحسانک فیما ابلیتنی»⁽³⁾

قرار نده مرا فراموش کننده ذکر تو دربارۀ نعمتهائی که دادی و نه غافل از احسانت که در هنگام بلاها بمن کردی.

11- غفلت از اهل بیت علیه السلام

12- غفلت از قدرت الهی

«أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»⁽⁴⁾

آگاه باشید که همه آسمانها وزمین مال خداست . آگاه باشید که وعده الهی برحق است ولی اکثر مردم نمی دانند .

13- غفلت از فقیران

1 . نهج البلاغه، سخن . 208.

2 . جامع السعادات، ج 2، ص. 235

3 . صحیفه سجادیه.

4 . یونس، آیه 55.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»⁽¹⁾

همانا انسان وقتی خود را بی نیاز می بیند، سرکش می شود!

2-علامتهای افراد غافل

1-بناء کردن خانه ها(بیش از حد نیاز)

2-محکم کردن قلعه ها و کاخ ها(به عنوان این که بر قدرت خود تکیه کنند و در مقابل خدا قدرت نمائی نمایند)

3-زینت کردن مساجد (که به ظاهر سازی مساجد می پردازند ولی از یاد خدا غافلند)

4-هدف بودن دنیا (دنیا طلب بودن و دنیا را بر آخرت ترجیح دادن)

5- خدا بودن شکم! (فقط برای شکمشان تلاش و زندگی می کنند)

6-تکیه کردن بر دنیا(به جای تکیه بر خدا و به یاد آخرت بودن بر دنیا و زینت های آن تکیه می کنند و دنیا را ابدی می پندارند)

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» ظاهر دنیا را می بینند ولی از آخرت غافلند!

«وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ»

به زندگی دنیا راضی شده اند در حالی که دنیا در مقابل آخرت جز کالائی از بین رفتنی نیست!

6-محراب شدن زنان! (به دنبال زنانشان افتاده و فقط حرفهای آنان را گوش می دهند و همه اختیارات خود را به زنانشان محول می کنند)

8- شرف شدن درهم و دینار (شرافتشان، پول و درهم و دینار است و شرافت انسانی ندارند)

9- همت شدن شکم (همه چیز را برای شکم انجام می دهند.)

10- جسمشان سیر نمی شود (به خاطر رها کردن هوای نفسشان، هر چه از دنیا استفاده می کنند سیر نمی شوند و هر چه به ثروت و مکتشان افزوده می گردد باز احساس گرسنگی

و کم داشتن! می‌نمایند. همان‌طور که در روایات دنیا به آب دریا برای فرد تشنه تشبیه شده

1. علق، آیات 6 و 7.

که هر چه از آب دریا می‌خورد بیشتر تشنه می‌شود!

11- دلشان خاشع نمی‌گردد (به خاطر توجه به دنیا از خدایشان غافل شده و در خود احساس خشوع و ترس از ذات اقدس الهی نمی‌کنند)

12- قطع رحم می‌نمایند (به خاطر این که فامیل‌ها از مال آن‌ها بهره‌ای نبرند با فامیل‌هایشان مخصوصاً فامیل‌های فقیر قطع رابطه می‌نمایند)

13- حرص را علنی می‌کنند (برای رسیدن به دنیای بیشتر از تظاهر به دنیاطلبی ابایی ندارند)

14- حسد را ظاهر می‌کنند (برای از بین بردن رقبا و کوچک کردن آنها در سر راه دنیاطلبی از تظاهر به حسادت نسبت به رقبایشان واهمه‌ای ندارند)

15- از خیر دوری می‌کنند (آدم دنیا طلب نمی‌تواند به دنبال کارهای خیر باشد بلکه از خیر فرار می‌نماید تا مالش محفوظ بماند)

16- شراب را حلال می‌دانند و آن را نیبذ می‌خوانند

17-ربا می خورند

18-با بدان دوستی و با خوبان دشمنی می کنند

19- حق در نزدش باطل و باطل در نزدش حق است

«وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ»⁽¹⁾

شیطان اعمالشان را برایشان زینت داده و آنها را از راه راست منحرف کرده و آنها هدایت نمی شوند .

20-کسانی را که دنباله رو پیامبر هستند را مسخره می نمایند

«مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ»⁽²⁾

هر آیه الهی را که می شنوند، مسخره می نمایند .

21- شکر الهی را نمی کنند

«وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ»⁽³⁾

2. انبیاء، آیه 2.

3. بقره، آیه 243.

22- به دنبال فسق و فجورند

«وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»⁽¹⁾

23- به آیات الهی ایمان نمی آورند

«وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ»⁽²⁾

24- در مقابل حق لجوج و سرسختند

«وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»⁽³⁾

25- مشغول به جمع آوری مال هستند

«روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به بازار رفت و وقتی دید که مردم مشغول کسب و کاسبی هستند به گریه افتاد. وقتی علت گریه را از حضرت پرسیدند، فرمود: روز که به دنبال دنیا هستید و شب هم به استراحت می پردازید. پس کی به یاد خدا هستید؟»

3- آثار غفلت

کسانی که از ذکر و یاد خدا غافل باشند - که متأسفانه اکثر انسان ها این گونه هستند، دچار ضررهای مختلف دنیوی و آخروی می شوند از جمله:

1- دچار سختی در زندگی می‌شوند: «کسی که از ذکر من دوری کند، دارای زندگی سختی می‌شود.»⁽⁴⁾

2- کور محشور می‌شوند: «کسانی را که از یاد من دوری کنند، کور محشور می‌نمائیم. او می‌گوید: خدایا! چرا مرا کور محشور نمودی؟ در حالی که من چشم داشتم؟ خداوند سبحان گفت: همین طور است. ولی آیات من به تو رسید ولی آنها را فراموش کردی و امروز تو فراموش می‌شوی.»⁽⁵⁾

3- شیطان همراه او می‌شود: «کسی که از ذکر خدای رحمن دوری کند، شیطان را همراه او می‌کنیم.»⁽⁶⁾

1. مائده، آیه. 49

2. اعراف، آیه. 187

3. کهف، آیه. 54

4. سوره طه، آیه. 124

5. طه، آیه. 124

6. سوره زخرف، آیه. 36

4- دلش سیاه و دچار قساوت می‌شود: «خدا به موسی گفت: ای موسی! مرا در هیچ حالی فراموش نکن که فراموشی من دل‌ها را قسی می‌کند.»⁽¹⁾

5- باعث می‌شود که انسان غافل، خودش را فراموش نماید: «مانند کسانی که خدا را فراموش کردند، نباشید که خدا هم یادِ خودشان را از خودشان بُرد.»⁽²⁾

4- درمان غفلت

1- دوری از دنیا و لذات و شهوات و زینتها

«زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» برای مردم علاقه به لذتهائی از قبیل زن، فرزند، طلا و نقره، دامداری و کشاورزی زینت داده شده ولی اینها کالای دنیا هستند اما عاقبت خوب نزد خداست!

2- وارد نشدن در مسابقه مادیات

3- مغرور نشدن به نماز و عبادت‌های خود

4- کوچک نشمردن گناه صغیره

5- پرهیز از گناه کبیره

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» روزی که انسان کارهای خیر خود را می بیند و وقتی کارهای بدشرا می بیند، آرزو می کند ای کاش بین او اعمال بدش فاصله زیادی بود .

6- اگر به او گفته شود که تقوا داشته باش ناراحت نشود

«وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ» هرگاه به او گفته می شود، تقوا کن! تکبرش او را به گناه می کشاند که جای او در جهنم است .

7- کوتاه کردن آرزو

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : آدمی باید آن چنان آرزویش کوتاه باشد به طوری که اگر صبح بود

1 . حدیث قدسی . -الجواهر السنیه / 66

2 . حشر، آیه 19.

بگوید تا شب نمی مانم و اگر شب بود بگوید تا صبح نمی مانم»⁽¹⁾

8- عزم به این که از دنیا جدا می شود.

9- دوست داشتن لقاء خدا و توجه به آخرت.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر که لقاء خدا دوست داشته باشد خدا هم لقاء او را دوست دارد و هر که لقاء خدا را بد بداند خدا هم لقاء او را بد می داند.»⁽²⁾

(امام ششم علیه السلام : هر که کفنش را در خانه نگه دارد، جزو غافلین نوشته نمی شود)⁽³⁾

10- مال اندوزی نکند

«الْهَاجِمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» ثروت اندوزی مایه سرگرم شدن و از خدا غافل گردیدن/ است . «ثروت اندوزی شما را مشغول کرد تا زمانی که از دنیا رفتید و شما را دفن کردند.»⁽⁴⁾

11- تقسیم شبانه روز به سه قسمت 1- کار و تلاش 2- استراحت و تفریح 3- عبادت

12- دوری از مجالس لهو و لعب

13- دوری از خنده زیاد، خواب زیاد، و خوردن زیاد !

17- توجه به قرآن کریم (هر که شب ده آیه قرآن بخواند جزو غافلین نوشته نمی شود .)

18- خالص کردن نیت

5- هشدار دهنده ها

1- یادآوری مرگ و قیامت

2- یادآوری ضعیف بودنش

3- بررسی زندگی و عاقبت اقوام گذشته

4- توجه کردن به هشدار دهندگان

«یهودی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید که قورباغه چه می گوید؟ فرمود می گوید:
فَاذْكُرُوا اللَّهَ

1. میزان الحکمه .

2. میزان الحکمه 2797/4

3. میزان الحکمه .

4. تکاثر، آیه 1.

یا غافلین! ای غافلها! بیاد خدا بیافتید!»⁽¹⁾

6- غفلت در قرآن و سنت

«إِعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»⁽²⁾

شیخ بهائی در تفسیر آیه فوق گفته است که مراحل زندگی انسان در این آیه به پنج دوره

تقسیم شده است: 1- کودکی که به لعب و بازی مشغول است . 2- بلوغ که به لهو و

سرگرمی مشغول می شود . 3-نهایت بلوغ که به آراستن و پوشیدن لباس فاخر و مرکب

خوب و خانه زیبا می گذرانند 4-کھولت که به فخرفروشی به حسب و نسب مشغول

می شود 5- سالخوردگی که به جمع آوری و زیاد کردن مال و اولاد صرف می شود .⁽³⁾

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»⁽⁴⁾

ای مؤمنین! مال و اولاد شمارا از یاد خدا باز ندارد که در این صورت ضرر غافلین کرده اند

. «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»⁽⁵⁾

ترجمه:

«انسانهای مؤمن کسانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنها را از یاد خدا مشغول

نمی کند . و از روز قیامت در هراسند .»

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : غفلت در سه چیز است: از ذکر خدا، غفلت بین نماز صبح

تا طلوع خورشید و غفلت از دین تا زمان مردن .»⁽⁶⁾

«امیرالمؤمنین علیه السلام : چه بسا غافل که لباسی را آماده می کند ولی همان لباس کفنش

2. حدید، آیه 20.

3. المیزان ذیل آیه مذکور.

4. منافقون، آیه 9.

5. نور، آیه 37.

6. اصول الدین، ص 360.

می‌شود و خانه‌ای را می‌سازد تا در آن سکن شود ولی همان قبرش می‌گردد!»⁽¹⁾

«امیرالمؤمنین علیه‌السلام: تعجب از کسی که به حساب قیامت یقین دارد، چگونه غافل می‌شود؟»⁽²⁾

«امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره اوصاف مؤمنین: گرسنه‌اند زمانی که مردم سیرند! بیدارند زمانی که مردم خوابند! دعا می‌نمایند زمانی که مردم غافلند! گریه می‌نمایند زمانی که مردم خندانند!»⁽³⁾

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: ای اباذر! همت کن تا کار خوب بکنی اگر چه به آن موفق نشوی تا جزو غافلین نباشی!»⁽⁴⁾

«خداوند: ای عیسی! غافل مباش که غافل از من دور است!»⁽⁵⁾

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: دعا کنید در حالی که به اجابت یقین دارید! و بدانید که خدا دعای کسی که با دل غافل دعا کند قبول نفرماید»⁽⁶⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : پرهیزید از نگاه بی خود و بی جهت ! که باعث تولید هوای نفس و غفلت می شود.»⁽⁷⁾

«امیرالمؤمنین علیه السلام : کسی که غفلتش زیاد باشد، زودتر هلاک می شود!»⁽⁸⁾

«از دعاهاى صحیفه سجادیه:

اللهم صلّ على محمد وآل محمد ونّبّهني لذكرک في اوقات الغفلة ...

او لعلّک رأيتنی فی الغافلین فمن رحمتک آیستنی ...

اللهم انّی اعوذ بک من الغفلة و القسوة و العیلة ...

اللهم انی اعوذ بک من الغفلة عندالموت ...»

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که ده آیه در شب بخواند، جزو غافلین نوشته نمی شود.»⁽⁹⁾

«امیرالمؤمنین علیه السلام : اوصیکم بذکر الموت و اقلال الغفلة عنه و کیف غفلتکم عمّا لیس یغفلکم؟»⁽¹⁰⁾

2. العدد القویة، ص. 159.

3. اعلام الدين، ص. 135.

4. اعلام الدين، ص. 201.

5. اعلام الدين، ص. 229.

6. اعلام الدين، ص. 295.

7. اعلام الدين، ص. 340.

8. محاسبة النفس، ص. 78.

9. اصول الدين 7 ص. 191.

10. نهج البلاغة-بحار الانوار 112/75

«رسول خدا صلى الله عليه وآله : برای خدا فرشته ای است که هر شب فرود آمده و ندا می نماید:

ای بیست ساله ها ! جدیت و تلاش کنید .

ای سی ساله ها ! دنیا شمارا گول نزنند !

ای چهل ساله ها ! برای ملاقات با خود چه آماده کرده اید؟

ای پنجاه ساله ها ! ترساننده سراغتان آمد !

ای شصت ساله‌ها! موقع درو رسید!

ای هفتاد ساله‌ها! صدا شدید پس جواب بدهید!

ای هشتاد ساله‌ها! مرگ سراغتان آمد! در حالی که غافلید!

آن گاه گوید اگر به خاطر بندگان نماز خوان و مردان خاشع و کودکان شیرخوار و حیوانات چرنده نبود عذاب بر شما ریخته می‌شد!⁽¹⁾

«امام صادق علیه السلام: من کان کفنه معه فی بینه لم یکتب من الغافلین و کان مأجوراً کما نظر الیه»⁽²⁾

یعنی هر که کفنش در خانه‌اش باشد جزء غافلین نوشته نمی‌شود و موقع به کفن خود کند ثواب برایش نوشته می‌شود.

«آمده است که هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله غفلی از اصحابشان می‌دیدند، با صدای بلند می‌فرمود: مرگ سراغتان آمد. یا با شقاوت می‌روید یا با سعادت!»⁽³⁾

«امام صادق علیه السلام: انسان باید در همه حرکاتش و سکناش نیت خالص داشته باشد که اگر این گونه نباشد، غافل شمرده می‌شود و خداوند سبحان غافلین را این گونه توصیف کرده است: انْ هم الا کالانعام بل هم اضلّ سیل

کفار (غافلین) مانند حیوانات بلکه از آنها پست ترند.

و در جای دیگر فرمود: اولئک هم الغافلون⁽⁴⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : خواب بر هفت وجه است: خواب غفلت که خواب در مجلس ذکر است، خواب شقاوت که خواب در وقت نماز صبح است، خواب عقوبت که خواب در وقت نمازهای پنجگانه است، خواب لعنت که خواب بعد از نماز صبح است، خواب

1. مستدرک، ج 3، ص 43.

2. جامع السعادات، ج 3، ص 31.

3. جامع السعادات، ج 3، ص 35.

4. معجم المحاسن و المساوی، ص 490.

راحت که خواب ظهر است، خواب رخصت که خواب بعد از نماز عشاء است و خواب حسرت که خواب شب جمعه است.»

«امیرالمؤمنین علیه السلام : اهل دنیا علائمی دارند از جمله: خوردن، خنده، خواب و خشم که از جمله علائمی است که اهل دنیا دارند. هنگام اطاعت حق، کسل و هنگام معصیت، شجاع می‌باشند. آرزویشان طولانی ولی مرگشان نزدیک است! از خودش حساب نمی‌کشد! کم منفعت و پر حرف است. در هنگام نعمت شکر نمی‌کند و در هنگام بلا صبر ندارد. بدی‌های دیگران را یاد می‌کند ولی خوبیهای آنان را فراموش می‌نماید!»⁽¹⁾

«امیرالمؤمنین علیه السلام: اوقات خود را سه قسمت کنید: ساعتی برای کار و تلاش،

ساعتی برای استراحت و ساعتی برای عبادت.»

«امام حسن علیه السلام: ای فرزند آدم! تو از زمانی که متولد شده‌ای دائما عمر خود را تلف می‌کنی! پس از آنچه در دست داری، برای سفر آخرت خود توشه بردار! زیرا که مؤمن، زاد و توشه بر می‌دارد ولی کافر لذت می‌برد و خوشگذرانی می‌کند.»⁽²⁾

«شخصی از امام مجتبی علیه السلام پرسید: در چه حالی هستید؟

فرمود: در حالی هستم که خدا در بالای سرم و آتش مقابلم و مرگ به دنبالم و حساب روز قیامت، در اطرافم است. و من در گرو عملم می‌باشم. آنچه را دوست دارم، نمی‌یابم و آنچه را بدم می‌آید، نمی‌توانم از خودم دور کنم و امورم به دست دیگری است. اگر بخواهد مرا عذاب می‌کند و اگر بخواهد، می‌بخشد. پس چه فقیری از من فقیرتر است؟»

«امام سجاد علیه السلام فرمود: از متکبر فخرکننده متعجبم که دیروز نطفه بود و فردا مردار است! و عجب از کسی که در وجود خدا، شک می‌کند، در حالی که مخلوقاتِ او را می‌بیند! و عجب از کسی که مرگ را انکار می‌کند، در حالی که مشاهده می‌کند که روز و شب افرادی می‌میرند! و عجب از کسی که زنده شدن مردگان و جهان آخرت را انکار می‌کند، در حالی که متولد شدن افراد زیادی را می‌بیند! و عجب از کسی که خانه از بین رفتنی - دنیا - را آباد می‌کند، ولی خانه باقی ماندنی - آخرت - را ترک کرده است!»

2. منتهی الآمال .

8-نمونه‌ای از غافلین

انسان‌هایی هستند که سال‌ها با خوش نامی زندگی می‌کنند، که متأسفانه عده زیادی از آنها را غفلت گرفته و چنان به دنیا و زرق و برق آن مشغول شده‌اند که توجهی به معنویات و آخرت و عاقبت خود ندارند . مثلاً نماز نمی‌خوانند و در مقابل خداوند سبحان تکبر می‌نمایند و با این تکبری که در مقابل خداوند سبحان دارند، از دنیا می‌روند !

طبق بعضی از روایات ابلیس در هنگام نماز مغرب مخصوصاً لشکر خود را روانه بازارها می‌کند . وقتی به بازارها و پاساژها سری می‌زنیم می‌بینیم که همه به دنبال دنیا و مادیات هستند و همه فکر و همتشان دنیا و لذت‌های زودگذر آن است .

دیوانه واقعی

«روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وقتی دیدند عده‌ای دور شخصی جمع شده‌اند از آنها پرسیدند این کیست؟ گفتند دیوانه‌ای است ! حضرت فرمود این دیوانه نیست بلکه مریض است . دیوانه آن جوانی است که جوانی خود را در معصیت صرف می‌نماید!⁽¹⁾

پس به خود بیاییم و لذات را در اطاعت خداوند سبحان جستجو کنیم . در حالی که تعدادی از جوانان لندن و پاریس و برلین و واشنگتن به طرف دین اسلام هجوم آورده و

هر روز از مسلمان شدن تعداد زیادی از آنها خبر می‌رسد، عده‌ای از جوانان ما را غفلت گرفته و با مسجد و نماز قطع رابطه کرده‌اند .

متوکل شرابخوار به گریه افتاد!

«وقتی متوکل دستور داد امام هادی علیه‌السلام را به مجلس شراب او بیاورند و به امام ابتدا اصرار بر خوردن شراب نمود و چون امتناع امام را دید تکلیف بر شعر گفتن نمود، امام اشعاری را خواندند که وضع مجلس را عوض کرد و اشک به چشمان نحس متوکل آمد و دستور داد امام را با احترام برگردانند . ابیات امام بشرح زیر است:

باتوا علی قلل الاجبال تحرسهم غلب الرجال فلم تنفعهم القلل

1 . میزان الحکمة 442/1

واستزلوا من بعد عزٍ من معاقلهم	واسکنوا حُفراً یا بئس ما نُزلوا
ناداهم صارخٌ من بعد دفنهم	این الاساور والتیجان والحلل
این الوجوه اللتی کانت منعمه	من دونها تضرب الاستار والکلل
فافصح القبر عنهم حین سائلهم	تلك الوجوه علیها الدود تنتقل

قد طال ما اكلوا دهداً و قد شربوا واصبحوا اليوم من بعد الاكل قد اكلوا

«ستمگران در قله های برفراز کوه با نگهبانانی نیرومند به سر می بردند . ولی با آمدن مرک این کوه ها سودی برای آنان نداشت .

بعد از عزتی که داشتند باغ مردنشان، به سوراخ هایی افتادند چه بد فرود آمدنی بود؟

وقتی آنها را داخل قبر گذاشتند، صدائی آمد که: کجاست آن تخت ها و تاج ها و لباس ها؟

کجا هستند آن صورت هایی که غرق در نعمت بودند . و همیشه زیر پرده ها و پشه بندها قرار داشتند؟

ناگاه قبر با زبان فصیح از طرف این مرده ها جواب داد: کرم ها بر این صورت ها می غلطند !

یک عمر طولانی خوردند و آشامیدند . حالا خودشان توسط کرم ها خورده می شوند .»⁽¹⁾

قارون غافل

پسر خاله موسی علیه السلام شخص پولداری به نام قارون بوده است . به حضرت موسی علیه السلام خطاب شد که نزد قارون برو و او را پند و اندرز داده و بگو حقوق الهی ثروت و مالت را بده . قارون مردی بسیار ثروتمند بود . حضرت موسی علیه السلام به قارون دستور خداوند سبحان را رساند . قارون گفت چقدر باید بدهم؟ حضرت موسی علیه السلام گفت چهل به یک . قارون گفت به خدایت بگو که گنج های من آنقدر زیاد است که کسی نمی تواند حساب آنها را بکند . کمی به من تخفیف بدهد . وقتی حضرت موسی علیه السلام به کوه طور رفت عرض کرد خدایا کمی به قارون تخفیف بده ! خطاب شد:

هزار به یک بدهد . حضرت موسی علیه السلام پیام الهی را به قارون رساند . قارون گفت کمی به من مهلت بده . حضرت موسی علیه السلام به قارون

1 . منتهی الامال، ج 2- شرح احقاق الحق 44/29

مهلت داد . وقتی قارون به منزل رفت، شیطان به صورت پیری نزد او آمد و گفت چرا مالت را بدهی؟ مگر غضب کرده‌ای؟ خلاصه شیطان وادارش کرد تا برای فرار از زکات، نسبت زنا به حضرت موسی علیه السلام بدهد . قارون هم زن فاسدی را خواست و یک کیسه طلا به او داد و گفت فردا در حضور جمع ادعا کن حضرت موسی علیه السلام با من عمل نامشروع نموده است . روز بعد قارون و زن کذائی با عده‌ای در مجلس حضرت موسی علیه السلام حاضر شدند . حضرت موسی علیه السلام سر منبر بود که زن گفت ای موسی ! تو با من زنا کرده‌ای ! حضرت موسی علیه السلام تورات را حاضر کرد و فرمود ای زن ! تو را به این تورات قسم ! آیا من با تو زنا کرده‌ام؟ زن گفت خیر بلکه قارون کیسه‌ای طلا بمن داده تا این نسبت را به تو بدهم . حضرت موسی علیه السلام در حق قارون نفرین کرد ناگاه قارون با همه ثروتش به زمین فرو رفت!⁽¹⁾

1 . اصول سه گانه، مرتضی زمانی.-تفسیر اثنی عشری 185/10

توسل در قرآن و حدیث

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»⁽¹⁾

یعنی ای مؤمنین! تقوا پیشه کرده و در جستجوی وسیله الهی باشید! و در راه خدا مجاهدت نمایید شاید رستگار گردید.

توسل در اصطلاح یعنی اولیاء خدا را در نزد خداوند سبحان وسیله قرار دهیم. فرق توسل با شفاعت یکی در این است که توسل مربوط به دنیا است و شفاعت مربوط به صحنه قیامت است.

1- قرآن کریم به ما دستور می دهد که به دنبال وسیله باشیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»⁽²⁾

یعنی ای مؤمنین! تقوا پیشه کرده و در جستجوی وسیله الهی باشید! و در راه خدا مجاهدت نمایید شاید رستگار گردید.

2- پیامبر بهترین وسیله است. «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»⁽³⁾

یعنی اگر آنها گناه که کردند نزد تو آمدند و از خدا آمرزش خواستند و پیامبر هم برای آنها طلب آمرزش کرد خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت.

3- پسران یعقوب برای آمرزش خویش به پدرشان توسل پیدا نمودند . «قَالُوا يَا أَبَانَا

1 . مائده، آیه 35.

2 . مائده، 35.

3 . نساء، آیه 64.

اسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ⁽¹⁾

یعنی به یعقوب گفتند: ای پدر ما! برایمان از خدا آمرزش بخواه! ما خطاکاریم! یعقوب گت: بزودی از خدایم برایتان آمرزش می طلبم که او آمرزنده و مهربان است .

4- حضرت ابراهیم برای پدرش طلب آمرزش کرد . «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ . . .»⁽²⁾

یعنی آمرزش خواستن ابراهیم برای پدرش بخاطر وعده ای بود که داده بود . .

5- حضرت آدم علیه السلام به پیامبر اسلام توسل پیدا نمود . (از عمر نقل شده که: وقتی آدم از مقام پیامبر اسلام آگاه شد، به پیشگاه خدا عرض کرد: خدایا! بحق محمد از تو می خواهم مرا بیامری!)⁽³⁾

6- مرد نابینایی برای شفای بیمارش به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله متوسل شد .

(آمده است که مرد نابینایی نزد پیامبر آمد و درخواست کرد که حضرت برای شفای بیمارش دعا کند . حضرت فرمود: این گونه دعا کن ! خدایا من از تو می خواهم و توجه پیدا می کنم به تو به وسیله پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله که پیامبر رحمت است . ای محمد ! من به وسیله تو به خدا در حاجتم توجه پیدا کردم تا حاجتم روا شود . خدایا پیامبر را وسیله من قرار بده !

7- امام شافعی پیشوای اهل تسنن گفته است:

آل النبی ذریعتی و هم الیه و سילتی

خاندان نبی وسیله من هستند . آنها باعث تقرب من می باشند .

ارجوا بهم اعطی غذا بید الیمنی صحیفتی

امیدوارم فردای قیامت بوسیله آنها نامه عملم را به دست راستم دهند .⁽⁴⁾

8- مردم به پیامبر برای باران توسل پیدا کردند .

(آمده است که سالی در مدینه قحطی شد . مردم از عایشه نظر خواستند . او گفت: روی قبر پیامبر شکافی ایجاد کنید، تا به برکت قبر حضرت، باران نازل شود . مردم چنین کردند

و

1. یوسف، آیه 97.

2. توبه، 114.

3. تفسیر نمونه 367/4

4. تفسیر نمونه 368/4

باران نازل شد .

خود باختگی یا خودباوری؟

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»⁽¹⁾

من انسان! را جانشین خود در زمین قرار می‌دهم.

خود کم‌بینی

یکی از مرض‌های روح آن است که انسان خود را دست کم می‌بیند و دیگران را از خود قدرتمندتر و تواناتر بیندارد.

در حالی که همه انسانها استعداد رسیدن به کمال را دارند و همه مساوی هستند مگر آنان بیشتر تقوا دارند. و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر به وسیله تقوا. پس کسی از دیگری متر و پایین‌تر نیست.

علی علیه‌السلام می‌فرماید: این جهان عالم صغیر است و انسان عالم کبیر است.

وقتی تاریخ را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که افرادی بودند که نقص عضو داشته‌اند ولی با پشت کار و اراده قوی به درجات بالا رسیده و از افراد سالم جلوتر زده‌اند. کتابی چاپ شده که زندگی افرادی که کور بوده ولی دانشمند شده‌اند را آورده است. خانمی سراغ داریم که یک دستش در سانحه قطع شده ولی با پشتکار و اراده لیسانس زبان گرفته و با شغل معلمی خانواده‌ای را اداره می‌کند.

ابابصیر شاگرد دانشمند امام صادق علیه السلام کور و نابینا بود .

نابینایی است که با موتور از روستای خود به روستای دیگر می رود . افرادی بوده اند که دست نداشته ولی نقاش ماهر می شده اند . و افرادی هستند با یک پا به کوهنوردی می روند . چند سال است تیم والیبال معلولان ایران قهرمان دنیا می شود و ..

نقل شده ملا صالح مازندرانی بسیار کم حافظه و فقیر بود ولی با پشتکار و تلاش به

1 . بقره، 30.

درجه اجتهاد رسید . او در سنین بالا به دنبال علم و دانش رفت و از دانشمندان گردید .

خداوند سبحان هیچ کس را حقیر نیافریده و هر انسانی می تواند به درجات بالا برسد .

یکی از ضرباتی که بر فرهنگ مردم ایران در طول سالیان قبل از انقلاب وارد شد این بود که القاء می کردند ایرانی نمی تواند . تقی زاده غرب زده می گفت: ایرانی نمی تواند لولهنگ بسازد . ایرانی باید از موی سر تا پا فرنگی باشد !

امام راحل که احیاگر روحیه خودباوری بودند در وصیتنامه سیاسی الهی خود می نویسد:

« از جمله نقشه ها که مع الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن

دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه این امر غم انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است. »

بحمدالله بعد از انقلاب با هدایت‌های رهبران انقلاب اسلامی، خود باختگی تبدیل به خود اتکایی شده و دانشمندان ایرانی در عرصه‌های مختلف به پیشرفت‌های بزرگی دست یافته‌اند.

در جهان کنونی عده‌ای به خاطر جهل و نادانی خود را از دیگران حقیرتر و کمتر می‌دانند از جمله قوم نجس‌ها در هندوستان که خود را نجس می‌دانند و با گدایی از دیگران زندگی می‌کنند. یا سیاهان کشورهای غربی بعضاً احساس حقارت می‌کنند. که همه این‌ها برخلاف واقعیت است و همه این‌ها چیزی از دیگران کمتر ندارند

بنابراین انسانها نباید خود را از دیگران کمتر بدانند فقط در مقابل خداوند سبحان هست که هرچه انسان کوچک کند و خود را هیچ بداند معرفتش به او بیشتر شده و مورد

عنايات خداوند سبحان بیشتر قرار می‌گیرد.

امید در قرآن و حدیث

«وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»

فقط کفار از رحمت خدا مایوس هستند .

یاس و ناامیدی

انسانی که خلیفه خدا در زمین است . انسانی که می تواند تامل و تأمل را با برود . انسانی که از همه مخلوقات بالاتر آفریده شده است چرا باید در زندگی خود ناامید شود .

علت ناامیدی گاهی فقر و مشکلات مالی است . که باید از راه قناعت و تلاش مضاعف و یاری خواستن از خداوند سبحان با آن مبارزه نماید .

گاهی علت ناامیدی، گناه و معصیت است که با توبه و بازگشت به رحمت الهی امیدوار می شود .

گاهی علت آن مرضی و بیماری است که این هم با توسل به ائمه علیه السلام و کمک گرفتن از صبر و مراجعه به پزشک حاذق و مطالعه زندگی افرادی مانند ایوب نبی علیه السلام که مدت ها مرض های سخت داشتند می تواند امیدوار شود .

گاهی مشکلات شغلی و ازدواج و امثال آن باعث ناامیدی می شود که این ها هم با توکل و مشورت با افراد خبره و اراده قوی قابل حل است .

افرادی که به خاطر ناامیدی دست به خودکشی می‌زنند یا منکر خدا و قیامت هستند و یا دچار جنون‌آنی می‌شوند و یا آن قدر مادیات برایشان مهم بوده که به خاطر مثلاً شکست در عشق، زندگی را برای خود سخت دانسته و دست به این کار می‌زنند .

اما با شناخت درست از هدف خلقت انسان و بالابردن ایمان و توکل و این که دنیا خانه موقت است و باید به فکر خانه دایمی باشیم و امثال این اعتقادات، ناامیدی را به امید و تلاش تا زمان اجل حتمی تبدیل نمود .

شخصی به علی علیه‌السلام گفت چرا ما شیعیان فقیر و بی‌چیز هستیم ولی دشمنانمان

پولدار هستند . امام مقداری ریگ برداشت ناگاه تبدیل به طلا شد . سپس آنها را ریخت دوباره ریگ شدند . امام فرمود خیال می‌کنی ما دنیا را می‌خواهیم و خدا به ما نمی‌دهد . به خدا قسم ! اگر دنیا در نزد خدا به اندازه بال مگسی ارزش داشت خداوند سبحان آن را به کافر نمی‌داد .⁽¹⁾

آرامش قلب در قرآن و حدیث

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»⁽²⁾

آنان که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام است. آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

اضطراب‌ها و نگرانی‌ها و افسردگی‌ها

هر انسانی در روند زندگی خود با موانعی روبرو می‌شود. و در مقابل هر نویسی، نیش و در مقابل هر خوشی، ناخوشی وجود دارد. این موانع و مشکلات برای انسان ایجاد دلهره می‌کند. در هنگام گرفتاری‌ها دچار اضطراب می‌شود. البته نوع مشکلات و شخصیت افراد و زمان و مکان در طولانی بودن و یا کوتاه بودن این اضطراب‌ها که اگر درمان نشود به افسردگی منجر می‌شود، دخالت دارند.

خود وجود دلهره و اضطراب در حد عادی برای آدمی لازم است زیرا باعث گرفتن حالت تدافعی شده و انسان را به عکس‌العمل واداشته و سعی در رفع مشکل می‌کند. اما اگر فردی بی‌خیال و بی‌تفاوت بوده و هیچ‌گونه اضطرابی نداشته باشد به جزائمه معصومین⁷ و بعضی از اولیاء خدا برای دیگران عیب و مریضی حساب شده و در روانشناسی آن را مرض «پسی کوپاتی» می‌نامند.⁽³⁾

اما چگونه این افسردگی‌ها و اضطراب‌ها را درمان نمائیم؟ آیا باید سراغ مشروبات الکلی و مواد سکرآور برویم؟ یا سراغ مواد مخدر و برای چند ساعتی از خود بی خود شدن و فراموش کردن دنیا، برویم؟ قرآن کریم با یک جمله کوتاه، نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راه را بما

1. علی از کعبه تا محراب .

2. رعد، 28.

3. برخی مسائل زندگی ساز عصرما (مؤسسه در راه حق) ص 8.

نشان می‌دهد: یاد خدا آری یاد خداست که ترس از مرگ را به آرامش تبدیل می‌نماید .
یاد خداست که ترس از هجوم مشکلات و گرفتاریها را از بین می‌برد . یاد خداست که دلهره‌ها و ترس‌های ناشی از بی‌اعتمادی به آینده را کاهش می‌دهد و ...

علامت‌های افسردگی:

1- احساس تنهایی و بی‌پناهی

2- وحشت و اضطراب از آینده مجهول

3- دلهره از عدم موفقیت در شؤن مختلف زندگی از جمله در تحصیل، شغل، نحوه کار، انتخاب همسر و زندگی مشترک و نحوه زندگی خانوادگی، وضعیت تحصیل فرزندان و آینده آنان و ...

چنانچه بتوان از راه صحیح با این دلهره‌ها برخورد نمود، زندگی سعادتمندانه هر انسانی تضمین شده است.

اولین راهی که اسلام برای مسئله اضطراب و دلهره‌ها پیشنهاد می‌کند، ایمان و توکل به خداست. تکیه بر خالق که قادر است. از همه چیز خبر دارد و بندگان را دوست دارد. تکیه گاهی همیشگی که همه می‌میرند ولی او باقی است. همه دچار مشکل می‌شوند ولی او همیشه قهار و مسلط و حاکم بر همه چیز است.

علی علیه السلام فرمود: کسی که توکل کند، سختی‌ها بر او آسان و اسباب آسانی برایش فراهم می‌شود.

پرفسور کارل یونگ: بی‌مذهبی باعث پوچی و بی‌معنا بودن زندگی می‌شود و داشتن مذهب به زندگی مفهوم و معنا می‌بخشد.

اگر تیغ عالم بجنبد زجای نبرد رگی تا نخواهد خدای

دکتر پول ارنست متخصص دانشگاه پنسیلوانیا: مهمترین عامل شفای مریض، ویتامین‌ها، داروها، معدنیت و جراحی و ... نیست. بلکه امید و ایمان است. من به این نکته پی برده‌ام که از این پس باید جسم مریض را با به کاربردن وسایل طبی و جراحی و روح وی را با تقویت ایمانش نسبت به خدا معالجه کرد.

. در روایات آمده که مؤمن مانند کوه استوار است و سختی‌ها او را تکان نمی‌دهد . مانند حضرت ایوب که در مقابل بدترین مصیبت‌ها ایستاد و مقاومت کرد و عاقبت به رستگاری دو جهان رسید.

مرحله دوم درمان: برطرف کردن گره مشکلاتی که به دست خود ما باز می‌شود . زیرا در بسیاری از موارد کلید حل مشکل به دست ما است . مثلاً شخصی که در خانه نشسته و از خداوند سبحان روزی می‌خواهد، دعایش مستجاب نمی‌شود ! یا کسی که از دست زنش به تنگ آمده و از خداوند سبحان فرج و گشایش می‌خواهد دعایش مستجاب نمی‌شود زیرا باز کردن گره به دست خودش است و آن طلاق دادن است . (اگر راه دیگری نمانده است .) و ...

مرحله سوم: صبر و تحمل است . افراد صبور ماندنی‌تر و موفق‌تر می‌باشند .

مرحله چهارم: معالجات فردی است . از قبیل:

1- بازگو کردن عقده‌ها با محرم اسرار مانند والدین، حضور در زیارتگاه‌ها و مناجات‌های سحرگاهی

2- توبه و طلب آمرزش: اسلام برخلاف مسیحیت که می‌گوید یکشنبه‌ها به کلیسا برو ! هر زمان و هر مکانی را برای ارتباط با خداوند سبحان و توبه کردن و طلب آمرزش صالح می‌داند .

3- جستجوی راه‌های موفقیت یعنی علاوه بر همت بلند و تلاش، و مشورت با عقلا به دنبال راه صحیح حرکت کند و از راههای خلاف که به شکست ختم می‌شود دوری نماید .

4- اقتصاد در معاش که علی علیه‌السلام فرمود: هر که مراعات اقتصاد کند من ضمانت می‌کنم که فقیر نگردد .

5- اهمیت ندادن به عشق‌های کذایی: پسر و دختری که مدتی به هم علاقه‌مند شده‌اند ولی راهی برای ازدواج ندارند باید خود را به چیزهای سالم دیگر سرگرم کرده و نگذارند دوری از هم باعث اضطراب و افسردگی شود.

6 - راضی بودن به رضای الهی

7- سرگرمیهای سالم همانند سفر "پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله : به سفر بروید تا سالم و تندرست

بمانید ."⁽¹⁾

7- توجه به نعمت‌هایی که داریم . و نگاه با پایین‌تر از خود نه نگاه به بالاتر از خود و حسرت خوردن و غصه خوردن .

8- مأیوس نشدن از رحمت الهی «لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»

9- رعایت حد وسط در گوش کردن نوارهای روضه و عزاداری . متأسفانه عده‌ای خیال می‌کنند علامت حزب الله بودن آنست که مرتب نوار مداحان مشهور را ساعت‌ها گوش دهیم . در حالی‌که افراط در این کار به افسردگی منجر می‌شود . شخصی از موثقین نقل می‌کرد که یکی دچار افسردگی شده بود . من چون می‌دانستم که نوارهای مداحی و روضه زیاد گوش می‌دهد، پیشنهاد کردم که مدتی از این‌ها فاصله بگیرد . و او هم همین کار را کرد و از بیماری نجات یافت . البته توسل به ائمه علیها السلام حتی اگر به طور روزانه باشد بسیار در موفقیت انسان نقش دارد ولی مداحی‌های که با صداهای اکو و چند جور صدای اذیت کننده گوش تهیه می‌شود بر اعصاب و روحیه انسان اثر منفی می‌گذارد . پس باید از توسلات به ائمه علیه السلام بسیار استفاده کنیم و حتی روزانه زیارت عاشورا را زمزمه کنیم ولی از گوش دادن افراطی به نوارهای کاست وسی‌دی‌های صوتی پرهیزیم .

چهره زیبای اسلام

اسلام دین:

- 1- دین احسان و نیکو کاری است
- 2- دین تعاون و هم کاری است
- 3- دین احترام به والدین است
- 4- دین حفظ شخصیت فرزندان است
- 5- حفظ عزت افراد است
- 6- دین رعایت حقوق مردم است
- 7- دین حفظ سلامتی و تندرستی است
- 8- دین داشتن حداقل یک زندگی متوسط است
- 9- دین بهره مند شدن همه مردم از لذات مشروع مادی است
- 10- دین رعایت حقوق همسر است
- 11- دین استفاده از بهترین فناوری هاست

12- دین صله رحم است

13- دین سخاوت و بخشندگی است

14- دین برابری نژادی است

15- دین نشاط و شادابی است

16- دین علم و دانش است

17- دین ازدواج است

18- دین آزادی مشروع است

19- دین مالکیت افراد بر اموالشان است

20- دین توبه و رحمت است

21- دین حفظ اسرار شخصی است

22- دین صلح و صفاست

23- دین شجاعت و غیرت و عفو و گذشت است

24- دین عدالت است

و اسلام دین بهترین هاست .

از جمله ویژگیهای اسلام آنست که این دین، دین دنیا و آخرت است فقط دین آخرت نیست . بلکه برای دنیا توصیه کرده از بهترین و جدیدترین ابزارها و امکانات استفاده گردد .

دلیل برای مطلب فوق سیره عملی و توصیه های کلامی بزرگان دین از جمله پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام می باشد .

